

ترجمه فارسی قرآن

مترجم : م شیرازی

تهیه کننده :

<http://Best4u.tk>

(سوره فاتحه)

به نام خداوند بخشنده بخشایسگر (*) 1_ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (*) 2_
(خداوندی که) بخشنده و بخشایسگر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته). (*) 3_ (خداوندی که)
مالک روز جزاست. (*) 4_ (پروردگارا!) تنها تو را می پرستیم؛ و تنها از تو یاری می جوئیم. (*) 5_ ما را به راه
راست هدایت کن... (*) 6_ راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای؛ و
نه گمراهان. (*) 7_

(سوره بقره)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده). (* 1_ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. (* 2_ (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [=آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (* 3_ و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند؛ و به رستاخیز یقین دارند. (* 4_ آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند؛ و آنان رستگارانند. (* 5_ کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. (* 6_ خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده؛ و بر چشمهایشان پرده ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست. (* 7_ گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم.» در حالی که ایمان ندارند. (* 8_ می خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند؛ (اما) نمی فهمند. (* 9_ در دلهای آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به خاطر دروغهایی که میگفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست. (* 10_ و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم!» (* 11_ آگاه باشید! اینها همان مفسدانند؛ ولی نمی فهمند. (* 12_ و هنگامی که به آنان گفته شود: «همانند (سایر) مردم ایمان بیاورید!» می گویند: «آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟! بدانید اینها همان ابلهانند ولی نمی دانند!» (* 13_ و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می کنند، و می گویند: «ما ایمان آورده ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می کنند، می گویند: «ما با شمائیم! ما فقط (آنها را) مسخره می کنیم!» (* 14_ خداوند آنان را استهزا می کند؛ و آنها را در طغیانشان ننگه می دارد، تا سرگردان شوند. (* 15_ آنان کسانی هستند که «هدایت» را به «گمراهی» فروخته اند؛ و (این) تجارت آنها سودی نداده؛ و هدایت نیافته اند. (* 16_ آنان [= منافقان] همانند کسی هستند که آتشی فروخته (تا در بیابان تاریک، راه خود را پیدا کند)، ولی هنگامی که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می فرستد و) آن را خاموش می کند؛ و در تاریکیهای وحشتناکی که چشم کار نمی کند، آنها را رها می سازد. (* 17_ آنها کران، گنگها و کورانند؛ لذا (از راه خطا) باز نمی گردند!» (* 18_ یا همچون بارانی از آسمان، که در شب تاریک همراه با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذران) بیارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در گوشهای خود می گذارند؛ تا صدای صاعقه را نشنوند. و خداوند به کافران احاطه دارد (و در قبضه قدرت او هستند). (* 19_ (روشنائی خیره کننده) برق، نزدیک است چشمانشان را برباید. هر زمان که (برق جستن می کند، و صفحه بیابان را) برای آنها روشن می سازد، (چند گامی) در پرتو آن راه می روند؛ و چون خاموش می شود، توقف می کنند. و اگر خدا بخواهد، گوش و چشم آنها را از بین می برد؛ چرا که خداوند بر هر چیز تواناست. (* 20_ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید. (* 21_ آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [= جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد؛ و از آسمان آبی فرو

فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد. بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که می دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده اند، و نه شما را روزی می دهند). (* 22) و اگر در باره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می گوئید! (* 23) پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها [= بتها] است، و برای کافران، آماده شده است! (* 24) به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.)» و میوه هایی که برای آنها آورده می شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود. (* 25) خداوند از این که (به موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده اند، می دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان؛ و اما آنها که راه کفر را پیموده اند، (این موضوع را بهانه کرده) می گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری،) خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می سازد! (* 26) فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، میشکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد میکنند؛ اینها زیانکارانند. (* 27) چگونه به خداوند کافر می شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی روحی) بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می شوید. (بنابر این، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان؛ آنچه دارید از خداست). (* 28) او خدایی است که همه آنچه را (از نعمتها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است. (* 29) (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده ای] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.» (* 30) سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گوئید، اسامی اینها را به من خبر دهید!» (* 31) فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم؛ تو دانا و حکیمی.» (* 32) فرمود: «ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن.» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را میدانم؟! و نیز میدانم آنچه را شما آشکار میکنید، و آنچه را پنهان می داشتید!» (* 33) و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد. (* 34) و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمتهای) آن، از هر جا می خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد. (* 35) پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت

شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.»

(* 36_ سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است. (* 37_ گفتیم: «همگی از آن، فرود آید! هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند.» (* 38_ و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود. (* 39_ ای فرزندان اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید! و به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. (و در راه انجام وظیفه، و عمل به پیمانها) تنها از من بترسید! (* 40_ و به آنچه نازل کرده ام [= قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه های آن، با آنچه در کتابهای شماست، مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! (و به خاطر درآمد مختصری، نشانه های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)! (* 41_ و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می دانید کتمان نکنید! (* 42_ و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)! (* 43_ آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می خوانید! آیا نمی اندیشید؟! (* 44_ از صبر و نماز یاری جوئید؛ (و با استقامت و مهارت هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛) و این کار، جز برای خاشعان، گران است. (* 45_ آنها کسانی هستند که می دانند دیدارکننده پروردگار خویشند، و به سوی او بازمی گردند. (* 46_ ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم. (* 47_ و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می شوند. (* 48_ و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم؛ که همواره شما را به بدترین صورت آزار می دادند: پسران شما را سر می بردند؛ و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود. (* 49_ و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم؛ و فرعونیان را غرق ساختیم؛ در حالی که شما تماشا می کردید. (* 50_ و (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم؛ (و او، برای گرفتن فرمانهای الهی، به میعادگاه آمد؛) سپس شما گوساله را بعد از او (معبود خود) انتخاب نمودید؛ در حالی که ستمکار بودید. (* 51_ سپس شما را بعد از آن بخشیدیم؛ شاید شکر (این نعمت را) بجا آورید. (* 52_ و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم؛ تا هدایت شوید. (* 53_ و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید؛ و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را [= بکدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه پذیر و رحیم است. (* 54_ و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» پس صاعقه شما را گرفت؛ در حالی که تماشا می کردید. (* 55_ سپس شما را پس از مرگتان،

حیات بخشیدیم؛ شاید شکر (نعمت او را) بجا آورید. (* 56_ و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم؛ و «من» = شیره مخصوص و لذیذ درختان [و «سلوی» = مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما فرستادیم؛ (و گفتیم): «از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید!» (ولی شما کفران کردید!) آنها به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم می نمودند. (* 57_ و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر = بیت المقدس [وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید! و بگویید: «خداوند! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم؛ و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.» (* 58_ اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند؛) لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم. (* 59_ و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید؛ آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را می شناختند! (و گفتیم): «از روزیهای الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!» (* 60_ و (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست تر را به جای غذای بهتر انتخاب می کنید؟! (کنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدائی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند. (* 61_ کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان = پیروان یحیی [هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست. (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده اند، مأجور و رستگارند). (* 62_ و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم؛ (و به شما گفتیم): «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده ایم، با قدرت بگیرید؛ و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ شاید پرهیزکار شوید!» (* 63_ سپس شما پس از این، روگردان شدید؛ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید. (* 64_ به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده اید! ما به آنها گفتیم: «به صورت بوزینه هایی طرد شده درآید!» (* 65_ ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسلهای بعد از آنان، و پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم. (* 66_ و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید (و قطعه ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند؛ و غوغا خاموش گردد.)» گفتند: «آیا ما را مسخره می کنی؟» (موسی) گفت: «به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم!» (* 67_ گفتند: «(پس) از خدای خود بخواه که برای ما روشن کند این ماده گاو چگونه ماده گاوی باشد؟» گفت: خداوند می فرماید: «ماده گاوی است که نه پیر و از کار افتاده باشد، و نه بکر و جوان؛ بلکه میان این دو باشد. آنچه به شما دستور داده شده، (هر چه زودتر) انجام دهید.» (* 68_ گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن

سازد رنگ آن چگونه باشد؟ «گفت: خداوند می گوید: «گاوِی باشد زرد یکدست، که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد.» (* 69_ گفتند: «از خدایت بخواه برای ما روشن کند که چگونه گاوِی باید باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده! و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد!» (* 70_ گفت: خداوند می فرماید: «گاوِی باشد که نه برای شخم زدن رام شده؛ و نه برای زراعت آبکشی کند؛ از هر عیبی برکنار باشد، و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «الان حق مطلب را آوردی!» سپس (چنان گاوِی را پیدا کردند و) آن را سر بریدند؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند. (* 71_ و (به یاد آورید) هنگامی را که فردی را به قتل رساندید؛ سپس درباره (قاتل) او به نزاع پرداختید؛ و خداوند آنچه را مخفی می داشتید، آشکار می سازد. (* 72_ سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند). خداوند این گونه مردگان را زنده می کند؛ و آیات خود را به شما نشان می دهد؛ شاید اندیشه کنید!» (* 73_ سپس دل‌های شما بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت تر! چرا که پاره ای از سنگها می شکافد، و از آن نهرها جاری می شود؛ و پاره ای از آنها شکاف برمی دارد، و آب از آن تراوش می کند؛ و پاره ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد؛ (اما دل‌های شما، نه از خوف خدا می تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) و خداوند از اعمال شما غافل نیست. (* 74_ آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟! (* 75_ و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می گویند: «ایمان آورده ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده،) می گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی فهمید؟! (* 76_ آیا اینها نمی دانند خداوند آنچه را پنهان می دارند یا آشکار می کند می داند؟! (* 77_ و پاره ای از آنان عوامانی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند؛ و تنها به پندارهایشان دل بسته اند. (* 78_ پس وای بر آنها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند! (* 79_ و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته اید؟! - و خداوند هرگز از پیمان‌ش تخلف نمی‌ورزد - یا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟! (* 80_ آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. (* 81_ و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند. (* 82_ و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید. (* 83_ و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید؛ و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید؛ (و بر این پیمان) گواه بودید. (* 84_ اما این شما هستید که یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می نمایید؛ (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته اید) در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیة می دهید و

آنان را آزاد می سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می آورید، و به بعضی کافر می شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می شوند. و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست. (* 85_ اینها همان کسانی که آخرت را به زندگی دنیا فروخته اند؛ از این رو عذاب آنها تخفیف داده نمی شود؛ و کسی آنها را یاری نخواهد کرد. (* 86_ ما به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم؛ و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم؛ و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رسانید؟! (* 87_ و (آنها از روی استهزا) گفتند: دلهای ما در غلاف است! (و ما از گفته تو چیزی نمی فهمیم. آری، همین طور است!) خداوند آنها را به خاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته، (به همین دلیل، چیزی درک نمی کنند؛) و کمتر ایمان می آورند. (* 88_ و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند). با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد! (* 89_ ولی آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند؛ که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است. (* 90_ و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می گویند: «ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می شوند؛ در حالی که حق است؛ و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می کند. بگو: «اگر (راست می گویند، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می رسانید؟!» (* 91_ و (نیز) موسی آن همه معجزات را برای شما آورد، و شما پس از (غیبت) او، گوساله را انتخاب کردید؛ در حالی که ستمگر بودید. (* 92_ و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم؛ (و گفتیم: «این دستوراتی را که به شما داده ایم محکم بگیرید، و درست بشنوید!» آنها گفتند: «شنیدیم؛ ولی مخالفت کردیم.» و دلهای آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می دهد، اگر ایمان دارید!» (* 93_ بگو: «اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویند!» (* 94_ ولی آنها، به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد؛ و خداوند از ستمگران آگاه است. (* 95_ و آنها را حریص ترین مردم - حتی حریصتر از مشرکان - بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست. (* 96_ آنها می گویند: «چون فرشته ای که وحی را بر تو نازل می کند، جبرئیل است، و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی آوریم!» بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند؛ و هدایت و بشارت است

برای مؤمنان.» (* 97_ کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است؛ و) خداوند دشمن کافران است. (* 98_ ما نشانه های روشنی برای تو فرستادیم؛ و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی‌ورزد. (* 99_ و آیا چنین نیست که هر بار آنها [=یهود] ایمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور افکندند (و مخالفت کردند). آری، بیشتر آنان ایمان نمی‌آورند. (* 100_ و هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سراغشان آمد، و با نشانه هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکندند؛ گویی هیچ از آن خبر ندارند!! (* 101_ و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود؛ و) کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می‌دادند. و) به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند، مگر اینکه از پیش به او می‌گفتند: «ما وسیله آزمایشیم کافر نشو! (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!)» ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ ولی هیچ گاه نمی‌توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آنها قسمتهایی را فرامی‌گرفتند که به آنان زیان می‌رسانید و نفعی نمی‌داد. و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره ای نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می‌دانستند!! (* 102_ و اگر آنها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند!! (* 103_ ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می‌کنید) نگویید: «راعنا»؛ بلکه بگویید: «انظرننا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!» و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می‌باشد؛ و دستاویزی برای دشمنان است.) و (آنچه به شما دستور داده می‌شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است. (* 104_ کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد؛ در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می‌دهد؛ و خداوند، صاحب فضل بزرگ است. (* 105_ هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟! (* 106_ آیا نمی‌دانستی که حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؟! (و حق دارد هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟! و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می‌داند و تعیین می‌کند). (* 107_ آیا می‌خواهید از پیامبر خود، همان تقاضای (نامعقولی را) بکنید که پیش از این، از موسی کردند؟! (و با این بهانه جویی‌ها، از ایمان آوردن سر باز زدند.) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است. (* 108_ بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد -که در وجود آنها ریشه دوانده- آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست. (* 109_ و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید؛ و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛ خداوند به اعمال شما بیناست. (* 110_ آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این آرزوی آنهاست! بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید!» (* 111_ آری، کسی

که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (بنابر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.) (*) 112_ یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)»؛ در حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی را می خوانند (و باید از این گونه تعصبا برکنار باشند) افراد نادان (دیگر، همچون مشرکان) نیز، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، در باره آنچه در آن اختلاف داشتند، داوری می کند. (*) 113_ کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!! (*) 114_ مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست! (*) 115_ و (یهود و نصاری و مشرکان) گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است!» -منزه است او- بلکه آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و همه در برابر او خاضعند! (*) 116_ هستی بخش آسمانها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می شود. (*) 117_ افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟! و یا چرا آیه و نشانه ای برای خود ما نمی آید؟!» پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می گفتند؛ دلها و افکارشان مشابه یکدیگر است؛ ولی ما (به اندازه کافی) آیات و نشانه ها را برای اهل یقین (و حقیقت جوین) روشن ساخته ایم. (*) 118_ ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی! (*) 119_ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. (*) 120_ کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم = یهود و نصاری [آن را چنان که شایسته آن است می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند. (*) 121_ ای بنی اسرائیل! نعمت مرا، که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید! و (نیز به خاطر آورید) که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم! (*) 122_ از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند؛ و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود؛ و شفاعت، او را سود نمی دهد؛ و (از هیچ سوئی) یاری نمی شوند! (*) 123_ (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)». (*) 124_ و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و (برای تجدید خاطر،) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!» (*) 125_ و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را -آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» (گفت:) «ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره مند ساختیم؛ (اما به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آنها را به عذاب

آتش می کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند» (* 126) و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند، (و می گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی!» (* 127) پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمات باشند، به وجود آور! و طرز عبادت را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه پذیر و مهربانی! (* 128) پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری!)» (* 129) جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است. (* 130) در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: اسلام بیاور! (و در برابر حق، تسلیم باش! او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت؛ و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.» (* 131) و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر)، فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند؛ (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند): «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [= تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید!» (* 132) آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.» (* 133) آنها امتی بودند که درگذشتند. اعمال آنان، مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست؛ و شما هیچ گاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود. (* 134) (اهل کتاب) گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید!» بگو: «این آیینهای تحریف شده، هرگز نمی تواند موجب هدایت گردد، بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود!» (* 135) بگویید: «ما به خدا ایمان آورده ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم.)» (* 136) اگر آنها نیز به مانند آنچه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند؛ و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده اند و خداوند، شر آنها را از تو دفع می کند؛ و او شنونده و داناست. (* 137) رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام)؛ و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می کنیم. (* 138) بگو: «آیا در باره خداوند با ما محاجه می کنید؟! در حالی که او، پروردگار ما و شماست؛ و اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شماست؛ و ما او را با اخلاص پرستش می کنیم، (و موحد خالصیم).» (* 139) یا می گوید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: «شما بهتر می دانید یا خدا؟! (و با اینکه می دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند، چرا حقیقت را کتمان می کنید؟)» و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند؟! و خدا از اعمال شما غافل نیست. (* 140) (به هر حال) آنها امتی بودند که درگذشتند. آنچه کردند، برای خودشان است؛ و آنچه هم شما کرده اید، برای خودتان است؛ و شما مسئول اعمال آنها نیستید. (* 141) به زودی سبک مغزان از مردم می گویند: «چه چیز آنها [= مسلمانان] را، از قبله ای که بر آن بودند، بازگردانید؟! بگو: «مشرق و مغرب، از آن خداست؛ خدا هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.» (* 142) همان گونه (که

قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما، آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است؛) و خدا هرگز ایمان = [نماز] شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است. (*) 143_ نگاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خوشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتابهای خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست! (*) 144_ سوگند که اگر برای (این گروه از) اهل کتاب، هرگونه آیه (و نشانه و دلیلی) بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد؛ و تو نیز، هیچ گاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود. (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان پذیر است!) و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد! و اگر تو، پس از این آگاهی، متابعت هوسهای آنها کنی، مسلماً از ستمگران خواهی بود! (*) 145_ کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او = [پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند! (*) 146_ این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش! (*) 147_ هر طایفه ای قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است؛ (بنابراین، زیاد در باره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن، در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز)، حاضر می کند؛ زیرا او، بر هر کاری تواناست. (*) 148_ از هر جا (و از هر شهر و نقطه ای) خارج شدی، (به هنگام نماز)، روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست! (*) 149_ و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت بر نمی دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می خواند.) از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید! (*) 150_ همان گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم،) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد. (*) 151_ پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گوید و (در برابر نعمتهایم) کفران نکنید! (*) 152_ ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. (*) 153_ و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید! (*) 154_ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه ها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان! (*) 155_ آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او بازمی گردیم!» (*) 156_ اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و

آنها هستند هدایت یافتگان! (*) 157_ «صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه های) خداست! بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند؛ (و سعی صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی رویه مشرکان، که بتهایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی کاهد!) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است. (*) 158_ کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می کنند؛ (*) 159_ مگر آنها که توبه و بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نیک،) اصلاح نمودند، (و آنچه را کتمان کرده بودند؛ آشکار ساختند؛) من توبه آنها را می پذیرم؛ که من تواب و رحیمم. (*) 160_ کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود! (*) 161_ همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می ماند؛ نه در عذاب آنان تخفیف داده می شود، و نه مهلتی خواهند داشت! (*) 162_ و خدای شما، خداوند یگانه ای است، که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت عام و خاص!) (*) 163_ در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبنندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند! (*) 164_ بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان،) شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند،) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت، از آن خداست؛ و خدا دارای مجازات شدید است؛ (نه معبودهای خیالی که از آنها می هراسند.) (*) 165_ در آن هنگام، رهبران (گمراه و گمراه کننده) از پیروان خود، بیزاری می جویند؛ و کيفر خدا را مشاهده می کنند؛ و دستشان از همه جا کوتاه می شود. (*) 166_ و (در این هنگام) پیروان می گویند: «کاش بار دیگر به دنیا برمی گشتیم، تا از آنها [= پیشوایان گمراه [بیزاری جویم، آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جستند! (آری،) خداوند این چنین اعمال آنها را به صورت حسرت زایی به آنان نشان می دهد؛ و هرگز از آتش (دوزخ) خارج نخواهند شد! (*) 167_ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! (*) 168_ او شما را فقط به بدیها و کار زشت فرمان می دهد؛ (و نیز دستور می دهد) آنچه را که نمی دانید، به خدا نسبت دهید. (*) 169_ و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟! (*) 170_ مَثَل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر،) صدا می زند؛ ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی شنوند؛ (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو چیزی نمی فهمند! (*) 171_ ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می کنید! (*) 172_ خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام

کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ (و می تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد؛) خداوند بخشنده و مهربان است. (*) 173_کسانی که کتمان می کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می فروشند، آنها جز آتش چیزی نمی خورند؛ (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می آورند، در حقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آنها سخن نمی گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی کند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است. (*) 174_اینان، همانهایی هستند که گمراهی را با هدایت، و عذاب را با آموزش، مبادله کرده اند؛ راستی چقدر در برابر عذاب خداوند، شکیبیا هستند!! (*) 175_اینها، به خاطر آن است که خداوند، کتاب (آسمانی) را به حق، (و توأم با نشانه ها و دلایل روشن)، نازل کرده؛ و آنها که در آن اختلاف می کنند، (و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می آورند، در شکاف و پراکندگی) عمیقی قرار دارند. (*) 176_نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می کند؛ نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود -به هنگامی که عهد بستند- وفا می کنند؛ و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است؛) و اینها هستند پرهیزکاران! (*) 177_ای افرادی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [= قاتل نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) پردازد؛ (و در آن، مسامحه نکند.) این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. (*) 178_ و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید. (*) 179_ بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [= مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران!» (*) 180_ پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می دهند؛ خداوند، شنوا و داناست. (*) 181_ و کسی که از انحراف وصیت کننده (و تمایل یک جانبه او به بعض ورثه)، یا از گناه او (که مبدا وصیت به کار خلافی کند) بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر او نیست؛ (و مشمول حکم تبدیل وصیت نمی باشد.) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (*) 182_ ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید. (*) 183_ چند روز معدودی را (باید روزه بدارید!) و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست؛ (همچون بیماران مزمن، و پیرمردان و پیرزنان)، لازم است کفاره بدهند؛ مسکینی را اطعام کنند؛ و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید! (*) 184_ (روزه، در چند روز معدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در

آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید! (*)

185_ و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)! (*)

186_ آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید؛ (و این کار ممنوع را انجام می دادید؛) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، باشد که پرهیزکار گردند! (*) 187_ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)! (*)

188_ در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می پوشیدند، از در خانه وارد نمی شدند، و از تاق پشتِ خانه وارد می شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشتِ خانه ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از درِ خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید! (*) 189_ و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی کنندگان را دوست نمی دارد! (*) 190_ و آنها را [= بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [= مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران! (*) 191_ و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است. (*)

192_ و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدّی جز بر ستمکاران روا نیست. (*) 193_ ماهِ حرام، در برابر ماهِ حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرامها، (قابل) قصاص است. و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدّی کنید! و از خدا پرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است! (*) 194_ و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد. (*)

195_ و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را تراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی

در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیة و کفّاره ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [= اهل مکه و اطراف آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است! (*) 196_ حج، در ماه های معینی است! و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج،) حج را بر خود فرض کرده اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست! و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می داند. و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من بپرهیزید ای خردمندان! (*) 197_ گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید (که یکی از منافع حج، بی ریزی یک اقتصاد صحیح است). و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید. (*) 198_ سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید! و از خداوند، آموزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است! (*) 199_ و هنگامی که مناسک (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان (آن گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم، مردم دو گروهند: بعضی از مردم می گویند: «خداوندا! به ما در دنیا، (* نیکی) عطا کن!» ولی در آخرت، بهره ای ندارند. (*) 200_ و بعضی می گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا (* نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (* نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!» (*) 201_ آنها از کار (و دعای) خود، نصیب و بهره ای دارند؛ و خداوند، سریع الحساب است. (*) 202_ و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای 11 و 12 و 13 ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست؛ برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد! (*) 203_ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می شود؛ (در ظاهر، اظهار محبت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت ترین دشمنانند. (*) 204_ (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با اینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد. (*) 205_ و هنگامی که به آنها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیشتر می شود)، و لجاجت و تعصب، آنها را به گناه می کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛ و چه بد جایگاهی است! (*) 206_ بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (ع) در «لیلة المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (*) 207_ ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست (*) 208_ و اگر بعد از این همه نشانه های روشن، که برای شما آمده است، لغزش کردید (و گمراه شدید)، بدانید (از چنگال عدالت خدا، فرار نتوانید کرد)؛ که خداوند، توانا و حکیم است. (*) 209_ آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه ها و برنامه های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه هائی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه ای در اختیارشان بگذارند؟! با

اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده، و همه کارها به سوی خدا بازمی گردد. (*) 210_ از بنی اسرائیل پیرس: «چه اندازه نشانه های روشن به آنها دادیم؟» (ولی آنان، نعمتها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلط به کار گرفتند.) و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدید العقاب است. (*) 211_ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند؛ (چراکه ارزشهای حقیقی در آنجا آشکار می گردد، و صورت عینی به خود می گیرد؛) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد. (*) 212_ مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند. (*) 213_ آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد:) آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است! (*) 214_ از تو سؤال می کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد.» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است. (لازم نیست تظاهر کنید، او می داند.) (*) 215_ جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید. (*) 216_ از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود. (*) 217_ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (*) 218_ در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، شاید اندیشه کنید! (*) 219_ (تا اندیشه کنید) درباره دنیا و

آخرت! و از تو در باره یتیمان سؤال می کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است. و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد؛) آنها برادر (دینی) شما هستند.» (و همچون یک برادر با آنها رفتار کنید!) خداوند، مفسدان را از مصلحان، بازمی شناسد. و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می اندازد؛ (و دستور می دهد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود، جدا سازید؛ ولی خداوند چنین نمی کند؛) زیرا او توانا و حکیم است. (*)

220_ و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز با ایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان با ایمان در آورید؛ زیرا) یک غلام با ایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می کنند؛ و خدا دعوت به بهشت و آموزش به فرمان خود می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد؛ شاید متذکر شوند! (* 221_ و از تو، در باره خون حیض سؤال می کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاک شوند! و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. (* 222_ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می توانید با آنها آمیزش کنید. و (سعی نمائید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا پرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده! (* 223_ خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید!) و خداوند شنوا و داناست. (* 224_ خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دلهای شما کسب کرده، (و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار، یاد می کنید)، مؤاخذه می کند. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (* 225_ کسانی که زنان خود را «ایلاء» می نمایند [= سوگند یاد می کنند که با آنها، آمیزش جنسی ننمایند،] حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند.) اگر (در این فرصت،) بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست؛ زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (* 226_ و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد؛) خداوند شنوا و داناست. (* 227_ زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [= عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است. (*

228_ طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد)، دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است؛

از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است. (* 229_ اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش جنسی نماید. در این صورت)، اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند؛ (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید؛) در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم می‌شمرند. اینها حدود الهی است که (خدا) آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می‌نماید. (* 230_ و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده ای آنها را رها سازید! و هیچ گاه به خاطر زبان رساندن و تعدی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی)، آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می‌دهد! و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از قوانین او، سوء استفاده می‌کنند، با خبر است)! (* 231_ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می‌گیرند (و به آن، عمل می‌کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده های) شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگیها مفیدتر است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (* 232_ مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده = [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد = [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست! (* 233_ و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عده نگه دارند)! و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند، در باره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است. (* 234_ و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، (از زنانی که همسرانشان مرده اند) خواستگاری کنید، و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند می‌داند شما به یاد آنها خواهید افتاد؛ (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول، مخالف نیست؛) ولی پنهانی با آنها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده ای (به طور کنایه) اظهار کنید! (ولی در هر حال)، اقدام به ازدواج ننمایید، تا عده آنها سرآید! و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند! از مخالفت او بپرهیزید! و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است (و در مجازات بندگان، عجله نمی‌کند)! (* 235_ اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع)، آنها را (با هدیه ای مناسب)، بهره مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه تواناییش، و آن کس که تنگدست است،

به اندازه خودش، هدیه ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است. (*)

236_ و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند؛ یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولی آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست! (* 237_ در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی [= نماز ظهر] کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید! (* 238_ و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) برسید، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید! اما هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، خدا را یاد کنید! [= نماز را به صورت معمولی بخوانید! همان گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید، به شما تعلیم داد. (* 239_ و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می گیرند و همسرانی از خود به جا می گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره مند سازند؛ به شرط اینکه آنها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج مجدد نکنند). و اگر بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند؛ ولی) گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه در باره خود، به طور شایسته انجام می دهند. و خداوند، توانا و حکیم است. (* 240_ و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار. (* 241_ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می دهد؛ شاید اندیشه کنید! (* 242_ آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند). سپس خدا آنها را زنده کرد؛ (و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد). خداوند نسبت به بندگان خود احسان می کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر (او را) بجا نمی آورند. (* 243_ و در راه خدا، پیکار کنید! و بدانید خداوند، شنوا و داناست. (* 244_ کیست که به خدا «قرض الحسنه ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند)، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می سازد؛ (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی شود). و به سوی او باز می گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت). (* 245_ آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: «شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سریچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید!» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه ها و فرزندانمان رانده شده ایم، (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده اند)؟!» اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سریچی کردند. و خداوند از ستمکاران، آگاه است. (* 246_ و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (* 247_ را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب ها) آگاه است.» (* 247_ و پیامبرشان به آنها گفت: «نشانه حکومت او، این است که (* صندوق عهد*) به سوی شما

خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می کنند. در این موضوع، نشانه ای (روشن) برای شماست؛ اگر ایمان داشته باشید.» (* 248) و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند؛ آنها (که به هنگام تشنگی،) از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او، و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به در آمدند،) از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرت خود، ناراحت شدند؛ و عده ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (* جالوت) و سپاهیان او را نداریم.» اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان) است. (* 249) و هنگامی که در برابر (* جالوت) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!» [152] (* 250) سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛ و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید؛ و از آنچه می خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرامی گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد. (* 251) اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می خوانیم؛ و تو از رسولان (ما) هستی. (* 252) بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ برخی از آنها، خدا با او سخن می گفت؛ و بعضی را درجاتی برتر داد؛ و به عیسی بن مریم، نشانه های روشن دادیم؛ و او را با «روح القدس» تأیید نمودیم؛ (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امتهای نشد.) و اگر خدا می خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی کردند؛ (اما خدا مردم را مجبور نساخته؛ و آنها را در پیمودن راه سعادت، آزاد گذارده است؛) ولی این امتهای بودند که با هم اختلاف کردند؛ بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند؛ (و جنگ و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می خواست، با هم پیکار نمی کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می خواهد، (از روی حکمت) انجام می دهد (و هیچ کس را به قبول چیزی مجبور نمی کند). (* 253) ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقتهای مادی سودی دارد)، و نه شفاعت؛ (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود.) و کافران، خود ستمگرند؛ (هم به خودشان ستم می کنند، هم به دیگران). (* 254) هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرامی گیرد؛ (و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها [= بندگان] [و پشت سرشان است می داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی پایان و نامحدود اوست.) تخت (حکومت) او، آسمانها و

زمین را دربر گرفته؛ و نگاهداری آن دو] = آسمان و زمین]، او را خسته نمیکند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست.

(*) 255_ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست. (*) 256_ خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند. (*) 257_ آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [= نمرود] که با ابراهیم در باره پروردگارش مجاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود؛ (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود)؛ هنگامی که ابراهیم گفت: «خداى من آن کسى است که زنده مى کند و مى میراند.» او گفت: «من نیز زنده مى کنم و مى میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشتبه ساختن بر مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از افق مشرق می آورد؛ (اگر راست می گویی که حاکم بر جهان هستی تویی،) خورشید را از مغرب بیاور!» (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (*) 258_ یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانهای مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می دهیم، و گوشت بر آن می پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر کاری توانا است.» (*) 259_ (و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.» فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن،) قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز!) سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است؛ (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد).» (*)

260_ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست. (*) 261_ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارش (محفوظ) است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند. (*) 262_ گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از خشونت‌های آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است؛ و خداوند، بی نیاز و بردبار است. (*) 263_ ای کسانی که

ایمان آورده اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشاندن شود؛) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند. (*) 264_ و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد،) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است.) و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. (*) 265_ آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه ای وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام،) گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)!

(*) 266_ ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال،) حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است. (*) 267_ شیطان، شما را (به هنگام انفاق،) وعده فقر و تهیدستی می دهد؛ و به فحشا (و زشتیها) امر می کند؛ ولی خداوند وعده «آمزش» و «فزونی» به شما می دهد؛ و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده های خود، وفا می کند.) (*) 268_ (خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی کنند،) و متذکر نمی گردند. (*) 269_ و هر چیزی را که انفاق می کنید، یا (اموالی را که) نذر کرده اید (در راه خدا انفاق کنید)، خداوند آنها را می داند. و ستمگران یاوری ندارند. (*) 270_ اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می پوشاند؛ (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد.) و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (*) 271_ هدایت آنها (به طور اجبار،) بر تو نیست؛ (بنابر این، ترک انفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست؛) ولی خداوند، هر که را بخواهد (و شایسته بداند)، هدایت می کند. و آنچه را از خوبیها و اموال انفاق می کنید، برای خودتان است؛ (ولی) جز برای رضای خدا، انفاق نکنید! و آنچه از خوبیها انفاق می کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می شود؛ و به شما ستم نخواهد شد. (*) 272_ (انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند؛ (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته؛ و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند؛) نمی توانند مسافرتی کنند (و سرمایه ای به دست آورند؛) و از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بی نیاز می پندارند؛ اما آنها را از چهره هایشان می شناسی؛ و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر

چیز خوبی در راه خدا اتفاق کنید، خداوند از آن آگاه است. (*) 273_ آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند. (*) 274_ کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد، گاهی بیا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [= قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد؛) و کار او به خدا واگذار می شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید.) اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می مانند. (*) 275_ خداوند، ربا را ناپود می کند؛ و صدقات را افزایش می دهد؛ و خداوند، هیچ انسانِ ناسپاسِ گنهکاری را دوست نمی دارد. (*) 276_ کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند. (*) 277_ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید! (*) 278_ اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آن شماسا [= اصل سرمایه، بدون سود؛] نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود. (*) 279_ و اگر (بدهکار)، قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (و در صورتی که برآستی قدرت پرداخت را ندارد،) برای خدا به او ببخشید بهتر است؛ اگر (منافع این کار را) بدانید! (*) 280_ و از روزی بپرهیزید (و برسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا بازمی گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می بینند، نتایج اعمال خودشان است.) (*) 281_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن - همان طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن،) توانایی بر املاکردن ندارد، باید ولیّ او (به جای او)، با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهی خود،) چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می باشد؛ مگر اینکه داد و ستد تقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را بنویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (تقدی) می کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی،) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند!) و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می دهد؛ خداوند

به همه چیز داناست. (* 282_ و اگر در سفر بودید، و نویسنده ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد؛ و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می دهید، داناست. (* 283_ آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. و (از این رو) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می کند. سپس هر کس را بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد)، مجازات می کند. و خداوند به همه چیز قدرت دارد. (* 284_ پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده اند؛ (و می گویند:) ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.» (* 285_ خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی کند. (انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند:) پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان! (* 286_

(سوره آل عمران)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (* 1_ معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده، نیست. (* 2_ (همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه های کتب پیشین، منطبق است؛ و «تورات» و «انجیل» را. (* 3_ پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج،) توانا و صاحب انتقام است. (* 4_ هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی ماند. (بنابر این، تدبیر آنها بر او مشکل نیست.) (* 5_ او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آنچنان که می خواهد تصویر می کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست. (* 6_ او کسی است که این کتاب

(آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن است؛ که اساس این کتاب می باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند).

(* 7_ (راسخان در علم، می گویند): «پروردگارا! دلهايمان را، بعد از آنکه ما را هدايت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده ای! (* 8_ پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی کند. (ما به تو و رحمت بی پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.)» (* 9_ ثروتها و فرزندان کسانی که کافر شدند، نمی تواند آنان را از (عذاب) خداوند باز دارد؛ (و از کيفر، رهایی بخشد.) و آنان خود، آتشگیره دوزخند. (* 10_ (عادت آنان در انکار و تحریف حقایق،) همچون عادت آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کيفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند، شدید العقاب است. (* 11_ به آنها که کافر شدند بگو: «از پیروزی موقت خود در جنگ اُحد، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد؛ (و سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است!» (* 12_ در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت،) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می کند. در این، عبرتی است برای بینایان! (* 13_ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. (* 14_ بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده اند، (و از این سرمایه ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پای درختانش می گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست. (* 15_ همان کسانی که می گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده ایم؛ پس گناهان ما را ببامرز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!» (* 16_ آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه،) استقامت می ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می کنند، و در سحرگاهان، استغفار می نمایند. (* 17_ خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی)، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این مطلب)، گواهی می دهند؛ در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. (* 18_ دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم

بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (* 19_ اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن! و) بگو: «من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده ایم.» و به آنها که اهل کتاب هستند [= یهود و نصاری] و بی سوادان [= مشرکان] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می یابند؛ و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست. (* 20_ کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بناحق می کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده! (* 21_ آنها کسانی هستند که اعمال (نیکشان، به خاطر این گناهان بزرگ،) در دنیا و آخرت تباہ شده، و یاور و مددکار (و شفاعت کننده ای) ندارند. (* 22_ آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی،) روی می گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟ (* 23_ این عمل آنها، به خاطر آن است که می گفتند: «آتش (دوزخ)، جز چند روزی به ما نمی رسد. (و کیفر ما، به خاطر امتیازی که بر اقوام دیگر داریم، بسیار محدود است.)» این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند،) آنها را در دینشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (* 24_ پس چه گونه خواهند بود هنگامی که آنها را برای روزی که شکی در آن نیست [= روز رستاخیز] جمع کنیم، و به هر کس، آنچه (از اعمال برای خود) فراهم کرده، بطور کامل داده شود؟ و به آنها ستم نخواهد شد (زیرا محصول اعمال خود را می چینند). (* 25_ بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی. تمام خوبیها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری. (* 26_ شب را در روز داخل می کنی، و روز را در شب؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را زنده؛ و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می بخشی.» (* 27_ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می شود)؛ مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنی). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست. (* 28_ بگو: «اگر آنچه را در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند؛ و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می باشد؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست. (* 29_ روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند؛ و آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، برحذر می دارد؛ و (در عین حال،) خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.» (* 30_ بگو: «اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است.» (* 31_ بگو: «از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی دارد.» (* 32_ خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. (* 33_ آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت،) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند؛ و خداوند، شنا و داناست (و از کوششهای آنها در مسیر رسالت خود، آگاه می باشد). (* 34_ (به یاد آورید) هنگامی را که همسر

«عمران» گفت: «خداوند! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی! (* 35) ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت)، گفت: «خداوند! من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود - و پسر، همانند دختر نیست. (دختر نمی تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد.) من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندان او را از (سوسه های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم.» (* 36) خداوند، او = مریم را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛ و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.» (* 37) در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می شنوی!» (* 38) و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: «خدا تو را به» یحیی «بشارت می دهد؛ (کسی) که کلمه خدا = مسیح [را تصدیق می کند؛ و رهبر خواهد بود؛ و از هوسهای سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.» (* 39) او عرض کرد: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسر من نازاست؟!» فرمود: «بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می دهد.» (* 40) (زکریا) عرض کرد: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده!» گفت: «نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت. (و زبان تو، بدون هیچ علت ظاهری، برای گفتگو با مردم از کار می افتد.) پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ،) بسیار یاد کن! و به هنگام صبح و شام، او را تسبیح بگو!» (* 41) و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.» (* 42) ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن! (* 43) (ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم؛ و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه کشی) به آب می افکندند تا کدامیک کفالت و سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که (دانشمندان بنی اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او،) با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی؛ و همه اینها، از راه وحی به تو گفته شد.» (* 44) (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای = وجود با عظمتی [از طرف خودش بشارت می دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود؛ و از مقربان (الهی) است.» (* 45) و با مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میانسال شدن) سخن خواهد گفت؛ و از شایستگان است.» (* 46) (مریم) گفت: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نگرفته است؟!» فرمود: «خداوند، این گونه هر چه را بخواهد می آفریند! هنگامی که چیزی را مقرر دارد (و فرمان هستی آن را صادر کند)، فقط به آن می گوید: «موجود باش!» آن نیز فوراً موجود می شود.» (* 47) و به او، کتاب و دانش و تورات و انجیل، می آموزد. (* 48) و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می گوید:) من نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرنده می سازم؛ سپس در آن می دمم و به فرمان خدا، پرنده ای می گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص = پیسی [را بهبودی می

بخشتم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ مسلماً در اینها، نشانه ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید! (* 49) و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می‌کنم؛ و (آمده ام) تا پاره ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه، بر شما حرام شده، مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها)، حلال کنم؛ و نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام؛ پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید! (* 50) خداوند، پروردگار من و شماست؛ او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)! این است راه راست! (* 51) هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریان [= شاگردانِ مخصوصِ او] گفتند: «ما یاورانِ خداییم؛ به خدا ایمان آوردیم؛ و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده ایم. (* 52) پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ ما را در زمره گواهان بنویس!» (* 53) و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش، نقشه کشیدند؛ و خداوند (بر حفظ او و آیینش،) چاره جویی کرد؛ و خداوند، بهترین چاره جویان است. (* 54) (به یاد آوردید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می‌کنم. (* 55) اما آنها که کافر شدند، (و پس از شناختن حق، آن را انکار کردند)، در دنیا و آخرت، آنان را مجازات دردناکی خواهم کرد؛ و برای آنها، یاورانی نیست. (* 56) اما آنها که ایمان آوردند، و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد؛ و خداوند، ستمکاران را دوست نمی‌دارد.» (* 57) اینها را که بر تو می‌خوانیم، از نشانه ها(ی حَقَّانیتِ تو) است، و یادآوری حکیمانه است. (* 58) مَثَلِ عیسی در نزد خدا، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد. (بنابر این، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست.) (* 59) اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو؛ بنابر این، از تردید کنندگان مباش! (* 60) هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیا بید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (* 61) این همان سرگذشت واقعی (مسیح) است. (و ادعاهایی همچون الوهیت او، یا فرزند خدا بودنش، بی اساس است.) و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست؛ و خداوند توانا و حکیم است. (* 62) اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی گردانند، (بدان که طالب حق نیستند؛ و) خداوند از مفسده جویان، آگاه است. (* 63) بگو: «ای اهل کتاب! بیا بید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانی!» (* 64) ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتگو و نزاع می‌کنید (و هر کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می‌نمایید)؟! در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است! آیا اندیشه نمی‌کنید؟! (* 65) شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید؛ چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو می‌کنید؟! و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (* 66) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه موحدی

خالص و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود. (* 67) سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند؛ همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده اند (از همه سزاوارترند)؛ و خداوند، ولی و سرپرست مؤمنان است. (* 68) جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می کردند) شما را گمراه کنند؛ (اما آنها باید بدانند که نمی توانند شما را گمراه سازند،) آنها گمراه نمی کنند مگر خودشان را، و نمی فهمند! (* 69) ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می شوید، در حالی که (به درستی آن) گواهی می دهید؟! (* 70) ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می زمیزید و) مشتبه می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می دارید در حالی که می دانید؟! (* 71) و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «بروید در ظاهر به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید؛ و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)؛ شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارت آسمانی پیشین می دانند؛ و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد). (* 72) و جز به کسی که از آیین شما پیروی می کند، (واقعاً) ایمان نیاورید!» بگو: «هدایت، هدایت الهی است! (و این توطئه شما، در برابر آن بی اثر است)»! (سپس اضافه کردند: «تصور نکنید) به کسی همانند شما (کتاب آسمانی) داده می شود، یا اینکه می توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو کنند، (بلکه نبوت و منطق، هر دو نزد شماست!)» بگو: «فضل (و موهبت نبوت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست؛ بلکه) به دست خداست؛ و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند)، می دهد؛ و خداوند، واسع [= دارای مواهب گسترده] و آگاه (از موارد شایسته آن) است. (* 73) هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می کند؛ و خداوند، دارای مواهب عظیم است.» (* 74) و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می گردانند؛ و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی! این بخاطر آن است که می گویند: «ما در برابر امین = غیر یهود، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند؛ در حالی که می دانند (این سخن دروغ است). (* 75) آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می دارد؛ زیرا) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. (* 76) کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می فروشند، آنها بهره ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی گوید و به آنان در قیامت نمی نگرد و آنها را (از گناه) پاک نمی سازد؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست. (* 77) در میان آنها [= یهود] کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می گردانند که گمان کنید (آنچه را می خوانند،) از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند! (* 78) برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید!» بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید: مردمی الهی باشید، آن گونه که کتاب خدا را می آموختید و درس می خواندید!) (و غیر از خدا را پرستش نکنید!) (* 79) و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می کند؟! (* 80) و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت:

«آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: «(آری) اقرار داریم!» (خداوند به آنها) گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.» (* 81_ پس کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند، فاسق است. (* 82_ آیا آنها غیر از آیین خدا می طلبند؟! (آیین او همین اسلام است؛) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او بازگردانده می شوند. (* 83_ بگو: «به خدا ایمان آوردیم؛ و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده؛ و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است؛ ما در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم؛ و در برابر (فرمان) او تسلیم هستیم.» (* 84_ و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است. (* 85_ چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می کند که بعد از ایمان و گواهی به حقایق رسول و آمدن نشانه های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! (* 86_ کيفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست. (* 87_ همواره در این لعن (و طرد و نفرین) می مانند؛ مجازاتشان تخفیف نمی یابد؛ و به آنها مهلت داده نمی شود. (* 88_ مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند؛ (و در مقام جبران گناهان گذشته برآیند، که توبه آنها پذیرفته خواهد شد؛) زیرا خداوند، آمرزنده و بخشنده است. (* 89_ کسانی که پس از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر (خود) افزودند، (و در این راه اصرار ورزیدند،) هیچ گاه توبه آنان، (که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می گیرد،) قبول نمی شود؛ و آنها گمراهان (واقعی) اند (چرا که هم راه خدا را گم کرده اند، و هم راه توبه را!). (* 90_ کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیة (و کفاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازات دردناک است؛ و یاورانی ندارند. (* 91_ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است. (* 92_ همه غذاها (ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب)، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت.) بگو: «اگر راست می گوید تورات را بیاورید و بخوانید! (این نسبتهایی که به پیامبران پیشین می دهید، حتی در تورات تحریف شده شما نیست!)» (* 93_ بنا بر این، آنها که بعد از این به خدا دروغ می بندند، ستمگرند! (زیرا از روی علم و عمد چنین می کنند). (* 94_ بگو: «خدا راست گفته (و اینها در آیین پاک ابراهیم نبوده) است. بنا بر این، از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت، و از مشرکان نبود!» (* 95_ نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است. (* 96_ در آن، نشانه های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن [= خانه خدا] شود؛ در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است. (* 97_ بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟! و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می دهید!» (* 98_ بگو: «ای اهل کتاب! چرا افرادی را که ایمان آورده اند، از راه خدا بازمی دارید، و می خواهید این راه را کج سازید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید؛ و خداوند از آنچه انجام می دهید، غافل نیست!» (* 99_ ای کسانی که ایمان آورده

اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق افکنی و شعلهورساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی گردانند. (*) 100_ و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامان وحی قرار گرفته اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (نابر این، به خدا تمسک جوید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است. (*) 101_ ای کسانی که ایمان آورده اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) (*) 102_ و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (*) 103_ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند. (*) 104_ و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند. (*) 105_ (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هائی سفید، و چهره هائی سیاه می گردد، اما آنها که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته می شود): آیا بعد از ایمان، و (اخوت و برادری در سایه آن)، کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می ورزیدید! (*) 106_ و اما آنها که چهره هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود؛ و جاودانه در آن می مانند. (*) 107_ اینها آیات خداست؛ که بحق بر تو می خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی برای (احدی از) جهانیان نمی خواهد. (*) 108_ و (چگونه ممکن است خدا ستم کند؟! در حالی که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، مال اوست؛ و همه کارها، به سوی او باز می گردد (و به فرمان اوست). (*) 109_ شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی، ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار) (*) 110_ آنها [= اهل کتاب، مخصوصاً] یهود] هرگز نمی توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر؛ و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد (و شکست می خورند؛ سپس کسی آنها را یاری نمی کند. (*) 111_ هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است؛ مگر با ارتباط به خدا، (و تجدید نظر در روش ناپسند خود)، و (با) با ارتباط به مردم (و وابستگی به این و آن)؛ و به خشم خدا، گرفتار شده اند؛ و مهر بیچارگی بر آنها زده شده؛ چرا که آنها به آیات خدا، کفر می ورزیدند و پیامبران را بناحق می کشتند. اینها بخاطر آن است که گناه کردند؛ و (به حقوق دیگران،) تجاوز می نمودند. (*) 112_ آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند؛ و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می نمایند. (*) 113_ به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آنها از صالحانند. (*) 114_ و آنچه از اعمال نیک انجام دهند، هرگز کفران نخواهد شد! (و پاداش شایسته آن را می بینند.) و خدا از پرهیزکاران، آگاه است. (*) 115_ کسانی که کافر شدند، هرگز نمی توانند در پناه اموال و فرزندان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (*) 116_ آنچه آنها در این زندگی پست دنیوی انفاق می کنند، همانند باد سوزانی است

که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده (و در غیر محل و وقت مناسب، کشت نموده اند)، بوزد؛ و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده؛ بلکه آنها، خودشان به خویشتن ستم می کنند. (* 117_ ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هرگونه شرّ و فساد در باره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دلهایشان پنهان می دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید! (* 118_ شما کسانی هستید که آنها را دوست می دارید؛ اما آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (و آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می کنند، (به دروغ) می گویند: «ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که تنها می شوند، از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است.» (* 119_ اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می شوند. (اما) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه های (خائنانه) آنان، به شما زبانی نمی رساند؛ خداوند به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (* 120_ و (به یاد آور) زمانی را که صبحگاهان، از میان خانواده خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان، بیرون رفتی! و خداوند، شنوا و داناست (گفتگوهای مختلفی را که درباره طرح جنگ گفته می شد، می شنید؛ و اندیشه هایی را که بعضی در سر می پروراندند، می دانست). (* 121_ (و نیز به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه بازگردند)؛ و خداوند پشتیبان آنها بود (و به آنها کمک کرد که از این فکر بازگردند)؛ و افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند! (* 122_ خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید! (* 123_ در آن هنگام که تو به مؤمنان می گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می آیند، یاری کند؟!» (* 124_ آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! (* 125_ ولی اینها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده؛ وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است! (* 126_ (این وعده را که خدا به شما داده،) برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند؛ یا آنها را با ذلت برگرداند؛ تا مایوس و ناامید، (به وطن خود) بازگردند. (* 127_ هیچ گونه اختیاری (در باره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ)، برای تو نیست؛ مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند؛ زیرا آنها ستمگرند. (* 128_ و آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده مهربان است. (* 129_ ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید! (* 130_ و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است! (* 131_ و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید! (* 132_ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان؛ و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است؛ و برای پرهیزگاران آماده شده است. (* 133_ همانها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند؛ و خشم خود را فرو می برند؛ و از خطای مردم درمی گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (* 134_ و آنها

که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می کنند - و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ - و بر گناه، اصرار نمی ورزند، با اینکه می داند. (* 135_ آنها پاداششان آمرزش پروردگار، و بهشتی است که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن میمانند؛ چه نیکو است پاداش اهل عمل! (* 136_ پیش از شما، سنت هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشتی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟! (* 137_ این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران! (* 138_ و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! (* 139_ اگر (در میدان احد)، به شما جراحی رسید (و ضربه ای وارد شد)، به آن جمعیت نیز (در میدان بدر)، جراحی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می گردانیم؛ - و این خاصیت زندگی دنیاست - تا خدا، افرادی را که ایمان آورده اند، بداند (و شناخته شوند)؛ و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی دارد. (* 140_ و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد. (* 141_ آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟! (* 142_ و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را، پیش از آنکه با آن روبه رو شوید، آرزو می کردید؛ سپس آن را با چشم خود دیدید، در حالی که به آن نگاه می کردید (و حاضر نبودید به آن تن دردهید! چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است؟! (* 143_ محمد (ص) فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند؛ و خداوند بزودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد. (* 144_ هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی میرد؛ سرنوشتی است تعیین شده؛ (بنابر این، مرگ پیامبر یا دیگران، یک سنت الهی است.) هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد)، چیزی از آن به او خواهیم داد؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می دهیم؛ و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (* 145_ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد. (* 146_ سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندروییهای ما در کارها، چشم پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان! (* 147_ از این رو خداوند پاداش این جهان، و پاداش نیک آن جهان را به آنها داد؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (* 148_ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از کسانی که کافر شده اند اطاعت کنید، شما را به گذشته هایتان بازمی گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد. (* 149_ (آنها تکیه گاه شما نیستند)، بلکه ولی و سرپرست شما، خداست؛ و او بهترین یاوران است. (* 150_ بزودی در دلهای کافران، بخاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می افکنیم؛ و جایگاه آنها، آتش است؛ و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران! (* 151_ خداوند، وعده خود را به شما، (در باره پیروزی بر دشمن در احد)، تحقق بخشید؛ در آن هنگام (که در آغاز جنگ)، دشمنان را به فرمان او، به قتل می رساندید؛ (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید؛ و (بر سر رهاکردن سنگرها)، در کار

خود به نزاع پرداختید؛ و بعد از آن که آنچه را دوست می داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند؛ و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت؛ (و پیروزی شما به شکست انجامید؛) تا شما را آزمایش کند. و او شما را بخشید؛ و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد. (* 152) (به خاطر بیاورید) هنگامی را که از کوه بالا میرفتید؛ و جمعی در وسط بیابان پراکنده شدند؛ و از شدت وحشت، به عقب ماندگان نگاه نمی کردید، و پیامبر از پشت سر، شما را صدا می زد. سپس اندوه ها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد؛ این بخاطر آن بود که دیگر برای از دست رفتن (غنایم جنگی) غمگین نشوید، و نه بخاطر مصیبت هایی که بر شما وارد می گردد. و خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (* 153) سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد)، گروهی از شما را فرا گرفت؛ اما گروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ (و خواب به چشمانشان نرفت.) آنها گمانهای نادرستی - همچون گمانهای دوران جاهلیت - درباره خدا داشتند؛ و می گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می شود؟!» بگو: «همه کارها (و پیروزیها) به دست خداست!» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می دارند که برای تو آشکار نمی سازند؛ می گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی شدیم!» بگو: «اگر هم در خانه های خود بودید، آنها می کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه های خود، بیرون می آمدند (و آنها را به قتل می رساندند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه در سینه هایتان پنهان دارید، بیازماید؛ و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آنچه در درون سینه هاست، با خبر است. (* 154) کسانی که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احد)، فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهایی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت؛ و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزنده و بردبار است. (* 155) ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می روند، یا در جنگ شرکت می کنند (و از دنیا می روند و یا کشته می شوند)، می گویند: «اگر آنها نزد ما بودند، نمی مردند و کشته نمی شدند!» (شما از این گونه سخنان نگویند)، تا خدا این حسرت را بر دل آنها [= کافران] بگذارد. خداوند، زنده می کند و می میراند؛ (و زندگی و مرگ، به دست اوست؛) و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (* 156) اگر هم در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، (زبان نکرده اید؛ زیرا) آمرزش و رحمت خدا، از تمام آنچه آنها (در طول عمر خود)، جمع آوری میکنند، بهتر است! (* 157) و اگر بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور می شوید. (بنابراین، فانی نمی شوید که از فنا، وحشت داشته باشید.) (* 158) به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (* 159) اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند! (* 160) (گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟! در حالی که) ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند! و هر کس خیانت کند، روز رستاخیز، آنچه را در آن خیانت کرده، با خود (به صحنه محشر) می آورد؛ سپس به هر کس، آنچه را فراهم کرده (و انجام داده است)، بطور کامل داده می شود؛ و (به همین دلیل) به آنها ستم نخواهد شد (چرا که محصول اعمال خود را خواهند دید). (* 161) آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده،

همانند کسی است که به خشم و غضب خدا بازگشته؟! و جایگاه او جهنم، و پایان کار او بسیار بد است. (* 162_ هر یک از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند؛ و خداوند به آنچه انجام می دهند، بیناست. (* 163_ خداوند بر مؤمنان منت نهاد [= نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (* 164_ آیا هنگامی که مصیبتی (در میدان جنگ احد) به شما رسید، در حالی که دو برابر آن را (در میدان جنگ بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این مصیبت از کجاست؟!» بگو: «از ناحیه خود شماست (که در میدان جنگ احد، با دستور پیامبر مخالفت کردید)! خداوند بر هر چیزی قادر است. (و چنانچه روش خود را اصلاح کنید، در آینده شما را پیروز می کند.)» (* 165_ و آنچه (در روز احد،) در روزی که دو دسته [= مؤمنان و کافران] با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و طبق سنت الهی) بود؛ و برای این بود که مؤمنان را مشخص کند. (* 166_ و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند؛ آنهایی که به ایشان گفته شد: «بیاید در راه خدا نبرد کنید! یا (حداقل) از حریم خود، دفاع نمایید!» گفتند: «اگر می دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می کردیم. (اما می دانیم جنگی نمی شود.)» آنها در آن هنگام، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان؛ به زبان خود چیزی می گویند که در دلهایشان نیست! و خداوند از آنچه کتمان می کنند، آگاهتر است. (* 167_ منافقان) آنها هستند که به برادران خود - در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند - گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند!» بگو: «مگر شما می توانید مرگ افراد را پیش بینی کنید؟! پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می گویند!» (* 168_ ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (* 169_ آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [= مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند؛ و می دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت. (* 170_ و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند؛ و (می بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند؛ (نه پاداش شهیدان، و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند). (* 171_ آنها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمرار الاسد» حرکت نمودند؛) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است. (* 172_ اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [= لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.» (* 173_ به همین جهت، آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان، خبازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ و از رضای خدا، پیروی کردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. (* 174_ این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس،) می ترساند. از آنها بترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!» (* 175_ کسانی که در راه کفر، شتاب میکنند، تو را غمگین نسازند! به یقین، آنها هرگز زبانی به خداوند نمی رسانند. (بعلاوه) خدا می خواهد (آنها را به حال خودشان واگذارد؛ و در نتیجه،) بهره ای برای آنها در آخرت قرار ندهد. و برای آنها مجازات بزرگی است! (* 176_ (آری،) کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زبانی نمی رسانند؛ و برای آنها، مجازات دردناکی است!

(* 177_ آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده ای (آماده شده) است!

(* 178_ چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذارد؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید؛ این بر خلاف سنت الهی است؛ ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمیگزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می گذارد.) پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است،) به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست. (* 179_ کسانی که بخل می‌ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی کنند، گمان نکنند این کار به سود آنها است؛ بلکه برای آنها شر است؛ بزودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می افکنند. و میراث آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خداوند، از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (* 180_ خداوند، سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی نیازیم»، شنید! به زودی آنچه را گفتند، خواهیم نوشت؛ و (همچنین) کشتن پیامبران را بناحق (می نویسیم)؛ و به آنها می گوئیم: «بجشید عذاب سوزان را (در برابر کارهایتان!)» (* 181_ این بخاطر چیزی است که دستهای شما از پیش فرستاده (و نتیجه کار شماست) و بخاطر آن است که خداوند، به بندگان (خود)، ستم نمی کند. (* 182_ (اینها) همان کسانی (هستند) که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا (این معجزه را انجام دهد): یک قربانی بیاورد، که آتش = صاعقه آسمانی [آن را بخورد!]] بگو: «پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند؛ و دلایل روشن، و آنچه را گفتید آوردند؛ پس چرا آنها را به قتل رساندید اگر راست می گوئید؟!» (* 183_ پس (اگر این بهانه جویان،) تو را تکذیب کنند، (چیز تازه ای نیست؛) رسولان پیش از تو (نیز) تکذیب شدند؛ پیامبرانی که دلایل آشکار، و نوشته های متین و محکم، و کتاب روشنی بخش آورده بودند. (* 184_ هر کسی مرگ را می چشید؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آنها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست! (* 185_ به یقین (همه شما) در اموال و جانهای خود، آزمایش می شوید! و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده = یهود، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است. (* 186_ و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید! ولی آنها، آن را پشت سر افکندند؛ و به بهای کمی فروختند؛ و چه بد متاعی می خرنند؟! (* 187_ گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می شوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است! (* 188_ و حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خدا بر همه چیز تواناست. (* 189_ مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است. (* 190_ همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند؛ (و می گویند): بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! (* 191_ پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمالش)، به آتش

افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای! و برای افراد ستمگر، هیچ یآوری نیست! (* 192_ پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدیهای ما را ببوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران! (* 193_ پروردگارا! آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی کنی. (* 194_ خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود:) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما ممنوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بیقین گناهانشان را می بخشم؛ و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است. (* 195_ رفت و آمد (بیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریبد! (* 196_ این متاع ناچیزی است؛ و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بد جایگاهی است! (* 197_ ولی کسانی (که ایمان دارند، و) از پروردگارشان می پرهیزند، برای آنها باغهایی از بهشت است، که از زیر درختانش نهرها جاری است؛ همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آنها می رسد؛ و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است! (* 198_ و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند؛ در برابر (فرمان) خدا خاضعند؛ و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها را به سرعت حساب می کند، و پاداش می دهد.) (* 199_ ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها، استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! (* 200_

(سوره نساء)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست. (* 1_ و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید! و اموال بد (خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با

مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است! (*) 2_ و اگر می‌ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم)، عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند. (*) 3_ و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه، به آنان بپردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید! (*) 4_ اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسیارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید! (*) 5_ و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی‌نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد)، از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها بازمی‌گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است. (*) 6_ برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی. (*) 7_ و اگر بهنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه‌ای که ارث نمی‌برند) و یتیمان و مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید! و با آنان به طور شایسته سخن بگویید! (*) 8_ کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند. (*) 9_ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت، تنها آتش می‌خورند؛ و بزودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند. (*) 10_ خداوند در باره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها)، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانان، کدامیک برای شما سودمندترند! - این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است. (*) 11_ و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از انجام وصیتی که کرده‌اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله = [خواهر یا برادر] از او ارث می‌برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین)، به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست؛ و خدا دانا و بردبار است. (*) 12_ اینها مرزهای الهی است؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد)، خداوند وی را در باغهایی

از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است! (*) 13_ و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده ای است. (*) 14_ و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان = [زنان] را در خانه ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا اینکه خداوند، راهی برای آنها قرار دهد. (*) 15_ و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می شوند، آنها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید)؛ و اگر توبه کنند، و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته پردازند)، از آنها درگذرید! زیرا خداوند، توبه پذیر و مهربان است. (*) 16_ پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند، سپس زود توبه می کنند. خداوند، توبه چنین اشخاصی را می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (*) 17_ برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: «لان توبه کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم. (*) 18_ ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد! (*) 19_ و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می شوید؟! (*) 20_ و چگونه آن را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و (از این گذشته)، آنها (هنگام ازدواج)، از شما پیمان محکمی گرفته اند! (*) 21_ یا زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، هرگز ازدواج نکنید! مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است؛ زیرا این کار، عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است. (*) 22_ حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادری که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید - و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد - و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (-نه پسرخوانده ها-) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (*) 23_ و زنان شوهردار (بر شما حرام است)؛ مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است)؛ اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه = [ازدواج موقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید. (بعداً می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید). خداوند، دانا و حکیم است. (*) 24_ و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید

ازدواج کنند -خدا به ایمان شما آگاه تر است؛ و همگی اعضای یک بیکرید - آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (*) 25_ خداوند می خواهد (با این دستورها، راه های خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است. (*) 26_ خدا می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهبواتند، می خواهند شما بکلی منحرف شوید. (*) 27_ خدا می خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن)، کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است) (*) 28_ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. (*) 29_ و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است. (*) 30_ اگر از گناهان بزرگی که از آن نهي می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم؛ و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم. (*) 31_ برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوتهای طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال، مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست. (*) 32_ برای هر کسی، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند؛ و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته اید، نصیبشان را بپردازید! خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (*) 33_ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست). (*) 34_ و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است). (*) 35_ و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سر باز می زند)، دوست نمی دارد. (*) 36_ آنها کسانی هستند که بخل می ورزند، و مردم را به بخل دعوت می کنند، و آنچه را که خداوند از فضل

(و رحمت) خود به آنها داده، کنعان می نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته؛) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده ای آماده کرده ایم. (* 37) و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند؛ (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنهاست؛) و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است. (* 38) چه می شد اگر آنها به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، (در راه او) انفاق می کردند؟! و خداوند از (اعمال و نیات) آنها آگاه است. (* 39) خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند؛ و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می سازد؛ و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می دهد. (* 40) حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟ (* 41) در آن روز، آنها که کافر شدند و با پیامبر (ص) بمخالفت برخاستند، آرزو می کنند که ای کاش (خاک بودند، و) خاک آنها با زمینهای اطراف یکسان می شد (و بکلی محو و فراموش می شدند). در آن روز، (با آن همه گواهان)، سخنی را نمی توانند از خدا پنهان کنند. (* 42) ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می گوید! و همچنین هنگامی که جنب هستید - مگر اینکه مسافر باشید - تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا «قضای حاجت» کرده اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیمم کنید! (به این طریق که) صورتهای و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (* 43) آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده بود، (به جای اینکه از آن، برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش) گمراهی می کردند، و می خواهند شما نیز گمراه شوید؟ (* 44) خدا به دشمنان شما آگاهتر است؛ (ولی آنها زبانی به شما نمی رسانند). و کافی است که خدا ولی شما باشد؛ و کافی است که خدا یاور شما باشد. (* 45) بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می کنند؛ و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم!» (نیز می گویند: بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می گویند: راعنا [= ما را تحقیق کن!] «تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت) می گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم)»، برای آنان بهتر، و با واقعیت سازگارتر بود. ولی خداوند، آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این رو جز عده کمی ایمان نمی آورند. (* 46) ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست - ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» [= گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است! (* 47) خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است. (* 48) آیا ندیدی کسانی را که خودستایی می کنند؟! (این خود ستاییها، بی ارزش است؛) بلکه خدا هر کس را بخواهد، ستایش می کند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (* 49) ببین چگونه بر خدا دروغ می بندند! و همین گناه آشکار، (برای مجازات آنان) کافی است. (* 50) آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنان داده شده، (با این حال)، به «جبت» و «طاغوت» [= بت و بت پرستان] ایمان می آورند، و درباره کافران می گویند: «آنها، از کسانی

که ایمان آورده اند، هدایت یافته ترند؟! (* 51) آنها کسانی هستند که خداوند، ایشان را از رحمت خود، دور ساخته است؛ و هر کس را خدا از رحمتش دور سازد، یاوری برای او نخواهی یافت. (* 52) آیا آنها [= یهود] سهمی در حکومت دارند (که بخواهند چنین داوری کنند)؟ در حالی که اگر چنین بود، (همه چیز را در انحصار خود می گرفتند،) و کمترین حق را به مردم نمی دادند. (* 53) یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز)، کتاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها [= پیامبران بنی اسرائیل] قرار دادیم. (* 54) ولی جمعی از آنها به آن ایمان آوردند؛ و جمعی راه (مردم را) بر آن بستند. و شعله فروزان آتش دوزخ، برای آنها کافی است! (* 55) کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را در آتشی وارد می کنیم که هرگاه پوستهای تنشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوستهای دیگری به جای آن قرار می دهیم، تا کیفر (الهی) را بچشند. خداوند، توانا و حکیم است (و روی حساب، کیفر می دهد). (* 56) و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، بزودی آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن خواهند ماند؛ و همسرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود؛ و آنان را در سایه های گسترده (و فرح بخش) جای می دهیم. (* 57) خداوند به شما فرمان می دهد که امانت را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزه های خوبی به شما می دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (* 58) ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (* 59) آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه های دور دستی بيفکند. (* 60) و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید»، منافقان را می بینی که (از قبول دعوت تو)، اعراض می کنند! (* 61) پس چگونه وقتی به خاطر اعمالشان، گرفتار مصیبتی می شوند، سپس به سراغ تو می آیند، سوگند یاد می کنند که منظور (ما از بردن داوری نزد دیگران)، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع)، نبوده است؟! (* 62) آنها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند، می داند. از (مجازات) آنان صرف نظر کن! و آنها را اندرز ده! و با بیانی رسا، نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد نما! (* 63) ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. (* 64) به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملاً تسلیم باشند. (* 65) اگر (همانند بعضی از امتهای پیشین)، به آنان دستور می دادیم: «یکدیگر را به قتل برسانید»، و یا: «از وطن و خانه خود، بیرون روید»، تنها عده کمی از آنها عمل می کردند! و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می شد انجام می دادند، برای آنها بهتر بود؛ و موجب تقویت ایمان آنها می شد. (* 66) و در این صورت، پاداش بزرگی از ناحیه خود به آنها می دادیم. (* 67) و آنان را به راه

راست، هدایت می کردیم. (*) 68_ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز)، همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیقهای خوبی هستند!

(*) 69_ این موهبتی از ناحیه خداست. و کافی است که او، (از حال بندگان، و نیات و اعمالشان) آگاه است. (*) 70_ ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته های متعدّد، یا بصورت دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان)، به سوی دشمن حرکت نمایید! (*) 71_ در میان شما، افرادی (منافق) هستند، که (هم خودشان سست می باشند، و هم) دیگران را به سستی می کشانند؛ اگر مصیبتی به شما برسد، می گویند: «خدا به ما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم، تا شاهد (آن مصیبت) باشیم!» (*) 72_ و اگر غیبتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل اینکه هرگز میان شما و آنها دوستی و موّدتى نبوده، می گویند: «ای کاش ما هم با آنها بودیم، و به رستگاری (و پیروزی) بزرگی می رسیدیم!» (*) 73_ کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (*) 74_ چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟! همان افراد (ستم دیده ای) که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما!» (*) 75_ کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرنند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهرا سیدید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتتش) ضعیف است. (*) 76_ آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: «فعلاً دست از جهاد بردارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (اما آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می ترسیدند، همان گونه که از خدا می ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!» (*) 77_ هر جا باشید، مرگ شما را درمی یابد؛ هر چند در برجهای محکم باشید! و اگر به آنها [= منافقان] حسنه (و پیروزی) برسد، می گویند: «این، از ناحیه خداست.» و اگر سیئه (و شکستی) برسد، می گویند: «این، از ناحیه توست.» بگو: «همه اینها از ناحیه خداست.» پس چرا این گروه حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟! (*) 78_ (آری)، آنچه از نیکبها به تو می رسد، از طرف خداست؛ و آنچه از بدی به تو می رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم؛ و گواهی خدا در این باره، کافی است! (*) 79_ کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و کسی که سر باز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم (و در برابر او، مسؤول نیستی). (*) 80_ آنها در حضور تو می گویند: «فرمانبرداریم!» اما هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته های تو، جلسات سرّی شبانه تشکیل می دهند؛ آنچه را در این جلسات می گویند، خداوند می نویسد. اعتنائی به آنها نکن! (و از نقشه های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد. (*) 81_ آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند. (*) 82_ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند

شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید (و گمراه می شدید). (*).

83_ در راه خدا پیکار کن! تنها مسؤول وظیفه خود هستی! و مؤمنان را (بر این کار)، تشویق نما! امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی اگر تنها خودت به میدان بروی)! و خداوند قدرتش بیشتر، و مجازاتش دردناکتر است. (*). 84_ کسی که شفاعت = تشویق و کمک [به کار نیکی کند، نصیبی از آن برای او خواهد بود؛ و کسی که شفاعت = تشویق و کمک [به کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. و خداوند، حسابرس و نگهدار هر چیز است. (*). 85_ هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لا اقل) به همان گونه پاسخ گویند! خداوند حساب همه چیز را دارد. (*). 86_ خداوند، معبودی جز او نیست! و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز - که شکی در آن نیست - جمع می کند! و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟ (*). 87_ چرا درباره منافقین دو دسته شده اید؟! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع، و بعضی مجاز می دانید). در حالی که خداوند بخاطر اعمالشان، (افکار) آنها را کاملاً وارونه کرده است! آیا شما می خواهید کسانی را که خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه کرده، هدایت کنید؟! در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (*). 88_ آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابراین، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر اینکه (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت نمایند. هرگاه از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند)، هر جا آنها را یافتید، اسیر کنید! و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانید! و از میان آنها، دوست و یار و یآوری اختیار نکنید! (*). 89_ مگر آنها که با همپیمانان شما، پیمان بسته اند؛ یا آنها که به سوی شما می آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود). و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار نمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرض آنان شوید. (*). 90_ بزودی جمعیت دیگری را می یابید که می خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند. لذا نزد شما ادعای ایمان می کنند؛ ولی) هر زمان آنان را به سوی فتنه (و بت پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می روند! اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید! آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده ایم. (*). 91_ هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند؛ (و در عین حال)، کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونهایی به کسان او بپردازد؛ مگر اینکه آنها خونها را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول باایمان بوده، (تنها) باید یک برده مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خونها لازم نیست). و اگر از جمعیتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خونهای او را به کسان او بپردازد، و یک برده مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که دسترسی (به آزاد کردن برده) ندارد، دو ماه پی در پی روزه می گیرد. این، (یک نوع تخفیف، و) توبه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است. (*). 92_ و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است. (*). 93_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در راه خدا گام می زنید (و به سفری برای جهاد می روید)، تحقیق کنید! و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به

دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگوید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما منت نهاد (و هدایت شدید). پس، (بشکرانه این نعمت بزرگ)، تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (*) 94_ (هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک کنندگان جهاد] برتری مهمی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان)، خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. (*)

95_ درجات (مهمی) از ناحیه خداوند، و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می گردد)؛ و (اگر لغزشهایی داشته اند)، خداوند آمرزنده و مهربان است. (*) 96_ کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟!))» گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آنها [= فرشتگان] گفتند: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها (عذری نداشتند، و) جایگاهشان دوزخ است، و سرانجام بدی دارند. (*) 97_ مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که برآستی تحت فشار قرار گرفته اند (و حقیقتاً مستضعفند)؛ نه چاره ای دارند، و نه راهی (برای نجات از آن محیط آلوده) می یابند. (*) 98_ ممکن است خداوند، آنها را مورد عفو قرار دهد؛ و خداوند، عفو کننده و آمرزنده است. (*) 99_ کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده ای در زمین می یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (*) 100_ هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (و خطر) کافران بترسید؛ زیرا کافران، برای شما دشمن آشکاری هستند. (*) 101_ و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را با خود بگیرند؛ و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشت سر شما (به میدان نبرد) بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند (و مشغول پیکار بوده اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، یا بیمار (و مجروح) هستید، مانعی ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده ای برای کافران فراهم ساخته است. (*) 102_ و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید؛ ایستاده، و نشسته، و در حالی که به پهلو خوابیده اید! و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (به طور معمول) انجام دهید، زیرا نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است! (*) 103_ و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند؛ و خداوند، دانا و حکیم است. (*) 104_ ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی! (*) 105_ و از خداوند، طلب آمرزش نما! که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (*) 106_ و از آنها که به خود خیانت کردند، دفاع مکن! زیرا خداوند، افراد خیانت پیشه گنهکار را دوست ندارد. (*) 107_ آنها زشتکاری خود را از مردم پنهان می دارند؛ اما از خدا پنهان نمی دارند، و

هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (*) 108_ آری، شما همانا هستید که در زندگی این جهان، از آنان دفاع کردید! اما کیست که در برابر خداوند، در روز رستاخیز از آنها دفاع کند؟! یا چه کسی است که وکیل و حامی آنها باشد؟! (*) 109_ کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. (*) 110_ و کسی که گناهی مرتکب شود، به زیان خود مرتکب شده؛ خداوند، دانا و حکیم است. (*) 111_ و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بیگناهی را متهم سازد، بار بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است. (*) 112_ اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند؛ اما جز خودشان را گمراه نمی کنند؛ و هیچ گونه زیبایی به تو نمی رسانند. و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است. (*) 113_ در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله)، امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند؛ و هر کس برای خشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (*) 114_ کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می رود می بریم؛ و به دوزخ داخل می کنیم؛ و جایگاه بدی دارد. (*) 115_ خداوند، شرک به او را نمی آمرزد؛ (ولی) کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می آمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است. (*) 116_ آنچه غیر از خدا می خوانند، فقط بتهایی است (بی روح)، که هیچ اثری ندارد؛ و (با) شیطان سرکش و ویرانگر است. (*) 117_ خدا او را از رحمت خویش دور ساخته؛ و او گفته است: «از بندگان تو، سهم معینی خواهم گرفت!» (*) 118_ و آنها را گمراه می کنم! و به آرزوها سرگرم می سازم! و به آنان دستور می دهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرک بیالایند!)» و هر کس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است. (*) 119_ شیطان به آنها وعده های (دروغین) می دهد؛ و به آرزوها، سرگرم می سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی دهد. (*) 120_ آنها [= پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است؛ و هیچ راه فراری ندارند. (*) 121_ و کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، بزودی آن را در باغهایی از بهشت وارد می کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده هایش، از خدا صادقتر باشد؟! (*) 122_ (فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می شود؛ و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد یافت. (*) 123_ و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می شوند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (*) 124_ دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد. (*) 125_ آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست؛ و خداوند به هر چیزی احاطه دارد. (*) 126_ از تو درباره حکم زنان سؤال می کنند؛ بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ می دهد: آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی دهید، و می خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است، (قسمتی از سفارشهای خداوند در این زمینه می باشد؛

و نیز به شما سفارش می کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آنچه از نیکبختیها انجام می دهید؛ خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می دهد). (* 127_ و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید). و صلح، بهتر است؛ اگر چه مردم (طبق غریزه حبّ ذات، در این گونه موارد) بخل می‌ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).

(* 128_ شما هرگز نمی توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را بکلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورد! و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است. (* 129_ (اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی نیاز می کند؛ و خداوند، دارای فضل و کرم، و حکیم است. (* 130_ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شما (نیز) سفارش می کنیم که از (نافرمانی) خدا پرهیزید! و اگر کافر شوید، (به خدا زبانی نمی رسد؛ زیرا) برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و خداوند، بی نیاز و ستوده است. (* 131_ برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ و کافی است که خدا، حافظ و نگاهبان آنها باشد. (* 132_ ای مردم! اگر او بخواهد، شما را از میان می برد و افراد دیگری را (به جای شما) می آورد، و خداوند، بر این کار تواناست. (* 133_ کسانی که پاداش دنیوی بخواهند، (و در قید نتایج معنوی و اخروی نباشند، در اشتباهند؛ زیرا) پاداش دنیا و آخرت نزد خداست؛ و خداوند، شنوا و بیناست. (* 134_ ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (* 135_ ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است. (* 136_ کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، باز هم ایمان آوردند، و دیگر بار کافر شدند، سپس بر کفر خود افزودند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید، و آنها را به راه (راست) هدایت نخواهد کرد. (* 137_ به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! (* 138_ همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟! (* 139_ و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هرگاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند! وگرنه، شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می کند. (* 140_ منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم!) «و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز،

میان شما داوری می‌کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. (*) 141_ منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند! (*) 142_ آنها افراد بی‌هدفی هستند که نه سوی اینها، و نه سوی آنهایند! (نه در صف مؤمنان قرار دارند، و نه در صف کافران!) و هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (*) 143_ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل)، دلیل آشکاری بر ضدّ خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟! (*) 144_ منافقان در پایین‌ترین درجات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یآوری برای آنها نخواهی یافت! (بنابر این، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق است، بپرهیزید!) (*) 145_ مگر آنها که توبه کنند، و جبران و اصلاح نمایند، به (دامن لطف) خدا، چنگ زنند، و دین خود را برای خدا خالص کنند؛ آنها با مؤمنان خواهند بود؛ و خداوند به افراد باایمان، پاداش عظیمی خواهد داد. (*) 146_ خدا چه نیازی به مجازات شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید؟ خدا شکرگزار و آگاه است. (اعمال و نیات شما را می‌داند، و به اعمال نیک، پاداش نیک می‌دهد.) (*) 147_ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست. (*) 148_ اگر نیکبها را آشکار یا مخفی سازید، و از بدیها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست (و با اینکه قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می‌کند). (*) 149_ کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند... (*) 150_ آنها کافران حقیقی اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته ایم. (*) 151_ (ولی) کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده، و میان احدی از آنها فرق نمی‌گذارند، پاداششان را خواهد داد؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است. (*) 152_ اهل کتاب از تو می‌خواهند کتابی از آسمان (یکجا) بر آنها نازل کنی؛ (در حالی که این یک بهانه است؛) آنها از موسی، بزرگتر از این را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده!» و بخاطر این ظلم و ستم، صاعقه آنها را فرا گرفت. سپس گوساله (سامری) را، پس از آن همه دلایل روشن که برای آنها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند، ولی ما از آن درگذشتیم (و عفو کردیم) و به موسی، برهان آشکاری دادیم. (*) 153_ و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتیم؛ و در همان حال از آنها پیمان گرفتیم، و به آنها گفتیم: «برای توبه،) از در (بیت المقدس) با خضوع درآید!» و (نیز) گفتیم: «روز شنبه تعدی نکنید (و دست از کار بکشید!)» و از آنان (در برابر همه اینها، پیمان محکمی گرفتیم. (*) 154_ (ولی) بخاطر پیمان شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران بناحق، و بخاطر اینکه (از روی استهزا) می‌گفتند: «بر دلهای ما، پرده افکنده (شده و سخنان پیامبر را درک نمی‌کنیم!» رانده درگاه خدا شدند.) آری، خداوند بعثت کفرشان، بر دلهای آنها مهر زده؛ که جز عده کمی (که راه حق می‌پویند و لجاج ندارند)، ایمان نمی‌آورند. (*) 155_ و (نیز) بخاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند. (*) 156_ و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند؛ و قطعاً او را نکشتند! (*) 157_ بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است. (*) 158_ و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش به او [= حضرت مسیح] ایمان می‌آورد؛ و

روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود. (*) 159_ بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم. (*) 160_ و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم بیاطل؛ و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم. (*) 161_ ولی راسخان در علم از آنها، و مؤمنان (از امت اسلام)، به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت، بزودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد. (*) 162_ ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم؛ و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [= بنی اسرائیل] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم؛ و به داوود زبور دادیم. (*) 163_ و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته ایم؛ و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده ایم؛ و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود.) (*) 164_ پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است. (*) 165_ ولی خداوند گواهی می دهد به آنچه بر تو نازل کرده؛ که از روی علمش نازل کرده است، و فرشتگان (نیز) گواهی می دهند؛ هر چند گواهی خدا کافی است. (*) 166_ کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، در گمراهی دوری گرفتار شده اند. (*) 167_ کسانی که کافر شدند، و (به خود و دیگران) ستم کردند، هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد، (*) 168_ مگر به راه دوزخ! که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این کار برای خدا آسان است! (*) 169_ ای مردم! پیامبر(ی) که انتظارش را می کشیدید، حق را از جانب پروردگارتان آورد؛ به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است! و اگر کافر شوید، (به خدا زبانی نمی رسد، زیرا) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند، دانا و حکیم است. (*) 170_ ای اهل کتاب! در دین خود، غلوّ (و زیاده روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگویید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابراین، به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگویید: «خداوند سه گانه است!» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است! خدا، تنها معبود یگانه است؛ او منزّه است که فرزندی داشته باشد؛ (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است؛ و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است. (*) 171_ هرگز مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد؛ و نه فرشتگان مقرب او (از این ابا دارند). و آنها که از عبودیت و بندگی او، روی برتابند و تکبر کنند، بزودی همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد. (*) 172_ اما آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را بطور کامل خواهد داد؛ و از فضل و بخشش خود، بر آنها خواهد افزود. و آنها را که ابا کردند و تکبر ورزیدند، مجازات دردناکی خواهد کرد؛ و برای خود، غیر از خدا، سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (*) 173_ ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم. (*) 174_ اما آنها که به خدا ایمان آوردند و به (آن کتاب آسمانی) چنگ زدند، بزودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت؛ و در راه راستی، به سوی خودش هدایت می کند. (*) 175_ از تو (در باره ارث خواهران و برادران) سؤال می کنند، بگو: «خداوند، حکم کلّاله (خواهر و برادر) را برای شما بیان می کند: اگر مردی از دنیا برود، که فرزند نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که به جا گذاشته، از او (ارث) می برد؛ و (اگر خواهری از دنیا برود، وارث او یک

برادر باشد)، او تمام مال را از آن خواهر به ارث می برد، در صورتی که (میّت) فرزند نداشته باشد؛ و اگر دو خواهر (از او) باقی باشند دو سوم اموال را می برند؛ و اگر برادران و خواهران با هم باشند، (تمام اموال را میان خود تقسیم می کنند؛ و) برای هر مذکر، دو برابر سهم مؤنث است. خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید؛ و خداوند به همه چیز داناست.» (* 176_

(سوره مائده)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! چهارپایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می شود (و استثنا خواهد شد). و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید! خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می کند. (* 1_ ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است! (* 2_ گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده - مگر آنکه (بموقع به آن حیوان برسید، و) آن را سرببرید - و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند، (همه) بر شما حرام شده است؛ و (همچنین) قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است - امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها تترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم - اما آنها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد، و متمایل به گناه نباشند، (مانعی ندارد که از گوشتهای ممنوع بخورند؛) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (* 3_ از تو سؤال می کنند چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟ بگو: «آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ (و نیز صید) حیوانات شکاری و سگهای آموخته (و تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آنها یاد داده اید، (بر شما حلال است؛) پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می کنند و) نگاه می دارند، بخورید؛ و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار،) بر آن ببرید؛ و از (معصیت) خدا پرهیزید که خداوند سریع الحساب است!» (* 4_ امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛ و (نیز) آنان پاکدامن از مسلمانان، و آنان

پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می‌گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود. (*) 5_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [= برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [= قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [= پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید! (*) 6_ و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، و پیمانی را که با تأکید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه هاست، آگاه است! (*) 7_ ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است! (*) 8_ خداوند، به آنها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است. (*) 9_ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل دوزخند. (*) 10_ ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت! از خدا بپرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند! (*) 11_ خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب [= سرپرست] برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسن بدهید [= در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می‌پوشانم [= می‌بخشم]؛ و شما را در باغهایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است. (*) 12_ ولی بخاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دلهای آنان را سخت و سنگین نمودیم؛ سخنان (خدا) را از موردش تحریف می‌کنند؛ و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند؛ و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد! (*) 13_ و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم؛ ولی آنها قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آنها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکنندیم. و خداوند، (در قیامت) آنها را از آنچه انجام می‌دادند (و نتایج آن)، آگاه خواهد ساخت. (*) 14_ ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلاً افشای آن مصلحت نیست)، صرف نظر می‌نماید. (آری)، از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. (*) 15_ خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکیها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید. (*) 16_ آنها که گفتند: «خدا، همان مسیح بن مریم است»، بطور مسلم کافر شدند؛ بگو: «اگر خدا بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و همه کسانی را که روی

زمین هستند هلاک کند، چه کسی می تواند جلوگیری کند؟ (آری،) حکومت آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد از آن خداست؛ هر چه بخواهد، می آفریند؛ (حتی انسانی بدون پدر، مانند مسیح؛) و او، بر هر چیزی تواناست. (* 17_ یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقاتی که آفریده؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات می کند؛ و حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن اوست؛ و بازگشت همه موجودات، به سوی اوست.» (* 18_ ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد؛ در حالی که حقایق را برای شما بیان می کند؛ تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده ای!» (هم اکنون، پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست. (* 19_ (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد؛ (و زنجیر بندگی و اسارت فرعون را شکست) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد؛ و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!» (* 20_ ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!» (* 21_ گفتند: «ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیتی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آنها از آن خارج شوند؛ اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!» (* 22_ (ولی) دو نفر از مردانی که از خدا می ترسیدند، و خداوند به آنها، نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: «شما وارد دروازه شهر آنان شوید! هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید!» (* 23_ (بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همینجا نشسته ایم!» (* 24_ (موسی) گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیت گنهکار، جدایی بیفکن!» (* 25_ خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!» (* 26_ و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد!» (* 27_ اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم، چون از پروردگار جهانیان می ترسم!» (* 28_ من می خواهم تو با گناه من و خودت (از این عمل) بازگردی (و بار هر دو گناه را به دوش کشی)؛ و از دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران!» (* 29_ نفس سرکش، کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ (سرانجام) او را کشت؛ و از زیانکاران شد. (* 30_ سپس خداوند زاعی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می کرد؛ تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد. (* 31_ به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان

است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدّی و اسراف کردند. (* 32) کيفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند)، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. (* 33) مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آنها را می پذیرد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است. (* 34) ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید! (* 35) بیقین کسانی که کافر شدند، اگر تمام آنچه روی زمین است و همانند آن، مال آنها باشد و همه آن را برای نجات از کيفر روز قیامت بدهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و مجازات دردناکی خواهند داشت. (* 36) پیوسته می خواهند از آتش خارج شوند، ولی نمی توانند از آن خارج گردند؛ و برای آنها مجازاتی پایدار است. (* 37) دست مرد دزد و زن دزد را، به کيفر عملی که انجام داده اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است. (* 38) اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می پذیرد؛ (و از این مجازات؛ معاف می شود، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (* 39) آیا نمی دانی که حکومت و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست؟ هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، کيفر می کند؛ و هر کس را بخواهد و شایسته بداند، می بخشد؛ و خداوند بر هر چیزی قادر است. (* 40) ای فرستاده (خدا)! آنها که در مسیر کفر شتاب می کنند و با زبان می گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند! و (همچنین) گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند؛ آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند، و (به یکدیگر) می گویند: «اگر این (که ما می خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد،) بپذیرید، وگرنه (از او) دوری کنید!» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی در پی او) بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی؛ آنها کسانی هستند که خدا نخواستند دلهایشان را پاک کند؛ در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد. (* 41) آنها بسیار به سخنان تو گوش می دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زبانی نمی رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (* 42) چگونه تو را به داوری می طلبند؟! در حالی که تورات نزد ایشان است؛ و در آن، حکم خدا هست. (وانگهی) پس از داوری خواستن از حکم تو، (چرا) روی می گردانند؟! آنها مؤمن نیستند. (* 43) ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می کردند؛ و (همچنین) علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند، داوری می نمودند. بنابراین، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی)، از مردم نهراسید! و از من بترسید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند. (* 44) و بر آنها [= بنی اسرائیل] در آن [= تورات]، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می باشد؛ و هر

زخمی، قصاص دارد؛ و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفاره (گناهان) او محسوب می شود؛ و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است. (* 45_ و بدنبال آنها [= پیامبران پیشین،] عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت؛ و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود؛ و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می کرد؛ و هدایت و موعظه ای برای پرهیزگاران بود. (* 46_ اهل انجیل [= پیروان مسیح] نیز باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند! و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند. (* 47_ و این کتاب [= قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرار می داد؛ ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می کردید؛ به شما خبر خواهد داد. (* 48_ و در میان آنها [= اهل کتاب]، طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آنها برحذر باش، مبدا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند! و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می خواهد آنان را بخاطر پاره ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند. (* 49_ آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟! (* 50_ ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه گاه خود)، انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی کند (* 51_ ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می گیرند، و می گویند: «می ترسیم حادثه ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد؛ و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند! (* 52_ آنها که ایمان آورده اند می گویند: «آیا این (منافقان) همانها هستند که با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که با شما هستند؟! (چرا کارشان به اینجا رسید؟!))» (آری)، اعمالشان نابود گشت، و زیانکار شدند. (* 53_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی رساند؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. (* 54_ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند. (* 55_ و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است. (* 56_ ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید! و از خدا پرهیزید اگر ایمان دارید! (* 57_ آنها هنگامی که (اذان می گویند، و مردم را) به نماز فرا می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ این بخاطر آن است که آنها جمعی نابخردند. (* 58_ بگو: «ای اهل کتاب! آیا به ما

خرده می گیرید؟ (مگر ما چه کرده ایم) جز اینکه به خداوند یگانه، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه پیش از این نازل گردیده، ایمان آورده ایم. و این، بخاطر آن است که بیشتر شما، از راه حق، خارج شده اید.» (* 59_ بگو: «آیا شما را از کسانی که موقعیت و پاداششان نزد خدا برتر از این است، با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم قرار داده، (و مسخ کرده)، و از آنها، میمونها و خوکهایی قرار داده، و پرستش بت کرده اند؛ موقعیت و محل آنها، بدتر است؛ و از راه راست، گمراهند.» (* 60_ هنگامی که نزد شما می آیند، می گویند: «ایمان آورده ایم!» (اما) با کفر وارد می شوند، و با کفر خارج می گردند؛ و خداوند، از آنچه کتمان می کردند، آگاهتر است! (* 61_ بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدی، و خوردن مال حرام، شتاب می کنند! چه زشت است کاری که انجام می دادند! (* 62_ چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند! (* 63_ و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید. و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، تلاش می کند؛ و خداوند، مفسدان را دوست ندارد. (* 64_ و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می بخشیم؛ و آنها را در باغهای پر نعمت بهشت، وارد می سازیم. (* 65_ و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده = قرآن [برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آنها، معتدل و میانه رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند. (* 66_ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند. (* 67_ ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، برپا دارید. ولی آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایه بیداری آنها نمی گردد، بلکه) بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید. بنابر این، از این قوم کافر، (و مخالفت آنها،) غمگین مباش! (* 68_ آنها که ایمان آورده اند، و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند، و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین خواهند شد. (* 69_ ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم؛ و رسولانی به سوی آنها فرستادیم؛ (ولی) هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می آورد، عده ای را تکذیب می کردند؛ و عده ای را می کشتند. (* 70_ گمان کردند مجازاتی در کار نخواهد بود! از این رو (از دیدن حقایق و شنیدن سخنان حق،) نابینا و کر شدند؛ سپس (بیدار گشتند، و) خداوند توبه آنها را پذیرفت، دیگر بار (در خواب غفلت فرو رفتند، و) بسیاری از آنها کور و کر شدند؛ و خداوند، به آنچه انجام می دهند، بیناست. (* 71_ آنها که گفتند: «خداوند همان مسیح بن مریم است»، بییقین کافر شدند، (با اینکه خود) مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یگانه را، که پروردگار من و شماست، پرستش کنید! زیرا هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده است؛ و جایگاه او دوزخ است؛ و ستمکاران، یار و یابوری ندارند. (* 72_ آنها که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» (نیز) بییقین کافر شدند؛ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر از آنچه می گویند دست بر ندارند، عذاب

دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند)، خواهد رسید. (* 73_ یا به سوی خدا باز نمی گردند، و از او طلب آموزش نمی کنند؟ (در حالی که) خداوند آمرزنده مهربان است. (* 74_ مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود؛ پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگویی بود؛ هر دو، غذا می خوردند؛ (با این حال، چگونه دعوی الوهیت مسیح و پرستش مریم را دارید؟! بنگر چگونه نشانه را برای آنها آشکار می سازیم! سپس بنگر چگونه از حق بازگردانده می شوند! (* 75_ بگو: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که مالک سود و زیان شما نیست؟! و خداوند، شنوا و داناست.» (* 76_ بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیتی که بیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید!» (* 77_ کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند! این بخاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می نمودند. (* 78_ آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بدکاری انجام می دادند! (* 79_ بسیاری از آنها را می بینی که کافران (و بت پرستان) را دوست می دارند (و با آنها طرح دوستی می ریزند؛ نفس (سرکش) آنها، چه بد اعمالی از پیش برای (معاد) آنها فرستاد! که نتیجه آن، خشم خداوند بود؛ و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند. (* 80_ و اگر به خدا و پیامبر (ص) و آنچه بر او نازل شده، ایمان می آوردند، (هرگز) آنان [= کافران] را به دوستی اختیار نمی کردند؛ ولی بسیاری از آنها فاسقند. (* 81_ بطور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند. (* 82_ و هر زمان آیتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می بینی که (از شوق)، اشک می ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته اند؛ آنها می گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس!» (* 83_ چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگاران ما را در زمره صالحان قرار دهد؟! (* 84_ خداوند بخاطر این سخن، به آنها باغهایی از بهشت پاداش داد که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است جزای نیکوکاران! (* 85_ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همانها اهل دوزخند. (* 86_ ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حد، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی دارد. (* 87_ و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، پرهیزید! (* 88_ خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده اید، مؤاخذه می نماید. کفاره این گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ و یا آزاد کردن یک برده؛ و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه می گیرد؛ این، کفاره سوگندهای شماس است به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نمایید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید!) خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر او را بجا آورید! (* 89_ ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازلام [= نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (* 90_ شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از

یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! (* 91_ اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود؛ و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است). (* 92_ بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، گناهی در آنچه خورده اند نیست؛ (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی شوند؛) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند؛ سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد. (* 93_ ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می آید، بطوری که) دستها و نیزه هایتان به آن می رسد، می آزماید؛ تا معلوم شود چه کسی باایمان به غیب، از خدا می ترسد؛ و هر کس بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت. (* 94_ ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام، شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفاره ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند؛ و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی)، اطعام مستمندان کند؛ یا معادل آن، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می گیرد؛ و خداوند، توانا و صاحب انتقام است. (* 95_ صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا (در حال احرام) از آن بهره مند شوید؛ ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است؛ و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می شوید، بترسید! (* 96_ خداوند، کعبه -بیت الحرام- را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده؛ و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی نشان، و قربانیهای نشاندار را؛ این گونه احکام (حساب شده و دقیق)، بخاطر آن است که بدانید خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، می داند؛ و خدا به هر چیزی داناست. (* 97_ بدانید خدا دارای مجازات شدید، و (در عین حال) آمرزنده و مهربان است. (* 98_ پیامبر وظیفه ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد؛ (و مسؤول اعمال شما نیست). و خداوند آنچه را آشکار، و آنچه را پنهان می دارید می داند. (* 99_ بگو: «هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند؛ هر چند فزونی ناپاکها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید! (* 100_ ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می کند! و اگر به هنگام نزول قرآن، از آنها سؤال کنید، برای شما آشکار می شود؛ خداوند آنها را بخشیده (و نادیده گرفته) است. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (* 101_ جمعی از پیشینیان شما، از آن سؤال کردند؛ و سپس با آن به مخالفت برخاستند. (ممکن است شما هم چنین سرنوشتی پیدا کنید). (* 102_ خداوند هیچ گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است [آشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را بعللی حرام می دانستند؛ و این بدعت، در اسلام ممنوع شد. ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می بندند؛ و بیشتر آنها نمی فهمند! (* 103_ و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید!»، می گویند: «آنچه از پدران خود یافته ایم، ما را بس است!»؛ آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می کنند)؟! (* 104_ ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته اید، گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را از آنچه عمل می کردید، آگاه می سازد. (* 105_ ای

کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبید؛ یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید)، دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید. و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آنها شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می دارید تا سوگند یاد کنند که: «ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!» (* 106) - و اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو، مرتکب گناهی شده اند (و حق را کتمان کرده اند)، دو نفر از کسانی که نسبت به میت، اولی هستند، به جای آنها قرار می گیرند، و به خدا سوگند یاد می کنند که: «گواهی ما، از گواهی آن دو، به حق نزدیکتر است! و ما تجاوزی نکرده ایم؛ که اگر چنین کرده باشیم، از ظالمان خواهیم بود!» (* 107) - این کار، نزدیکتر است به اینکه گواهی بحق دهند، (و از خدا بترسند، و یا (از مردم) بترسند که (دروغشان فاش گردد، و) سوگندهایی جای سوگندهای آنها را بگیرد. از (مخالفت) خدا پرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیت فاسقان را هدایت نمی کند. (* 108) - (از) روزی (بترسید) که خداوند، پیامبران را جمع می کند، و به آنها می گوید: «در برابر دعوت شما، چه پاسخی به شما داده شد؟»، می گویند: «ما چیزی نمی دانیم؛ تو خود، از همه اسرار نهان آگاهی.» (* 109) - (به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: «یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم! زمانی که تو را با «روح القدس» تقویت کردم؛ که در گاهواره و به هنگام بزرگی، با مردم سخن می گفتی؛ و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم؛ و هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی بصورت پرنده می ساختی، و در آن می دمیدی، و به فرمان من، پرنده ای می شد؛ و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من، شفا می دادی؛ و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می کردی؛ و هنگامی که بنی اسرائیل را از آسیب رساندن به تو، بازداشتیم؛ در آن موقع که دلایل روشن برای آنها آوردی، ولی جمعی از کافران آنها گفتند: اینها جز سحر آشکار نیست!» (* 110) - و (به یاد آور) زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که: «به من و فرستاده من، ایمان بیاورید!» آنها گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما مسلمانیم!» (* 111) - در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند مائده ای از آسمان بر ما نازل کند؟» او (در پاسخ) گفت: «از خدا پرهیزید اگر با ایمان هستید!» (* 112) گفتند: «ما نظر بدی نداریم، می خواهیم از آن بخوریم، و دلهای ما (به رسالت تو) مطمئن گردد؛ و بدانیم به ما راست گفته ای؛ و بر آن، گواه باشیم.» (* 113) - عیسی بن مریم عرض کرد: «خداوند! پروردگارا! از آسمان مائده ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه ای از تو؛ و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهنده گانی!» (* 114) - خداوند (دعای او را مستجاب کرد؛ و) فرمود: «من آن را بر شما نازل می کنم؛ ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (و راه انکار پوید)، او را مجازاتی می کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!» (* 115) - و آنگاه که خداوند به عیسی بن مریم می گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟!»، او می گوید: «منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می دانی! تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی؛ و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم! بیقین تو از تمام اسرار و پنهانیها باخبری.» (* 116) - من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم؛ (به آنها گفتم): خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست! و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهشان بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگزفتی، تو خود مراقب آنها

بودی؛ و تو بر هر چیز، گواهی! (*) 117_ (با این حال)، اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند)؛ و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!)» (*) 118_ خداوند می گوید: «امروز، روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می بخشد؛ برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می مانند؛ هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است!» (*) 119_ حکومت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، از آن خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. (*) 120_

(سوره انعام)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ستایش برای خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید، و ظلمتها و نور را پدید آورد؛ اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرار می دهند (با اینکه دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است!) (*) 1_ او کسی است که شما را از گل آفرید؛ سپس مدتی مقرر داشت (تا انسان تکامل یابد)؛ و اجل حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است). با این همه، شما (مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او)، تردید می کنید! (*) 2_ اوست خداوند در آسمانها و در زمین؛ پنهان و آشکار شما را می داند؛ و از آنچه (انجام می دهید و) به دست می آورید، با خبر است. (*) 3_ هیچ نشانه و آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی آید، مگر اینکه از آن رویگردان می شوند! (*) 4_ آنان، حق را هنگامی که سراغشان آمد، تکذیب کردند! ولی بزودی خبر آنچه را به باد مسخره می گرفتند، به آنان می رسد؛ (و از نتایج کار خود، آگاه می شوند). (*) 5_ آیا ندیدند چقدر از اقوام پیشین را هلاک کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند؛ و) قدرتهایی به آنها داده بودیم که به شما ندادیم؛ بارانهای پی در پی برای آنها فرستادیم؛ و از زیر (آبادهای) آنها، نهرها را جاری ساختیم؛ (اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند)، آنان را بخاطر گناهانشان نابود کردیم؛ و جمعیت دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. (*) 6_ (حتی) اگر ما نامه ای روی صفحه ای بر تو نازل کنیم، و (علاوه بر دیدن و خواندن)، آن را با دستهای خود لمس کنند، باز کافران می گویند: «این، چیزی جز یک سحر آشکار نیست!» (*) 7_ (از بهانه های آنها این بود که) گفتند: «چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت مردم به سوی خدا همراهی کند؟!)) ولی اگر فرشته ای بفرستیم، (و موضوع، جنبه حسی و شهود پیدا کند)، کار تمام می شود؛ (یعنی اگر مخالفت کنند)، دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد (و همه هلاک می شوند). (*) 8_ و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، حتماً وی را بصورت انسانی درمی آوردیم؛ (باز به پندار آنان)، کار را بر آنها مشتبه می ساختیم؛ همان طور که آنها کار را بر دیگران مشتبه می سازند! (*) 9_ (با این حال، نگران نباش!) جمعی از پیامبران پیش از تو را استهزا کردند؛ اما سرانجام، آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را می گرفت؛ (و عذاب الهی بر آنها فرود آمد). (*) 10_ بگو: «روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد؟!» (*) 11_ بگو: «آنچه در آسمانها و

زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست؛ رحمت (و بخشش) را بر خود، حتم کرده؛ (و به همین دلیل)، بطور قطع همه شما را در روز قیامت، که در آن شک و تردیدی نیست، گرد خواهد آورد. (آری)، فقط کسانی که سرمایه های وجود خویش را از دست داده و گرفتار خسران شدند، ایمان نمی آورند. (* 12) _ و برای اوست آنچه در شب و روز قرار دارد؛ و او، شنوا و داناست. (* 13) _ بگو: «آیا غیر خدا را ولیّ خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمانها و زمین است؛ اوست که روزی می دهد، و از کسی روزی نمی گیرد.» بگو: «من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!» (* 14) _ بگو: «من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روزی بزرگ [= روز رستاخیز] می ترسم! (* 15) _ آن کس که در آن روز، مجازات الهی به او نرسد، خداوند او را مشمول رحمت خویش ساخته؛ و این همان پیروزی آشکار است.» (* 16) _ اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف سازد! و اگر خیری به تو رساند، او بر همه چیز تواناست؛ (و از قدرت او، هرگونه نیکی ساخته است). (* 17) _ اوست که بر بندگان خود، قاهر و مسلط است؛ و اوست حکیم آگاه! (* 18) _ بگو: «بالاترین گواهی، گواهی کیست؟» (و خودت پاسخ بده و) بگو: «خداوند، گواه میان من و شماست؛ و (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم). آیا برآستی شما گواهی می دهید که معبودان دیگری با خداست؟!» بگو: «من هرگز چنین گواهی نمی دهم.» بگو: «اوست تنها معبود یگانه؛ و من از آنچه برای او شریک قرار می دهید، بیزارم!» (* 19) _ آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده ایم، بخوبی او [= پیامبر] را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند؛ فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده اند، ایمان نمی آورند. (* 20) _ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته [= همتایی برای او قائل شده]، و یا آیات او را تکذیب کرده است؟! مسلماً ظالمان، رستگار نخواهند شد! (* 21) _ آن روز که همه آنها را محشور می کنیم؛ سپس به مشرکان می گوئیم: «معبودهایتان، که همتای خدا می پنداشتید، کجایند؟» (چرا به یاری شما نمی شتابند؟! (* 22) _ سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می گویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم!» (* 23) _ بین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می گویند، و آنچه را بدروغ همتای خدا می پنداشتند، از دست می دهند! (* 24) _ پاره ای از آنها به (سخنان) تو، گوش فرامی دهند؛ ولی بر دلهای آنان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند؛ و در گوش آنها، سنگینی قرار داده ایم. و (آنها بقدری لجوجند که) اگر تمام نشانه های حق را ببینند، ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به سراغ تو می آیند که با تو پرخاشگری کنند، کافران می گویند: «اینها فقط افسانه های پیشینیان است!» (* 25) _ آنها دیگران را از آن بازمی دارند؛ و خود نیز از آن دوری می کنند؛ آنها جز خود را هلاک نمی کنند، ولی نمی فهمند! (* 26) _ کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده اند، ببینی! می گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده می شدیم، و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم، و از مؤمنان می بودیم! (* 27) _ (آنها در واقع پشیمان نیستند، بلکه اعمال و نیّاتی را که قبلاً پنهان می کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند؛ آنها دروغگو بمانند. (* 28) _ آنها گفتند: «چیزی جز این زندگی دنیای ما نیست؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» (* 29) _ اگر آنها را به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان ایستاده اند، ببینی! (به آنها) می گوید: «آیا این حق نیست؟» می گویند: «آری، قسم به پروردگارمان (حق است!)» می گوید: «پس مجازات را بجشید به سزای آنچه انکار

می کردید!» (* 30) آنها که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند؛ (و این تکذیب، ادامه می یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید؛ می گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می کشند؛ چه بد باری بر دوش خواهند داشت! (* 31) زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی اندیشید؟! (* 32) ما می دانیم که گفتار آنها، تو را غمگین می کند؛ ولی (غم مخور! و بدان که) آنها تو را تکذیب نمی کنند؛ بلکه ظالمان، آیات خدا را انکار می نمایند. (* 33) پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ و در برابر تکذیبها، صبر و استقامت کردند؛ و (در این راه، آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید. (تو نیز چنین باش! و این، یکی از سنتهای الهی است؛) و هیچ چیز نمی تواند سنن خدا را تغییر دهد؛ و اخبار پیامبران به تو رسیده است. (* 34) و اگر اعراض آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقی در زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری! (ولی بدان که این لجوجان، ایمان نمی آورند!) اما اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش! (* 35) تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند؛ اما مردگان (و آنها که روح انسانی را از دست داده اند، ایمان نمی آورند؛ و) خدا آنها را (در قیامت) برمی انگیزد؛ سپس به سوی او، بازمی گردند. (* 36) و گفتند: «چرا نشانه (و معجزه ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی شود؟!» بگو: «خداوند، قادر است که نشانه ای نازل کند؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند!» (* 37) هیچ جنبنده ای در زمین، و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه امتهایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارش محشور می گردند. (* 38) آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لالهایی هستند که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد)، گمراه می کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، بر راه راست قرار خواهد داد. (* 39) بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آید، یا رستخیز برپا شود، آیا (برای حل مشکلات خود،) غیر خدا را می خوانید اگر راست می گویند؟!» (* 40) (نه،) بلکه تنها او را می خوانید! و او اگر بخواهد، مشکلی را که بخاطر آن او را خوانده اید، برطرف می سازد؛ و آنچه را (امروز) همتای خدا قرار می دهید، (در آن روز) فراموش خواهید کرد. (* 41) ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند،) آنها را با شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید (بیدار شوند و در برابر حق،) خضوع کنند و تسلیم گردند! (* 42) چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد؛ و شیطان، هر کاری را که می کردند، در نظرشان زینت داد! (* 43) (آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملاً) خوشحال شدند (و دل به آن بستند)؛ ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مأیوس شدند؛ (و درهای امید به روی آنها بسته شد). (* 44) و (به این ترتیب،) دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است. (* 45) بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند، گوش و چشمهایتان را بگیرد، و بر دلهای شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، چه کسی جز خداست که آنها را به شما بدهد؟!» ببین چگونه آیات را به گونه های مختلف برای آنها شرح می دهیم، سپس آنها روی می گردانند! (* 46)

46_ بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب خدا بطور ناگهانی (و پنهانی) یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز جمعیتِ مستمکار هلاک می شوند؟!» (* 47_ ما پیامبران را، جز (به عنوان) بشارت دهنده و بیم دهنده، نمی فرستیم؛ آنها که ایمان بیاورند و (خویشترن را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (* 48_ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب (پروردگار) بخاطر نافرمانیها به آنان می رسد. (* 49_ بگو: «من نمی گویم خزاین خدا نزد من است؛ و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد،) از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی گویم من فرشته ام؛ تنها از آنچه به من وحی می شود پیروی می کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی اندیشید؟!» (* 50_ و به وسیله آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت کننده ای جز او [= خدا] ندارند؛ شاید پرهیزگاری پیشه کنند! (* 51_ و کسانی را که صبح و شام خدا را می خوانند، و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن! نه چیزی از حساب آنها بر توست، و نه چیزی از حساب تو بر آنها! اگر آنها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود! (* 52_ و این چنین بعضی از آنها را با بعضی دیگر آزمودیم (توانگران را بوسیله فقیران)؛ تا بگویند: «آیا اینها هستند که خداوند از میان ما (برگزیده، و) بر آنها منت گذارده (و نعمت ایمان بخشیده است؟!» آیا خداوند، شاکران را بهتر نمی شناسد؟! (* 53_ هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می شود چرا که) او آمرزنده مهربان است.» (* 54_ و این چنین آیات را بر می‌شمریم، (تا حقیقت بر شما روشن شود،) و راه گناهکاران آشکار گردد. (* 55_ بگو: «من از پرستش کسانی که غیر از خدا می خوانید، نهی شده ام!» بگو: «من از هوی و هوسهای شما، پیروی نمی کنم؛ اگر چنین کنم، گمراه شده ام؛ و از هدایت یافتگان نخواهم بود!» (* 56_ بگو: «من دلیل روشنی از پروردگارم دارم؛ و شما آن را تکذیب کرده اید! آنچه شما در باره آن (از نزول عذاب الهی) عجله دارید، به دست من نیست! حکم و فرمان، تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می کند، و او بهترین جداکننده (حق از باطل) است.» (* 57_ بگو: «اگر آنچه درباره آن عجله دارید نزد من بود، (و به درخواست شما ترتیب اثر می دادم، عذاب الهی بر شما نازل می گشت؛) و کار میان من و شما پایان گرفته بود؛ ولی خداوند ظالمان را بهتر می شناسد (و بموقع مجازات می کند.)» (* 58_ کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است. (* 59_ او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می گیرد؛ و از آنچه در روز کرده اید، با خبر است؛ سپس در روز شما را (از خواب) برمی انگیزد؛ و (این وضع همچنان ادامه می یابد) تا سرآمد معینی فرارسد؛ سپس بازگشت شما به سوی اوست؛ و سپس شما را از آنچه عمل می کردید، با خبر می سازد. (* 60_ او بر بندگان خود تسلط کامل دارد؛ و مراقبانی بر شما می گمارد؛ تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرارسد؛ (در این موقع،) فرستادگان ما جان او را می گیرند؛ و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان،) کوتاهی نمی کنند. (* 61_ سپس (تمام بندگان) به سوی خدا، که مولای حقیقی آنهاست، بازمی گردند. بدانید که حکم و داوری، مخصوص اوست؛ و او، سریعترین حسابگران است! (* 62_ بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا رهایی می بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می خوانید؛ (و می گویند:) اگر از این

(خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.» (* 63_ بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می دهید!» (* 64_ بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.» بین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می کنیم! شاید بفهمند (و بازگردند)! (* 65_ قوم و جمعیت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و انکار کردند، در حالی که حق است! (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار شما بر ایمان.» (* 66_ هر خیری (که خداوند به شما داده،) سرانجام قرارگاهی دارد، (و در موعد خود انجام میگیرد.) و بزودی خواهید دانست! (* 67_ هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین! (* 68_ و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آنها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنها بر ایشان نیست؛ ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوی پیشه کنند! (* 69_ و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته، و با این (قرآن)، به آنها یادآوری نما، تا گرفتار (عواقب شوم) اعمال خود نشوند! (و در قیامت) جز خدا، نه یآوری دارند، و نه شفاعت کننده ای! و (چنین کسی) هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد؛ آنها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده اند که خود انجام داده اند؛ نوشابه ای از آب سوزان برای آنهاست؛ و عذاب دردناکی بخاطر اینکه کفر می ورزیدند (و آیات الهی را انکار) می کردند. (* 70_ بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می کنند (و می گویند): به سوی ما بیا!» بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور دادیم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم. (* 71_ و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را برپا دارید! و از او بپرهیزید! و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.» (* 72_ اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و آن روز که (به هر چیز) می گوید: «موجود باش!» موجود می شود؛ سخن او، حق است؛ و در آن روز که در «صور» دمیده می شود، حکومت مخصوص اوست، از پنهان و آشکار با خبر است، و اوست حکیم و آگاه. (* 73_ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش] «آزر» گفت: «آیا بتهایی را معبودان خود انتخاب می کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم.» (* 74_ و این چنین، ملکوت آسمانها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند،) و اهل یقین گردد. (* 75_ هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟! اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم!» (* 76_ و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می شکافت، گفت: «این خدای من است؟! اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.» (* 77_ و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می شکافت، گفت: «این خدای من است؟! این (که از همه) بزرگتر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریکهای که شما (برای خدا) می سازید، بیزارم!» (* 78_ من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را

آفریده؛ من در ایمان خود خالصم؛ و از مشرکان نیستم! (* 79_ ولی قوم او = ابراهیم، با وی به گفتگو و ستیز پرداختند؛ گفت: «آیا درباره خدا با من گفتگو و ستیز می کنید؟! در حالی که خداوند، مرا با دلایل روشن هدایت کرده؛ و من از آنچه شما همتای (خدا) قرار می دهید، نمی ترسم (و به من زیانی نمی رسانند)؛ مگر پروردگارم چیزی را بخواهد! وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در برمی گیرد؛ آیا متذکر (و بیدار) نمی شوید؟! (* 80_ چگونه من از بت‌های شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است! (راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، شایسته تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می دانید؟! (* 81_ آری)، آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست؛ و آنها هدایت یافتگانند!» (* 82_ اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم! درجات هر کس را بخواهیم (و شایسته بدانیم)، بالا می بریم؛ پروردگار تو، حکیم و داناست. (* 83_ و اسحاق و یعقوب را به او = ابراهیم [بخشیدیم؛ و هر دو را هدایت کردیم؛ و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم؛ و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم)؛ این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (* 84_ و (همچنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را؛ همه از صالحان بودند. (* 85_ و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را؛ و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (* 86_ و از پدران و فرزندان و برادران آنها (فردای را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست، هدایت نمودیم. (* 87_ این، هدایت خداست؛ که هر کس از بندگان خود را بخواهد با آن راهنمایی می کند! و اگر آنها مشرک شوند، اعمال (نیکی) که انجام داده اند، نابود می گردد (و نتیجه ای از آن نمی گیرند). (* 88_ آنها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنان دادیم؛ و اگر (بفرض) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی ماند؛ زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند. (* 89_ آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن! (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی از شما نمی طلبم! این (رسالت)، چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست! (این وظیفه من است)» (* 90_ آنها خدا را درست نشناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است!» بگو: «چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ اما شما) آن را بصورت پراکنده قرار می دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می دارید؛ و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن با خبر نبودید!» بگو: «خدا!» سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت آمیزشان رها کن، تا بازی کنند! (* 91_ و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ کتابی است پربرکت، که آنچه را پیش از آن آمده، تصدیق می کند؛ (آن را فرستادیم تا مردم را به پادشاهای الهی، بشارت دهی،) و تا (اهل) امّ القری = مکه [و کسانی را که گرد آن هستند، بترسانی! (یقین بدان) آنها که به آخرت ایمان دارند، و به آن ایمان می آورند؛ و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند! (* 92_ چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی فرستاده شده»، در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل می کنم»؟! و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شادید مرگ فرو رفته اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده ای خواهید دید!» (به حال آنها تأسف خواهی خورد) (* 93_ و (روز قیامت به آنها گفته می شود): همه شما تنها به سوی ما بازگشت نمودید، همان گونه که روز اول شما را آفریدیم! و

آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سر گذاریدید! و شفیعانی را که شریک در شفاعت خود می پنداشتید، با شما نمی بینیم! پیوندهای شما بریده شده است؛ و تمام آنچه را تکیه گاه خود تصور می کردید، از شما دور و گم شده اند! (*)

94_ خداوند، شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده خارج می سازد، و مرده را از زنده بیرون می آورد؛ این است خدای شما! پس چگونه از حق منحرف می شوید؟! (*) 95_ او شکافنده صبح است؛ و شب را مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است؛ این، اندازه گیری خداوند توانای داناست! (*) 96_ او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکیهای خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه های خود را برای کسانی که می دانند، (و اهل فکر و اندیشه اند) بیان داشتیم! (*) 97_ او کسی است که شما را از یک نفس آفرید! و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند، تشریح نمودیم! (*) 98_ او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم؛ و از آن، ساقه ها و شاخه های سبز، خارج ساختیم؛ و از آنها دانه های مترکم، و از شکوفه نخل، شکوفه هایی با رشته های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغهایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی شباهت! هنگامی که میوه می دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است! (*) 99_ آنان برای خدا همتیانی از جن قرار دادند، در حالی که خداوند همه آنها را آفریده است؛ و برای خدا، به دروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی ساختند؛ منزّه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می کنند! (*) 100_ او پدید آورنده آسمانها و زمین است؛ چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد؟! حال آنکه همسری نداشته، و همه چیز را آفریده؛ و او به همه چیز داناست. (*) 101_ (آری)، این است پروردگار شما! هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار همه چیز است؛ او را بیرستید و او نگهبان و مدبر همه موجودات است. (*) 102_ چشمها او را نمی بینند؛ ولی او همه چشمها را می بیند؛ و او بخشنده (انواع نعمتها، و با خبر از دقائق موجودات)، و آگاه (از همه) چیز است. (*) 103_ دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم بیوشد، به زیان خودش می باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی کنم) (*) 104_ و اینچنین آیات (خود) را تشریح می کنیم؛ بگذار آنها بگویند: «تو درس خوانده ای (و آنها را از دیگری آموخته ای)»! می خواهیم آن را برای کسانی که آماده درک حقایقند، روشن سازیم. (*) 105_ از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن! هیچ معبودی جز او نیست! و از مشرکان، روی بگردان! (*) 106_ اگر خدا می خواست، (همه به اجبار ایمان می آوردند)، و هیچ یک مشرک نمی شدند؛ و ما تو را مسؤول (اعمال) آنها قرار نداده ایم؛ و وظیفه نداری آنها را (به ایمان) مجبور سازی! (*) 107_ (به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد). (*) 108_ یا نهایت اصرار، به خدا سوگند یاد کردند که اگر نشانه ای [معجزه ای] برای آنان بیاید، حتماً به آن ایمان می آورند؛ بگو: «معجزات فقط از سوی خداست (و در اختیار من نیست که به میل شما معجزه ای بیاورم)؛ و شما از کجا می دانید که هرگاه معجزه ای بیاید (ایمان می آورند؟ خیر)، ایمان نمی آورند!» (*) 109_ و ما دلها و چشمهای آنها را واژگونه می سازیم؛ (آری آنها ایمان نمی آورند) همان گونه که در آغاز، به آن ایمان نیاوردند! و آنان را در حال

طغیان و سرکشی، به خود وامی گذاریم تا سرگردان شوند! (*) 110_ (و حتّی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می کردیم، و مردگان با آنان سخن می گفتند، و همه چیز را در برابر آنها جمع می نمودیم، هرگز ایمان نمی آوردند؛ مگر آنکه خدا بخواهد! ولی بیشتر آنها نمی دانند! (*) 111_ اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جنّ قرار دادیم؛ آنها بطور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می گفتند؛ و اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند؛ (و می توانست جلو آنها را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار! (*) 112_ نتیجه (وسوسه های شیطان و تبلیغات شیطان صفتان) این خواهد شد که دل‌های منکران قیامت، به آنها متمایل گردد؛ و به آن راضی شوند؛ و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند! (*) 113_ (با این حال)، آیا غیر خدا را به داوری طلبیم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده ایم می دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده؛ بنابر این از تردیدکنندگان مباش! (*) 114_ و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید؛ هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست. (*) 115_ اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می زنند. (*) 116_ پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه گشته اند، آگاهتر است؛ و همچنین از کسانی که هدایت یافته اند. (*) 117_ از (گوشت) آنچه نام خدا (هنگام سر بریدن) بر آن گفته شده، بخورید (و غیر از آن نخورید) اگر به آیات او ایمان دارید! (*) 118_ چرا از چیزها [= گوشتها]ی که نام خدا بر آنها برده شده نمی خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است! مگر اینکه ناچار باشید؛ (که در این صورت، خوردن از گوشت آن حیوانات جایز است.) و بسیاری از مردم، به خاطر هوی و هوس و بی دانشی، (دیگران را) گمراه می سازند؛ و پروردگارت، تجاوزکاران را بهتر می شناسد. (*) 119_ گناهان آشکار و پنهان را رها کنید! زیرا کسانی که گناه می کنند، بزودی در برابر آنچه مرتکب می شدند، مجازات خواهند شد. (*) 120_ و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! این کار گناه است؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛ اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود! (*) 121_ آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمتها باشد و از آن خارج نگردد؟! این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است. (*) 122_ و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم؛ (افرادی که همه گونه قدرت در اختیارشان گذاردیم؛ اما آنها سوء استفاده کرده، و راه خطا پیش گرفتند؛) و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند؛ ولی تنها خودشان را فریب می دهند و نمی فهمند! (*) 123_ و هنگامی که آیه ای برای آنها بیاید، می گویند: «ما هرگز ایمان نمی آوریم، مگر اینکه همانند چیزی که به پیامبران خدا داده شده، به ما هم داده شود!» خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد! بزودی کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را از راه حق منحرف ساختند)، در مقابل مکر (و فریب و نیرنگی) که می کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا، و عذاب شدید خواهند شد. (*) 124_ آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می سازد؛ و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آنچنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود؛ این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی

آوردند قرار می دهد! (*) 125_ و این راه مستقیم (و سنت جاویدان) پروردگار توست؛ ما آیات خود را برای کسانی که پند می گیرند، بیان کردیم! (*) 126_ برای آنها (در بهشت) خانه امن و امان نزد پروردگارشان خواهد بود؛ و او، ولی و یاور آنهاست بخاطر اعمال (نیکی) که انجام می دادند. (*) 127_ در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور میسازد، (می گوید:) ای جمعیت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می گویند: «پروردگارا! هر یک از ما دو گروه = پیشوایان و پیروان گمراه [از دیگری استفاده کردیم؛ (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما حکومت کردند؛) و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند) می گوید: «آتش جایگاه شماسست؛ جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد» پروردگار تو حکیم و داناست. (*) 128_ ما این گونه بعضی از ستمگران را به بعضی دیگر وامی گذاریم به سبب اعمالی که انجام می دادند. (*) 129_ (در آن روز به آنها می گوید:) ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟! آنها می گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می دهیم؛ (آری،) ما بد کردیم!» و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد؛ و به زیان خود گواهی می دهند که کافر بودند! (*) 130_ این بخاطر آن است که پروردگارت هیچ گاه (مردم) شهرها و آبادیها را بخاطر ستمهایشان در حال غفلت و بی خبری هلاک نمی کند. (بلکه قبلاً رسولانی برای آنها می فرستد.) (*) 131_ و برای هر یک (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند؛ و پروردگارت از اعمالی که انجام می دهند، غافل نیست. (*) 132_ پروردگارت بی نیاز و مهربان است؛ (پس به کسی ستم نمی کند؛ بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می گیرند؛) اگر بخواهد، همه شما را می برد؛ سپس هر کس را بخواهد جانشین شما می سازد؛ همان طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد. (*) 133_ آنچه به شما وعده داده می شود، یقیناً می آید؛ و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از عدالت و کيفر او فرار کنید)! (*) 134_ بگو: «ای قوم من! هر کار در قدرت دارید بکنید! من (هم به وظیفه خود) عمل می کنم؛ اما بزودی خواهید دانست چه کسی سرانجام نیک خواهد داشت (و پیروزی با چه کسی است! اما) به یقین، ظالمان رستگار نخواهند شد!» (*) 135_ آنها = مشرکان [سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند؛ (و سهمی برای بتها!) و بگمان خود گفتند: «این مال خداست! و این هم مال شرکای ما = یعنی بتها] است!» آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی رسید؛ ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می رسید! (آری، اگر سهم بتها با کمبودی مواجه می شد، مال خدا را به بتها می دادند؛ اما عکس آن را مجاز نمی دانستند!) چه بد حکم می کنند (که علاوه بر شرک، حتی خدا را کمتر از بتها می دانند)! (*) 136_ همین گونه شرکای آنها = بتها، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند؛ (کودکان خود را قربانی بتها می کردند، و افتخار می نمودند!) سرانجام آنها را به هلاکت افکندند؛ و آیینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر خدا می خواست، چنین نمی کردند؛ (زیرا می توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن)! (*) 137_ و گفتند: «این قسمت از چهارپایان و زراعت (که مخصوص بتهاست، برای همه) ممنوع است؛ و جز کسانی که ما بخواهیم - به گمان آنها - نباید از آن بخورند! و (اینها) چهارپایانی است که سوارشدن بر آنها (بر ما) حرام شده است!» و (نیز) چهارپایانی (بود) که (هنگام ذبح،) نام خدا را بر آن نمی بردند، و به خدا دروغ می بستند؛ (و می گفتند: «این احکام، همه از ناحیه اوست.») بزودی (خدا) کيفر افتراهای آنها را می دهد! (*) 138_ و گفتند: «آنچه (از بچّه) در

شکم این حیوانات است، مخصوص مردان ماست؛ و بر همسران ما حرام است! اما اگر مرده باشد [= مرده متولد شود]، همگی در آن شریکند.» بزودی (خدا) کیفر این توصیف (و احکام دروغین) آنها را می دهد؛ او حکیم و داناست. (*)

139_ به یقین آنها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند؛ و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند؛ و (هرگز) هدایت نیافته بودند. (*) 140_ اوست که باغهای معروش [= باغهایی که درختانش روی داربست ها قرار دارد]، و باغهای غیرمعروش [= باغهایی که نیاز به داربست ندارد] را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارند؛ (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می باشد.) از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد! (*) 141_ (او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید؛ از آنچه به شما روزی داده است، بخورید! و از گامهای شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست! (*) 142_ هشت جفت از چهارپایان (برای شما) آفرید؛ از میوه دو جفت، و از بز دو جفت؛ بگو: «آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده، یا ماده ها را؟ یا آنچه شکم ماده ها در بر گرفته؟ اگر راست می گویند (و بر تحریم اینها دلیلی دارید)، به من خبر دهید!» (*) 143_ و از شتر یک جفت، و از گاو هم یک جفت (برای شما آفرید)؛ بگو: «کدامیک از اینها را خدا حرام کرده است؟ نرها یا ماده ها را؟ یا آنچه را شکم ماده ها دربر گرفته؟ یا هنگامی که خدا شما را به این موضوع توصیه کرد، شما گواه (بر این تحریم) بودید؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد، تا مردم را از روی جهل گمراه سازد؟! خداوند هیچ گاه ستمگران را هدایت نمی کند» (*) 144_ بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک - که اینها همه پلیدند - یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بریدن، نام غیر خدا [= نام بتها] بر آن برده شده است.» اما کسی که مضطر (به خوردن این محرمات) شود، بی آنکه خواهان لذت باشد و یا زیاده روی کند (گاهی بر او نیست)؛ زیرا پروردگارت، آمرزنده مهربان است. (*) 145_ و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار [= حیواناتی که سم یکپارچه دارند] را حرام کردیم؛ و از گاو و گوسفند، پیه و چربیشان را بر آنان تحریم نمودیم؛ مگر چربیایی که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوها، و یا آنها که با استخوان آمیخته است؛ این را بخاطر ستمی که می کردند به آنها کیفر دادیم؛ و ما راست می گوئیم. (*) 146_ اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده ای دارد؛ اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست! (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است) (*) 147_ بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می گویند: «اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شدیم و نه پدران ما؛ و نه چیزی را تحریم می کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می گفتند؛ و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید، و تخمینهای نابجا می زنید.» (*) 148_ بگو: «دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه ای باقی نمی گذارد). و اگر او بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می کند. (ولی چون هدایت اجباری بی ثمر است، این کار را نمی کند.)» (*) 149_ بگو: «گواهان خود را، که گواهی می دهند خداوند اینها را حرام کرده است، بیاورید!» اگر آنها (بدروغ) گواهی دهند، تو با آنان

(همصدا نشو!) و گواهی نده! و از هوی و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای خدا شریک قائلند، پیروی مکن! (*) 150_ بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم؛ اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید! (*) 151_ و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانه و وزن را بعدالت ادا کنید! -هیچ کس را، جز بمقدار توانایش، تکلیف نمی کنیم - و هنگامی که سخنی می گوید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکر شوید! (*) 152_ این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» (*) 153_ سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ (و نعمت خود را) بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کردیم؛ و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود، در آن) روشن ساختیم؛ کتابی که مایه هدایت و رحمت بود؛ شاید به لقای پروردگارشان (و روز رستاخیز)، ایمان بیاورند! (*) 154_ و این کتابی است پر برکت، که ما (بر تو) نازل کردیم؛ از آن پیروی کنید، و پرهیزگاری پیشه نمائید، باشد که مورد رحمت (خدا) قرار گیرید! (*) 155_ (ما این کتاب را با این امتیازات نازل کردیم) تا نگوئید: «کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه پیش از ما [= یهود و نصاری] نازل شده بود؛ و ما از بحث و بررسی آنها بی خبر بودیم!» (*) 156_ یا نگوئید: «اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، از آنها هدایت یافته تر بودیم!» اینک آیات و دلایل روشن از جانب پروردگارتان، و هدایت و رحمت برای شما آمد! پس، چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده، و از آن روی گردانده است؟! اما بزودی کسانی را که از آیات ما روی می گردانند، بخاطر همین اعراض بی دلیلشان، مجازات شدید خواهیم کرد! (*) 157_ آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: «اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید، انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شما را) می کشیم!» (*) 158_ کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام می دادند، با خبر می کند. (*) 159_ هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد. (*) 160_ بگو: «پروردگام مرا به راه راست هدایت کرده؛ آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا)؛ آیین ابراهیم؛ که از آیینهای خرافی روی برگرداند؛ و از مشرکان نبود.» (*) 161_ بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. (*) 162_ همتایی برای او نیست؛ و به همین مأمور شده ام؛ و من نخستین مسلمانم!» (*) 163_ بگو: «آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟! هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی دهد؛ و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمل نمی شود؛ سپس

بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است؛ و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، خبر خواهد داد. (* 164_ و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می دهد؛ و نسبت به حق پویان مهربان است. (* 165_

(سوره اعراف)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

المص (* 1_ این کتابی است که بر تو نازل شده؛ و نباید از ناحیه آن، ناراحتی در سینه داشته باشی! تا به وسیله آن، (مردم را از عواقب سوء عقاید و اعمال نادرستشان) بیم دهی؛ و تذکری است برای مؤمنان. (* 2_ از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکر می شوید! (* 3_ چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم! و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. (* 4_ و در آن موقع که عذاب ما به سراغ آنها آمد، سخنی نداشتند جز اینکه گفتند: «ما ظالم بودیم!» (ولی این اعتراف به گناه، دیگر دیر شده بود؛ و سودی به حالشان نداشت.) (* 5_ به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد؛ (و هم) از پیامبران سؤال می کنیم! (* 6_ و مسلماً (اعمالشان را) با علم (خود) برای آنان شرح خواهیم داد؛ و ما هرگز غایب نبودیم (بلکه همه جا حاضر و ناظر اعمال بندگان هستیم)! (* 7_ وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است! کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند! (* 8_ و کسانی که میزانهای (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، بخاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می کردند، از دست داده اند. (* 9_ ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم؛ اما کمتر شکرگزاری می کنید! (* 10_ ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خضوع کنید!» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. (* 11_ (خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل!» (* 12_ گفت: «از آن (مقام و مرتبه ات) فرود آی! تو حق نداری در آن (مقام و مرتبه) تکبر کنی! بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی!» (* 13_ گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند مهلت ده (و زنده بگذار!)» (* 14_ فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!» (* 15_ گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم!» (* 16_ سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم؛ و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!» (* 17_ فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد می کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می کنم!» (*

18_ و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! اما به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!» (* 19_ سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» (* 20_ و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم. (* 21_ و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [= عورتشان] بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» (* 22_ گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!» (* 23_ فرمود: «(از مقام خویش،) فرود آید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر، دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره گیری تا زمان معینی خواهد بود.» (* 24_ فرمود: «در آن [= زمین] زنده می شوید؛ و در آن می میرید؛ و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد.» (* 25_ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمتهای او) شوند!» (* 26_ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از نشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید؛ (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند!» (* 27_ و هنگامی که کار زشتی انجام می دهند می گویند: «پدران خود را بر این عمل یافتیم؛ و خداوند ما را به آن دستور داده است!» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟!» (* 28_ بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی گردید!» (* 29_ جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته اند،) گمراهی بر آنها مسلّم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می کنند هدایت یافته اند!» (* 30_ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد!» (* 31_ بگو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده اند؛ (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم!» (* 32_ بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و ستم بناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید.» (* 33_ برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است؛ و هنگامی که سرآمد آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می کنند، و نه بر آن پیشی می گیرند.» (* 34_ ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید؛) کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در

اصلاح خویش و دیگران بکشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می شوند. (* 35) و آنها که آیات ما را تکذیب کنند، و در برابر آن تکبر ورزند، اهل دوزخند؛ جاودانه در آن خواهند ماند. (* 36) چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ می بندند، یا آیات او را تکذیب می کنند؟! آنها نصیبشان را از آنچه مقدر شده (از نعمتها و مواهب این جهان) می برند؛ تا زمانی که فرستادگان ما [= فرشتگان قبض ارواح] به سراغشان روند و جانشان را بگیرند؛ از آنها می پرسند: «کجا این معبودهایی که غیر از خدا می خواندید؟! (چرا به یاری شما نمی آیند؟!))» می گویند: «آنها (همه) گم شدند (و از ما دور گشتند!)» و بر ضدّ خود گواهی می دهند که کافر بودند! (* 37) (خداوند به آنها) می گوید: «در صفّ گروه های مشابه خود از جنّ و انس در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می شوند، گروه دیگر را لعن می کنند؛ تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می گویند: «خداوند! اینها بودند که ما را گمراه ساختند؛ پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.)» می فرماید: «برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است؛ ولی نمی دانید! (چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی بر اغوای مردم نداشتند.)» (* 38) و پیشوایان آنها به پیروان خود می گویند: «شما امتیازی بر ما نداشتید؛ پس بچشید عذاب (الهی) را در برابر آنچه انجام می دادید! (* 39) کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی شود؛ و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می دهیم! (* 40) برای آنها بستری از (آتش) دوزخ، و روی آنها پوششهایی (از آن) است؛ و اینچنین ظالمان را جزا میدهیم! (* 41) و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند -البته هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کنیم- آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (* 42) و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند، برمی کنیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند)؛ و از زیر (قصرها و درختان) آنها، نهرها جریان دارد؛ می گویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم! مسلماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند!» و (در این هنگام) به آنان ندا داده می شود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید!» (* 43) و بهشتیان دوزخیان را صدا می زنند که: «آنچه را پروردگاران ما به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم؛ آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟!» در این هنگام، ندادهنده ای در میان آنها ندا می دهد که: «لعنت خدا بر ستمگران باد! (* 44) همانها که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند، و (با القای شبهات) می خواهند آن را کج و معوج نشان دهند؛ و آنها به آخرت کافرند!» (* 45) و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره شان می شناسند؛ و به بهشتیان صدا می زنند که: «درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی شوند، در حالی که امید آن را دارند. (* 46) و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» (* 47) و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: «دیدید که گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبرهای شما، به حالتان سودی نداد!» (* 48) آیا اینها [= این واماندگان بر اعراف] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید؛ هم اکنون به آنها گفته می شود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می

شوید! (*) 49_ و دوزخیان، بهشتیان را صدا می زند که: «محبّت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) می گویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است!» (*) 50_ همانها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند؛ و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت؛ امروز ما آنها را فراموش می کنیم، همان گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند. (*) 51_ ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می آورند. (*) 52_ آیا آنها جز انتظار تأویل آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرارسد، (کار از کار گذشته، و پشیمانی سودی ندارد؛ و) کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می گویند: «فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا (امروز) شفیعی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا (به ما اجازه داده شود به دنیا) بازگردیم، و عملی غیر از آنچه انجام می دادیم، انجام دهیم؟! (ولی) آنها سرمایه وجود خود را از دست داده اند؛ و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان بگم می شوند. (نه راه بازگشتی دارند، و نه شفیعی!) (*) 53_ پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (برده تاریک) شب، روز را می پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (*) 54_ پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرع، و در پنهانی، بخوانید! (و از تجاوز، دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد! (*) 55_ و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسؤولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است! (*) 56_ او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد؛ تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می فرستیم؛ و به وسیله آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می کنیم؛ و با آن، از هرگونه میوه ای (از خاک تیره) بیرون می آوریم؛ این گونه (که زمینهای مرده را زنده کردیم)، مردگان را (نیز در قیامت) زنده می کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید! (*) 57_ سرزمین پاکیزه 0 و شیرین، گیاهش به فرمان پروردگار می روید؛ اما سرزمینهای بد طینت (و شوره زار)، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید؛ این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می کنیم! (*) 58_ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ او به آنان گفت: «ای قوم من! (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! (و اگر غیر او را عبادت کنید،) من بر شما از عذاب روز بزرگی می ترسم!» (*) 59_ (ولی) اشراف قومش به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم!» (*) 60_ گفت: «ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست؛ ولی من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم!» (*) 61_ رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم؛ و خیرخواه شما هستم؛ و از خداوند چیزهایی می دانم که شما نمی دانید. (*) 62_ آیا تعجب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و (در پرتو این دستور)، پرهیزگاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید؟ (*) 63_ اما سرانجام او را تکذیب کردند؛ و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند، رهایی بخشیدیم؛ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم؛ چه اینکه آنها گروهی نابینا (و کوردل) بودند. (*) 64_ و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها)

خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی کنید؟!» (* 65_ اشراف کافر قوم او گفتند: «ما تو را در سفاقت (و نادانی و سبک مغزی) می بینیم، و ما مسلماً تو را از دروغگویان می دانیم!» (* 66_ گرفت: «ای قوم من! هیچ گونه سفاقتی در من نیست؛ ولی فرستاده ای از طرف پروردگار جهانیانم. (* 67_ رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم؛ و من خیرخواه امینی برای شما هستم. (* 68_ آیا تعجب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمنتان دهد؟! و به یاد آورید هنگامی که شما را جاننشینان قوم نوح قرار داد؛ و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد؛ پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!» (* 69_ گفتند: «آیا به سراغ ما آمده ای که تنها خدای یگانه را بیرستیم، و آنچه را پدران ما می پرستند، رها کنیم؟! پس اگر راست می گویی آنچه را (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده می دهی، بیاور!» (* 70_ گفت: «پلیدی و غضب پروردگارتان، شما را فرا گرفته است! آیا با من در مورد نامهایی مجادله می کنید که شما و پدرانتان 0 بعنوان معبود و خدا، بر آنها) گذارده اید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟! پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می کشم!» (شما انتظار شکست من، و من انتظار عذاب الهی برای شما!)» (* 71_ سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، برحمت خود نجات بخشیدیم؛ و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم!» (* 72_ و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بیرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه ای است؛ او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت!» (* 73_ و به خاطر بیاورید که شما را جاننشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید؛ و در کوه ها، برای خود خانه ها می تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!» (* 74_ ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگار فرستاده شده است؟!» آنها گفتند: «ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده ایم.» (* 75_ متکبران گفتند: (ولی) ما به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، کافریم!» (* 76_ سپس «ناقه» را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند؛ و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه ما را با آن تهدید می کنی، بیاور!» (* 77_ سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان، (تنها) جسم بی جانشان در خانه هاشان باقی مانده بود. (* 78_ صالح) از آنها روی برتافت؛ و گفت: «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!» (* 79_ و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! (* 80_ آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید!» (* 81_ ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می طلبند (و با ما همصدا نیستند!)» (* 82_ (چون کار به اینجا رسید،) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش، که از بازماندگان (در شهر) بود. (* 83_ و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد!» (* 84_ و به سوی

مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بیرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنا بر این، حق پیمانہ و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نگاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!» (* 85) و بر سر هر راه ننشینید که (مردم با ایمان را) تهدید کنید و مؤمنان را از راه خدا باز دارید، و با (القای شبهات)، آن را کج و معوج نشان دهید! و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید، و او شما را فزونی داد! و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود! (* 86) و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده ام ایمان آورده اند، و گروهی ایمان نیاورده اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است! (* 87) اشراف زورمند و متکبر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» گفت: «آیا (می خواهید ما را بازگردانید) اگر چه ما یل نباشیم؟! (* 88) اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته ایم؛ و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواهد؛ علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی!» (* 89) اشراف زورمند از قوم او که کافر شده بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، شما هم زیانکار خواهید شد!» (* 90) سپس زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان بصورت اجساد بی جان در خانه هاشان مانده بودند. (* 91) آنها که شعیب را تکذیب کردند، (آنچنان نابود شدند که) گویا هرگز در آن (خانه ها) سکونت نداشتند! آنها که شعیب را تکذیب کردند، زیانکار بودند! (* 92) سپس از آنان روی برتافت و گفت: «ای قوم من! من رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛ با این حال، چگونه بر حال قوم بی ایمان تأسف بخورم؟!» (* 93) و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند! (* 94) سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم؛ آنچنان که فزونی گرفتند، (و همه گونه نعمت و برکت یافتند، و مغرور شدند، و گفتند: «تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؛) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید.» چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی فهمیدند. (* 95) و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. (* 96) آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید در حالی که در خواب باشند؟! (* 97) آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟! (* 98) آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی دانند! (* 99) آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می شوند، عبرت نمی گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاک می کنیم، و بر دلهایشان مهر می نهیم تا (صدای حق را) نشنوند؟! (* 100) اینها، شهرها و آبادیهایی است که قسمتی از اخبار آن را برای تو شرح می دهیم؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند؛ (ولی آنها چنان لجوج بودند که) به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، ایمان نمی آوردند! این گونه خداوند بر دلهای کافران مهر می نهد (و بر اثر لجاجت و ادامه

گناه، حس تشخیصشان را سلب می کند!) (* 101_ و بیشتر آنها را بر سر پیمان خود نیافتیم؛ (بلکه) اکثر آنها را فاسق و گنهکار یافتیم! (* 102_ سپس بدنبال آنها = پیامبران پیشین [موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم؛ اما آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. بین عاقبت مفسدان چگونه بود! (* 103_ و موسی گفت: «ای فرعون! من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (* 104_ سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده ام؛ پس بنی اسرائیل را با من بفرست!» (* 105_ فرعون) گفت: «اگر نشانه ای آورده ای، نشان بده اگر از راستگویی!» (* 106_ موسی) عصای خود را افکند؛ ناگهان ازدهای آشکاری شد! (* 107_ و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد؛ سفید (و درخشان) برای بینندگان بود! (* 108_ اطرافیان فرعون گفتند: «بی شک، این ساحری ماهر و دانا است! (* 109_ می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ (نظر شما چیست، و) در برابر او چه دستوری دارید؟» (* 110_ (سپس به فرعون) گفتند: «(کار) او و برادرش را به تأخیر انداز، و جمع آوری کنندگان را به همه شهرها بفرست... (* 111_ تا هر ساحر دانا (و کارآموده ای) را به خدمت تو بیاورند!» (* 112_ ساحران نزد فرعون آمدند و گفتند: «آیا اگر ما پیروز گردیم، اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟!» (* 113_ گفت: «آری، و شما از مقربان خواهید بود!» (* 114_ (روز مبارزه فرا رسید. ساحران) گفتند: «ای موسی! یا تو (وسایل سحر را) بیفکن، یا ما می افکنیم!» (* 115_ گفت: «شما بیفکنید!» و هنگامی (که وسایل سحر خود را) افکندند، مردم را چشم بندی کردند و ترساندند؛ و سحر عظیمی پدید آوردند. (* 116_ (ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن!» ناگهان (بصورت مار عظیمی در آمد که) وسایل دروغین آنها را بسرعت برمی گرفت. (* 117_ (در این هنگام،) حق آشکار شد؛ و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت. (* 118_ و در آنجا (همگی) مغلوب شدند؛ و خوار و کوچک گشتند. (* 119_ و ساحران (بی اختیار) به سجده افتادند. (* 120_ و گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛ (* 121_ پروردگار موسی و هارون!» (* 122_ فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه ای است که در این شهر (و دیار) چیده اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی خواهید دانست! (* 123_ سوگند می خورم که دستها و پاهای شما را بطور مخالف = دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست [قطع می کنم؛ سپس همگی را به دار می آویزم! (* 124_ (ساحران) گفتند: «(مهم نیست)، ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم!» (* 125_ انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش - هنگامی که به سراغ ما آمد - ایمان آوردیم. بار الها! صبر و استقامت بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیبائی را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!» (* 126_ و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!» گفت: «بزودی پسرانشان را می کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می داریم (تا به ما خدمت کنند)؛ و ما بر آنها کاملاً مسلطیم!» (* 127_ موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!» (* 128_ گفتند: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدن نیز آزار می بینیم!» (کی این آزارها سر خواهد آمد؟)» گفت: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، و بنگرد چگونه عمل می کنید!» (* 129_ و ما نزدبکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردند!

(* 130_ (اما آنها نه تنها پند نگرفتند، بلکه) هنگامی که نیکی (و نعمت) به آنها می رسید، می گفتند: «بخاطر خود ماست.» ولی موقعی که بدی (و بلا) به آنها می رسید، می گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست!» آگاه باشید سرچشمه همه اینها، نزد خداست؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند! (* 131_ و گفتند: «هر زمان نشانه و معجزه ای برای ما بیاوری که سحرمان کنی، ما به تو ایمان نمی آوریم!» (* 132_ سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم: طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه ها و خون را -که نشانه هایی از هم جدا بودند- بر آنها فرستادیم؛ (ولی باز بیدار نشدند، و) تکبر ورزیدند، و جمعیت گنهکاری بودند! (* 133_ هنگامی که بلا بر آنها مسلط می شد، می گفتند: «ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند! اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، قطعاً به تو ایمان می آوریم، و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد!» (* 134_ اما هنگامی که بلا را، پس از مدت معینی که به آن می رسیدند، از آنها برمی داشتیم، پیمان خویش را می شکستند! (* 135_ سرانجام از آنها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم؛ زیرا آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند. (* 136_ و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم؛ و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت؛ و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای مجلل) می ساختند، و آنچه از باغهای داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم! (* 137_ و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بتهایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاهل و نادان هستید! (* 138_ اینها (را که می بینید)، سرانجام کارشان نابودی است؛ و آنچه انجام می دهند، باطل (و بیهوده) است. (* 139_ (سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، معبودی برای شما بطلبیم؟! خدایی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد!» (* 140_ (به خاطر بیاورید) زمانی را که از (جنگال) فرعونیان نجاتتان بخشیدیم! آنها که پیوسته شما را شکنجه می دادند، پسرانتان را می کشتند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از سوی خدا برای شما بود. (* 141_ و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!» (* 142_ و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید!» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض کرد: «خداوندا! منزهی تو (از اینکه با چشم تو را ببینم)! من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنانم!» (* 143_ (خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالتهای خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده ام بگیر و از شکرگزاران باش!» (* 144_ و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم؛ و بیانی از هر چیز کردیم -«پس آن را با جدیت بگیر! و به قوم خود بگو: به نیکوترین آنها عمل کنند! (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است؛) و بزودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد!» (* 145_ بزودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبر می ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می سازم! آنها

چنانند که اگر هر آیه و نشانه ای را ببینند، به آن ایمان نمی آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می کنند! (همه اینها) بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند! (*) 146_ و کسانی که آیات، و دیدار رستاخیز را تکذیب (و انکار) کنند، اعمالشان نابود می گردد؛ آیا جز آنچه را عمل می کردند پاداش داده می شوند؟! (*) 147_ قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله ای ساختند؛ جسد بی جانی که صدای گوساله داشت! آیا آنها نمی دیدند که با آنان سخن نمی گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند! (*) 148_ و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد، و دیدند گمراه شده اند، گفتند: «اگر پروردگاران به ما رحم نکنند، و ما را نیامرزند، بطور قطع از زیانکاران خواهیم بود!» (*) 149_ و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)! آیا درمورد فرمان پروردگارتان (و تمدید مدت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید؟!))» سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید؛ او گفت: «فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شمات کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده!» (*) 150_ (موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیمارز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربانترین مهربانانی!» (*) 151_ کسانی که گوساله را (معبود خود) قرار دادند، بزودی خشم پروردگارشان، و ذلت در زندگی دنیا به آنها می رسد؛ و اینچنین، کسانی را که (بر خدا) افترا می بندند، کیفر می دهیم! (*) 152_ و آنها که گناه کردند، و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، (امید عفو او را دارند؛ زیرا) پروردگار تو، در پی این کار، آمرزنده و مهربان است. (*) 153_ هنگامی که خشم موسی فرو نشست؛ الواح (تورات) را برگرفت؛ و در نوشته های آن، هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند). (*) 154_ موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید؛ و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت (و هلاک شدند)، گفت: «پروردگارا! اگر می خواستی، می توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده اند، (مجازات و) هلاک می کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست؛ که هر کس را بخواهی (و مستحق بدانی)، به وسیله آن گمراه می سازی؛ و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می کنی! تو ولیّ مایی، و ما را بیمارز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی!» (*) 155_ و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما؛ چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده ایم!» (خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت: «مجازاتم را به هر کس بخواهم می رسانم؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر خواهم داشت!» (*) 156_ همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیار پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند. (*) 157_ بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و می میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیامبر درس نخوانده ای

که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید!» (* 158) - و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند؛ و به حق و عدالت حکم می نمایند. (* 159) - ما آنها را به دوازده گروه - که هر یک شاخه ای (از دودمان اسرائیل) بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن!» ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست؛ آنچنان که هر گروه، چشمه و آبشخور خود را می شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم؛ و بر آنها «مَن» و «سَلوی» فرستادیم؛ (و به آنان گفتیم:) از روزهای پاکیزه ای که به شما داده ایم، بخورید! (و شکر خدا را بجا آورید! آنها نافرمانی و ستم کردند؛ ولی) به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می نمودند. (* 160) - و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر [= بیت المقدس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن بخورید (و بهره گیرید)! و بگوئید: خداوند! گناهان ما را بریز! و از در (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید! که اگر چنین کنید، گناهان شما را می بخشیم؛ و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد.» (* 161) - اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ از این رو بخاطر ستمی که روا می داشتند، بلایی از آسمان بر آنها فرستادیم (و مجازاتشان کردیم). (* 162) - و از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود پرس! زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب)، آشکار می شدند؛ اما در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی آمدند؛ این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می کردند! (* 163) - و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می دهید که سرانجام خداوند آنها را هلاک خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟! (آنها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند: «این اندرزها، برای اعتذار (و رفع مسؤولیت) در پیشگاه پروردگار شماست؛ بعلاوه شاید آنها (پذیرند، و از گناه باز ایستند، و) تقوا پیشه کنند!» (* 164) - اما هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم؛ و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. (* 165) - (آری،) هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنها گفتیم: «به شکل میمونهایی طردشده در آید!» (* 166) - و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع، (و در عین حال، نسبت به توبه کاران) آمرزنده و مهربان است. (* 167) - و آنها را در زمین بصورت گروه هایی، پراکنده ساختیم؛ گروهی از آنها صالح، و گروهی ناصالحند. و آنها را با نیکی ها و بدی ها آزمودیم، شاید بازگردند! (* 168) - پس از آنها، فرزندان جای آنها را گرفتند که وارث کتاب (آسمانی، تورات) شدند؛ (اما با این حال،) متاع این دنیای پست را گرفته، (بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می دهند) و می گویند: «اگر ما گنهکاریم توبه می کنیم (و بزودی بخشیده خواهیم شد!)» اما اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیفتد، آن را (نیز) می گیرند، (و باز حکم خدا را پشت سر می افکنند). آیا پیمان کتاب (خدا) از آنها گرفته نشده که بر خدا (دروغ نیندند، و) جز حق نگویند، و آنان بارها آنرا خوانده اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی فهمید؟! (* 169) - و آنها که به کتاب (خدا) تمسک جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد! (* 170) - و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون

سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند بر آنان فرود می آمد؛ (و در همین حال، از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم: آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده ایم، با قوت (و جدیت) بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید)، تا پرهیزگار شوید! (*) 171_ و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)»! (*) 172_ یا بگویید: «پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندانمان بعد از آنها بودیم؛ (و چاره ای جز پیروی از آنان نداشتیم؛ آیا ما را به آنچه باطل گرایان انجام دادند مجازات می کنی؟!» (*) 173_ این گونه، آیات را توضیح می دهیم؛ و شاید به سوی حق بازگردند (و بدانند ندای توحید در درون جانیشان، از روز نخست بوده است)!

(*) 174_ و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد! (*) 175_ و اگر می خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می کند؛ (گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی شود! (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانشان را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)! (*) 176_ چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند؛ و آنها تنها به خودشان ستم می نمودند! (*) 177_ آن کس را که خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست؛ و کسانی را که (بخاطر اعمالشان) گمراه سازد، زیانکاران (واقعی) آنها هستند! (*) 178_ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دلها = عقلا [بی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی شنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)! (*) 179_ و برای خدا، نامهای نیک است؛ خدا را به آن (نامها) بخوانید! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می کنند (و بر غیر او می نهند، و شریک برایش قائل می شوند)، رها سازید! آنها بزودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند! (*) 180_ و از آنها که آفریدیم، گروهی بحق هدایت می کنند، و بحق اجرای عدالت می نمایند. (*) 181_ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد. (*) 182_ و به آنها مهلت می دهیم (تا مجازاتشان دردناکتر باشد)؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی (و حساب شده) است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست.) (*) 183_ آیا فکر نکردند که همنشین آنها = پیامبر [هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (بس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می دهند؟! او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایفشان می سازد). (*) 184_ آیا در حکومت و نظام آسمانها و زمین، و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند، بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟! (*) 185_ هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده ای ندارد؛ و آنها را در طغیان و سرکشی شان رها می سازد، تا سرگردان شوند! (*) 186_ درباره قیامت از تو سؤال می کنند، کی فرامی رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و هیچ کس

جز او (نمی تواند) وقت آن را آشکار سازد؛ (اما قیام قیامت، حتی) در آسمانها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است؛ و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی آید!» (باز) از تو سؤال می کنند، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری! بگو: «علمش تنها نزد خداست؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (* 187_ بگو: «من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد؛ (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده کند؛) و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم، و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی رسید؛ من فقط بیم دهنده و بشارت دهنده ام برای گروهی که ایمان می آورند! (و آماده پذیرش حقند) (* 188_ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیسایید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!» (* 189_ اما هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنها داد، (موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند؛ و) برای خدا، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، همتایانی قائل شدند؛ خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند! (* 190_ آیا موجوداتی را همتای او قرار می دهند که چیزی را نمی آفرینند، و خودشان مخلوقند. (* 191_ و نمی توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می دهند. (* 192_ و هرگاه آنها را به سوی هدایت دعوت کنید، از شما پیروی نمی کنند؛ و برای شما یکسان است چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید؟! (* 193_ آنهايي را که غیر از خدا می خوانید (و پرستش می کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می گوید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایان را برآورند)! (* 194_ آیا (آنها حداقل همانند خود شما) پاهایی دارند که با آن راه بروند؟! یا دستهایی دارند که با آن چیزی را بگیرند (و کاری انجام دهند)؟! یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟! (نه، هرگز، هیچ کدام)، بگو: «اکنون که چنین است،) بتهای خویش را که شریک خدا قرار داده اید (بر ضد من) بخوانید، و برای من نقشه بکشید، و لحظه ای مهلت ندهید، (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست)! (* 195_ ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده؛ و او همه صالحان را سرپرستی می کند. (* 196_ و آنهايي را که جز او می خوانید، نمی توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند؛ (* 197_ و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، سخنانتان را نمی شنوند! و آنها را می بینی (که با چشمهای مصنوعیشان) به تو نگاه می کنند، اما در حقیقت نمی بینند!» (* 198_ (به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)! (* 199_ و هرگاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر؛ که او شنونده و داناست! (* 200_ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند. (* 201_ و (ناپرهیزگاران را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می برند، و باز نمی ایستند! (* 202_ هنگامی که (در نزول وحی تاخیر افتد، و) آیه ای برای آنان نیاوری، می گویند: «چرا خودت (از پیش خود) آن را برنگزیدی؟!» بگو: «من تنها از چیزی پیروی می کنم که بر من وحی می شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می آورند. (* 203_ هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید! (* 204_ پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن؛ و از غافلان

مباش! (*) 205_ آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تو هستند، (هیچ گاه) از عبادتش تکبر نمی‌ورزند، و او را تسبیح می‌گویند، و برایش سجده می‌کنند. (*) 206_

(سوره انفال)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

از تو درباره انفال [= غنائم، و هرگونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند؛ بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است؛ پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید! (*) 1_ مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فروتر می‌گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند. (*) 2_ آنها که نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می‌کنند. (*) 3_ (آری)، مؤمنان حقیقی آنها هستند؛ برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است؛ و برای آنها، آرزوی و روزی بی‌نقص و عیب است. (*) 4_ همان گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر)، بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (ولی سرانجامش پیروزی بود! ناخشنودی عده‌ای از چگونگی تقسیم غنائم بدر نیز چنین است!) (*) 5_ آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند؛ (و چنان ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود، که) گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند، و آن را با چشم خود می‌نگرند! (*) 6_ و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید)؛ ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند؛ (از این رو شما را بر خلاف میلان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد.) (*) 7_ تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراحت داشته باشند. (*) 8_ (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر)، از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یک‌هزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم. (*) 9_ ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد؛ و گر نه، پیروزی جز از طرف خدا نیست؛ خداوند توانا و حکیم است! (*) 10_ و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد! (*) 11_ و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم؛ کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم دارید! بزودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم؛ ضربه‌ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید! و همه انگشتانشان را قطع کنید! (*) 12_ این بخاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش (ص) دشمنی ورزیدند؛ و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، (کیفر شدیدی می‌بیند)؛ و خداوند شدید العقاب است!

(* 13_ این (مجازات دنیا) را بچشید! و برای کافران، مجازات آتش (در جهان دیگر) خواهد بود! (* 14_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رویه رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)! (* 15_ و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است! (* 16_ این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت! و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی؛ بلکه خدا انداخت! و خدا می خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست. (* 17_ سرنوشت مؤمنان و کافران، همان بود که دیدید! و خداوند سست کننده نقشه های کافران است. (* 18_ اگر شما فتح و پیروزی می خواهید، پیروزی به سراغ شما آمد! و اگر (از مخالفت) خودداری کنید، برای شما بهتر است! و اگر بازگردید، ما هم باز خواهیم گشت؛ و جمعیت شما هر چند زیاد باشد، شما را (از یاری خدا) بی نیاز نخواهد کرد؛ و خداوند با مؤمنان است! (* 19_ ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ و سرپیچی ننمایید در حالی که (سخنان او را) می شنوید! (* 20_ و همانند کسانی نباشید که می گفتند: «شنیدیم!» ولی در حقیقت نمی شنیدند! (* 21_ بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند. (* 22_ و اگر خداوند خیری در آنها می دانست، (حرف حق را) به گوش آنها می رساند؛ ولی (با این حال که دارند)، اگر حق را به گوش آنها برساند، سرپیچی کرده و روگردان می شوند. (* 23_ ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می شوید! (* 24_ و از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد! (* 25_ و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آنچنان که می ترسیدید مردم شما را بربایند! ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید! (* 26_ ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است)! (* 27_ و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است؛ و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند)، پاداش عظیمی نزد خداست! (* 28_ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می دهد؛ (روشن بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛ و گناهانتان را می پوشاند؛ و شما را می زمزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است! (* 29_ (به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکه) خارج سازند؛ آنها چاره می اندیشیدند (و نقشه می کشیدند)، و خداوند هم تدبیر می کرد؛ و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (* 30_ و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می شود، می گویند: «شنیدیم؛ (چیز مهمی نیست)؛ ما هم اگر بخواهیم مثل آن را می گوئیم؛ اینها همان افسانه های پیشینیان است!» (ولی دروغ می گویند، و هرگز مثل آن را نمی آورند). (* 31_ و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «پروردگارا! اگر این حق است و از طرف توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرود آر! یا عذاب دردناکی برای ما بفرست!» (* 32_ ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها

هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند. (*) 33_ چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موحدان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزگاراند؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند. (*) 34_ (آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم، نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان! (*) 35_ آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می کنند؛ آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده اند، در این راه) مصرف می کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد؛ و سپس شکست خواهند خورد؛ و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (*) 36_ (اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در دوزخ قرار دهد؛ و اینها هستند زیانکاران! (*) 37_ به آنها که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند)، گذشته آنها بخشوده خواهد شد؛ و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنت خداوند در گذشتگان، درباره آنها جاری می شود (و حکم نابودی آنان صادر می گردد). (*) 38_ و با آنها بیکار کنید، تا فتنه [= شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آنها (از راه شرک و فساد بازگردند، و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند آنها را می پذیرد)؛ خدا به آنچه انجام می دهند بیناست. (*) 39_ و اگر سربچی کنند، بدانید (ضرری به شما نمی رسانند)؛ خداوند سرپرست شماست! چه سرپرست خوبی! و چه یاور خوبی!

(*) 40_ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان) [= روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست! (*) 41_ در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید، و آنها در طرف بالا (و دشمن بر شما برتری داشت)؛ و کاروان (قریش)، پایین تر از شما بود؛ (و وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید)، در انجام وعده خود اختلاف می کردید؛ ولی (همه اینها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می بایست انجام شود، تحقق بخشد؛ تا آنها که هلاک (و گمراه) می شوند، از روی اتمام حجت باشد؛ و آنها که زنده می شوند (و هدایت می یابند)، از روی دلیل روشن باشد؛ و خداوند شنوا و داناست. (*) 42_ در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد؛ و اگر فراوان نشان می داد، مسلماً سست می شدید؛ و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می کشید؛ ولی خداوند (شما را از شر آنها) سالم نگه داشت؛ خداوند به آنچه درون سینه هاست، داناست. (*) 43_ و در آن هنگام (که در میدان نبرد)، با هم روبه رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می داد؛ و شما را (نیز) به چشم آنها کم می نمود؛ تا خداوند، کاری را که می بایست انجام گیرد، صورت بخشد؛ (شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند، و سرانجام شکست بخورند!) و همه کارها به خداوند باز می گردد.

(*) 44_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید! (*) 45_ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (*) 46_ و مانند کسانی نباشید که از روی هوی پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود به

(سوی میدان بدر) بیرون آمدند؛ و (مردم را) از راه خدا بازمی داشتند؛ (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می کنند، احاطه (و آگاهی) دارد! (* 47_ و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها [= مشرکان] را در نظرشان جلوه داد، و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی گردد! و من، همسایه (و پناه دهنده) شما هستم!» اما هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی می بینم که شما نمی بینید؛ من از خدا می ترسم، خداوند شدیدالعقاب است!» (* 48_ و هنگامی را که منافقان، و آنها که در دلهایشان بیماری است می گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است.» (آنها نمی دانستند که) هر کس بر خدا توکل کند، (پیروز می گردد؛) خداوند قدرتمند و حکیم است! (* 49_ و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می گیرند و بر صورت و پشت آنها می زنند و (می گویند: بچشید عذاب سوزنده را (به حال آنان تأسف خواهی خورد)! (* 50_ این، در مقابل کارهایی است که از پیش فرستاده اید؛ و خداوند نسبت به بندگانش، هرگز ستم روا نمی دارد! (* 51_ حال این گروه مشرکان، همانند حال نزدیکان فرعون، و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آنها آیات خدا را انکار کردند؛ خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد؛ خداوند قوی، و کیفرش شدید است (* 52_ این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست! (* 53_ این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ ما هم بخاطر گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند! (* 54_ به یقین، بدترین جنبنندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی آورند. (* 55_ همان کسانی که با آنها پیمان بستنی؛ سپس هر بار عهد و پیمان خود را می شکنند؛ و (از پیمان شکنی و خیانت،) پرهیز ندارند. (* 56_ اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی، آنچنان به آنها حمله کن که جمعیتهایی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند؛ شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند)! (* 57_ و هرگاه (با ظهور نشانه هایی،) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی دارد! (* 58_ آنها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال،) پیش برده اند (و از قلمرو کیفر ما، بیرون رفته اند)! آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد! (* 59_ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد! (* 60_ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست! (* 61_ و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است؛ او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد... (* 62_ و دلهای آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است! (* 63_ ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی است (فقط بر آنها تکیه کن)! (* 64_ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر

باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی فهمند! (*) 65_ هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است! (*) 66_ هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز گردد (و جای پای خود را در زمین محکم کند)! شما متاع ناپایدار دنیا را می خواهید؛ (و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر گرفتن فدیة آزاد کنید؛ ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می خواهد؛ و خداوند قادر و حکیم است! (*) 67_ اگر فرمان سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امتی را کیفر ندهد)، بخاطر چیزی [= اسیرانی] که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می رسید. (*) 68_ از آنچه به غنیمت گرفته اید، حلال و پاکیزه بخورید؛ و از خدا بپرهیزید؛ خداوند آمرزنده و مهربان است! (*) 69_ ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: «اگر خداوند، خیری در دلهای شما بداند، (و نیات پاکي داشته باشید)، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می دهد؛ و شما را می بخشد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است!» (*) 70_ اما اگر بخواهند با تو خیانت کنند، (تازگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند؛ و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد؛ خداوند دانا و حکیم است! (*) 71_ کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت [= دوستی و تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضدّ گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می کنید، بیناست! (*) 72_ کسانی که کافر شدند، اولیاء (و یاوران و مدافعان) یکدیگرند؛ اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد. (*) 73_ و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی اند؛ برای آنها، آموزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته ای است. (*) 74_ و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند؛ خداوند به همه چیز داناست. (*) 75_

(سوره توبه)

(این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته اید! (*) 1_ با این حال، چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین سیر کنید (و هر جا می خواهید بروید، و ببینید!) و بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید، (و از قدرت او فرار کنید! و بدانید) خداوند خوارکننده کافران است! (*) 2_ و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [= روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید (و از

قلمرو قدرتتش خارج شوید!) و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده! (* 3) مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضد شما تقویت نمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (* 4) (ما) وقتی ماه های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید؛ و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است! (* 5) و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)؛ سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند! (* 6) چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید؛ (و پیمان خود را محترم شمردند)؛ تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (* 7) چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می کنند، ولی دلهایشان ابا دارد؛ و بیشتر آنها فرمانبردار نیستند! (* 8) آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند؛ و (مردم را) از راه او باز داشتند؛ آنها اعمال بدی انجام می دادند! (* 9) (نه تنها درباره شما،) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی کنند؛ و آنها همان تجاوز کارانند! (* 10) (ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند؛ ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، شرح می دهیم! (* 11) و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر بیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند! (* 12) آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، بیکار نمی کنید؟! در حالی که آنها نخستین بار (بیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آنها می ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید! (* 13) با آنها بیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می کند؛ و آنان را رسوا می سازد؛ و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می بخشد؛ (و بر قلب آنها مرهم می نهد) (* 14) و خشم دلهای آنان را از میان می برد؛ و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛ و خداوند دانا و حکیم است. (* 15) آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب نمودند، (از دیگران) مشخص نشده اند؟! (باید آزمون شوید؛ و صفوف از هم جدا گردد)؛ و خداوند به آنچه عمل می کنید، آگاه است! (* 16) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند! (* 17) مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند. (* 18) آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو،) نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند! (* 19) آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند! (* 20) پروردگارش آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و

باغهایی از بهشت بشارت می دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند؛ (* 21) همواره و تا ابد در این باغها (و در میان این نعمتها) خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است! (* 22) ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولیّ (و یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولیّ خود قرار دهند، ستمگرند! (* 23) بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هائی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمی کند! (* 24) خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)؛ در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید! (* 25) سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد؛ و لشکریهایی فرستاد که شما نمی دیدید؛ و کافران را مجازات کرد؛ و این است جزای کافران! (* 26) سپس خداوند -بعد از آن- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (* 27) ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی نیاز می سازد؛ (و از راه دیگر جبران می کند)؛ خداوند دانا و حکیم است. (* 28) با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می شمردند، و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود پردازند! (* 29) بیهود گفتند: «عزیز پسر خداست!» و نصاری گفتند: «مسیح پسر خداست!» این سخنی است که با زبان خود می گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می یابند؟! (* 30) (آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتائی را که معبودی جز او نیست، پرستند، او پاک و منزّه است از آنچه همتایش قرار می دهند! (* 31) آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (* 32) او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (* 33) ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را بیاطل می خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمی دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده! (* 34) در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشتهایشان را داغ می کنند؛ (و به آنها می گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می اندوختید! (* 35) تعداد ماه ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ (و جنگ در آن ممنوع می باشد). این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنابراین، در این ماه ها به خود ستم نکنید (و از هرگونه خونریزی بپرهیزید)؛ و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (* 36) نسبیء = جا به جا کردن و

تأخیر ماه های حرام، افزایشی در کفر (مشرکان) است؛ که با آن، کافران گمراه می شوند؛ یک سال، آن را حلال، و سال دیگر آن را حرام می کنند، تا به مقدار ماه هایی که خداوند تحریم کرده بشود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد)؛ و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند. اعمال زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده؛ و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند! (*) 37_ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست! (*) 38_ اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می دهد؛ و هیچ زبانی به او نمی رسانید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست! (*) 39_ اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد؛ (و در مشکلترین ساعات، او را تنها نگذاشت)؛ آن هنگام که کافران او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهايي که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت)؛ و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است! (*) 40_ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید؛ سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید! (*) 41_ (اما گروهی از آنها، چنانند که) اگر غنایمی نزدیک (و در دسترس)، و سفری آسان باشد، (به طمع دنیا) از تو پیروی می کنند؛ ولی (اکنون که برای میدان تبوک)، راه بر آنها دور (و پر مشقت) است، (سرباز می زنند)؛ و بزودی به خدا سوگند یاد می کنند که: «اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می کردیم!» (آنها با این اعمال و این دروغها، در واقع) خود را هلاک می کنند؛ و خداوند می داند آنها دروغگو هستند! (*) 42_ خداوند تو را بخشید؛ چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند!) (*) 43_ آنها که به خدا و روز جزا ایمان دارند، هیچ گاه برای ترک جهاد (در راه خدا) با اموال و جانهایشان، از تو اجازه نمی گیرند؛ و خداوند پرهیزگاران را می شناسد. (*) 44_ تنها کسانی از تو اجازه (این کار را) می گیرند که به خدا و روز جزا ایمان ندارند، و دلهایشان با شکّ و تردید آمیخته است؛ آنها در تردید خود سرگردانند. (*) 45_ اگر آنها (راست می گفتند، و) اراده داشتند که (سوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله ای برای آن فراهم می ساختند! ولی خدا از حرکت آنها کراهت داشت؛ از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد؛ و) آنها را (از جهاد) باز داشت؛ و به آنان گفته شد: «با «قاعدین» = کودکان و پیران و بیماران [نشینید]!» (*) 46_ اگر آنها همراه شما (سوی میدان جهاد) خارج می شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی افزودند؛ و سرعت در بین شما به فتنه انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می پرداختند؛ و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرامی دهند؛ و خداوند، ظالمان را می شناسد. (*) 47_ آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند)؛ تا آن که حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها کراهت داشتند. (*) 48_ بعضی از آنها می گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم)، و ما را به گناه نیفکن!» آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده اند؛ و جهنم، کافران را احاطه کرده است! (*) 49_ هرگاه نیکی به تو رسد،

آنها را ناراحت می کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می گویند: «ما تصمیم خود را از پیش گرفته ایم.» و بازمی گردند در حالی که خوشحالتند! (* 50_ بگو: «هیچ حادثه ای برای ما رخ نمی دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است؛ او مولا (و سرپرست) ماست؛ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!» (* 51_ بگو: «آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می کشیم!» (* 52_ بگو: «انفاق کنید؛ خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی شود؛ چرا که شما قوم فاسقی بودید!» (* 53_ هیچ چیز مانع قبول انفاقهای آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز بجا نمی آورند جز با کسالت، و انفاق نمی کنند مگر با کراهت!» (* 54_ و (فزونی) اموال و اولاد آنها، تو را در شگفتی فرو نبرد؛ خدا می خواهد آنان را به وسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند!» (* 55_ آنها به خدا سوگند می خورند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند؛ ولی آنها گروهی هستند که می ترسند (و به خاطر ترس از فاش شدن اسرارشان دروغ می گویند)!» (* 56_ اگر پناهگاه یا غارها یا راهی در زیر زمین بیابند، بسوی آن حرکت می کنند، و با سرعت و شتاب فرار می کنند. (* 57_ و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) غنایم به تو خرده میگیرند؛ اگر از آن (غنایم، سهمی) به آنها داده شود، راضی می شوند؛ و اگر داده نشود، خشم می گیرند (؛ خواه حق آنها باشد یا نه)!» (* 58_ (در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند، و بگویند: «خداوند برای ما کافی است! و بزودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می بخشند؛ ما تنها رضای او را می طلبیم.» (برای آنها بهتر است)!» (* 59_ زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می کنند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است!» (* 60_ از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: «او آدم خوش باوری است!» بگو: «خوش باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند؛ و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند!» و آنها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند!» (* 61_ آنها برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که شایسته تر این است که خدا و رسولش را راضی کنند، اگر ایمان دارند!» (* 62_ آیا نمی دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است؛ جاودانه در آن می ماند؟! این، همان رسوایی بزرگ است!» (* 63_ منافقان از آن بیم دارند که سوره ای بر ضدّ آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد. بگو: «استهزا کنید! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می سازد!» (* 64_ و اگر از آنها بپرسی: «چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!»، می گویند: «ما بازی و شوخی می کردیم!» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟!» (* 65_ (بگو: عذر خواهی نکنید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد؛ زیرا مجرم بودند!» (* 66_ مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند! آنها امر به منکر، و نهی از معروف می کنند؛ و دستهایشان را (از انفاق و بخشش) می بندند؛ خدا را فراموش کردند، و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد (و، رحمتش را از آنها قطع نمود)؛ به یقین، منافقان همان فاسقانند!» (* 67_ خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده

آتش دوزخ داده؛ جاودانه در آن خواهند ماند - همان برای آنها کافی است! - و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته؛ و عذاب همیشگی برای آنهاست! (* 68) - (شما منافقان)، همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه نفاق پیمودند؛ بلکه) آنها از شما نیرومندتر، و اموال و فرزندانشان بیشتر بود! آنها از بهره خود (از مواهب الهی در راه گناه و هوس) استفاده کردند؛ شما نیز از بهره خود، (در این راه) استفاده کردید، همان گونه که آنها استفاده کردند؛ شما (در کفر و نفاق و استهزای مؤمنان) فرو رفتید، همان گونه که آنها فرو رفتند؛ (ولی سرانجام) اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شد؛ و آنها همان زیانکارانند! (* 69) آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» = قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» = قوم لوط؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛ خداوند به آنها ستم نکرد، اما خودشان بر خویشتن ستم می کردند!) (* 70) مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛ نماز را برپا می دارند؛ و زکات را می پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد؛ خداوند توانا و حکیم است! (* 71) خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن های پاکیزه ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است! (* 72) ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد سرنوشتی دارند! (* 73) به خدا سوگند می خورند که (در غیاب پیامبر، سخنان نادرست) نگفته اند؛ در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده اند؛ و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند، که به آن نرسیدند. آنها فقط از این انتقام می گیرند که خداوند و رسولش، آنان را به فضل (و کرم) خود، بی نیاز ساختند! (با این حال)، اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است؛ و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد؛ و در سراسر زمین، نه ولی و حامی دارند، و نه یآوری! (* 74) بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد؛ و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود!» (* 75) اما هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سربچی کردند و روی برتافتند! (* 76) این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت. این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند؛ و بخاطر آن است که دروغ می گفتند. (* 77) آیا نمی دانستند که خداوند، اسرار و سخنان درگوشی آنها را می داند؛ و خداوند دانای همه غیبها (و امور پنهانی) است؟! (* 78) آنهایی که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقاتشان عیبجویی می کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناجیز) توانائی خود دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را مسخره می کند؛ (و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می دهد)؛ و برای آنها عذاب دردناکی است! (* 79) چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند؛ و خداوند جمعیت فاسقان را هدایت نمی کند! (* 80) تخلف جوینان (از جنگ تبوک)، از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند؛ و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد کنند؛ و (به یکدیگر و به مؤمنان) گفتند: «در این گرم، (بسوی میدان) حرکت نکنید!» (به آنان) بگو: «آتش دوزخ از این هم گرمتر است!» اگر می دانستند! (* 81) از این رو آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند! (چرا که آتش جهنم در انتظارشان است) این، جزای کارهایی است

که انجام می دادند! (*) 82_ هرگاه خداوند تو را بسوی گروهی از آنان بازگرداند، و از تو اجازه خروج (بسوی میدان جهاد) بخواهند، بگو: «هیچ گاه با من خارج نخواهید شد! و هرگز همراه من، با دشمنی نخواهید جنگید! شما نخستین بار به کناره گیری راضی شدید، اکنون نیز با متخلفان بمانید!» (*) 83_ هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش،) نایست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند؛ و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند! (*) 84_ مبدا اموال و فرزندانشان، مایه شگفتی تو گردد! (این برای آنها نعمت نیست؛ بلکه) خدا می خواهد آنها را به این وسیله در دنیا عذاب کند، و جانشان برآید در حالی که کافرند! (*) 85_ و هنگامی که سوره ای نازل شود (و به آنان دستور دهد) که: «به خدا ایمان بیاورید! و همراه پیامبرش جهاد کنید!»، افرادی از آنها [= گروه منافقان] که توانایی دارند، از تو اجازه می خواهند و می گویند: «بگذار ما با قاعدین [= آنها که از جهاد معافند] باشیم!» (*) 86_ (آری،) آنها راضی شدند که با متخلفان باشند؛ و بر دلهایشان مهر نهاده شده؛ از این رو (چیزی) نمی فهمند! (*) 87_ ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند؛ و همه نیکبها برای آنهاست؛ و آنها همان رستگارانند! (*) 88_ خداوند برای آنها باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود؛ و این است رستگاری (و پیروزی) بزرگ! (*) 89_ و عذرآوردگان از اعراب، (نزد تو) آمدند که به آنها اجازه (عدم شرکت در جهاد) داده شود؛ و آنها که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه خود) نشستند؛ بزودی به کسانی از آنها که مخالفت کردند (و معذور نبودند)، عذاب دردناکی خواهد رسید! (*) 90_ بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند)، هرگاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (و از آنچه در توان دارند، مضایقه نمایند). بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است! (*) 91_ و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم!» (از نزد تو) بازگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند) (*) 92_ راه مؤاخذه تنها به روی کسانی باز است که از تو اجازه می خواهند در حالی که توانگرند؛ (و امکانات کافی برای جهاد دارند؛) آنها راضی شدند که با متخلفان [= زنان و کودکان و بیماران] بمانند؛ و خداوند بر دلهایشان مهر نهاده؛ به همین جهت چیزی نمی دانند! (*) 93_ هنگامی که بسوی آنها (که از جهاد تخلف کردند) باز گردید، از شما عذرخواهی می کنند؛ بگو: «عذرخواهی نکنید، ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد! چرا که خدا ما را از اخبارتان آگاه ساخته؛ و خدا و رسولش، اعمال شما را می بینند؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگشت داده می شوید؛ و او شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه می کند (و جزا می دهد!)» (*) 94_ هنگامی که بسوی آنان بازگردید، برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا از آنها اعراض (و صرف نظر) کنید؛ از آنها اعراض کنید (و روی بگردانید)؛ چرا که پلیدند! و جایگاهشان دوزخ است، بکیفر اعمالی که انجام می دادند. (*) 95_ برای شما قسم یاد می کنند تا از آنها راضی شوید؛ اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از جمعیت فاسقان راضی نخواهد شد! (*) 96_ بادیه نشینان عرب، کفر و نفاقشان شدیدتر است؛ و به ناآگاهی از حدود و احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند؛ و خداوند دانا و حکیم است! (*) 97_ گروهی از (این) اعراب بادیه نشین، چیزی را که (در راه خدا) انفاق می کنند، غرامت محسوب می دارند؛ و انتظار حوادث دردناکی برای شما می کشند؛ حوادث دردناک برای خود آنهاست؛ و

خداوند شنوا و داناست! (* 98_ گروهی (دیگر) از عربهای بادیه نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند؛ و آنچه را اتفاق می‌کند، مایه تقرب به خدا، و دعای پیامبر می‌دانند؛ آگاه باشید اینها مایه تقرب آنهاست! خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (* 99_ پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ! (* 100_ و از (میان) اعراب بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقتند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می‌کنیم (مجازات با رسوایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می‌شوند. (* 101_ و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند؛ و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می‌رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (* 102_ از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست! (* 103_ آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می‌پذیرد، و صدقات را می‌گیرد، و خداوند توبه پذیر و مهربان است؟! (* 104_ بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید؛ و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد!» (* 105_ و گروهی دیگر، به فرمان خدا واگذار شده اند (و کارشان با خداست)؛ یا آنها را مجازات می‌کند، و یا توبه آنان را می‌پذیرد (هر طور که شایسته باشند)؛ و خداوند دانا و حکیم است! (* 106_ (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند! (* 107_ هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد! (* 108_ آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند! (* 109_ (اما) این بنایی را که آنها ساختند، همواره بصورت یک وسیله شک و تردید، در دل‌هایشان باقی می‌ماند؛ مگر اینکه دل‌هایشان پاره پاره شود (و بمیرند؛ و گرنه، هرگز از دل آنها بیرون نمی‌رود)؛ و خداوند دانا و حکیم است! (* 110_ خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ! (* 111_ توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان! (* 112_ برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آموزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند؛ (آن

هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوزخند! (*) 113_ و استغفار ابراهیم برای پدرش [= عمویش آزر]، فقط بخاطر وعده ای بود که به او داده بود (تا وی را بسوی ایمان جذب کند)؛ اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بیزاری جست؛ به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود! (*) 114_ چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد (و ایمان آوردند) گمراه (و مجازات) کند؛ مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند)؛ زیرا خداوند به هر چیزی داناست! (*) 115_ حکومت آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ زنده می کند و می میراند؛ و جز خدا، ولیّ و یاورى ندارد! (*) 116_ مسلماً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدّت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دلّهای گروهی از آنها، از حقّ منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است! (*) 117_ (همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آن حدّ که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد؛ (حتّى) در وجود خویش، جایی برای خود نمی یافتند؛ (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز بسوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است! (*) 118_ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید! (*) 119_ سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیه نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم پپوشند! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می شود بر نمی دارند، و ضربه ای از دشمن نمی خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند! (*) 120_ و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی کنند، و هیچ سرزمینی را (بسوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می شود؛ تا خداوند آن را بعنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد. (*) 121_ شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند (و طایفه ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! (*) 122_ ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که به شما نزدیکترند، بیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدّت و خشونت (و قدرت) احساس کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (*) 123_ و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنان (به دیگران) می گویند: «این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزون ساخت؟!» (به آنها بگو): اما کسانی که ایمان آورده اند، بر ایمانشان افزوده؛ و آنها (به فضل و رحمت الهی) خوشحالند. (*) 124_ و اما آنها که در دلّهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛ و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند. (*) 125_ آیا آنها نمی بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می شوند؟! باز توبه نمی کنند، و متذکّر هم نمی گردند! (*) 126_ و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنها [= منافقان] به یکدیگر نگاه می کنند و می گویند: «آیا کسی شما را می بیند؟ (اگر از حضور پیامبر بیرون رویم، کسی متوجّه ما نمی شود!)» سپس منصرف می شوند (و بیرون می روند)؛ خداوند دلّهایشان را (از حق) منصرف ساخته؛ چرا که آنها، گروهی هستند که نمی فهمند (و بی دانشند)! (*) 127_ به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که

رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رثوف و مهربان است! (*) 128_ اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم؛ و او صاحب عرش بزرگ است!» (*) 129_

(سوره یونس)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، این آیات کتاب استوار و حکمت آمیز است! (*) 1_ آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم که مردم را (از عواقب کفر و گناه) بترسان، و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک (و پادشاهی مسلم) نزد پروردگارشان است؟! (اما) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است!» (*) 2_ پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده ای، جز با اذن او نیست؛ این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید! آیا متذکر نمی شوید؟! (*) 3_ بازگشت همه شما بسوی اوست! خداوند وعده حقی فرموده؛ او آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بعدالت جزا دهد؛ و برای کسانی که کافر شدند، نوشیدنی از مایع سوزان است؛ و عذابی دردناک، بخاطر آنکه کفر می ورزیدند! (*) 4_ او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه هایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بداند؛ خداوند این را جز بحق نیافریده؛ و آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانشند، شرح می دهد! (*) 5_ مسلماً در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده، آیات (و نشانه هایی) است برای گروهی که پرهیزگارند (و حقایق را می بینند). (*) 6_ آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند، (*) 7_ (همه) آنها جایگاهشان آتش است، بخاطر کارهایی که انجام می دادند! (*) 8_ (ولی) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می کند؛ از زیر (قصرهای) آنها در باغهای بهشت، نهرها جاری است. (*) 9_ گفتار (و دعای) آنها در بهشت این است که: «خداوندا، منزهی تو!» و تحیت آنها در آنجا: سلام؛ و آخرین سخنشان این است که: «حمد، مخصوص پروردگار عالمیان است!» (*) 10_ اگر همان گونه که مردم در به دست آوردن «خوبی»ها عجله دارند، خداوند در مجازاتشان شتاب می کرد، (بزودی) عمرشان به پایان می رسد (و همگی نابود می شدند)؛ ولی کسانی را که ایمان به لقای ما ندارند، به حال خود رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان شوند! (*) 11_ هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می خواند؛ اما هنگامی که ناراحتی را از او برطرف ساختیم، چنان می رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، اعمالشان زینت داده شده است (که زشتی این عمل را درک نمی کنند)! (*)

12_ ما اَمتهای پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم؛ در حالی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند، ولی آنها ایمان نیاوردند؛ این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم! (* 13_ سپس شما را جاننشینان آنها در روی زمین - پس از ایشان - قرار دادیم؛ تا ببینیم شما چگونه عمل می کنید! (* 14_ و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن!» (و آیات نکوهش بتها را بردار)» بگو: «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم!» (* 15_ بگو: «اگر خدا می خواست، من این آیات را بر شما نمی خواندم؛ و خداوند از آن آگاهتان نمی کرد؛ چه اینکه مدتهای پیش از این، در میان شما زندگی نمودم؛ (و هرگز آیه ای نیاوردم؛) آیا نمی فهمید؟!» (* 16_ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد، یا آیات او را تکذیب می کند؟! مسلماً مجرمان رستگار نخواهند شد! (* 17_ آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند، و نه سودی می بخشد؛ و می گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!» بگو: «آیا خدا را به چیزی خبر می دهید که در آسمانها و زمین سراغ ندارد؟!» منزّه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می دهند! (* 18_ (در آغاز) همه مردم اَمّت واحدی بودند؛ سپس اختلاف کردند؛ و اگر فرمانی از طرف پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می شد (و سپس همگی به مجازات می رسیدند). (* 19_ می گویند: «چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟!» بگو: «غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات شما!)» (* 20_ هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آنها رسیده است، رحمتی بچشانیم، در آیات ما نیرنگ می کنند (و برای آن نعمت و رحمت توجیهاات ناروا می کنند)؛ بگو: «خداوند سریعتر از شما مکر = چاره جویی [می کند؛ و رسولان = فرشتگان] ما، آنچه نیرنگ می کنید (و نقشه می کشید)، می نویسند!» (* 21_ او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می گیرید، و بادهای موافق آنان را (سوی مقصد) حرکت میدهد و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی میوزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید؛ و گمان می کنند هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود!» (* 22_ اما هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (باز) به ناحق، در زمین ستم میکنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره (مبیرید)، سپس بازگشت شما بسوی ماست؛ و ما، شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهیم! (* 23_ مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم؛ که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین - که مردم و چهارپایان از آن می خورند - می روید؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می گردد، و اهل آن مطمئن می شوند که می توانند از آن بهره مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی رسد؛ (سرما یا صاعقه ای را بر آن مسلط می سازیم؛) و آنچنان آن را درو می کنیم که گویی دیروز هرگز (جنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می اندیشند، شرح می دهیم! (* 24_ و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته و لایق ببیند)، به راه راست هدایت می نماید. (* 25_ کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند؛ و تاریکی و ذلت، چهره

هایشان را نمی پوشاند؛ آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند. (* 26) اما کسانی که مرتکب گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند؛ و ذلت و خواری، چهره آنان را می پوشاند؛ و هیچ چیز نمی تواند آنها را از (مجازات) خدا نگه دارد! (چهره هایشان آنچنان تاریک است که) گویی با پاره هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند! (* 27) (به خاطر بیاورید) روزی را که همه آنها را جمع می کنیم، سپس به مشرکان می گوئیم: «شما و معبودهایتان در جای خودتان باشید (تا به حسابتان رسیدگی شود!)» سپس آنها را از هم جدا می سازیم (و از هر یک جداگانه سؤال می کنیم). و معبودهایشان (به آنها) می گویند: «شما (هرگز) ما را عبادت نمی کردید!» (* 28) (آنها در پاسخ می گویند:) همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، اگر ما از عبادت شما غافل بودیم! (* 29) در آن جا، هر کس عملی را که قبلاً انجام داده است، می آزماید. و همگی بسوی «الله» -مولا و سرپرست حقیقی خود- بازگردانده می شوند؛ و چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قرار داده بودند، گم و نابود می شوند! (* 30) بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می کند؟» بزودی (در پاسخ) می گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید)؟! (* 31) آن است خداوند، پروردگار حقّ شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می شوید؟! (* 32) اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد! (* 33) بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، آفرینش را ایجاد می کند و سپس بازمی گرداند؟!» بگو: «تنها خدا آفرینش را ایجاد کرده، سپس بازمی گرداند؛ با این حال، چرا از حق روی گردان می شوید؟!» (* 34) بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟!» (* 35) و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی اساس)، پیروی نمی کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حق بی نیاز نمی سازد (و به حق نمی رساند)! به یقین، خداوند از آنچه انجام می دهند، آگاه است! (* 36) شایسته نبود (و امکان نداشت) که این قرآن، بدون وحی الهی به خدا نسبت داده شود؛ ولی تصدیقی است برای آنچه پیش از آن است (از کتب آسمانی)، و شرح و تفصیلی بر آنها است؛ شکی در آن نیست، و از طرف پروردگار جهانیان است. (* 37) آیا آنها می گویند: «او قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است؟! بگو: «اگر راست می گوئید، یک سوره همانند آن بیاورید؛ و غیر از خدا، هر کس را می توانید (به یاری) طلبید!» (* 38) ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛ بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند؛ پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود! (* 39) بعضی از آنها، به آن ایمان می آورند؛ و بعضی ایمان نمی آورند؛ و پروردگارت به مفسدان آگاهتر است (و آنها را بهتر می شناسد)! (* 40) و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شما انجام می دهید بیزارم!» (* 41) گروهی از آنان، بسوی تو گوش فرامی دهند (اما گویی هیچ نمی شنوند و کردند)! آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هر چند نفهمند؟! (* 42) و گروهی از آنان، به سوی تو می نگرند (اما گویی هیچ نمی بینند)! آیا تو می توانی

نابینایان را هدایت کنی، هر چند نبینند؟! (* 43) خداوند هیچ به مردم ستم نمی کند؛ ولی این مردمند که به خویشتن ستم می کنند! (* 44) (به یاد آور) روزی را که (خداوند) آنها را جمع (و محشور) می سازد؛ آنچنان که (احساس می کنند) گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) توقّف نکردند؛ به آن مقدار که یکدیگر را (ببینند و) بشناسند! مسلماً آنها که لقاء خداوند (و روز رستاخیز) را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند! (* 45) اگر ما، پاره ای از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده ایم، (در حال حیات تو (به تو نشان دهیم، و یا) پیش از آنکه گرفتار عذاب شوند،) تو را از دنیا ببریم، در هر حال، بازگشتشان به سوی ماست؛ سپس خداوند بر آنچه آنها انجام می دادند گواه است! (* 46) برای هر امتی، رسولی است؛ هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، بعدالت در میان آنها داوری می شود؛ و ستمی به آنها نخواهد شد! (* 47) و می گویند: «اگر راست می گوئی، این وعده (مجازات) کی خواهد بود؟» (* 48) بگو: «من (حتّی) برای خودم زیان و سودی را مالک نیستم، (تا چه رسد برای شما!) مگر آنچه خدا بخواهد. (این مقدار می دانم که) برای هر قوم و ملّتی، سرآمدی است؛ هنگامی که اجل آنها فرا رسد، (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود،) نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه پیشی می گیرند! (* 49) بگو: «اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید (آیا می توانید آن را از خود دفع کنید؟!)) پس مجرمان برای چه عجله می کنند؟! (* 50) یا اینکه آنگاه که واقع شد، به آن ایمان می آورید! (به شما گفته می شود: حالا؟! در حالی که قبلاً برای آن عجله می کردید! (ولی اکنون چه سود!)) (* 51) سپس به کسانی که ستم کردند گفته می شود: عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده می شوید؟! (* 52) از تو می پرسند: «آیا آن (وعده مجازات الهی) حقّ است؟» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند، قطعاً حقّ است؛ و شما نمی توانید از آن جلوگیری کنید!» (* 53) و هر کس که ستم کرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد، (همه را از هول عذاب،) برای نجات خویش می دهد! و هنگامی که عذاب را ببینند، (پشیمان می شوند؛ امّا) پشیمانی خود را کتمان می کنند (مبادا رسواتر شوند)! و در میان آنها، بعدالت داوری می شود؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد! (* 54) آگاه باشید آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست! آگاه باشید وعده خدا حقّ است، ولی بیشتر آنها نمی دانند! (* 55) اوست که زنده می کند و می میراند، و به سوی او بازگردانده می شوید! (* 56) ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ (درمانی برای دلهای شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان! (* 57) بگو: «به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند؛ که این، از تمام آنچه گردآوری کرده اند، بهتر است!» (* 58) بگو: «آیا روزیهایی را که خداوند بر شما نازل کرده دیده اید، که بعضی از آن را حلال، و بعضی را حرام نموده اید؟!» بگو: «آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می بندید (و از پیش خود، حلال و حرام می کنید؟!))» (* 59) آنها که بر خدا افترا می بندند، درباره (مجازات) روز رستاخیز، چه می اندیشند؟! خداوند نسبت به همه مردم فضل (و بخشش) دارد، امّا اکثر آنها سپاسگزاری نمی کنند! (* 60) در هیچ حال (و اندیشه ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی کنی، و هیچ عملی را انجام نمی دهی، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند؛ حتّی به اندازه سنگینی ذره ای، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه (همه آنها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است! (* 61) آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند! (* 62) همانها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند. (* 63) در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و

مسرور)ند؛ وعده های الهی تخلف ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ! (*) 64_ سخن آنها تو را غمگین نسازد! تمام عزت (و قدرت)، از آن خداست؛ و او شنوا و داناست! (*) 65_ آگاه باشید تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از آن خدا می باشند! و آنها که غیر خدا را همتای او می خوانند، (از منطوق و دلیلی) پیروی نمی کنند؛ آنها فقط از پندار بی اساس پیروی می کنند؛ و آنها فقط دروغ می گویند! (*) 66_ او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید؛ و روز را روشنی بخش (تا به تلاش زندگی پردازید) در اینها نشانه هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند! (*) 67_ گفتند: «خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است!» (از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزه است! او بی نیاز است! از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است! شما هیچ گونه دلیلی بر این ادعا ندارید! آیا به خدا نسبتی می دهید که نمی دانید؟! (*) 68_ بگو: «آنها که به خدا دروغ می بندند، (هرگز) رستگار نمی شوند!» (*) 69_ بهره ای (ناچیز) از دنیا دارند؛ سپس بازگشتشان بسوی ماست؛ و بعد، به آنها مجازات شدید به سزای کفرشان می چشانیم! (*) 70_ سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید.) من بر خدا توکل کرده ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید؛ سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند؛ (تمام جوانب کارتان را بنگرید) سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه ای) مهلتم ندهید! (اما توانایی ندارید!) (*) 71_ و اگر از قبول دعوت من روی بگردانید، (کار نادرستی کرده اید؛ چه اینکه) من از شما مزدی نمی خواهم؛ مزد من، تنها بر خداست! و من مأمورم که از مسلمین [=تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا] باشم!» (*) 72_ اما آنها او را تکذیب کردند! و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم؛ و آنان را جاننشین (و وارث کافران) قرار دادیم؛ و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم! پس ببین عاقبت کار کسانی که انذار شدند (و به انذار الهی اهمّیت ندادند)، چگونه بود! (*) 73_ سپس بعد از نوح، رسولانی به سوی قومشان فرستادیم؛ آنان دلایل روشن برایشان آوردند؛ اما آنها، به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند! اینچنین بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم (تا چیزی را درک نکنند)! (*) 74_ بعد از آنها، موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم؛ اما آنها تکبر کردند (و زیر بار حق نرفتند؛ چرا که) آنها گروهی مجرم بودند! (*) 75_ و هنگامی که حق از نزد ما بسراغ آنها آمد، گفتند: «این، سحری است آشکار!» (*) 76_ موسی گفت: «آیا درباره حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می گویند؟! آیا این سحر است؟! در حالی که ساحران (هرگز) رستگار (و پیروز) نمی شوند!» (*) 77_ گفتند: «آیا آمده ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، منصرف سازی؛ و بزرگی (و ریاست) در روی زمین، از آن شما دو تن باشد؟! ما (هرگز) به شما ایمان نمی آوریم!» (*) 78_ فرعون گفت: «(بروید و) هر جادوگر (و ساحر) دانایی را نزد من آورید!» (*) 79_ هنگامی که ساحران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنها گفت: «آنچه (از وسایل سحر) را می توانید بیفکنید، بیفکنید!» (*) 80_ هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آوردید، سحر است؛ که خداوند بزودی آن را باطل می کند؛ چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی کند!» (*) 81_ او حق را به وعده خویش، تحقق می بخشد؛ هر چند مجرمان کراحت داشته باشند!» (*) 82_ (در آغاز)، هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبدا آنها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود! (*) 83_ موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده اید، بر او توکل کنید اگر

تسلیم فرمان او هستید!» (* 84_ گفتند: «تنها بر خدا توکل داریم؛ پروردگارا! ما را مورد شکنجه گروه ستمگر قرار مده!» (* 85_ و ما را با رحمتت از (دست) قوم کافر رهایی بخش!» (* 86_ و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می شوند!)» (* 87_ موسی گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا! در نتیجه (بندگان را) از راه تو گمراه می سازند! پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و (بجرم گناهانشان،) دلهایشان را سخت و سنگین ساز، به گونه ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند!» (* 88_ فرمود: «دعای شما پذیرفته شد! استقامت به خرج دهید؛ و از راه (و رسم) کسانی که نمی دانند، تبعیت نکنید!» (* 89_ (سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا [= رود عظیم نیل عبور دادیم؛ و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند؛ هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!» (* 90_ (اما به او خطاب شد: «الآن؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی!» (* 91_ ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند!» (* 92_ (سپس) بنی اسرائیل را در جایگاه صدق (و راستی) منزل دادیم؛ و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم؛ (اما آنها به نزاع و اختلاف برخاستند!) و اختلاف نکردند، مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد! پروردگار تو روز قیامت، در آنچه اختلاف می کردند، میان آنها داوری می کند!» (* 93_ و اگر در آنچه بر تو نازل کرده ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می خواندند بپرس، به یقین، «حق» از طرف پروردگارت به تو رسیده است؛ بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان مباش!» (* 94_ مسلماً او تردیدی نداشت! این درسی برای مردم بود!»] و از آنها مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که از زیانکاران خواهی بود!» (* 95_ (و بدان) آنها که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته، (و بجرم اعمالشان، توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز) ایمان نمی آورند، (* 96_ هر چند تمام آیات (و نشانه های الهی) به آنان برسد، تا زمانی که عذاب دردناک را ببینند! (زیرا تاریکی گناه، قلبهایشان را فرا گرفته، و راهی به روشنایی ندارند!) (* 97_ چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدت معینی [= پایان زندگی و اجلسان] آنها را بهره مند ساختیم. (* 98_ و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می آوردند؛ آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟! (* 99_ (اما) هیچ کس نمی تواند ایمان بیاورد، جز به فرمان خدا (و توفیق و یاری و هدایت او)! و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می دهد که نمی اندیشند. (* 100_ بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات خدا و نشانه های توحیدش) در آسمانها و زمین است!» اما این آیات و اندازها به حال کسانی که (به خاطر لجاجت) ایمان نمی آورند مفید نخواهد بود!» (* 101_ آیا آنها (چیزی) جز همانند روزهای پیشینیان (و بلاها و مجازاتهایشان) را انتظار می کشند؟! بگو: «شما انتظار بکشید، من نیز با شما انتظار می کشم!» (* 102_ سپس (هنگام نزول بلا و مجازات،) فرستادگان خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می آورند، نجات می دهیم و همین گونه، بر ما حق است که مؤمنان (به تو) را (نیز) رهایی بخشیم!» (* 103_ بگو: «ای مردم! اگر در عقیده من شک دارید، من آنها را

که جز خدا می پرستید، نمی پرستم! تنها خداوندی را پرستش می کنم که شما را می میراند! و من مأمورم که از مؤمنان باشم! (*) 104_ و (به من دستور داده شده که): روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هر گونه شرک، خالی است؛ و از مشرکان مباش! (*) 105_ و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می رساند و نه زیانی، مخوان! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود! (*) 106_ و اگر خداوند، (برای امتحان یا کیفر گناه،) زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او آن را برطرف نمی سازد؛ و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد! آنرا به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند؛ و او غفور و رحیم است! (*) 107_ بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، برای خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم!» (*) 108_ و از آنچه بر تو وحی می شود پیروی کن، و شکیبای باش (و استقامت نما)، تا خداوند فرمان (پیروزی) را صادر کند؛ و او بهترین حاکمان است! (*) 109_

(سوره هود)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، این کتابی است که آیاتش استحکام یافته؛ سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است! (*) 1_ (دعوت من این است) که: جز «الله» را پرستید! من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده ام! (*) 2_ و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس بسوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدّت معینی، (از مواهب زندگی این جهان)، به خوبی بهره مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم! (*) 3_ (بدانید) بازگشت شما بسوی «الله» است، و او بر هر چیز تواناست! (*) 4_ آگاه باشید، آنها (سرها را به هم نزدیک ساخته، و) سینه هاشان را در کنار هم قرار می دهند، تا خود (و سخنان خویش) را از او [= پیامبر] پنهان دارند! آگاه باشید، آنگاه که آنها لباسهایشان را به خود می پیچند و خویش را در آن پنهان می کنند، (خداوند) می داند آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می سازند؛ چرا که او، از اسرار درون سینه ها، آگاه است! (*) 5_ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! [= در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا] (*) 6_ او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است! و اگر (به آنها) بگویید: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می شوید!»، مسلماً کافران می گویند: «این سحری آشکار است!» (*) 7_ و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا می گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!») آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد؛ (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود)؛ و آنچه را مسخره می کردند، دامنشان را می گیرد! (*) 8_ و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و

ناسپاس خواهد بود! (* 9_ و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمتهایی به او بچشانیم، می گوید: «مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز نخواهد گشت!» و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می شود... (* 10_ مگر آنها که (در سایه ایمان راستین، صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که برای آنها، آموزش و اجر بزرگی است! (* 11_ شاید (بلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می شود، (بخاطر عدم پذیرش آنها) ترک کنی (و به تأخیر اندازی)؛ و سینه ات از این جهت تنگ (و ناراحت) شود که می گویند: «چرا گنجی بر او نازل نشده؟! و یا چرا فرشته ای همراه او نیامده است؟!» (بلاغ کن، و نگران و ناراحت مباش! چرا که) تو فقط بیم دهنده ای؛ و خداوند، نگاهبان و ناظر بر همه چیز است (و به حساب آنان می رسد)! (* 12_ آنها می گویند: «او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)!» بگو: «اگر راست می گویند، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید؛ و تمام کسانی را که می توانید -غیر از خدا- (برای این کار) دعوت کنید!» (* 13_ و اگر آنها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل شده؛ و هیچ معبودی جز او نیست! آیا با این حال، تسلیم می شوید؟ (* 14_ کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم؛ و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! (* 15_ (ولی) آنها در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت؛ و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می رود؛ و آنچه را عمل می کردند، باطل و بی اثر می شود! (* 16_ آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنبال آن، شاهی از سوی او می باشد، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می دهد، همچون کسی است که چنین نباشد؟! آنها [= حق طلبان و حقیقت جوینان] به او (که دارای این ویژگیهاست،) ایمان می آورند! و هر کس از گروه های مختلف به او کافر شود، آتش وعده گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند! (* 17_ چه کسی ستمکارتر است از کسانی که بر خدا افترا می بندند؟! آنان (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می شوند، در حالی که شاهدان [= پیامبران و فرشتگان] می گویند: «اینها همانها هستند که به پروردگارشان دروغ بستند! ای لعنت خدا بر ظالمان باد!» (* 18_ همانها که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند؛ و راه حق را کج و معوج نشان می دهند؛ و به سرای آخرت کافرند! (* 19_ آنها هیچ گاه توانایی فرار در زمین را ندارند؛ و جز خدا، پشتیبانیهایی نمی یابند! عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود؛ (چرا که هم خودشان گمراه بودند، و هم دیگران را گمراه ساختند؛) آنها هرگز توانایی شنیدن (حق را) نداشتند؛ و (حقیقت را) نمی دیدند! (* 20_ آنان کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده اند؛ و تمام معبودهای دروغین از نظرشان گم شدند... (* 21_ (به ناچار) آنها در سرای آخرت، قطعاً از همه زیانکارترند! (* 22_ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضوع و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند! (* 23_ حال این دو گروه [= مؤمنان و منکران]، حال «نابینا و کر» و «بینا و شنوا» است؛ آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا پند نمی گیرند؟! (* 24_ ما نوح را بسوی قومش فرستادیم (نخستین بار به آنها گفت): «من برای شما بیم دهنده ای آشکارم! (* 25_ جز «الله» [= خدای یگانه یکتا] را نپرستید؛ زیرا بر شما از عذاب روز دردناکی می ترسم! (* 26_ اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده اند، جز گروهی اراذل ساده لوح، مشاهده نمی کنیم؛ و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم؛ بلکه شما را دروغگو تصور می کنیم!» (* 27_ (نوح) گفت: «اگر

من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم، و از نزد خودش رحمتی به من داده باشد - و بر شما مخفی مانده - (آیا باز هم رسالت مرا انکار می کنید؟! آیا ما می توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با اینکه شما کراهت دارید؟! (* 28_ ای قوم! من به خاطر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من، تنها بر خداست! و من، آنها را که ایمان آورده اند، (بخاطر شما) از خود طرد نمی کنم؛ چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد؛ (اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود؛ ولی شما را قوم جاهلی می بینم! (* 29_ ای قوم! چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می دهد اگر آنان را طرد کنم؟! آیا اندیشه نمی کنید؟! (* 30_ من هرگز به شما نمی گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی دانم! و نمی گویم من فرشته ام! و (نیز) نمی گویم کسانی که در نظر شما خوار می آیند، خداوند خیری به آنها نخواهد داد؛ خدا از دل آنان آگاهتر است! (با این حال، اگر آنها را برانم، در این صورت از ستمکاران خواهم بود! (* 31_ گفتند: «ای نوح! با ما جر و بحث کردی، و زیاد هم جر و بحث کردی! (بس است!) اکنون اگر راستی می گویی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می دهی بیاور!» (* 32_ نوح) گفت: «اگر خدا اراده کند، خواهد آورد؛ و شما قدرت فرار (از آن را) نخواهید داشت! (* 33_ (اما چه سود که) هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست؛ و بسوی او بازگشت داده می شوید.» (* 34_ (مشرکان) می گویند: «او [= محمد (ص)] این سخنان را بدروغ به خدا نسبت داده است! «بگو: «اگر من اینها را از پیش خود ساخته باشم و به او نسبت دهم، گناهش بر عهده من است؛ ولی من از گناهان شما بیزارم!» (* 35_ به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد! پس، از کارهایی که می کردند، غمگین مباش! (* 36_ و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز! و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن، که (همه) آنها غرق شدنی هستند!» (* 37_ او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند؛ (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می کنید، ما نیز شما را همین گونه مسخره خواهیم کرد!» (* 38_ بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد، و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!» (* 39_ (این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت؛ (به نوح) گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) - مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [= همسر و یکی از فرزندان] - و همچنین مؤمنان را!» اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند! (* 40_ او گفت: «به نام خدا بر آن سوار شوید! و هنگام حرکت و توقف کشتی، یاد او کنید، که پروردگارم آمرزنده و مهربان است!» (* 41_ و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه ها حرکت میداد؛ (در این هنگام، نوح فرزندش را که در گوشه ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!» (* 42_ گفت: «بزودی به کوهی پناه میبرم تا مرا از آب حفظ کند!» (نوح) گفت: «امروز هیچ نگهداری در برابر فرمان خدا نیست؛ مگر آن کس را که او رحم کند!» در این هنگام، موج در میان آن دو حایل شد؛ و او در زمره غرق شدگان قرار گرفت! (* 43_ و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن! و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت؛ و (در این هنگام،) گفته شد: «دور باد قوم ستمگر (از سعادت و نجات و رحمت خدا!» (* 44_ نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسرم از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات

خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم کنندگان برتری!» (* 45_ فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [= فرد ناشایسته ای است!] پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من خواه! من به تو اندرز می دهم تا از جاهلان نباشی!!» (* 46_ عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود!» (* 47_ (به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امتهایی که با تو، فرود آی! و امتهای نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره مند خواهیم ساخت، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنها می رسد (چرا که این نعمتها را کفران می کنند!)» (* 48_ اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می کنیم؛ نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی دانستید! بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن بهره‌گاران است! (* 49_ (ما) به سوی قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می زنید (و بتها را شریک او می خوانید)! (* 50_ ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی طلبم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است؛ آیا نمی فهمید؟! (* 51_ و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آموزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید!» (* 52_ گفتند: «ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده ای! و ما خدایان خود را بخاطر حرف تو، رها نخواهیم کرد! و ما (اصلاً) به تو ایمان نمی آوریم! (* 53_ ما (درباره تو) فقط می گوئیم: بعضی از خدایان ما، به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده) اند!» (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می طلبم، شما نیز گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک (خدا) قرار می دهید... (* 54_ از آنچه غیر او (می پرستید)! حال که چنین است، همگی برای من نقشه بکشید؛ و مرا مهلت ندهید! (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست!) (* 55_ من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده ام! هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد؛ (اما سلطه ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است! (* 56_ پس اگر روی برگردانید، من رسالتی را که مأمور بودم به شما رساندم؛ و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما می کند؛ و شما کمترین ضرری به او نمی رسانید؛ پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است!» (* 57_ و هنگامی که فرمان ما فرارسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم! (* 58_ و این قوم «عاد» بود که آیات پروردگارش را انکار کردند؛ و پیامبران او را معصیت نمودند؛ و از فرمان هر ستمگر دشمن حق، پیروی کردند! (* 59_ آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) بدنبال دارند! بدانید «عاد» نسبت به پروردگارش کفر ورزیدند! دور باد «عاد» - قوم هود - (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)! (* 60_ و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما وا گذاشت! از او آموزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته های آنها) است!» (* 61_ گفتند: «ای صالح! تو پیش از این، مایه امید ما بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند، نهی می کنی؟! در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتان می کنی، در شک و تردید هستیم!» (* 62_ گفت: «ای قوم! اگر من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد (می توانم از ابلاغ رسالت او سرپیچی کنم)! اگر من نافرمانی او کنم، چه

کسی می تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟! پس، (سخنان) شما، جز اطمینان به زیانکار بودن، چیزی بر من نمی افزاید! (*) 63_ ای قوم من! این «ناقه» خداوند است، که برای شما نشانه ای است؛ بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود؛ هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که بزودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت! (*) 64_ (اما) آنها آن (ناقه) را از پای در آوردند! و (صالح به آنها) گفت: «مهلت شما تمام شد!» سه روز در خانه هایتان بهره مند گردید؛ (و بعد از آن، عذاب الهی فرا خواهد رسید؛) این وعده ای است که دروغ نخواهد بود! (*) 65_ و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم؛ چرا که پروردگارت قوی و شکست ناپذیر است! (*) 66_ و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه (آسمانی) فروگرفت؛ و در خانه هایشان به روی افتادند و مردند... (*) 67_ آنچنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم نمود، پروردگازشان را انکار کردند! دور باد قوم نمود (از رحمت پروردگار)! (*) 68_ فرستادگان ما [= فرشتگان] برای ابراهیم بشارت آوردند؛ گفتند: «سلام!» (او نیز) گفت: «سلام!» و طولی نکشید که گوساله بریانی (برای آنها) آورد. (*) 69_ (اما) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی رسد (و از آن نمی خورند، کار) آنها را زشت شمرد؛ و در دل احساس ترس نمود. به او گفتند: «ترس! ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم!» (*) 70_ و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم. (*) 71_ گفت: «ای وای بر من! آیا من فرزند می آورم در حالی که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!» (*) 72_ گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب میکنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چرا که او ستوده و والا است!» (*) 73_ هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست، و بشارت به او رسید، درباره قوم لوط با ما مجادله می کرد... (*) 74_ چرا که ابراهیم، بردبار و دلسوز و بازگشت کننده (سوی خدا) بود! (*) 75_ ای ابراهیم! از این (درخواست) صرف نظر کن، که فرمان پروردگارت فرا رسیده؛ و بطور قطع عذاب (الهی) به سراغ آنها می آید؛ و برگشت ندارد! (*) 76_ و هنگامی که رسولان ما [= فرشتگان عذاب] به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد؛ و قلبش پریشان گشت؛ و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را شناخت؛ و ترسید قوم تبهکار مزاحم آنها شوند). (*) 77_ قوم او (بقصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند - و قبلاً کارهای بد انجام می دادند - گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند؛ برای شما پاکیزه ترند! (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم پوشید!) از خدا بترسید؛ و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟! (*) 78_ گفتند: «تو که می دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم؛ و خوب می دانی ما چه می خواهیم!» (*) 79_ گفت: «افسوس!» ای کاش در برابر شما قدرتی داشتیم؛ یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آنگاه می دانستم با شما زشت سیرتان ددمنش چه کنم!) (*) 80_ (فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم! آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد! در دل شب، خانواده ات را (از این شهر) حرکت ده! و هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکنند؛ مگر همسرت، که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می شوند، گرفتار خواهد شد! موعد آنها صبح است؛ آیا صبح نزدیک نیست؟! (*) 81_ و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سنگ [= گلهای متحجر] مترکم بر روی هم، بر آنها نازل نمودیم... (*) 82_ (سنگهایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود؛ و آن، (از سایر) مستمگران دور نیست! (*) 83_ و بسوی «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش

کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمانہ و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید)! من (هم اکنون) شما را در نعمت می بینم؛ (ولی) از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم! (*) 84_ و ای قوم من! پیمانہ و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نگاهید! و در زمین به فساد نکوشید! (*) 85_ آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم! (*) 86_ گفتند: «ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی!» (*) 87_ گفت: «ای قوم! به من بگوئید، هرگاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد، (آیا می توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟! من هرگز نمی خواهم چیزی که شما را از آن باز می دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح - تا آنجا که توانایی دارم - نمی خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم؛ و به سوی او باز می گردم! (*) 88_ و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست! (*) 89_ از پروردگار خود، آمرزش بطلبید؛ و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است!» (*) 90_ گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می گویی، ما نمی فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می یابیم؛ و اگر (بخاطر) قبیله کوچک نبود، تو را سنگسار می کردیم؛ و تو در برابر ما قدرتی نداری!» (*) 91_ گفت: «ای قوم! آیا قبیله کوچک من، نزد شما عزیزتر از خداوند است؟! در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته اید! پروردگارم به آنچه انجام می دهید، احاطه دارد (و آگاه است)! (*) 92_ ای قوم! هر کاری از دستتان ساخته است، انجام دهید، من هم کار خود را خواهم کرد؛ و بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش می آید، و چه کسی دروغگوست! شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم!» (*) 93_ و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را که ستم کردند، صیحه (آسمانی) فرو گرفت؛ و در دیار خود، به رو افتادند (و مردند)... (*) 94_ آنچنان که گویی هرگز از ساکنان آن (دیار) نبودند! دور باد مدین (و اهل آن) از رحمت خدا، همان گونه که قوم ثمود دور شدند! (*) 95_ ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم... (*) 96_ بسوی فرعون و اطرافیانش؛ اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند؛ در حالی که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود! (*) 97_ روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود؛ و (به جای چشمه های زلال بهشت) آنها را وارد آتش می کند! و چه بد آبشخوری است (آتش)، که بر آن وارد می شوند! (*) 98_ آنان در این جهان و روز قیامت، لعنتی بدنبال دارند؛ و چه بد عطایی است (لعن و دوری از رحمت خدا)، که نصیب آنان می شود! (*) 99_ این از اخبار شهرها و آبادیهاست که ما برای تو بازگو می کنیم؛ که بعضی (هنوز) برپا هستند، و بعضی درو شده اند (و از میان رفته اند)! (*) 100_ ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند! (*) 101_ و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می کند! (آری)، مجازات او، دردناک و شدید است! (*) 102_ در این، نشانه ای است برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد؛ همان روزی است که مردم در آن جمع می شوند، و روزی که همه آن را مشاهده می کنند. (*) 103_

و ما آن (مجازات) را، جز تا زمان محدودی، تأخیر نمی اندازیم! (*) 104_ آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید؛ گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت! (*) 105_ اما آنها که بدبخت شدند، در آتشند؛ و برای آنان در آنجا، «زفیر» و «شهیق» [= ناله های طولانی دم و بازدم] است... (*) 106_ جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد! پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می دهد! (*) 107_ اما آنها که خوشبخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی! (*) 108_ پس شکّ و تردیدی (در باطل بودن) معبودهایی که آنها می پرستند، به خود راه مده! آنها همان گونه این معبودها را پرستش می کنند که پدرانشان قبلاً می پرستیدند، و ما نصیب آنان را بی کم و کاست خواهیم داد! (*) 109_ ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه آزمایش و اتمام حجّت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می شد! و آنها (هنوز) در شکّ اند، شکّی آمیخته به بدگمانی! (*) 110_ و پروردگارت اعمال هر یک را بی کم و کاست به آنها خواهد داد؛ و او به آنچه عمل می کنند آگاه است! (*) 111_ پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می دهید می بیند! (*) 112_ و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولیّ و سرپرستی جز خدا نخواهد داشت؛ و یاری نمی شوید! (*) 113_ در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند؛ این تذکّری است برای کسانی که اهل تذکّرند! (*) 114_ و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد! (*) 115_ چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند)! (*) 116_ و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلس در صدد اصلاح بوده باشند! (*) 117_ و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را یک امت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلفند... (*) 118_ مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید! و فرمان پروردگارت قطعی شده که: جهنّم را از همه (سرکشان و طاغیان) جنّ و انس پر خواهم کرد! (*) 119_ ما از هر یک از سرگذشتهای انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم؛ و اراده ات قوی گردد. و در این (اخبار و سرگذشتهای)، برای تو حقّ، و برای مؤمنان موعظه و تذکّر آمده است. (*) 120_ و به آنها که ایمان نمی آورند، بگو: «هر چه در قدرت دارید، انجام دهید! ما هم انجام می دهیم!» (*) 121_ و انتظار بکشید! ما هم منتظریم! (*) 122_ و (آگاهی از) غیب (و اسرار نهان) آسمانها و زمین، تنها از آن خداست؛ و همه کارها به سوی او بازمی گردد! پس او را پرستش کن! و بر او توکّل نما! و پروردگارت از کارهایی که می کنی، هرگز غافل نیست! (*) 123_

(سوره یوسف)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، آن آیات کتاب آشکار است! (*) 1_ ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید (و ببیندیشید)! (*) 2_ ما بهترین سرگذشتها را از طریق این قرآن - که به تو وحی کردیم - بر تو بازگو می کنیم؛ و مسلماً پیش از این، از آن خبر نداشتی! (*) 3_ (به خاطر بیاور) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابر من سجده می کنند!» (*) 4_ گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است!» (*) 5_ و این گونه پروردگارت تو را برمی گرداند؛ و از تعبیر خوابها به تو می آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می کند، همان گونه که پیش از این، بر پدران ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است!» (*) 6_ در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه ها (ی هدایت) برای سؤال کنندگان بود! (*) 7_ هنگامی که (برادران) گفتند: «یوسف و برادرش [= بنیامین] نزد پدر، از ما محبوبترند؛ در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم! مسلماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است!» (*) 8_ یوسف را بکشید؛ یا او را به سرزمین دور دستی بیفکنید؛ تا توجه پدر، فقط به شما باشد؛ و بعد از آن، (از گناه خود توبه می کنید؛ و) افراد صالحی خواهید بود! (*) 9_ یکی از آنها گفت: «یوسف را نکشید! و اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید؛ تا بعضی از قافله ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند)!» (*) 10_ (و برای انجام این کار، برادران نزد پدر آمدند و) گفتند: «پدرجان! چرا تو درباره (برادرمان) یوسف، به ما اطمینان نمی کنی؟! در حالی که ما خیر خواه او هستیم!» (*) 11_ فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و تفریح کند؛ و ما نگاهبان او هستیم!» (*) 12_ (پدر) گفت: «من از بردن او غمگین می شوم؛ و از این می ترسم که گرگ او را بخورد، و شما از او غافل باشید!» (*) 13_ گفتند: «با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، اگر گرگ او را بخورد، ما از زیانکاران خواهیم بود (و هرگز چنین چیزی) ممکن نیست!» (*) 14_ هنگامی که او را با خود بردند، و تصمیم گرفتند وی را در مخفی گاه چاه قرار دهند، (سرانجام مقصد خود را عملی ساختند؛ و به او وحی فرستادیم که آنها را در آینده از این کارشان با خبر خواهی ساخت؛ در حالی که آنها نمی دانند!» (*) 15_ (برادران یوسف) شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند. (*) 16_ گفتند: «ای پدر! ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد ائاث خود گذاردیم؛ و گرگ او را خورد! تو هرگز سخن ما را باور نخواهی کرد، هر چند راستگو باشیم!» (*) 17_ و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبائی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می گوید، از خداوند یاری می طلبم!» (*) 18_ و (در همین حال) کاروانی فرا رسید؛ و مأمور آب را (به سراغ آب) فرستادند؛ او دلو خود را در چاه افکند؛ (ناگهان) صدا زد: «مژده باد! این کودکی است (زیبا و دوست داشتنی!)» و این امر را بعنوان یک سرمایه از دیگران مخفی داشتند. و خداوند به آنچه آنها انجام می دادند، آگاه بود. (*) 19_ و (سرانجام)، او را به بهای کمی - چند درهم - فروختند؛ و نسبت به (فروختن) او، بی رغبت بودند (چرا که می ترسیدند رازشان فاش شود). (*) 20_ و آن

کس که او را از سرزمین مصر خرید [= عزیز مصر]، به همسرش گفت: «مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد؛ و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم!» و اینچنین یوسف را در آن سرزمین متمکن ساختیم! (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم؛ و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم؛ خداوند بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی دانند!

(* 21) و هنگامی که به بلوغ و قوت رسید، ما «حکم» [= نبوت] و «علم» به او دادیم؛ و اینچنین نیکوکاران را پادشاه می دهیم! (* 22) و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست!)» (یوسف) گفت: «پناه می برم به خدا! او [= عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟! مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند!» (* 23) آن زن قصد او کرد؛ و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی دید - قصد وی می نمود! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود! (* 24) و هر دو به سوی در، دویدند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می کرد)؛ و پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند! آن زن گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به اهل تو خیانت کند، جز زندان و یا عذاب دردناک، چه خواهد بود؟!» (* 25)

_(یوسف) گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد!» و در این هنگام، شاهی از خانواده آن زن شهادت داد که: «اگر پیراهن او از پیش رو پاره شده، آن آن راست می گوید، و او از دروغگویان است. (* 26) و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، آن زن دروغ می گوید، و او از راستگویان است.» (* 27) هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن او [= یوسف] از پشت پاره شده، گفت: «این از مکر و حیله شما زنان است؛ که مکر و حیله شما زنان، عظیم است!» (* 28)

یوسف از این موضوع، صرف نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهت استغفار کن، که از خطاکاران بودی!» (* 29) (این جریان در شهر منعکس شد؛) گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، جوانش [= غلامش] را بسوی خود دعوت می کند! عشق این جوان، در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم!» (* 30) هنگامی که (همسر عزیز) از فکر آنها باخبر شد، به سراغشان فرستاد (و از آنها دعوت کرد)؛ و برای آنها پستی (گرانها، و مجلس باشکوهی) فراهم ساخت؛ و به دست هر کدام، چاقویی (برای بریدن میوه) داد؛ و در این موقع (به یوسف) گفت: «وارد مجلس آنان شو!» هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ (و زیبا) شمردند؛ و (بی توجه) دستهای خود را بردند؛ و گفتند: «منزه است خدا! این بشر نیست؛ این یک فرشته بزرگوار است!» (* 31) (همسر عزیز) گفت: «این همان کسی است که بخاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید! (آری،) من او را به خویشتن دعوت کردم؛ و او خودداری کرد! و اگر آنچه را دستور می دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد؛ و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد!» (* 32) (یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!» (* 33) پروردگارش دعای او را اجابت کرد؛ و مکر آنان را از او بگردانید؛ چرا که او شنوا و داناست! (* 34) و بعد از آنکه نشانه های (پاکی یوسف) را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدتی زندانی کنند! (* 35) و دو جوان، همراه او وارد زندان شدند؛ یکی از آن دو گفت: «من در خواب دیدم که (انگور برای) شراب می فشارم!» و دیگری گفت: «من در خواب دیدم که نان بر سرم حمل می کنم؛ و پرندگان از آن می خورند؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم.» (* 36) (یوسف) گفت: «پیش از آنکه جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. این، از دانشی است که

پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترک گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم)! (*) 37_ من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم! برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم؛ این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند! (*) 38_ ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟! (*) 39_ این معبودهایی که غیر از خدا می پرستید، چیزی جز اسمهایی (بی مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده؛ حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (*) 40_ ای دوستان زندانی من! اما یکی از شما (دو نفر، آزاد می شود؛ و) ساقی شراب برای صاحب خود خواهد شد؛ و اما دیگری به دار آویخته می شود؛ و پرندگان از سر او می خورند! و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است! (*) 41_ و به آن یکی از آن دو نفر، که می دانست رهایی می یابد، گفت: «مرا نزد صاحبت [= سلطان مصر [یادآوری کن!]] ولی شیطان یادآوری او را نزد صاحبش از خاطر وی برد؛ و بدنال آن، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند. (*) 42_ پادشاه گفت: «من در خواب دیدم هفت گاو چاق را که هفت گاو لاغر آنها را می خورند؛ و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده؛ (که خشکیده ها بر سبزه ها پیچیدند؛ و آنها را از بین بردند.) ای جمعیت اشراف! درباره خواب من نظر دهید، اگر خواب را تعبیر می کنید!» (*) 43_ گفتند: «خواههای پریشان و پراکنده ای است؛ و ما از تعبیر این گونه خوابها آگاه نیستیم!» (*) 44_ و یکی از آن دو که نجات یافته بود - و بعد از مدتی به خاطرش آمد - گفت: «من تأویل آن را به شما خبر می دهم؛ مرا (به سراغ آن جوان زندانی) بفرستید!» (*) 45_ (او به زندان آمد، و چنین گفت:)) یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می خورند؛ و هفت خوشه تر، و هفت خوشه خشکیده؛ تا من بسوی مردم بازگردم، شاید (از تعبیر این خواب) آگاه شوند! (*) 46_ گفت: «هفت سال با جدیت زراعت می کنید؛ و آنچه را درو کردید، جز کمی که می خرید، در خوشه های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید). (*) 47_ پس از آن، هفت سال سخت (و خشکی و قحطی) می آید، که آنچه را برای آن سالها ذخیره کرده اید، می خورند؛ جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد. (*) 48_ سپس سالی فرامی رسد که باران فراوان نصیب مردم می شود؛ و در آن سال، مردم عصاره (میوه ها و دانه های روغنی را) می گیرند (و سال پر برکتی است.)» (*) 49_ پادشاه گفت: «او را نزد من آورید!» ولی هنگامی که فرستاده او نزد وی [= یوسف] آمد گفت: «به سوی صاحبت بازگرد، و از او بپرس ماجرای زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ که خدای من به نیرنگ آنها آگاه است.» (*) 50_ (پادشاه آن زنان را طلبید و) گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار شما چه بود؟» گفتند: «منزه است خدا، ما هیچ عیبی در او نیافتیم!» (در این هنگام) همسر عزیز گفت: «الآن حق آشکار گشت! من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم؛ و او از راستگویان است!» (*) 51_ این سخن را بخاطر آن گفتم تا بدانند من در غیاب به او خیانت نکردم؛ و خداوند مکر خائنان را هدایت نمی کند! (*) 52_ من هرگز خودم را تیرئه نمی کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدهیا امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.» (*) 53_ پادشاه گفت: «او [= یوسف] را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!» (*) 54_ (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار

ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (* 55) و این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می خواست در آن منزل می گزید (و تصرف می کرد)! ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) میبخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم! (* 56) (اما) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری داشتند، بهتر است! (* 57) (سرزمین کنعان را قحطی فرا گرفت؛) برادران یوسف (در پی مواد غذایی به مصر) آمدند؛ و بر او وارد شدند. او آنان را شناخت؛ ولی آنها او را نشناختند. (* 58) و هنگامی که (یوسف) بارهای آنان را آماده ساخت، گفت: «نوبت آینده آن برادری را که از پدر دارید، نزد من آورید! آیا نمی بینید من حق پیمانه را ادا می کنم، و من بهترین میزبانان هستم؟! (* 59) و اگر او را نزد من نیاورید، نه کیل (و پیمانه ای از غله) نزد من خواهید داشت؛ و نه (اصلاً) به من نزدیک شوید!» (* 60) گفتند: «ما با پدرش گفتگو خواهیم کرد؛ (و سعی می کنیم موافقتش را جلب نماییم)؛ و ما این کار را خواهیم کرد!» (* 61) (سپس) به کارگزاران خود گفت: «آنچه را بعنوان قیمت پرداخته اند، در بارهایشان بگذارید! شاید پس از بازگشت به خانواده خویش، آن را بشناسند؛ و شاید برگردند!» (* 62) هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر! دستور داده شده که (بدون حضور برادرمان بنیامین) پیمانه ای (از غله) به ما ندهند؛ پس برادرمان را با ما بفرست، تا سهمی (از غله) دریافت داریم؛ و ما او را محافظت خواهیم کرد!» (* 63) گفت: «آیا نسبت به او به شما اطمینان کنم همان گونه که نسبت به برادرش (یوسف) اطمینان کردم (و دیدید چه شد)؟! و (در هر حال)، خداوند بهترین حافظ، و مهربانترین مهربانان است» (* 64) و هنگامی که متاع خود را گشودند، دیدند سرمایه آنها به آنها بازگردانده شده! گفتند: «پدر! ما دیگر چه می خواهیم؟! این سرمایه ماست که به ما باز پس گردانده شده است! (پس چه بهتر که برادر را با ما بفرستی)؛ و ما برای خانواده خویش مواد غذایی می آوریم؛ و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت؛ این پیمانه (بار) کوچکی است!» (* 65) گفت: «من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد، تا پیمان مؤکد الهی بدهید که او را حتماً نزد من خواهید آورد! مگر اینکه (بر اثر مرگ یا علت دیگر)، قدرت از شما سلب گردد. و هنگامی که آنها پیمان استوار خود را در اختیار او گذاردند، گفت: «خداوند، نسبت به آنچه می گوئیم، ناظر و نگهبان است!» (* 66) و (هنگامی که می خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت: «فرزندان من! از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرق وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود)؛ و (من با این دستور)، نمی توانم حادثه ای را که از سوی خدا حتمی است، از شما دفع کنم! حکم و فرمان، تنها از آن خداست! بر او توکل کرده ام؛ و همه متوکلان باید بر او توکل کنند!» (* 67) و هنگامی که از همان طریق که پدر به آنها دستور داده بود وارد شدند، این کار هیچ حادثه حتمی الهی را نمی توانست از آنها دور سازد، جز حاجتی در دل یعقوب (که از این طریق) انجام شد (و خاطرش آرام گرفت)؛ و او به خاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (* 68) هنگامی که (برادران) بر یوسف وارد شدند، برادرش را نزد خود جای داد و گفت: «من برادر تو هستم، از آنچه آنها انجام می دادند، غمگین و ناراحت نباش!» (* 69) و هنگامی که (مأمور یوسف) بارهای آنها را بست، ظرف آبخوری پادشاه را در بار برادرش گذاشت؛ سپس کسی صدا زد؛ «ای اهل قافله، شما دزد هستید!» (* 70) آنها رو به سوی او کردند و گفتند: «چه چیز گم کرده اید؟» (* 71) گفتند: «پیمانه پادشاه را! و هر کس آن را بیاورد، یک بار شتر (غله) به او داده می شود؛ و من ضامن این (پاداش) هستم!» (* 72) گفتند: «به خدا سوگند شما می دانید ما نیامده ایم که در این سرزمین فساد کنیم؛ و ما (هرگز) دزد نبوده ایم!» (* 73) آنها

گفتند: «اگر دروغگو باشید، کیفرش چیست؟» (* 74_ گفتند: «هر کس (آن پیمانۀ) در بارِ او پیدا شود، خودش کیفر آن خواهد بود؛ (و بخاطر این کار، برده شما خواهد شد؛) ما این گونه ستمگران را کیفر می دهیم!» (* 75_ در این هنگام، (یوسف) قبل از بار برادرش، به کاوش بارهای آنها پرداخت؛ سپس آن را از بارِ برادرش بیرون آورد؛ این گونه راه چاره را به یوسف یاد دادیم! او هرگز نمی توانست برادرش را مطابق آیین پادشاه (مصر) بگیرد، مگر آنکه خدا بخواهد! درجات هر کس را بخواهیم بالا می بریم؛ و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است! (* 76_ (برادران) گفتند: «اگر او [بنیامین] دزدی کند، (جای تعجب نیست؛) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد» (سخت ناراحت شد، و) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت، و برای آنها آشکار نکرد؛ (همین اندازه) گفت: «شما (از دیدگاه من،) از نظر منزلت بدترین مردمید! و خدا از آنچه توصیف می کنید، آگاهتر است!» (* 77_ گفتند: «ای عزیز! او پدری پیری دارد (که سخت ناراحت می شود)؛ یکی از ما را به جای او بگیر؛ ما تو را از نیکوکاران می بینیم!» (* 78_ گفت: «پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته ایم بگیریم؛ در آن صورت، از ظالمان خواهیم بود!» (* 79_ هنگامی که (برادران) از او مأیوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند؛ (برادر) بزرگشان گفت: «آیا نمی دانید پدرتان از شما پیمان الهی گرفته؛ و پیش از این درباره یوسف کوتاهی کردید؟! من از این سرزمین حرکت نمی کنم، تا پدرم به من اجازه دهد؛ یا خدا درباره من داوری کند، که او بهترین حکم کنندگان است!» (* 80_ شما به سوی پدرتان بازگردید و بگوئید: پدر (جان)، پسر دزدی کرد! و ما جز به آنچه می دانستیم گواهی ندادیم؛ و ما از غیب آگاه نبودیم!» (* 81_ (و اگر اطمینان نداری،) از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (پیرس)! و ما (در گفتار خود) صادق هستیم!» (* 82_ (یعقوب) گفت: «هوای نفس شما، مسأله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می کنم، صبری زیبا (و خالی از کفران)! امیدوارم خداوند همه آنها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است!» (* 83_ و از آنها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر یوسف!» و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می برد (و هرگز کفران نمی کرد)! (* 84_ گفتند: «به خدا تو آنقدر یاد یوسف می کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری، یا هلاک گردی!» (* 85_ گفت: «من غم و اندوهم را تنها به خدا می گویم (و شکایت نزد او می برم)! و از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید!» (* 86_ پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند!» (* 87_ هنگامی که آنها بر او [= یوسف] وارد شدند، گفتند: «ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته، و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده ایم؛ پیمانۀ را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدق و بخشش نما، که خداوند بخشندگان را پاداش می دهد!» (* 88_ گفت: «آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آنگاه که جاهل بودید؟!» (* 89_ گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری،) من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می شود؛) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند!» (* 90_ گفتند: «به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشیده؛ و ما خطاکار بودیم!» (* 91_ (یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می بخشد؛ و او مهربانترین مهربانان است!» (* 92_ این پیراهن مرا ببرید، و بر صورت پدرم بیندازید، بینا می شود! و همه نزدیکان خود را نزد من بیاورید!» (* 93_ هنگامی که کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان [= یعقوب] گفت: «من بوی یوسف را احساس می کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت

ندهید!» (* 94) گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابقت هستی!» (* 95) اما هنگامی که بشارت دهنده فرا رسید، آن (بیراهن) را بر صورت او افکند؛ ناگهان بینا شد! گفت: «آیا به شما نگفتم من از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید؟!» (* 96) گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم!» (* 97) گفت: «بزودی برای شما از پروردگار آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و مهربان است!» (* 98) و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: «همگی داخل مصر شوید، که انشاء الله در امن و امان خواهید بود!» (* 99) و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی بخاطر او به سجده افتادند؛ و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم؛ پروردگارم آن را حق قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به اینجا) آورد بعد از آنکه شیطان، میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می خواهد (و شایسته می داند)، صاحب لطف است؛ چرا که او دانا و حکیم است!» (* 100) پروردگارا! بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما!» (* 101) این از خبرهای غیب است که به تو وحی می فرستیم! تو (هرگز) نزد آنها نبودی هنگامی که تصمیم می گرفتند و نقشه می کشیدند! (* 102) و بیشتر مردم، هر چند اصرار داشته باشی، ایمان نمی آورند! (* 103) و تو (هرگز) از آنها پاداشی نمی طلبی؛ آن نیست مگر تذکری برای جهانیان! (* 104) و چه بسیار نشانه ای (از خدا) در آسمانها و زمین که آنها از کنارش می گذرند، و از آن رویگرداندند! (* 105) و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند! (* 106) آیا ایمن از آنند که عذاب فراگیری از سوی خدا به سراغ آنان بیاید، یا ساعت رستاخیز ناگهان فرارسد، در حالی که متوجه نیستند؟! (* 107) بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!» (* 108) و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می کردیم! آیا (مخالفان دعوت تو)، در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی کنید؟! (* 109) (پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی شود! (* 110) در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند! (* 111)

(سوره رعد)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم، اینها آیات کتاب (آسمانی) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حقّ است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند! (*) 1_ خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت، سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت)؛ و خورشید و ماه را مسخر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می کند؛ آیات را (برای شما) تشریح می نماید؛ شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید! (*) 2_ و او کسی است که زمین را گسترده؛ و در آن کوه ها و نهلهایی قرار داد؛ و در آن از تمام میوه ها دو جفت آفرید؛ (پرده سیاه) شب را بر روز می پوشاند؛ در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می کنند! (*) 3_ و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند؛ و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب می شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می دهیم؛ در اینها نشانه هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می گیرند! (*) 4_ و اگر (از چیزی) تعجب می کنی، عجیب گفتار آنهاست که می گویند: «آیا هنگامی که ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می شویم و) به خلقت جدیدی بازمی گردیم؟!» آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده اند؛ و آنان غل و زنجیرها در گردنشان است؛ و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (*) 5_ آنها پیش از حسنه (و رحمت)، از تو تقاضای شتاب در سیئه (و عذاب) می کنند؛ با اینکه پیش از آنها بلاهای عبرت انگیز نازل شده است! و پروردگار تو نسبت به مردم - با اینکه ظلم می کنند - دارای مغفرت است؛ و (در عین حال)، پروردگارت دارای عذاب شدید است! (*) 6_ کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا آیه (و معجزه ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است؛ (و اینها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت)! (*) 7_ خدا از جنین هایی که هر (انسان یا حیوان) ماده ای حمل می کند آگاه است؛ و نیز از آنچه رحمها کم می کنند (و پیش از موعد مقرر می زایند)، و هم از آنچه افزون می کنند (و بعد از موقع میزایند)؛ و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد. (*) 8_ او از غیب و شهود آگاه، و بزرگ و متعالی است! (*) 9_ برای او یکسان است کسانی از شما که پنهانی سخن بگویند، یا آن را آشکار سازند؛ و کسانی که شبانگاه مخفیانه حرکت می کنند، یا در روشنایی روز. (*) 10_ برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا [= حوادث غیر حتمی] حفظ می کنند؛ (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (بخاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت! (*) 11_ او کسی است که برق را به شما نشان می دهد، که هم مایه ترس است و هم مایه امید؛ و ابرهای سنگین بار ایجاد می کند! (*) 12_ و رعد، تسبیح و حمد او می گوید؛ و (نیز) فرشتگان از ترس او! و صاعقه ها را می فرستد؛ و هر کس را بخواهد گرفتار آن می سازد، (در حالی که آنها با مشاهده این همه آیات الهی، باز هم) درباره خدا به مجادله مشغولند! و او قدرتی بی انتها (و مجازاتی دردناک) دارد! (*) 13_ دعوت

حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی گویند! آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست! (*) 14_ تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند -از روی اطاعت یا اکراه- و همچنین سایه هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می کنند. (*) 15_ بگو: «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» بگو: «الله!» (سپس) بگو: «آیا اولیا (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده اید که (حتی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟!)) بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا ظلمتها و نور برابرند؟! آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند بخاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینشها بر آنها مشتبه شده است؟!» بگو: «خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز!» (*) 16_ خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می آید -خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند!- اما کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند = آب یا فلز خالص [در زمین می ماند؛ خداوند اینچنین مثال می زند! (*) 17_ برای آنها که دعوت پروردگارش را اجابت کردند، (سرانجام و) نتیجه نیکوتر است؛ و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند، (آنچنان در وحشت عذاب الهی فرو می روند، که) اگر تمام آنچه روی زمین است، و همانندش، از آن آنها باشد، همه را برای رهایی از عذاب می دهند! (ولی از آنها پذیرفته نخواهد شد!) برای آنها حساب بدی است؛ و جایگاهشان جهنم، و چه بد جایگاهی است! (*) 18_ آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می شوند... (*) 19_ آنها که به عهد الهی وفا می کنند، و پیمان را نمی شکنند... (*) 20_ و آنها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار میدارند؛ و از پروردگارش می ترسند؛ و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند... (*) 21_ و آنها که بخاطر ذات (پاک) پروردگارش شکیبایی می کنند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست... (*) 22_ (همان) باغهای جاویدان بهشتی که وارد آن می شوند؛ و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند... (*) 23_ (و به آنان می گویند:) سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سراسر (جاویدان)! (*) 24_ آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند، و در روی زمین فساد می نمایند، لعنت برای آنهاست؛ و بدی (و مجازات) سرای آخرت! (*) 25_ خدا روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) وسیع، برای هر کس بخواهد (و مصلحت بداند)، تنگ قرار می دهد؛ ولی آنها = کافران [به زندگی دنیا، شاد (و خوشحال) شدند؛ در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است! (*) 26_ کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا آیه (و معجزه) ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟!» بگو: «خداوند هر کس را بخواهد گمراه، و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می کند! (کمبودی در معجزه ها نیست؛ لجاجت آنها مانع است!)» (*) 27_ آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند، و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد! (*) 28_ آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه ترین (زندگی) نصیبشان است؛ و بهترین سرانجامها! (*) 29

همان گونه (که پیامبران پیشین را مبعوث کردیم)، تو را به میان امتی فرستادیم که پیش از آنها امت‌های دیگری آمدند و رفتند، تا آنچه را به تو وحی نموده ایم بر آنان بخوانی، در حالی که به رحمان [= خداوندی که رحمتش همگان را فراگرفته] کفر می‌ورزند؛ بگو: «او پروردگار من است! معبودی جز او نیست! بر او توکل کردم؛ و بازگشتم بسوی اوست!» (*) 30_ اگر بوسیله؛ قرآن، کوه‌ها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیل؛ آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد)! و پیوسته بلاهای کوبنده ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می‌شود، و یا بنزدیکی خانه آنها فرود می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد؛ به یقین خداوند در وعد؛ خود تخلف نمی‌کند! (*) 31_ (تنها تو را استهزا نکردند، پیامبران پیش از تو را نیز مورد استهزا قرار دادند؛ من به کافران مهلت دادم؛ سپس آنها را گرفتم؛ دیدی مجازات من چگونه بود؟! (*) 32_ آیا کسی که بالای سر همه ایستاده، (و حافظ و نگهبان و مراقب همه است)، و اعمال همه را می‌بیند (همچون کسی است که هیچ یک از این صفات را ندارد)؟! آنان برای خدا همتیانی قرار دادند؛ بگو: «آنها را نام ببرید! آیا چیزی را به او خبر می‌دهید که از وجود آن در روی زمین بی‌خبر است، یا سخنان ظاهری (و تو خالی) می‌گویید؟!» (نه، شریکی برای خدا وجود ندارد؛ بلکه در نظر کافران، دروغهایشان زینت داده شده، (و بر اثر ناپاکی درون، چنین می‌پندارند که واقعیتی دارد؛) و آنها از راه (خدا) بازداشته شده اند؛ و هر کس را خدا همراه کند، راهنمایی برای او وجود نخواهد داشت! (*) 33_ در دنیا، برای آنها عذابی (دردناک) است؛ و عذاب آخرت سخت تر است؛ و در برابر (عذاب) خدا، هیچ کس نمی‌تواند آنها را ننگه دارد! (*) 34_ توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، (این است که) نهرهای آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی، و سایه اش دائمی است؛ این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند؛ و سرانجام کافران، آتش است! (*) 35_ کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند؛ و بعضی از احزاب (و گروه‌ها)، قسمتی از آن را انکار می‌کنند؛ بگو: «من مأمورم که «اللّه» را بپرستم؛ و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می‌کنم؛ و بازگشتم من بسوی اوست!» (*) 36_ همان گونه (که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی دادیم)، بر تو نیز این (قرآن) را بعنوان فرمان روشن و صریحی نازل کردیم؛ و اگر از هوسهای آنان - بعد از آنکه آگاهی برای تو آمده - پیروی کنی، هیچ کس در برابر خدا، از تو حمایت و جلوگیری نخواهد کرد. (*) 37_ ما پیش از تو (نیز) رسولانی فرستادیم؛ و برای آنها همسران و فرزندان قرار دادیم؛ و هیچ رسولی نمی‌توانست (از پیش خود) معجزه ای بیاورد، مگر بفرمان خدا! هر زمانی نوشته ای دارد (و برای هر کاری، موعودی مقرر است)! (*) 38_ خداوند هر چه را بخواهد محو، و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند؛ و «امّ الكتاب» [= لوح محفوظ] نزد اوست! (*) 39_ و اگر پاره ای از مجازاتها را که به آنها وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم، یا (پیش از فرا رسیدن این مجازاتها) تو را بمیرانیم، در هر حال تو فقط مأمور ابلاغ هستی؛ و حساب (آنها) برماست. (*) 40_ آیا ندیدند که ما پیوسته به سراغ زمین می‌آییم و از اطراف (و جوانب) آن کم می‌کنیم؟! (و جامعه‌ها، تمدن‌ها، و دانشمندان تدریجاً از میان می‌روند.) و خداوند حکومت می‌کند؛ و هیچ کس را یارای جلوگیری یا ردّ احکام او نیست؛ و او سریع الحساب است! (*) 41_ پیش از آنان نیز کسانی طرحها و نقشه‌ها کشیدند؛ ولی تمام طرحها و نقشه‌ها از آن خداست! او از کار هر کس آگاه است؛ و بزودی کفّار می‌دانند سرانجام (نیک و بد) در سرای دیگر از آن کیست! (*) 42_ آنها که کافر شدند می‌گویند: «تو

پیامبر نیستی! بگو: «کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند!» (* 43_

(سوره ابراهیم)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، (این کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها (ی شرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید. (* 1_ همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ وای بر کافران از مجازات شدید (الهی)! (* 2_ همانها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند؛ و (مردم را) از راه خدا باز می دارند؛ و می خواهند راه حق را منحرف سازند؛ آنها در گمراهی دوری هستند! (* 3_ ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد؛ سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می کند؛ و او توانا و حکیم است. (* 4_ ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار! (* 5_ و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (جنگال) آل فرعون رهایی بخشید! همانها که شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند؛ پسرانتان را سر می بریدند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود!» (* 6_ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (* 7_ و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زبانی نمی رسد؛ چرا که) خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است!» (* 8_ آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و آنها که پس از ایشان بودند؛ همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی آنها (از روی تعجب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کافریم! و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می خوانید، شک و تردید داریم!» (* 9_ رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شک است؟! خدایی که آسمانها و زمین را آفریده؛ او شما را دعوت می کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعد مقرری شما را باقی گذارد!» آنها گفتند: «ما اینها را نمی فهمیم! همین اندازه می دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند بازدارید؛ شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید!» (* 10_ پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند)، نعمت می بخشد (و مقام رسالت عطا می کند)؛ و ما هرگز نمی توانیم معجزه ای جز بفرمان خدا بیاوریم! (و از تهدیدهای شما نمی هراسیم؛) افراد باایمان باید تنها بر خدا توکل

کنند! (*) 11_ و چرا بر خدا توکل نکنیم، با اینکه ما را به راه های (سعادت) رهبری کرده است؟! و ما بطور مسلم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی داریم)! و توکل کنندگان، باید فقط بر خدا توکل کنند!» (*) 12_ (ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید!» در این حال، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ظالمان را هلاک می کنیم!» (*) 13_ و شما را بعد از آنان در زمین سکوت خواهیم داد، این (موفقیت)، برای کسی است که از مقام (عدالت) من بترسد؛ و از عذاب (من) بیمناک باشد!» (*) 14_ و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفار) کردند؛ و (سرانجام) هر گردنکش منحرفی نومید و نابود شد! (*) 15_ به دنبال او جهنم خواهد بود؛ و از آب بد بوی متعفنی نوشانده می شود! (*)

16_ زحمت جرعه جرعه آن را سرفی کشد؛ و هرگز حاضر نیست به میل خود آن را بیاشامد؛ و مرگ از هر جا به سراغ او می آید؛ ولی با این همه نمی میرد! و دنبال آن، عذاب شدیدی است! (*) 17_ اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی! آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده اند، به دست آورند؛ و این همان گمراهی دور و دراز است. (*) 18_ آیا ندیدی خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفریده است؟! اگر بخواهد، شما را می برد و خلق تازه ای می آورد! (*) 19_ و این کار برای خدا مشکل نیست! (*) 20_ و (در قیامت)، همه آنها در برابر خدا ظاهر می شوند؛ در این هنگام، ضعفا = دنباله روان نادان [به مستکبران (و رهبران گمراه) می گویند: «ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که بخاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده ایم)، شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟» آنها می گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می کردیم! (ولی کار از اینها گذشته است)، چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد؛ راه گریزی برای ما نیست!» (*) 21_ و شیطان، هنگامی که کار تمام می شود، می گوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همدیاف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافر!»

مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند! (*) 22_ و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، به باغهای بهشت وارد می کنند؛ باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می مانند؛ و تحیت آنها در آن، «سلام» است. (*) 23_ آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! (*) 24_ هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد. و خداوند برای مردم مثلها می زند، شاید متذکر شوند (و پند گیرند)! (*) 25_ (همچنین) «کلمه خبیثه» (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده، و قرار و ثباتی ندارد. (*) 26_ خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می سازد، (و لطف خود را از آنها برمی گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می دهد! (*) 27_ آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟! (*) 28_ (سرای نیستی و نابودی، همان) جهنم است که آنها در آتش آن وارد می شوند؛ و بد قرارگاهی است! (*) 29_ آنها برای خدا همتایانی قرار داده اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند؛ بگو:

«چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن بهره گیرید؛ اما عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است!» (* 30_ به بندگان من که ایمان آورده اند بگو نماز را برپا دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروش است، و نه دوستی! (نه با مال می توانند از کيفر خدا رهایی یابند، و نه با پیوندهای مادی!) (* 31_ خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی نازل کرد؛ و با آن، میوه‌های مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد؛ و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید، (* 32_ تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود؛ و خورشید و ماه را -که با برنامه منظمی درکارند- به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت؛ (* 33_ و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است! (* 34_ (به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر = مکه [را شهر امنی قرار ده! و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار! (* 35_ پروردگارا! آنها = بتها [سیاری از مردم را گمراه ساختند! هر کس از من پیروی کند از من است؛ و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی! (* 36_ پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند! (* 37_ پروردگارا! تو می دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می کنیم؛ و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست! (* 38_ حمد خدای را که در پیروی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ مسلماً پروردگار من، شنونده (و اجابت کننده) دعاست. (* 39_ پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر! (* 40_ پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می شود، بیامرز! (* 41_ گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می دهند، غافل است! (نه، بلکه کيفر) آنها را برای روزی تأخیر انداخته است که چشمها در آن (به خاطر ترس و وحشت) از حرکت بازمی ایستند... (* 42_ گردنها را کشیده، سرها را به آسمان بلند کرده، حتی پلک چشمهایشان از حرکت بازمی ماند؛ زیرا به هر طرف نگاه کنند، آثار عذاب آشکار است!) و (در این حال) دل‌هایشان (فرومی ریزد؛ و از اندیشه و امید، خالی می گردد! (* 43_ و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می آید، بترسان! آن روز که ظالمان می گویند: «پروردگارا! مدت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریم و از پیامبران پیروی کنیم!» (اما پاسخ می شنوند که: مگر قبلاً سوگند یاد نکرده بودید که زوال و فنايي برای شما نیست؟! (* 44_ (آری شما بودید که) در منازل (و کاخهای) کسانی که به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید؛ و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم؛ و برای شما، مثلها (از سرگذشت پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید!) (* 45_ آنها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند؛ و همه مکرها (و توطئه هایشان) نزد خدا آشکار است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا برکنند! (* 46_ پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است. (* 47_ در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می گردند! (* 48_ و در آن روز، مجرمان را با هم در غل و زنجیر می بینی! (که دستها و گردنهایشان را به هم بسته است!) (* 49_ لباسهایشان از قطران = ماده چسبنده بد بوی قابل اشتعال [است؛ و صورتهایشان را آتش می پوشاند... (* 50_ تا خداوند هر کس را، هر آنچه انجام داده، جزا دهد! به یقین، خداوند

سریع الحساب است! (* 51_ این (قرآن، پیام (و ابلاغی) برای (عموم) مردم است؛ تا همه بهوسیله آن انداز شوند، و بدانند او خدا یکتاست؛ و تا صاحبان مغز (و اندیشه) پند گیرند! (* 52_

(سوره جبر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الر، این آیات کتاب، و قرآن مبین است. (* 1_ کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند، چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند! (* 2_ بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند، و آرزوها آنان را غافل سازد؛ ولی بزودی خواهند فهمید! (* 3_ ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند! (* 4_ هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی گیرد؛ و از آن عقب نخواهد افتاد! (* 5_ و گفتند: «ای کسی که «ذکر» = قرآن [بر او نازل شده، مسلماً تو دیوانه ای! (* 6_ اگر راست می گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی زوری؟! (* 7_ (اما اینها باید بدانند) ما فرشتگان را، جز بحق، نازل نمی کنیم؛ و هرگاه نازل شوند، دیگر به اینها مهلت داده نمی شود (؛ و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می گردند)! (* 8_ ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم! (* 9_ ما پیش از تو (نیز) پیامرانی در میان امتهای نخستین فرستادیم. (* 10_ هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند. (* 11_ ما اینچنین (و از هر طریق ممکن) قرآن را به درون دلهای مجرمان راه می دهیم! (* 12_ (اما با این حال)، آنها به آن ایمان نمی آورند؛ روش اقوام پیشین نیز چنین بود! (* 13_ و اگر دری از آسمان به روی آنان بگشاییم، و آنها پیوسته در آن بالا روند... (* 14_ باز می گویند: «ما را چشم بندی کرده اند؛ بلکه ما (سر تا پا) سحر شده ایم!» (* 15_ ما در آسمان برجهایی قرار دادیم؛ و آن را برای بینندگان آراستیم. (* 16_ و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم؛ (* 17_ مگر آن کس که استراق سمع کند (و دزدانه گوش فرا دهد) که «شهاب مبین» او را تعقیب می کند (و می راند) (* 18_ و زمین را گسترده کردیم؛ و در آن کوه های ثابتی افکندیم؛ و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم؛ (* 19_ و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم؛ همچنین برای کسانی که شما نمی توانید به آنها روزی دهید! (* 20_ و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی کنیم! (* 21_ ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید! (* 22_ ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم؛ و ماییم وارث (همه جهان)! (* 23_ ما، هم پیشینیان شما را دانستیم؛ و هم متأخران را! (* 24_ پروردگار تو، قطعاً آنها را (در قیامت) جمع و محشور می کند؛ چرا که او حکیم و داناست! (* 25_ ما انسان را از گل خشکیده ای (همچون سفال) که از گل بد بوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم! (* 26_ و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم! (* 27_ و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده، می آفرینم. (* 28_ هنگامی که کار آن را به

پایان رساندم، و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (* 29_ همه فرشتگان، بی استثنا، سجده کردند... (* 30_ جز ابلیس، که ابا کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد. (* 31_ خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی؟!» (* 32_ گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده ای، سجده نخواهم کرد!» (* 33_ فرمود: «از صف آنها = فرشتگان بیرون رو، که رانده شده ای (از درگاه ما!). (* 34_ و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود!» (* 35_ گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)» (* 36_ فرمود: «تو از مهلت یافتگانی! (* 37_ (اما نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز وقت معینی.» (* 38_ گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، (* 39_ مگر بندگان مخلصت را.» (* 40_ فرمود: «این راه مستقیمی است که بر عهده من است (و سنت همیشگیم)... (* 41_ که بر بندگان تسلط نخواهی یافت؛ مگر گمراهانی که از تو پیروی می کنند؛ (* 42_ و دوزخ، میعادگاه همه آنهاست! (* 43_ هفت در دارد؛ و برای هر دری، گروه معینی از آنها تقسیم شده اند! (* 44_ به یقین، پرهیزگاران در باغهای) سرسبز بهشت) و در کنار چشمه ها هستند. (* 45_ (فرشتگان به آنها می گویند:) داخل این باغها شوید با سلامت و امنیت! (* 46_ هر گونه غل = حسد و کینه و دشمنی [را از سینه آنها برمی کنیم (و روحشان را پاک می سازیم): در حالی که همه برابری، و بر تختها روبه روی یکدیگر قرار دارند. (* 47_ هیچ خستگی و تعبی در آنجا به آنها نمی رسد، و هیچ گاه از آن اخراج نمی گردند! (* 48_ بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم! (* 49_ و (اینکه) عذاب و کیفر من، همان عذاب دردناک است! (* 50_ و به آنها از مهمانهای ابراهیم خبر ده! (* 51_ هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند؛ (ابراهیم) گفت: «ما از شما بیمناکیم!» (* 52_ گفتند: «تترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می دهیم!» (* 53_ گفت: «آیا به من (چنین) بشارت می دهید با اینکه پیر شده ام؟! به چه چیز بشارت می دهید؟!» (* 54_ گفتند: «تو را به حق بشارت دادیم؛ از مایوسان مباش!» (* 55_ گفت: «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می شود؟!» (* 56_ (سپس) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان خدا؟» (* 57_ گفتند: «ما به سوی قومی گنهکار مأموریت یافته ایم (تا آنها را هلاک کنیم)! (* 58_ مگر خاندان لوط، که همگی آنها را نجات خواهیم داد... (* 59_ بجز همسرش، که مقدر داشتیم از بازماندگان (در شهر، و هلاک شوندگان) باشد!» (* 60_ هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند... (* 61_ (لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی هستید!» (* 62_ گفتند: «ما همان چیزی را برای تو آورده ایم که آنها = کافران [در آن تردید داشتند (آری)، ما مأمور عذابیم)! (* 63_ ما واقعیت مسلمی را برای تو آورده ایم؛ و راست می گوئیم! (* 64_ پس، خانواده ات را در اواخر شب با خود بردار، و از اینجا ببر؛ و خودت به دنبال آنها حرکت کن؛ و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد؛ مأمور هستید بروید!» (* 65_ و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم که صبحگاهان، همه آنها ریشه کن خواهند شد. (* 66_ (از سوی دیگر،) اهل شهر (از ورود میهمانان با خبر شدند، و بطرف خانه لوط) آمدند در حالی که شادمان بودند. (* 67_ (لوط) گفت: «اینها میهمانان منند؛ آبروی مرا نریزید!» (* 68_ و از خدا بترسید، و مرا شرمنده نسازید!» (* 69_ گفتند: «مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و نگفتیم کسی را به میهمانی نپذیر؟!» (* 70_ گفت: «دختران من حاضرند، اگر می خواهید کار صحیحی انجام دهید (با آنها ازدواج کنید، و از گناه و آلودگی بپرهیزید!)»

(* 71) به جان تو سوگند، اینها در مستی خود سرگرداندند (و عقل و شعور خود را از دست داده اند)!(*)

72_ سرانجام، هنگام طلوع آفتاب، صبحه (مرگبار - بصورت صاعقه یا زمین لرزه -) آنها را فراگرفت! (* 73) سپس (شهر و آبادی آنها را زیر و رو کردیم؛ بالای آن را پایین قرار دادیم؛ و بارانی از سنگ بر آنها فرو ریختیم!) (* 74) در این (سرگذشت عبرت انگیز)، نشانه هایی است برای هوشیاران! (* 75) و ویرانه های سرزمین آنها، بر سر راه (کاروانها)، همواره ثابت و برقرار است؛ (* 76) در این، نشانه ای است برای مؤمنان! (* 77) «اصحاب الأیکه» [= صاحبان سرزمینهای پردرخت = قوم شعیب] مسلماً قوم ستمگری بودند! (* 78) ما از آنها انتقام گرفتیم؛ و (شهرهای ویران شده) این دو [= قوم لوط و اصحاب الأیکه] بر سر راه (شما در سفرهای شام)، آشکار است! (* 79) و «اصحاب حجر» [= قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند! (* 80) ما آیات خود را به آنان دادیم؛ ولی آنها از آن روی گرداندند! (* 81) آنها خانه های امن در دل کوه ها می تراشیدند. (* 82) اما سرانجام صبحه (مرگبار)، صبحگاهان آنان را فرا گرفت؛ (* 83) و آنچه را به دست آورده بودند، آنها را از عذاب الهی نجات نداد! (* 84) ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز بحق نیافریدیم؛ و ساعت موعود [= قیامت] قطعاً فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می رسد)! پس، از آنها به طرز شایسته ای صرف نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما)! (* 85) به یقین، پروردگار تو، آفریننده آگاه است! (* 86) ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم! (* 87) (بنابر این،) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادی)، که به گروه هایی از آنها [= کفار] دادیم، میفکن! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش! و بال (عظوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر! (* 88) و بگو: «من انذارکننده آشکارم!» (* 89) (ما بر آنها عذابی می فرستیم) همان گونه که بر تجزیه گران (آیات الهی) فرستادیم! (* 90) همانها که قرآن را تقسیم کردند (؛ آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند)! (* 91) به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد... (* 92) از آنچه عمل می کردند! (* 93) آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)! (* 94) ما شرّ استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد؛ (* 95) همانها که معبود دیگری با خدا قرار دادند؛ اما بزودی می فهمند! (* 96) ما می دانیم سینه ات از آنچه آنها می گویند تنگ می شود (و تو را سخت ناراحت می کنند). (* 97) (برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو! و از سجده کنندگان باش! (* 98) و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [= مرگ] تو فرا رسد! (* 99)

(سوره نحل)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان)، فرا رسیده است؛ برای آن عجله نکنید! منزّه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرار می دهند! (* 1) فرشتگان را با روح (الهی) بفرمائش بر هر کس از بندگان بخواد نازل می کند؛ (و به آنها دستور می دهد) که مردم را انذار کنید؛ (و بگویید: معبودی جز من نیست؛ از (مخالفت دستور) من، پرهیزید!) (* 2)

2_ آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ او برتر است از اینکه همتایی برای او قرار می دهند! (* 3_ انسان را از نطفه بی ارزشی آفرید؛ و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خویشان گردید! (* 4_ و چهارپایان را آفرید؛ در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آنها می خورید! (* 5_ و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان بازمی گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می فرستید! (* 6_ آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که جز با مشقت زیاد، به آن نمی رسیدید؛ پروردگارتان رؤوف و رحیم است (که این وسایل حیات را در اختیارتان قرار داده)! (* 7_ همچنین اسبها و استرها و الاغها را آفرید؛ تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید. (* 8_ و بر خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد؛ اما بعضی از راه ها بیراهه است! و اگر خدا بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می کند (ولی اجبار سودی ندارد). (* 9_ او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است؛ و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می برید، نیز از آن است. (* 10_ خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه ها می رویاند؛ مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است. (* 11_ او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند؛ در این، نشانه هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که عقل خود را به کار می گیرند! (* 12_ علاوه بر این، مخلوقاتی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می شوند! (* 13_ او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید! (* 14_ و در زمین، کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد؛ و نهرا و راه هایی ایجاد کرد، تا هدایت شوید. (* 15_ و (نیز) علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند. (* 16_ آیا کسی که (این گونه مخلوقات را) می آفریند، همچون کسی است که نمی آفریند؟! آیا متذکر نمی شوید؟! (* 17_ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را احصا کنید؛ خداوند بخشنده و مهربان است! (* 18_ خداوند آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می سازید، می داند. (* 19_ معبودهایی را که غیر از خدا می خوانند، چیزی را خلق نمی کنند؛ بلکه خودشان هم مخلوقند! (* 20_ آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند؛ و نمی دانند (عبادت کنندگانشان) در چه زمانی محسور می شوند! (* 21_ معبود شما خداوند یگانه است؛ اما کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دلهایشان (حق را) انکار می کند و مستکبرند. (* 22_ قطعاً خداوند از آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکار می سازند با خبر است؛ او مستکبران را دوست نمی دارد! (* 23_ و هنگامی که به آنها گفته شود: «پروردگار شما چه نازل کرده است؟» می گویند: «اینها (وحی الهی نیست)؛ همان افسانه های دروغین پیشینیان است!» (* 24_ آنها باید روز قیامت، (هم) بار گناهان خود را بطور کامل بر دوش کشند؛ و هم سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می سازند! بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می کشند! (* 25_ کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) از این توطئه ها داشتند؛ ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت؛ و آن را از اساس ویران کرد؛ و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت؛ و عذاب (الهی) از آن جایی که نمی دانستند به سراغشان آمد! (* 26_ سپس روز قیامت خدا آنها را رسوا می

سازد؛ و می گوید: «شریکانی که شما برای من ساختید، و بخاطر آنها با دیگران دشمنی می کردید، کجا هستید؟!» (در این هنگام)، کسانی که به آنها علم داده شده می گویند: «رسوایی و بدبختی، امروز بر کافران است!» (* 27) همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که به خود ظلم کرده بودند! در این موقع آنها تسلیم می شوند (و بدروغ می گویند): ما کار بدی انجام نمی دادیم! آری، خداوند به آنچه انجام می دادید عالم است! (* 28) (به آنها گفته می شود): اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران! (* 29) (ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری)، برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن هم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران! (* 30) باغهایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می شوند؛ نه‌رها از زیر درختانش می گذرد؛ هر چه بخواهند در آنجا هست؛ خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می دهد! (* 31) همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند؛ به آنها می گویند: «سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید!» (* 32) آیا آنها انتظاری جز این دارند که فرشتگان (قبض ارواح) به سراغشان بیایند، یا فرمان پروردگارت (برای مجازاتشان) فرا رسد (آنگاه توبه کنند؟! ولی توبه آنها در آن زمان بی اثر است! آری)، کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند! خداوند به آنها ستم نکرد؛ ولی آنان به خویشان ستم می نمودند! (* 33) و سرانجام بدیهای اعمالشان به آنها رسید؛ و آنچه را (از وعده های عذاب) استهزا می کردند، بر آنان وارد شد. (* 34) مشرکان گفتند: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی کردیم؛ و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی ساختیم!» (آری)، کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند؛ ولی آیا پیامبران وظیفه ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! (* 35) ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود! (* 36) هر قدر بر هدایت آنها حریص باشی، (سودی ندارد؛ چرا) که خداوند کسی را که گمراه ساخت، هدایت نمی کند؛ و آنها یاورانی نخواهند داشت! (* 37) آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، بر نمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی گرداند)؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (* 38) هدف این است که آنچه را در آن اختلاف داشتند، برای آنها روشن سازد؛ و کسانی که منکر شدند، بدانند دروغ می گفتند! (* 39) (رستاخیز مردگان برای ما مشکل نیست؛ زیرا) وقتی چیزی را اراده می کنیم، فقط به آن می گوئیم: «موجود باش!» بلافاصله موجود می شود. (* 40) آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند! (* 41) آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارش توکل می کنند. (* 42) و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم! اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است!) (* 43) (از آنها بپرسید که) از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند!) و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند! (* 44) آیا توطئه گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فرورد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟!...

(*) 45_ یا به هنگامی (که برای کسب مال و ثروت افزونتر) در رفت و آمدند، دامانشان را بگیرد در حالی که قادر به فرار نیستند؟! ... (*) 46_ یا بطور تدریجی، با هشدارهای خوف انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، رؤوف و رحیم است. (*) 47_ آیا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه هایشان از راست و چپ حرکت دارند، و با خضوع برای خدا سجده می کنند؟! (*) 48_ (نه تنها سایه ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند. (*) 49_ آنها (تنها) از (مخالفت) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، می ترسند؛ و آنچه را مأموریت دارند انجام می دهند. (*) 50_ خداوند فرمان داده: «دو معبود (برای خود) انتخاب نکنید؛ معبود (شما) همان خدای یگانه است؛ تنها از (کیفر) من بترسید!» (*) 51_ آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و دین خالص (نیز) همواره از آن او می باشد؛ آیا از غیر او می ترسید؟! (*) 52_ آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست! و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می خوانید! (*) 53_ (اما) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می شوند. (*) 54_ (بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده ایم کفران کنند! (اکنون) چند روزی (از متاع دنیا) بهره گیرید، اما بزودی خواهید دانست (سرانجام کارتان به کجا خواهد کشید)! (*) 55_ آنان برای بتهایی که هیچ گونه سود و زیانی از آنها سراغ ندارند، سهمی از آنچه به آنان روزی داده ایم قرار می دهند؛ به خدا سوگند، (در دادگاه قیامت)، از این افتراها که می بندید، بازپرسی خواهید شد! (*) 56_ آنها (در پندار خود)، برای خداوند دختران قرار می دهند؛ -منزه است (از اینکه فرزندی داشته باشد) - ولی برای خودشان، آنچه را میل دارند قائل می شوند... (*) 57_ در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فراب ناراحتی) سیاه می شود؛ و به شدت خشمگین می گردد؛... (*) 58_ بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می گردد؛ (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می کنند! (*) 59_ برای آنها که به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت است؛ و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرتمند و حکیم است. (*) 60_ و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می کرد، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نمی گذارد؛ ولی آنها را تا زمان معینی به تأخیر می اندازد. و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه ساعتی پیشی می گیرند. (*) 61_ آنها برای خدا چیزهایی قرار می دهند که خودشان از آن کراهت دارند [= فرزندان دختر]؛ با این حال زبانشان به دروغ می گوید سرانجام نیکی دارند! از این رو برای آنان آتش است؛ و آنها از پیشگامان (دوزخ) اند. (*) 62_ به خدا سوگند، به سوی امتهای پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ اما شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست؛ و امروز او ولیّ و سرپرستشان است؛ و مجازات دردناکی برای آنهاست! (*) 63_ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند! (*) 64_ خداوند از آسمان، آبی فرستاد؛ و زمین را، پس از آنکه مرده بود، حیات بخشید! در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که گوش شنوا دارند! (*) 65_ و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهایی) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم! (*) 66_ و از میوه های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می گیرید؛ در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می کنند! (*) 67_ و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: «از کوه ها و درختان و داربستهایی که مردم می

سازند، خانه‌هایی برگزین! (*) 68_ سپس از تمام ثمرات (و شیره گله‌ها) بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی پیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند. (*) 69_ خداوند شما را آفرید؛ سپس شما را می‌میراند؛ بعضی از شما به نامطلوب‌ترین سنین بالای عمر می‌رسند، تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند (و همه چیز را فراموش کنند)؛ خداوند دانا و تواناست! (*) 70_ خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاش‌هایتان متفاوت است)؛ اما آنها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگان‌شان بدهند و همگی در آن مساوی گردند؛ آیا آنان نعمت خدا را انکار می‌نمایند (که شکر او را ادا نمی‌کنند)؟! (*) 71_ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (*) 72_ آنها غیر از خدا، موجوداتی را می‌پرستند که هیچ رزقی را برای آنان از آسمانها و زمین در اختیار ندارند؛ و توان این کار را نیز ندارند. (*) 73_ پس، برای خدا امثال (و شبیه‌ها) قائل نشوید! خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (*) 74_ خداوند مثالی زده: برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست؛ و انسان (با ایمانی) را که از جانب خود، رزقی نیکو به او بخشیده‌ایم، و او پنهان و آشکار از آنچه خدا به او داده، انفاق می‌کند؛ آیا این دو نفر یکسانند؟! شکر مخصوص خداست، ولی اکثر آنها نمی‌دانند! (*) 75_ خداوند مثالی (دیگر) زده است: دو نفر را، که یکی از آن دو، گنگ مادرزاد است؛ و قادر بر هیچ کاری نیست؛ و سربار صاحبش می‌باشد؛ او را در پی هر کاری بفرستد، خوب انجام نمی‌دهد؛ آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می‌کند، و بر راهی راست قرار دارد، برابر است؟! (*) 76_ غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می‌داند)؛ و امر قیامت (بقدری نزدیک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر؛ چرا که خدا بر هر چیزی تواناست! (*) 77_ و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید! (*) 78_ آیا آنها به پرندگانی که بر فراز آسمانها نگه داشته شده، نظر نیفکندند؟ هیچ کس جز خدا آنها را نگاه نمی‌دارد؛ در این امر، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت خدا) است برای کسانی که ایمان می‌آورند! (*) 79_ و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می‌توانید آنها را جا به جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد. (*) 80_ و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه‌هایی برای شما قرار داده؛ و از کوه‌ها پناهگاه‌هایی؛ و برای شما پیراهنهایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند؛ و پیراهنهایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمتهایش را بر شما کامل می‌کند، شاید تسلیم فرمان او شوید! (*) 81_ (با این همه)، اگر روی برتابند، (نگران مباش)؛ تو فقط وظیفه ابلاغ آشکار داری. (*) 82_ آنها نعمت خدا را می‌شناسند؛ سپس آن را انکار می‌کنند؛ و اکثرشان کافرند! (*) 83_ (به خاطر بیاورید) روزی را که از هر امتی گواهی بر آنان برمی‌انگیزیم؛ سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازه (سخن گفتن) داده نمی‌شود؛ (بلکه دست و پا و گوش و چشم، حتی پوست تن آنها گواهی می‌دهند!) و (نیز) اجازه عذرخواهی و تقاضای عفو به آنان نمی‌دهند! (*) 84_ و هنگامی که ظالمان عذاب را ببینند، نه به آنها تخفیف داده می‌شود، و نه مهلت! (*) 85_ و هنگامی که مشرکان

معبودهایی را که همتای خدا قرار دادند می بینند، می گویند: «پروردگارا! اینها همتایانی هستند که ما به جای تو، آنها را می خواندیم!» در این هنگام، معبودان به آنها می گویند: «شما دروغگو هستید! (شما هوای نفس خود را پرستش می کردید!)» (* 86_ و در آن روز، همگی (ناگزیر) در پیشگاه خدا تسلیم می شوند؛ و تمام آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می بستند، گم و نابود می شود! (* 87_ کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، بخاطر فسادی که می کردند، عذابی بر عذابشان می افزاییم! (* 88_ (به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرار می دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است! (* 89_ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید! (* 90_ و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است! (* 91_ همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشمهای تابیده خود را، پس از استحکام، وامی تابید! در حالی که (سوگند و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد قرار می دهید؛ بخاطر اینکه گروهی، جمعیتشان از گروه دیگر بیشتر است (و کثرت دشمن را بهانه ای برای شکستن بیعت با پیامبر می شمرد!) خدا فقط شما را با این وسیله آزمایش می کند؛ و به یقین روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن می سازد! (* 92_ و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرار می داد؛ (و همه را به اجبار و ادار به ایمان می کرد؛ اما ایمان اجباری فایده ای ندارد!) ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق بداند) هدایت می کند! (به گروهی توفیق هدایت داده، و از گروهی سلب می کند!) و یقیناً شما از آنچه انجام می دادید، بازپرسی خواهید شد! (* 93_ سوگندهایتان را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گامی بعد از ثابت گشتن (بر ایمان) متزلزل شود؛ و به خاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود! (* 94_ و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی در برابر آن ناچیز است!) آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر می دانستید. (* 95_ آنچه نزد شماست فانی می شود؛ اما آنچه نزد خداست باقی است؛ و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش خواهیم داد. (* 96_ هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد. (* 97_ هنگامی که قرآن می خوانی، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه بر! (* 98_ چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی ندارد. (* 99_ تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند، و آنها که نسبت به او [= خدا] شرک می‌ورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می‌نهند) (* 100_ و هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر مبدل کنیم [= حکمی را نسخ نماییم] - و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند - آنها می گویند: «تو افترا می بندی!» اما بیشترشان (حقیقت را) نمی دانند! (* 101_ بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحق نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان! (* 102_ ما می دانیم که آنها می گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است! (* 103_ به یقین، کسانی که به آیات الهی

ایمان نمی آورند، خدا آنها را هدایت نمی کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی است. (*) 104_ تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری)، دروغگویان واقعی آنها هستند! (*) 105_ کسانی که بعد از ایمان کافر شوند - بجز آنها که تحت فشار واقع شده اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است - آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان! (*) 106_ این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی ایمان (لجوج) را هدایت نمی کند. (*) 107_ آنها کسانی هستند که (بر اثر فزونی گناه)، خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده؛ (به همین دلیل نمی فهمند)، و غافلان واقعی همانها هستند! (*) 108_ و ناچار آنها در آخرت زیانکارند. (*) 109_ اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند؛ سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت نمودند؛ پروردگارت، بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آنها را مشمول رحمت خود می سازد). (*) 110_ (به یاد آورید) روزی را که هر کس (در فکر خویشتن است؛ و تنها) به دفاع از خود برمی خیزد؛ و نتیجه اعمال هر کسی، بی کم و کاست، به او داده می شود؛ و به آنها ظلم نخواهد شد! (*) 111_ خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند)، مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می رسید؛ اما به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید! (*) 112_ پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد، او را تکذیب کردند؛ از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ظالم بودند! (*) 113_ پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می پرستید! (*) 114_ خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده اند، بر شما حرام کرده است؛ اما کسانی که ناچار شوند، در حالی که تجاوز و تعدی از حد نمایند، (خدا آنها را می بخشد؛ چرا که) خدا بخشنده و مهربان است. (*) 115_ به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می کنید)، نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببندید به یقین کسانی که به خدا دروغ می بندند، رستگار نخواهند شد! (*) 116_ بهره کمی است (که در این دنیا نصیبشان می شود)؛ و عذاب دردناکی در انتظار آنان است! (*) 117_ چیزهایی را که پیش از این تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم؛ ما به آنها ستم نکردیم، اما آنها به خودشان ظلم و ستم می کردند! (*) 118_ اما پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است. (*) 119_ ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا؛ خالی از هر گونه انحراف؛ و از مشرکان نبود؛ (*) 120_ شکرگزار نعمتهای پروردگار بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود! (*) 121_ ما در دنیا به او (همّت) نیکویی دادیم؛ و در آخرت از نیکان است! (*) 122_ سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم - که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود - پیروی کن! (*) 123_ (تحریمهای) روز شنبه (برای یهود) فقط بعنوان یک مجازات بود، که در آن هم اختلاف کردند؛ و پروردگارت روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می کند! (*) 124_ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت یافتگان داناتر است. (*) 125_ و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها بمقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. (*) 126_ صبر کن، و صبر تو فقط برای خدا و

به توفیق خدا باشد! و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه های آنها، در تنگنا قرارمگیر! (*)
127_ خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند، و کسانی که نیکوکارند. (*) 128_

(سوره اسراء)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست. (*) 1_ ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم؛ (و گفتیم:) غیر ما را تکیه گاه خود قرار ندهید! (*) 2_ ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید!) (*) 3_ ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. (*) 4_ هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضدّ شما میانگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه ها را جستجو می کنند؛ و این وعده ای است قطعی! (*) 5_ سپس شما را بر آنها چیره می کنیم؛ و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرت شما را بیشتر (از دشمن) قرار می دهیم. (*) 6_ اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می شوند همان گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می گیرند، در هم می کوبند. (*) 7_ امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هرگاه برگردید، ما هم بازمی گردیم؛ و جهنّم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم. (*) 8_ این قرآن، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می دهند، بشارت می دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (*) 9_ و اینکه آنها که به قیامت ایمان نمی آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته ایم. (*) 10_ انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدیها را طلب می کند آن گونه که نیکيها را می طلبد؛ و انسان، همیشه عجول بوده است! (*) 11_ ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم؛ سپس نشانه شب را محو کرده، و نشانه روز را روشنی بخش ساختیم تا (در پرتو آن،) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید)، و عدد سالها و حساب را بدانید؛ و هر چیزی را بطور مشخص و آشکار، بیان کردیم. (*) 12_ و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (*) 13_ (و به او می گوئیم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی! (*) 14_ هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند). (*) 15_ و

هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم. (*)

16_ چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح، زندگی می‌کردند؛ (و طبق همین سنت)، آنها را هلاک کردیم! و کافی است که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه، و نسبت به آن بیناست. (*) 17_ آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - و به هر کس اراده کنیم - می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. (*) 18_ و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند - در حالی که ایمان داشته باشد - سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. (*) 19_ هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم؛ و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است. (*) 20_ بین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده‌ایم؛ درجات آخرت و برتریهایش، از این هم بیشتر است! (*) 21_ هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی‌یار و یاور خواهی نشست! (*) 22_ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو! (*) 23_ و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» (*) 24_ پروردگار شما از درون دلهایتان آگاهتر است؛ (اگر لغزشی در این زمینه داشتید) هرگاه صالح باشید (و جبران کنید) او بازگشت‌کنندگان را می‌بخشد. (*) 25_ و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن، (*) 26_ چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود! (*) 27_ و هرگاه از آنان [= مستمندان] روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو! (*)

28_ هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی! (*) 29_ به یقین، پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می‌دارد؛ او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست. (*) 30_ و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است! (*) 31_ و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است! (*) 32_ و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است! (*) 33_ و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد! و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود! (*)

34_ و هنگامی که پیمان‌ه می‌کنید، حق پیمان‌ه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است. (*) 35_ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند. (*)

36_ و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی‌توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه‌ها نمی‌رسد! (*) 37_ همه اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است. (*) 38_ این (احکام)، از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده؛ و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می‌شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا)

خواهی بود! (*) 39_ آیا پروردگارتان فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته، و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار زشتی) می گوید! (*) 40_ ما در این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند! ولی (گروهی از کوردلان)، جز بر نفرتشان نمی افزاید. (*) 41_ بگو: «اگر آنچنان که آنها می گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.» (*) 42_ او پاک و برتر است از آنچه آنها می گویند، بسیار برتر و منزه تر! (*) 43_ آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می گویند؛ و هر موجودی، تسبیح و حمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است. (*) 44_ و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی آورند، حجاب ناپیدایی قرار می دهیم؛ (*) 45_ و بر دلهایشان پوششهایی، تا آن را نفهمند؛ و در گوشهایشان سنگینی؛ و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می کنی، آنها پشت می کنند و از تو روی بر می گردانند. (*) 46_ هنگامی که به سخنان تو گوش فرامی دهند، ما بهتر می دانیم برای چه گوش فرا می دهند؛ (و همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می کنند؛ آنگاه که ستمگران می گویند: «شما جز از انسانی که افسون شده، پیروی نمی کنید!» (*) 47_ ببین چگونه برای تو مثلها زدند! در نتیجه گمراه شدند، و نمی توانند راه حق را پیدا کنند. (*) 48_ و گفتند: «آیا هنگامی که ما، استخوانهای پوسیده و پراکنده ای شدیم، دگر بار آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» (*) 49_ بگو: «شما سنگ باشید یا آهن، (*) 50_ یا هر مخلوقی که در نظر شما، از آن هم سخت تر است (و از حیات و زندگی دورتر می باشد، باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگرداند). آنها بزودی می گویند: «چه کسی ما را بازمی گرداند؟!» بگو: «همان کسی که نخستین بار شما را آفرید.» آنان سر خود را (از روی تعجب و انکار)، به سوی تو خم می کنند و می گویند: «در چه زمانی خواهد بود؟!» بگو: «شاید نزدیک باشد!» (*) 51_ همان روز که شما را (از قبرهایتان) فرامی خواند؛ شما هم اجابت می کنید در حالی که حمد او را می گوید؛ می پندارید تنها مدت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کرده اید!» (*) 52_ به بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است!» (*) 53_ پروردگار شما، از (نیات و اعمال) شما آگاهتر است؛ اگر بخواهد (و شایسته بداند)، شما را مشمول رحمت خود می سازد؛ و اگر بخواهد، مجازات می کند؛ و ما تو را بعنوان مأمور بر آنان نفرستاده ایم (که آنان را مجبور به ایمان کنی!) (*) 54_ پروردگار تو، از حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند، آگاهتر است؛ و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، بخاطر شایستگی توست)، ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داوود، زبور بخشیدیم. (*) 55_ بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید، بخوانید! آنها نه می توانند مشکلی را از شما برطرف سازند، و نه تغییری در آن ایجاد کنند.» (*) 56_ کسانی را که آنان می خوانند، خودشان وسیله ای (برای تقرب) به پروردگارشان می جویند، وسیله ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است! (*) 57_ هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاک می کنیم؛ یا (اگر گناهکارند)، به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب الهی [= لوح محفوظ] ثبت است. (*) 58_ هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (درخواستی بهانه جویان) را بفرستیم جز اینکه پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند، و با ایشان هماهنگ بودند)، آن را تکذیب کردند؛ (از جمله)، ما به (قوم) ثمود، ناقه دادیم؛ (معجزه ای) که

روشنگر بود؛ اما بر آن ستم کردند (و ناقه را کشتند). ما معجزات را فقط برای بیم دادن (و اتمام حجت) می فرستیم. (*)

59_ (به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد؛ (و از وضعشان کاملاً آگاه است.) و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه [= درخت نفرین شده] را که در قرآن ذکر کرده ایم. ما آنها را بیم داده (و انداز) می کنیم؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی افزاید!» (*) 60_ (به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده ای؟!» (*) 61_ (سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانش را، جز عده کمی، گمراه و ریشه کن خواهم ساخت!» (*) 62_ فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست، کیفری است فراوان!» (*) 63_ هر کدام از آنها را می توانی با صداقت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده ها سرگرم کن! -ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده ای به آنها نمی دهد - (*) 64_ (اما بدان) تو هرگز سلطه ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ گاه به دام تو گرفتار نمی شوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد.» (*) 65_ پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی آورد، تا از نعمت او بهره مند شوید؛ او نسبت به شما مهربان است. (*) 66_ و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کسانی را که (برای حل مشکلات خود) می خوانید، فراموش می کنید؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می گردانید؛ و انسان، بسیار ناسپاس است! (*) 67_ آیا از این ایمن هستید که در خشکی (با یک زلزله شدید) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و در آن مدفوتان کند)، سپس حافظ (و یاور) برای خود نیابید؟! (*) 68_ یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده ای بر شما بفرستد، و شما را بخاطر کفرتان غرق کند، سپس دادخواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید؟! (*) 69_ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم. (*)

70_ (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند؛ و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود! (*) 71_ اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نایبنا بوده است، در آخرت نیز نایبنا و گمراهتر است! (*) 72_ نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه های خود) از آنچه بر تو وحی کرده ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی؛ و در آن صورت، تو را به دوستی خود برمیگزینند! (*) 73_ و اگر ما تو را ثابت قدم نمی ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبود)، نزدیک بود به آنان تمایل کنی. (*) 74_ اگر چنین می کردی، ما دو برابر مجازات (مشرکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات) آنها را بعد از مرگ، به تو می چشاندیم؛ سپس در برابر ما، یآوری برای خود نمی یافتی! (*)

75_ و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) تو را از این سرزمین بلغزانند، تا از آن بیرون کنند! و هرگاه چنین می کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده)، و پس از تو، جز مدت کمی باقی نمی ماندند! (*) 76_ این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت! (*) 77_ نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را؛ چرا که

قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است! (*) 78_ و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد! (*) 79_ و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده!» (*) 80_ و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!» (*) 81_ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید. (*) 82_ هنگامی که به انسان نعمت می بخشیم، (از حق) روی می گرداند و متکبرانه دور می شود؛ و هنگامی که (کمترین) بدی به او می رسد، (از همه چیز) مایوس می گردد! (*) 83_ بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند؛ و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می شناسد.» (*) 84_ و از تو درباره «روح» سؤال می کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!» (*) 85_ و اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی فرستاده ایم، از تو می گیریم؛ سپس کسی را نمی یابی که در برابر ما، از تو دفاع کند... (*) 86_ مگر رحمت پروردگارت (شامل حالت گردد)، که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است! (*) 87_ بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند. (*) 88_ ما در این قرآن، برای مردم از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است)؛ اما بیشتر مردم (در برابر آن، از هر کاری) جز انکار، ابا داشتند! (*) 89_ و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا اینکه چشمه جوشانی از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی... (*) 90_ یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد؛ و نهرها در لایه لای آن جاری کنی... (*) 91_ یا قطعات (سنگهای) آسمان را -آنچنان که می پنداری- بر سر ما فرود آری؛ یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری... (*) 92_ یا برای تو خانه ای پر نقش و نگار از طلا باشد؛ یا به آسمان بالا روی؛ حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی آوریم مگر آنکه نامه ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم!» بگو: «منزه است پروردگارم (از این سخنان بی معنی)؛ مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟! (*) 93_ تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود (که از روی نادانی و بی خبری) گفتند: «آیا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟! (*) 94_ بگو: «حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند، و) با آرامش گام برمی داشتند، ما فرشته ای را به عنوان رسول، بر آنها می فرستادیم!» (چرا که رهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد). (*) 95_ بگو: «همین کافی است که خداوند، میان من و شما گواه باشد؛ چرا که او نسبت به بندگان آگاه و بیناست! (*) 96_ هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیر خدا برای او نخواهی یافت؛ و روز قیامت، آنها را بر صورتهایشان محشور می کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کورند؛ جایگاهشان دوزخ است؛ هر زمان آتش آن فرونشیند، شعله تازه ای بر آنان می افزایم!» (*) 97_ این کیفر آنهاست، بخاطر اینکه نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامی که ما استخوانهای پوسیده و خاکهای پراکنده ای شدیم، بار دیگر آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟! (*) 98_ آیا نمی دانند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی -که شکی در آن نیست- قرار داده؛ اما ظالمان، جز کفر و انکار را پذیرا نیستند! (*) 99_ بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساک می کردید، مبادا اتفاق، مایه تنگدستی شما

شود» و انسان تنگ نظر است! (*) 100_ ما به موسی نه معجزه روشن دادیم؛ پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نه گانه) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟! فرعون به او گفت: «ای موسی! گمان می کنم تو دیوانه (یا ساحری)!» (*) 101_ (موسی) گفت: «تو می دانی این آیات را جز پروردگار آسمانها و زمین - برای روشنی دلها - نفرستاده؛ و من گمان می کنم ای فرعون، تو (بزودی) هلاک خواهی شد!» (*) 102_ پس (فرعون) تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین ریشه کن سازد؛ ولی ما، او و تمام کسانی را که با او بودند، غرق کردیم. (*) 103_ و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم: «در این سرزمین [= مصر و شام] ساکن شوید! اما هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، همه شما را دسته جمعی (به آن دادگاه عدل) می آوریم» (*) 104_ و ما قرآن را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بعنوان بشارت دهنده و بیم دهنده، نفرستادیم! (*) 105_ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم. (*) 106_ بگو: «خواه به آن ایمان بیاورید، و خواه ایمان نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می شود، سجده کنان به خاک می افتند...» (*) 107_ و می گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده هایش به یقین انجام شدنی است!» (*) 108_ آنها (بی اختیار) به زمین می افتند و گریه می کنند؛ و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می افزاید. (*) 109_ بگو: «اللَّهُ» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین نامهاست!» و نمازت را زیاد بلند، یا خیلی آهسته بخوان؛ و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن! (*) 110_ و بگو: «ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلت، (حامی و سرپرستی برای اوست!» و او را بسیار بزرگ بشمار! (*) 111_

(سوره کهف)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ گونه کثری در آن قرار نداد... (*) 1_ در حالی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتابهای (آسمانی) دیگر است؛ تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند؛ و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست... (*) 2_ (همان بهشت برین) که جاودانه در آن خواهند ماند! (*) 3_ و (نیز) آنها را که گفتند: «خداوند، فرزندی (برای خود) انتخاب کرده است»، انذار کند. (*) 4_ نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند، و نه پدرانشان! سخن بزرگی از دهانشان خارج می شود! آنها فقط دروغ می گویند! (*) 5_ گویی می خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند! (*) 6_ ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان

بہتر عمل می کنند! (* 7_ ولی) این زرق و برقها پایدار نیست، و ما (سرانجام) قشر روی زمین را خاک بی گیاهی قرار می دهیم! (* 8_ آیا گمان کردی اصحاب کھف و رقیب از آیات عجیب ما بودند؟! (* 9_ زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!» (* 10_ ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند. (* 11_ سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که) کدام یک از آن دو گروه، مدّت خواب خود را بهتر حساب کرده اند. (* 12_ ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم. (* 13_ و دلہایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی بگزارفته ایم. (* 14_ این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده اند؛ چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی آورند؟! و چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟!» (* 15_ و (به آنها گفتیم: هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستند کناره گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می گستراند؛ و در این امر، آرامشی برای شما فراهم می سازد! (* 16_ و (اگر در آنجا بودی) خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می گردد؛ و به هنگام غروب، به سمت چپ؛ و آنها در محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند؛ این از آیات خداست! هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را گمراه نماید، هرگز ولیّ و راهنمایی برای او نخواهی یافت! (* 17_ و (اگر به آنها نگاه می کردی) می پنداشتی بیدارند؛ در حالی که در خواب فرو رفته بودند! و ما آنها را به سمت راست و چپ میگرداندیم (تا بدنشان سالم بماند). و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود (و نگهبانی می کرد). اگر نگاهشان می کردی، از آنان می گریختی؛ و سر تا پای تو از ترس و وحشت پر می شد! (* 18_ این گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند؛ یکی از آنها گفت: «چه مدّت خوابیدید؟!» گفتند: «یک روز، یا بخشی از یک روز!» (و چون نتوانستند مدّت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگارتان از مدّت خوابتان آگاهتر است! اکنون یک نفر از خودتان را با این سگّہ ای که دارید به شهر بفرستید، تا بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه تری دارند، و مقداری از آن برای روزی شما بیاورد. اما باید دقت کند، و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد... (* 19_ چرا که اگر آنان از وضع شما آگاه شوند، سنگسارتان می کنند؛ یا شما را به آیین خویش بازمی گردانند؛ و در آن صورت، هرگز روی رستگاری را نخواهید دید!» (* 20_ و اینچنین مردم را متوجّہ حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حقّ است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکّی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگوئید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).» (* 21_ گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!» و گروهی می گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» - همه اینها سخنانی بی دلیل است - و گروهی می گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن! (* 22_ و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن

را انجام می‌دهم...» (* 23) مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (* 24) آنها در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نه سال (نیز) بر آن افزودند. (* 25) بگو: «خداوند از مدت توقفشان آگاهتر است؛ غیب آسمانها و زمین از آن اوست! راستی چه بینا و شنواست! آنها هیچ ولیّ و سرپرستی جز او ندارند! و او هیچ کس را در حکم خود شرکت نمی‌دهد!» (* 26) آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن! هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی‌سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی‌یابی! (* 27) با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است. (* 28) بگو: «این حقّ است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس میخواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سرپرده اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است! (* 29) مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد! (* 30) آنها کسانی هستند که بهشت جاودان برای آنان است؛ باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است؛ در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند؛ و لباسهایی (فاخر) به رنگ سبز، از حریر نازک و ضخیم، دربر می‌کنند؛ در حالی که بر تختها تکیه کرده اند. چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی! (* 31) (ای پیامبر!) برای آنان مثالی بزن: آن دو مرد، که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم؛ و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم؛ و در میانشان زراعت بر برکتی قراردادیم. (* 32) هر دو باغ، میوه آورده بود، (میوه های فراوان)، و چیزی فروگذار نکرده بود؛ و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم. (* 33) صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت؛ به همین جهت، به دوستش - در حالی که با او گفتگو می‌کرد - چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرت نیرومندترم!» (* 34) و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «من گمان نمی‌کنم هرگز این باغ نابود شود!» (* 35) و باور نمی‌کنم قیامت برپا گردد! و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم (و قیامتی در کار باشد)، جایگاهی بهتر از این جا خواهم یافت!» (* 36) دوست (با ایمان) وی - در حالی که با او گفتگو می‌کرد - گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟! (* 37) ولیّ من کسی هستم که «اللّه» پروردگار من است؛ و هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم! (* 38) چرا هنگامی که وارد باغت شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوّت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست! و اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمی نیست)! (* 39) شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد؛ و مجازات حساب شده ای از آسمان بر باغ تو فروفرستد، بگونه ای که آن را به زمین بی‌گیاه لغزنده ای مبدّل کند! (* 40) و یا آب آن در اعمال زمین فرو رود، آن گونه که هرگز نتوانی آن را به دست آوری!» (* 41) (به هر حال عذاب الهی فرا رسید)، و تمام میوه های آن نابود شد؛ و او بخاطر هزینه هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دستهای خود را به هم می‌مالید - در حالی که تمام باغ بر داربستهایش فرو ریخته بود - و می‌گفت: «ای کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نداده بودم!» (* 42) و گروهی نداشت که او را در برابر

(عذاب) خداوند یاری دهند؛ و از خودش (نیز) نمی توانست یاری گیرد. (*) 43_ در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است! اوست که برترین ثواب، و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد! (*) 44_ (ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم؛ و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می شود و) در هم فرو میرود. اما بعد از مدتی می خشکد؛ و بادها آن را به هر سو پراکنده می کند؛ و خداوند بر همه چیز تواناست! (*) 45_ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات [= ارزشهای پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است! (*) 46_ و روزی را به خاطر بیاور که کوه ها را به حرکت در آوریم؛ و زمین را آشکار (و مسطح) می بینی؛ و همه آنان [= انسانها] را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد! (*) 47_ آنها همه در یک صف به (پیشگاه) پروردگارت عرضه می شوند؛ (و به آنان گفته می شود): همگی نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم! اما شما گمان می کردید ما هرگز موعدی برایتان قرار نخواهیم داد! (*) 48_ و کتاب [= کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست] در آن جا گذارده می شود، پس گنهکاران را می بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند؛ و می گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می بینند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند. (*) 49_ به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس - که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال)، او و فرزندان او را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندان او را به جای اطاعت خدا،) چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران! (*) 50_ من هرگز آنها [= ابلیس و فرزندان او] را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین، و نه به هنگام آفرینش خودشان، حاضر نساختم! و من هیچ گاه گمراه کنندگان را دستیار خود قرار نمی دهم! (*) 51_ به خاطر بیاورید روزی را که (خداوند) می گوید: «همتایانی را که برای من می پنداشتید، بخوانید (تا به کمک شما بشتابند!)» ولی هر چه آنها را می خوانند، جوابشان نمی دهند؛ و در میان این دو گروه، کانون هلاکتی قرار داده ایم! (*) 52_ و گنهکاران، آتش (دوزخ) را می بینند؛ و یقین می کنند که با آن درمی آمیزند، و هیچ گونه راه گریزی از آن نخواهند یافت. (*) 53_ و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده ایم؛ ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می پردازد! (*) 54_ و چیزی مردم را بازداشت از اینکه -وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند و از پروردگارش طلب آموزش کنند، جز اینکه (خیره سری کردند؛ گویی می خواستند) سرنوشت پیشبینان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد! (*) 55_ ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود)، حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند! (*) 56_ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او تذکر داده شده، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای خود پیش فرستاد فراموش کرد؟! ما بر دلهای اینها یرده هایی افکنده ایم تا نفهمند؛ و در گوشه‌هایشان سنگینی قرار داده ایم (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی شوند! (*) 57_ و پروردگارت، آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت! (*) 58_ این شهرها و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی

که ستم کردند هلاک نمودیم؛ و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم! (آنها ویرانه هایش را با چشم می بینند، و عبرت نمی گیرند!) (* 59) به خاطر بیاور هنگامی را که موسی به دوست خود گفت: دست از جستجو بر نمی دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم؛ هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم! (* 60) (ولی) هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند؛ و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و روان شد). (* 61) هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذای ما را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده ایم!» (* 62) گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم - و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد - و ماهی بطرز شگفت آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!» (* 63) (موسی) گفت: «آن همان بود که ما می خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی جویی می کردند. (* 64) (در آن جا) بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. (* 65) موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (* 66) گفت: «تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی!» (* 67) و چگونه می توانی در برابر چیزی که از آموزش آگاه نیستی شکیبیا باشی؟! (* 68) (موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبیا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» (* 69) (خضر) گفت: «پس اگر می خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز میسر تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.» (* 70) آن دو به راه افتادند؛ تا آن که سوار کشتی شدند، (خضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: «آیا آن را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟! راستی که چه کار بدی انجام دادی!» (* 71) گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی؟!» (* 72) (موسی) گفت: «مرا بخاطر این فراموشکاریم مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر!» (* 73) باز به راه خود ادامه دادند، تا اینکه نوجوانی را دیدند؛ و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: «آیا انسان پاکی را، بی آنکه قتلی کرده باشد، کشتی؟! براستی کار زشتی انجام دادی!» (* 74) (باز آن مرد عالم) گفت: «آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی؟!» (* 75) (موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سؤال کردم، دیگر با من همراهی نکن؛ (زیرا) از سوی من معذور خواهی بود!» (* 76) باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه ای رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می خواست فروریزد؛ و (آن مرد عالم) آن را برپا داشت. (موسی) گفت: «(لااقل) می خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری!» (* 77) او گفت: «اینک زمان جدایی من و تو فرا رسیده؛ اما بزودی راز آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می دهم. (* 78) اما آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می کردند؛ و من خواستم آن را معیوب کنم؛ (چرا که) پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالمی) را بزور میگرفت!» (* 79) و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند؛ و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد!» (* 80) از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت تر به آن دو بدهد!» (* 81) و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که

نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی!» (* 82) و از تو درباره «ذو القرنین» می پرسند؛ بگو: «بزودی بخشی از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.» (* 83) ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم؛ و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. (* 84) او از این اسباب، (پیروی و استفاده) کرد... (* 85) تا به غروبگاه آفتاب رسید؛ (در آن جا) احساس کرد (و در نظرش مجسم شد) که خورشید در چشمه تیره و گل آلودی فرو می رود؛ و در آن جا قومی را یافت؛ گفتیم: «ای ذو القرنین! آیا می خواهی (آنان) را مجازات کنی، و یا روش نیکویی در مورد آنها انتخاب نمایی؟» (* 86) گفت: «اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش بازمی گردد، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد!» (* 87) و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت؛ و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.» (* 88) سپس (بار دیگر) از اسبابی (که در اختیار داشت) بهره گرفت... (* 89) تا به خاستگاه خورشید رسید؛ (در آن جا) دید خورشید بر جمعیتی طلوع می کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم (و هیچ گونه سایبانی نداشتند). (* 90) (آری) اینچنین بود (کار ذو القرنین)؛ و ما بخوبی از امکاناتی که نزد او بود آگاه بودیم! (* 91) (باز) از اسباب مهمی (که در اختیار داشت) استفاده کرد... (* 92) (و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید؛ و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود)؛ (* 93) (آن گروه به او) گفتند: «ای ذو القرنین یا جوج و مأجوج در این سرزمین فساد می کنند؛ آیا ممکن است ما هزینه ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدّی ایجاد کنی؟!» (* 94) (ذو القرنین) گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می کنید)؛ مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سدّ محکمی قرار دهم!» (* 95) قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)؛ تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «در اطراف آن آتش بیفروزید، (و در آن بدمید)» (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: «(اکنون) مس مذاب برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم!» (* 96) (سرانجام چنان سدّ نیرومندی ساخت) که آنها [= طایفه یا جوج و مأجوج] قادر نبودند از آن بالا روند؛ و نمی توانستند نقبی در آن ایجاد کنند. (* 97) (آنگاه) گفت: «این از رحمت پروردگار من است! اما هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را در هم می کوبد؛ و وعده پروردگارم حق است!» (* 98) و در آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که درهم موج می زنند؛ و در صور [= شیپور] دمیده می شود؛ و ما همه را جمع می کنیم! (* 99) در آن روز، جهنم را بر کافران عرضه می داریم! (* 100) همانها که پرده ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود، و قدرت شنوایی نداشتند! (* 101) آیا کافران پنداشتند می توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند؟! ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم! (* 102) بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟» (* 103) آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با این حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند!» (* 104) آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و تلقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد! (* 105) (آری)، این گونه است! کیفرشان دوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند، و آیات من و پیامبرانم را به سخریه گرفتند! (* 106) اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت برین محل پذیرایی آنان خواهد بود. (* 107) آنها جاودانه در آن خواهند ماند؛ و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی کنند! (* 108)

108_ بگو: «اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرگب شود، دریاها پایان می گیرند. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم!» (* 109_ بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند!» (* 110_

(سوره مریم)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

کهیصص (* 1_ (این) یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده اش زکریا... (* 2_ در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند... (* 3_ گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فراگرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده ام!» (* 4_ و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند!) و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش... (* 5_ که وارث من و دودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایت قرار ده!» (* 6_ ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش «یحیی» است؛ و پیش از این، همانمی برای او قرار نداده ایم!» (* 7_ گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از شدت پیری افتاده شده ام!» (* 8_ فرمود: «پروردگارت این گونه گفته (و اراده کرده)! این بر من آسان است؛ و قبلاً تو را آفریدم در حالی که چیزی نبود!» (* 9_ عرض کرد: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده!» فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلم (با مردم) نخواهی داشت؛ در حالی که زیانت سالم است!» (* 10_ او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد؛ و با اشاره به آنها گفت: «بشکرانه این موهبت، صبح و شام خدا را تسبیح گوید!» (* 11_ ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم!» (* 12_ و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و پاکی (دل و جان)! و او پرهیزگار بود!» (* 13_ او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و جبّار (و متکبر) و عصیانگر نبود!» (* 14_ سلام بر او، آن روز که تولّد یافت، و آن روز که می میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می شود!» (* 15_ و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت؛ (* 16_ و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد!» (* 17_ او (سخت ترسید و) گفت: «من از شرّ تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری!» (* 18_ گفت: «من فرستاده پروردگار توام؛ (آمده ام) تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم!» (* 19_ گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده ای هم نبوده ام!» (* 20_ گفت: «مطلب همین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است!» (ما او را می آفرینیم، تا قدرت

خویش را آشکار سازیم؛) و او را برای مردم نشانه ای قرار دهیم؛ و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد!)» (* 21_ سرانجام (مریم) به او باردار شد؛ و او را به نقطه دور دستی برد (و خلوت گزید) (* 22_ درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آنقدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم، و بکلی فراموش می شدم!» (* 23_ ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است!» (* 24_ و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه ای بر تو فرو می ریزد!» (* 25_ از این غذای لذیذ) بخور؛ و (از آن آب گوارا) بنوش؛ و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار! و هرگاه کسی از انسانها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه ای نذر کرده ام؛ بنابراین امروز با هیچ انسانی هیچ سخن نمی گویم! (و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد!)» (* 26_ (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی!» (* 27_ ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کاره ای!!» (* 28_ (مریم) به او اشاره کرد؛ گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!» (* 29_ (ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: «من بنده خدایم؛ و کتاب (آسمانی) به من داده؛ و مرا پیامبر قرار داده است!» (* 30_ و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده؛ و تا زمانی که زنده ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است!» (* 31_ و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده؛ و جبار و شقی قرار نداده است!» (* 32_ و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولد شدم، و در آن روز که می میرم، و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد!» (* 33_ این است عیسی پسر مریم؛ گفتار حقی که در آن تردید می کنند!» (* 34_ هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند! منزّه است او! هرگاه چیزی را فرمان دهد، می گوید: «موجود باش!» همان دم موجود می شود!» (* 35_ و خداوند، پروردگار من و شماست! او را پرستش کنید؛ این است راه راست!» (* 36_ ولی (بعد از او) گروه هایی از میان پیروانش اختلاف کردند؛ وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز)!» (* 37_ در آن روز که نزد ما می آیند، چه گوشه‌های شنوا و چه چشمهای بینایی پیدا می کنند! ولی این ستمگران امروز در گمراهی آشکارند!» (* 38_ آنان را از روز حسرت [= روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است [بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی آورند!» (* 39_ ما، زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند، به ارث می بریم؛ و همگی بسوی ما بازگردانده می شوند!» (* 40_ در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو، و پیامبر (خدا) بود!» (* 41_ هنگامی که به پدرش گفت: «ای پدر! چرا چیزی را می پرستی که نه می شنود، و نه می بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حلّ می کند؟!» (* 42_ ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین این از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم!» (* 43_ ای پدر! شیطان را پرستش مکن، که شیطان نسبت به خداوند رحمان، عصیانگر بود!» (* 44_ ای پدر! من از این می ترسم که از سوی خداوند رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!» (* 45_ گفت: «ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟! اگر (از این کار) دست برداری، تو را سنگسار می کنم! و برای مدّتی طولانی از من دور شو!» (* 46_ (ابراهیم) گفت: «سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می کنم؛ چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است!» (* 47_ و از شما، و آنچه غیر خدا می خوانید، کناره گیری می کنم؛ و پروردگارم را می خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی پاسخ نمانم!» (* 48_ هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستیدند کناره

گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم! (* 49) و از رحمت خود به آنان عطا کردیم؛ و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای (در میان همه امتها) قرار دادیم! (* 50) و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود، و رسول و پیامبری والا مقام! (* 51) ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و نجواکنان او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ (* 52) و ما از رحمت خود، برادرش هارون را - که پیامبر بود - به او بخشیدیم. (* 53) و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! (* 54) او همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد؛ و همواره مورد رضایت پروردگارش بود. (* 55) و در این کتاب، از ادریس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر (بزرگی) بود. (* 56) و ما او را به مقام والایی رساندیم. (* 57) آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند، در حالی که سجده می کردند و گریان بودند. (* 58) اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید! (* 59) مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند، و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. (* 60) وارد باغهایی جاودانی می شوند که خداوند رحمان بندگان را به آن وعده داده است؛ هر چند آن را ندیده اند؛ مسلماً وعده خدا تحقق یافتنی است! (* 61) در آن جا هرگز گفتار لغو و بیهوده ای نمی شنوند؛ و جز سلام در آن جا سخنی نیست؛ و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرر است. (* 62) این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می دهیم. (* 63) (پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز بفرمان پروردگار تو، نازل نمی شویم؛ آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می باشد، همه از آن اوست؛ و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست)! (* 64) همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکیباش! آیا مثل و ماندی برای او می یابی؟! (* 65) انسان می گوید: «آیا پس از مردن، زنده (از قبر) بیرون خواهیم آمد؟!» (* 66) آیا انسان به خاطر نمی آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟! (* 67) سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می کنیم؛ سپس همه را - در حالی که به زانو درآمده اند - گرداگرد جهنم حاضر می سازیم. (* 68) سپس از هر گروه و جمعیتی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش تر بوده اند، جدا می کنیم. (* 69) بعد از آن، ما بخوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاهتریم! (* 70) و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می شوید؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! (* 71) سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم؛ و ظالمان را - در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده اند - در آن رها می سازیم. (* 72) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، کافران به مؤمنان می گویند: «کدام یک از دو گروه = ما و شما [جایگاهش بهتر، و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟!» (* 73) چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم مال و ثروتشان از آنها بهتر بود، و هم ظاهرشان آراسته تر! (* 74) بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببیند: یا عذاب (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت! (آن روز) خواهند دانست چه کسی

جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!» (* 75_ (اِنَّا) کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می افزاید؛ و آثار شایسته ای که (از انسان) باقی می ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است! (* 76_ آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد، و گفت: «اموال و فرزندان فراوانی به من داده خواهد شد»؟! (* 77_ آیا او از غیب آگاه گشته، یا نزد خدا عهد و پیمانی گرفته است؟! (* 78_ هرگز چنین نیست! ما بزودی آنچه را می گوید می نویسیم و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت! (* 79_ آنچه را او می گوید (از اموال و فرزندان)، از او به ارث می بریم، و به صورت تنها نزد ما خواهد آمد! (* 80_ و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد! (چه پندار خامی!) (* 81_ هرگز چنین نیست! به زودی (معبودها) منکر عبادت آنان خواهند شد؛ (بلکه) بر ضدشان قیام می کنند! (* 82_ آیا ندیدی که ما شیاطین را بسوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟! (* 83_ پس درباره آنان شتاب مکن؛ ما آنها (و اعمالشان) را به دقت شماره میکنیم! (* 84_ در آن روز که پرهیزگاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پادشاهای او) محشور می کنیم... (* 85_ و مجرمان را (همچون شتران تشنه کامی که به سوی آبگاه می روند) به جهنم می رانیم... (* 86_ آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. (* 87_ و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است». (* 88_ راستی مطلب زشت و زننده ای گفتید! (* 89_ نزدیک است به خاطر این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه ها بشدت فرو ریزد... (* 90_ از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند! (* 91_ در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند! (* 92_ تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند! (* 93_ خداوند همه آنها را احصا کرده، و به دقت شمرده است! (* 94_ و همگی روز رستاخیز، تک و تنها نزد او حاضر می شوند! (* 95_ مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می دهد! (* 96_ و ما فقط آن [= قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی. (* 97_ چه بسیار اقوام (بی ایمان و گنجهکاری) را که پیش از آنان هلاک کردیم؛ آیا احدی از آنها را احساس می کنی؟! یا کمترین صدایی از آنان می شنوی؟! (* 98_

(سوره طه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طه (* 1_ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی! (* 2_ آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می ترسند نازل ساختیم. (* 3_ (این قرآن) از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. (* 4_ همان بخشنده ای که بر عرش مسلط است. (* 5_ از آن اوست آنچه در آسمانها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک (پنهان) است! (* 6_ اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی)، او اسرار - و حتی

پنهان تر از آن - را نیز می داند! (* 7_ او خداوندی است که معبودی جز او نیست؛ و نامهای نیکوتر از آن اوست! (* 8_ آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ (* 9_ هنگامی که (از دور) آتشی مشاهده کرد، و به خانواده خود گفت: «اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم! شاید شعله ای از آن برای شما بیاورم؛ یا بوسیله این آتش راه را پیدا کنم!» (* 10_ هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: «ای موسی! (* 11_ من پروردگار توام! کشفایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدّس «طوی» هستی! (* 12_ و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می شود، گوش فراده! (* 13_ من «الله» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپادا! (* 14_ بطور قطع رستاخیز خواهد آمد! می خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود! (* 15_ پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می کند، تو را از آن بازدارد؛ که هلاک خواهی شد! (* 16_ و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟! (* 17_ گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرومی ریزم؛ و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است. (* 18_ گفت: «ای موسی! آن را بیفکن.» (* 19_ پس موسی آن (عصا) را افکند، که ناگهان ازدهایی شد که به هر سو می شتافت. (* 20_ گفت: «آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش بازمی گردانیم. (* 21_ و دستت را به گریبان بپوش، تا سفید و بی عیب بیرون آید؛ این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است. (* 22_ تا از نشانه های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (* 23_ اینک به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.» (* 24_ موسی گفت: «پروردگارا! سینه ام را گشاده کن؛ (* 25_ و کارم را برایم آسان گردان! (* 26_ و گره از زبانم بگشای؛ (* 27_ تا سخنان مرا بفهمند! (* 28_ و وزیری از خاندانم برای من قرار ده... (* 29_ برادرم هارون را! (* 30_ با او پشتم را محکم کن؛ (* 31_ و او را در کارم شریک ساز؛ (* 32_ تا تو را بسیار تسبیح گوئیم؛ (* 33_ و تو را بسیار یاد کنیم؛ (* 34_ چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده ای!» (* 35_ فرمود: «ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد! (* 36_ و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم... (* 37_ آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم... (* 38_ که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند؛ و دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد!» و من محبتی از خودم بر تو افکندم، تا در برابر دیدگان [= علم من، ساخته شوی (و پرورش یابی)! (* 39_ در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می رفت و می گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگرداندیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی؛ سپس در زمان مقدّر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی! (* 40_ و من تو را برای خودم ساختم (و پرورش دادم)! (* 41_ (اکنون) تو و برادرت با آیات من بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید! (* 42_ بسوی فرعون بروید؛ که طغیان کرده است! (* 43_ اما بنرمی با او سخن بگوئید؛ شاید متذکّر شود، یا (از خدا) بترسد! (* 44_ موسی و هارون گفتند: «پروردگارا! از این می ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد)؛ یا طغیان کند (و نپذیرد)!» (* 45_ فرمود: «ترسید! من با شما هستم؛ (همه چیز را) می شنوم و می بینم! (* 46_ به سراغ او بروید و بگوئید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم! بنی اسرائیل را با ما بپرست؛ و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده ایم! و درود بر آن

کس باد که از هدایت پیروی می کند! (*) 47_ به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و سربیزی نماید!» (*) 48_ (فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!» (*) 49_ گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!» (*) 50_ گفت: «پس تکلیف نسلهای گذشته (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!» (*) 51_ گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است؛ پروردگارم هرگز گمراه نمی شود، و فراموش نمی کند (و آنچه شایسته آنهاست به ایشان می دهد)!» (*) 52_ همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد؛ و راه هایی در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان، آبی فرستاد!» که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم. (*) 53_ هم خودتان بخورید؛ و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! مسلماً در اینها نشانه های روشنی برای خردمندان است! (*) 54_ ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم؛ و در آن بازمی گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم! (*) 55_ ما همه آیات خود را به او نشان دادیم؛ اما او تکذیب کرد و سرباز زد! (*) 56_ گفت: «ای موسی! آیا آمده ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟!» (*) 57_ قطعاً ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون (تاریخش را تعیین کن، و) موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو، از آن تخلف نکنیم؛ آن هم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد!» (*) 58_ گفت: «میعاد ما و شما روز زینت [= روز عید] است؛ به شرط اینکه همه مردم، هنگامی که روز، بالا می آید، جمع شوند!» (*) 59_ فرعون آن مجلس را ترک گفت؛ و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد؛ و سپس همه را (در روز موعود) آورد. (*) 60_ موسی به آنان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید، که شما را با عذابی نابود می سازد! و هر کس که (بر خدا) دروغ ببندد، نومید (و شکست خورده) می شود!» (*) 61_ آنها در میان خود، در مورد ادامه راهشان به نزاع برخاستند؛ و مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند. (*) 62_ گفتند: «این دو (نفر) مسلماً ساحرند! می خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه شما را از بین ببرند!» (*) 63_ اکنون که چنین است، تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید، و در یک صف (به میدان مبارزه) بیاوید؛ امروز رستگاری از آن کسی است که برتری خود را اثبات کند! (*) 64_ (ساحران) گفتند: «ای موسی! آیا تو اول (عصای خود را) می افکنی، یا ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!» (*) 65_ گفت: «شما اول بیفکنید!» در این هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر می رسید که حرکت می کنند! (*) 66_ موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد (مبادا مردم گمراه شوند)! (*) 67_ گفتیم: «ترس! تو مسلماً (پیروز و) برتری!» (*) 68_ و آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته اند می بلعد! آنچه ساخته اند تنها مکر ساحر است؛ و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد!» (*) 69_ (موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید). ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!» (*) 70_ (فرعون) گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلماً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است! به یقین دستها و پاهایتان را بطور مخالف قطع می کنم؛ و شما را از تنه های نخل به دار می آویزم؛ و خواهید دانست مجازات کدام یک از ما دردناکتر و پایدارتر است!» (*) 71_ گفتند: «سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدم نخواهیم داشت! هر حکمی می خواهی بکن؛ تو تنها در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی!» (*) 72_ ما به پروردگاران ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشاید؛ و خدا بهتر و پایدارتر است!» (*) 73_ هر کس در محضر

پروردگارش خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست؛ در آن جا، نه می میرد و نه زندگی می کند! (*) 74_ و هر کس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی درجات عالی دارند... (*) 75_ باغهای جاویدان بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که همیشه در آن خواهند بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاک نماید! (*) 76_ ما به موسی وحی فرستادیم که: «شبانۀ بندگانم را (از مصر) با خود ببر؛ و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا؛ که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا!» (*) 77_ (به این ترتیب) فرعون با لشکرانش آنها را دنبال کردند؛ و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید! (*) 78_ فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد! (*) 79_ ای بنی اسرائیل! ما شما را از چنگال دشمنان نجات دادیم؛ و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم؛ و «من» و «سلوی» بر شما نازل کردیم! (*) 80_ بخورید از روزیهای پاکیزه ای که به شما داده ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط می کند! (*) 81_ و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم! (*) 82_ ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟! (*) 83_ عرض کرد: «پروردگارا! آنان در پی منند؛ و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی!» (*) 84_ فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!» (*) 85_ موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!» (*) 86_ گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد... (*) 87_ و برای آنان مجسمه گوساله ای که صدایی همچون صدای گوساله (واقعی) داشت پدید آورد؛ و (به یکدیگر) گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است!» و او فراموش کرد (بیمانی را که با خدا بسته بود)! (*) 88_ آیا نمی بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی دهد، و مالک هیچ گونه سود و زبانی برای آنها نیست؟! (*) 89_ و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفته اید! پروردگار شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!» (*) 90_ ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!» (*) 91_ (موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند... (*) 92_ از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصبان نمودی؟!» (*) 93_ (هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! = ای برادر! [ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» (*) 94_ (موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟!» (*) 95_ گفت: «من چیزی دیدم که آنها ندیدند؛ من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در نظرم جلوه داد!» (*) 96_ (موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگوئی «با من تماس نگیر!» و تو میعاد (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی! و ببین ما آن را نخست می سوزانیم؛ سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم! (*) 97_ معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست؛ و علم او همه چیز را فرا گرفته است!» (*) 98_ این گونه بخشی از اخبار پیشین را برای تو بازگو می کنیم؛ و

ما از نزد خود، ذکر (و قرآنی) به تو دادیم! (* 99_ هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسؤولیت) بر دوش خواهد داشت! (* 100_ در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و بد باری است برای آنها در روز قیامت! (* 101_ همان روزی که در «صور» دمیده می شود؛ و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن روز جمع می کنیم! (* 102_ آنها آهسته با هم گفتگو می کنند؛ (بعضی می گویند:) شما فقط ده (شبانۀ روز در عالم برزخ) توقف کردید! (و نمی دانند چقدر طولانی بوده است!) (* 103_ ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، هنگامی که نیکوروش ترین آنها می گوید: «شما تنها یک روز درنگ کردید!» (* 104_ و از تو درباره کوه ها سؤال می کنند؛ بگو: «پروردگارم آنها را (متلاشی کرده) بر باد می دهد! (* 105_ سپس زمین را صاف و هموار و بی آب و گیاه رها می سازد... (* 106_ به گونه ای که در آن، هیچ پستی و بلندی نمی بینی!» (* 107_ در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی خیزند)؛ و همه صداها در برابر عظمت) خداوند رحمان، خاضع می شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی! (* 108_ در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است. (* 109_ آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته اند می دانند؛ ولی آنها به (علم) او احاطه ندارند! (* 110_ و (در آن روز) همه چهره ها در برابر خداوند حیّ قیوم، خاضع می شود؛ و مایوس (و زیانکار) است آن که بار ستمی بر دوش دارد! (* 111_ اما) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می ترسد، و نه از نقصان حقش. (* 112_ و این گونه آن را قرآنی عربی [= فصیح و گویا [نازل کردیم، و انواع وعیدها (و اندازها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند؛ یا برای آنان تذکری پدید آورد! (* 113_ پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود؛ و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» (* 114_ پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ اما او فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم! (* 115_ و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد (و سجده نکرد!) (* 116_ پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند؛ که به زحمت و رنج خواهی افتاد!» (* 117_ اما تو در بهشت راحت هستی! و مزیتش) برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد؛ (* 118_ و در آن تشنه نمی شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی دهد!» (* 119_ ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟!» (* 120_ سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت،) و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد! (* 121_ سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه اش را پذیرفت، و هدایتش نمود. (* 122_ (خداوند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود، و نه در رنج خواهد بود!» (* 123_ و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می کنیم!» (* 124_ می گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محسورم کردی؟! من که بینا بودم!» (* 125_ می فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!» (* 126_ و این گونه

جزا می دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است!

(* 127_ آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسلهای پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نمودیم، و اینها در مسکنهای (ویران شده) آنان راه می روند! مسلماً در این امر، نشانه های روشنی برای خردمندان است. (*

128_ و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرر نبود، عذاب الهی بزودی دامان آنان را می گرفت! (*

129_ پس در برابر آنچه می گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن؛ تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور؛ و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی؛ باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی! (* 130_ و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی، که به گروه هایی از آنان داده ایم، میفکن! اینها شکوفه های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است! (* 131_ خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکبیا باش! از تو روزی نمی خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست! (* 132_ گفتند: «چرا (پیامبر) معجزه و نشانه ای از سوی پروردگارش برای ما نمی آورد؟! (بگو): آیا خبرهای روشنی که در کتابهای (آسمانی) نخستین بوده، برای آنها نیامد؟! (* 133_ اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در قیامت) می گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم!» (* 134_ بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما بزودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است! (* 135_

(سوره انبیاء)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند! (* 1_ هیچ یادآوری تازه ای از طرف پروردگارشان برای آنها نمی آید، مگر آنکه با بازی (و شوخی) به آن گوش می دهند! (* 2_ این در حالی است که دلهایشان در لُهو و بی خبری فرو رفته است! و ستمگران پنهانی نجوا کردند (و گفتند): «آیا جز این است که او بشری همانند شماست؟! آیا به سراغ سحر می روید، با اینکه (چشم دارید و) می بینید؟! (* 3_ (پیامبر) گفت: «پروردگارم همه سخنان را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می داند؛ و او شنوا و داناست!» (* 4_ آنها گفتند: «آنچه محمد (ص) آورده وحی نیست؛ بلکه خوابهایی آشفته است! اصلاً آن را بدروغ به خدا بسته؛ نه، بلکه او یک شاعر است! (اگر راست می گوید) باید معجزه ای برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیامبران پیشین (با معجزات) فرستاده شدند!» (* 5_ تمام آبادیهایی که پیش از اینها هلاک کردیم (تقاضای معجزات گوناگون کردند، و خواسته آنان عملی شد، ولی) هرگز

ایمان نیاوردند؛ آیا اینها ایمان می آورند؟! (* 6) ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می کردیم، نفرستادیم! (همه انسان بودند، و از جنس بشر!) اگر نمی دانید، از آگاهان پرسید. (* 7) آنان را بیکرهایی که غذا نخورند قرار ندادیم! عمر جاویدان هم نداشتند! (* 8) سپس وعده ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم! آنها و هر کس را که می خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم؛ و مسرفان را هلاک نمودیم! (* 9) ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکر (و بیداری) شما در آن است! آیا نمی فهمید؟! (* 10) چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم! (* 11) هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (* 12) گفتیم: فرار نکنید؛ و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید! شاید (سائلان بیابند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)! (* 13) گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم!» (* 14) و همچنان این سخن را تکرار می کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم! (* 15) ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم! (* 16) (بفرض محال) اگر می خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب می کردیم! اگر این کار را انجام می دادیم (* 17) بلکه ما حق را بر سر باطل می کویم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می شود! اما وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می کنید! (* 18) از آن اوست آنان که در آسمانها و زمینها و آنها که نزد اویند [= فرشتگان هیچ گاه از عبادتش استکبار نمی ورزند، و هرگز خسته نمی شوند. (* 19) (تمام) شب و روز را تسبیح می گویند؛ و سست نمی گردند. (* 20) آیا آنها خدایانی از زمین برگزیدند که (خلق می کنند و) منتشر می سازند؟! (* 21) اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می شدند (و نظام جهان به هم می خورد)! منزّه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می کنند! (* 22) هیچ کس نمی تواند بر کار او خرده بگیرد؛ ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد است! (* 23) آیا آنها معبودانی جز خدا برگزیدند؟! بگو: «دلالتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند، و سخن کسانی [= پیامبرانی] است که پیش از من بودند!» اما بیشتر آنها حق را نمی دانند؛ و به همین دلیل (از آن) روی گردانند. (* 24) ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید.» (* 25) آنها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است!» او منزّه است (از این عیب و نقص)؛ آنها [= فرشتگان] بندگان شایسته اویند. (* 26) هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می کنند. (* 27) او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آنها را می داند؛ و آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی کنند؛ و از ترس او بیمناکند. (* 28) و هر کس از آنها بگوید: «من جز خدا، معبودی دیگرم»، کیفر او را جهنم می دهیم! و ستمگران را این گونه کیفر خواهیم داد. (* 29) آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی آورند؟! (* 30) و در زمین، کوه های ثابت و پابرجایی قرار دادیم، مبادا آنها را بلرزاند! و در آن، درّه ها و راه هایی قرار دادیم تا هدایت شوند! (* 31) و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آنها از آیات آن روی گردانند. (* 32) او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری در حرکتند! (* 33) پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم؛ (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می کشند،) آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟! (* 34) هر انسانی طعم مرگ را می چشد! و شما را با بدیها و خوبیها

آزمایش می کنیم؛ و سرانجام بسوی ما بازگردانده می شوید! (* 35_ هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند؛ (و می گویند): آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می گوید؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می کنند. (* 36_ (آری،) انسان از عجله آفریده شده؛ ولی عجله نکنید؛ بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد! (* 37_ آنها می گویند: «اگر راست میگویند، این وعده (قیامت) کی فرا می رسد؟!» (* 38_ ولی اگر کافران می دانستند زمانی که (فرا می رسد) نمی توانند شعله های آتش را از صورت و از پشتهای خود دور کنند، و هیچ کس آنان را یاری نمی کند (این قدر درباره قیامت شتاب نمی کردند)! (* 39_ (آری، این مجازات الهی) بطور ناگهانی به سراغشان می آید و مبهوتشان می کند؛ آنچنان که توانایی دفع آن را ندارند، و به آنها مهلت داده نمی شود! (* 40_ (اگر تو را استهزا کنند نگران نباش،) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند؛ اما سرانجام، آنچه را استهزا می کردند دامن مسخره کنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید)! (* 41_ بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند بخشنده نگاه می دارد؟!» ولی آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند! (* 42_ آیا آنها خدایانی دارند که می توانند در برابر ما از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی، حتی) نمی توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسد به دیگران)؛ و نه از ناحیه ما با نیرویی یاری می شوند! (* 43_ ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهره مند ساختیم، تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد)؛ آیا نمی بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلش) می گاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟! (* 44_ بگو: «من تنها بوسیله وحی شما را انذار می کنم!» ولی آنها که گوشهپیشان کر است، هنگامی که انذار می شوند، سخنان را نمی شنوند! (* 45_ اگر کمترین عذاب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می شود که: «ای وای بر ما! ما همگی ستمگر بودیم!» (* 46_ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛ و اگر بمقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم؛ و کافی است که ما حساب کننده باشیم! (* 47_ ما به موسی و هارون، «فرقان» [= وسیله جدا کردن حق از باطل] و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم. (* 48_ همانان که از پروردگارشان در نهان می ترسند، و از قیامت بیم دارند! (* 49_ و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می کنید؟! (* 50_ ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم... (* 51_ آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟!» (* 52_ گفتند: «ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می کنند.» (* 53_ گفت: «مسئلاً هم شما و هم پدرانتان، در گمراهی آشکاری بوده اید!» (* 54_ گفتند: «آیا مطلب حقی برای ما آورده ای، یا شوخی می کنی؟!» (* 55_ گفت: «کاملاً حق آورده ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد کرده؛ و من بر این امر، از گواهانم! (* 56_ و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه ای برای نابودی بتهایتان می کشم!» (* 57_ سرانجام (با استفاده از یک فرصت مناسب)، همه آنها - جز بت بزرگشان - را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند)! (* 58_ (هنگامی که منظره بتها را دیدند،) گفتند: «هر کس با خدایان ما چنین کرده، قطعاً از ستمگران است (و باید کیفر سخت ببیند)!» (* 59_ (گروهی) گفتند: «شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بتها سخن می گفت که او را ابراهیم می گویند.» (* 60_ (جمعیت) گفتند: «او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا گواهی دهند!» (* 61_ (هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند،) گفتند:

«تو این کار را با خدایان ما کرده ای، ای ابراهیم؟!» (* 62) گفت: «بلکه این کار را بزرگشان کرده است! از آنها بپرسید اگر سخن می گویند!» (* 63) آنها به وجدان خویش بازگشتند؛ و (به خود) گفتند: «حقاً که شما ستمگرید!» (* 64) سپس بر سرهایشان واژگونه شدند؛ (و حکم وجدان را بکلی فراموش کردند و گفتند:) تو می دانی که اینها سخن نمی گویند! (* 65) (ابراهیم) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زبانی به شما می رساند! (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیانشان!)» (* 66) اف بر شما و بر آنچه جز خدا می پرستید! آیا اندیشه نمی کنید (و عقل ندارید)؟! (* 67) گفتند: «او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است!» (* 68) (سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش!» (* 69) آنها می خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم! (* 70) او و لوط را به سرزمین (شام) - که آن را برای همه جهانیان پربرکت ساختیم - نجات دادیم! (* 71) و اسحاق، و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم؛ و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم! (* 72) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می کردند. (* 73) و لوط را (به یاد آور) که به او حکومت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و کثیف انجام می دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند! (* 74) و او را در رحمت خود داخل کردیم؛ و او از صالحان بود. (* 75) و نوح را (به یاد آور) هنگامی که پیش از آن (زمان، پروردگار خود را) خواند! ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و او و خاندانش را از اندوه بزرگ نجات دادیم؛ (* 76) و او را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛ چرا که قوم بدی بودند؛ از این رو همه آنها را غرق کردیم! (* 77) و داوود و سلیمان را (به خاطر بیاور) هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان بی شبان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباه کرده) بودند، داوری می کردند؛ و ما بر حکم آنان شاهد بودیم. (* 78) ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر یک از آنان (شایستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم؛ و کوه ها و پرندگان را با داوود مسخر ساختیم، که (همراه او) تسبیح (خدا) می گفتند؛ و ما این کار را انجام دادیم! (* 79) و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند؛ آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟ (* 80) و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم، که بفرمان او بسوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می یافت؛ و ما از همه چیز آگاه بوده ایم. (* 81) و گروهی از شیاطین (را نیز مسخر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غواصی می کردند؛ و کارهایی غیر از این (نیز) برای او انجام می دادند؛ و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می کردیم! (* 82) و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بدحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربانترین مهربانانی!» (* 83) ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم؛ و خاندانش را به او بازگرداندیم؛ و همانندشان را بر آنها افزودیم؛ تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت کنندگان باشد. (* 84) و اسماعیل و ادريس و ذالکفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند. (* 85) و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ چرا که آنها از صالحان بودند. (* 86) و ذالنون [= یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت)، در آن ظلمتها (ی مترکم) صدا زد: «خداوندا!» جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم!» (* 87) ما

دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم! (* 88) _ و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی!» (* 89) _ ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم؛ و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر بسرعت اقدام می کردند؛ و در حال بیم و امید ما را می خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند. (* 90) _ و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاک نگه داشت؛ و ما از روح خود در او دمیدیم؛ و او و فرزندش [= مسیح] را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم! (* 91) _ این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید! (* 92) _ (گروهی از پیروان ناآگاه آنها) کار خود را به تفرقه در میان خود کشاندند؛ (ولی سرانجام) همگی بسوی ما بازمی گردند! (* 93) _ و هر کس چیزی از اعمال شایسته بجا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد؛ و ما تمام اعمال او را (برای پاداش) می نویسیم. (* 94) _ و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند)؛ آنها هرگز باز نخواهند گشت! (* 95) _ تا آن زمان که «یاجوج» و «مأجوج» گشوده شوند؛ و آنها از هر محلّ مرتفعی بسرعت عبور می کنند. (* 96) _ و وعده حقّ [= قیامت] نزدیک می شود؛ در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت بازمی ماند؛ (می گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم! (* 97) _ شما و آنچه غیر خدا می پرستید، هیزم جهنّم خواهید بود؛ و همگی در آن وارد می شوید. (* 98) _ اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی شدند! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود. (* 99) _ برای آنان در آن [= دوزخ] ناله های دردناکی است و چیزی نمی شنوند. (* 100) _ (اما) کسانی که از قبل، وعده نیک از سوی ما به آنها داده شده [= مؤمنان صالح] [از آن دور نگاهداشته می شوند. (* 101) _ آنها صدای آتش دوزخ را نمی شنوند؛ و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعم هستند. (* 102) _ وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی کند؛ و فرشتگان به استقبالشان می آیند، (و می گویند:) این همان روزی است که به شما وعده داده می شد! (* 103) _ در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی گردانیم؛ این وعده ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد. (* 104) _ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» (* 105) _ در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت کنندگان! (* 106) _ ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. (* 107) _ بگو: «تنها چیزی که به من وحی می شود این است که معبود شما خدای یگانه است؛ آیا (با این حال) تسلیم (حق) می شوید؟ (و بتها را کنار می گذارید؟)» (* 108) _ اگر باز (روی گردان شوند، بگو: «من به همه شما یکسان اعلام خطر می کنم؛ و نمی دانم آیا وعده (عذاب خدا) که به شما داده می شود نزدیک است یا دور!» (* 109) _ او سخنان آشکار را می داند، و آنچه را کتمان می کنید (نیز) می داند (و چیزی بر او پوشیده نیست)! (* 110) _ و من نمی دانم شاید این آزمایشی برای شماست؛ و مایه بهره گیری تا مدتی (معین)! (* 111) _ (و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده)؛ و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبتهای ناروای شما، از او استمداد می طلبیم!» (* 112) _

(سوره حج)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! (*) 1_ روزی که آن را می بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرامی گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد؛ و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است! (*) 2_ گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمی خیزند؛ و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند. (*) 3_ بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش می سازد، و به آتش سوزان راهنمایی می کند! (*) 4_ ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادیم!) و جنین هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می کنیم؛) بعد شما را بصورت طفل بیرون می آوریم؛ سپس هدف این است که به حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی دانند! (از سوی دیگر،) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم، به حرکت درمی آید و می روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می رویاند! (*) 5_ این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است؛ و اوست که مردگان را زنده می کند؛ و بر هر چیزی تواناست. (*) 6_ و اینکه رستاخیز آمدنی است، و شکی در آن نیست؛ و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می کند. (*) 7_ و گروهی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی، درباره خدا مجادله می کنند! (*) 8_ آنها با تکبر و بی اعتنائی (نسبت به سخنان الهی)، می خواهند مردم را از راه خدا گمراه سازند! برای آنان در دنیا رسوایی است؛ و در قیامت، عذاب سوزان به آنها می چشانیم! (*) 9_ (و به آنان می گوئیم:) این در برابر چیزی است که دستهایتان از پیش برای شما فرستاده؛ و خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی کند! (*) 10_ بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است)؛ همین که (دنیا به آنها رو کند و نفع و خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می شوند (و به کفر رومی آورند!) (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده اند، و هم آخرت را؛ و این همان خسران و زیان آشکار است! (*) 11_ او جز خدا کسی را می خواند که نه زبانی به او می رساند، و نه سودی؛ این همان گمراهی بسیار عمیق است. (*) 12_ او کسی را می خواند که زبانش از نفعش نزدیکتر است؛ چه بد مولا و یآوری، و چه بد مونس و معاشری! (*) 13_ خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها زیر درختانش جاری است؛ (آری،) خدا هر چه را اراده کند انجام می دهد! (*) 14_ هر کس گمان می کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر عصبانی است، هر کاری از دستش ساخته است بکند)، ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد، و خود را حلق آویز و نفس

خود را قطع کند (و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود); ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند؟! (* 15) این گونه ما آن [= قرآن] را بصورت آیات روشنی نازل کردیم; و خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. (* 16) مسلماً کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان [= ستاره پرستان] و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می‌کند; (و حق را از باطل جدا می‌سازد); خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است. (* 17) آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می‌کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنیندگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری (ابا دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است; و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرمی نخواهد داشت! خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می‌دهد! (* 18) اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند; کسانی که کافر شدند، لباسهایی از آتش برای آنها بریده شده، و مایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می‌شود; (* 19) آنچنان که هم درونشان با آن آب می‌شود، و هم پوستهایشان. (* 20) و برای آنان گزلهایی از آهن (سوزان) است (* 21) هر گاه بخواهند از غم و اندوه های دوزخ خارج شوند، آنها را به آن بازمی‌گردانند; و (به آنان گفته می‌شود): بچشید عذاب سوزان را! (* 22) خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاری است; آنان با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می‌شوند; و در آنجا لباسهایشان از حریر است. (* 23) و بسوی سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند، و به راه خداوند شایسته ستایش، راهنمایی می‌گردند. (* 24) کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحقّ عذابی دردناکند); و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم! (* 25) (به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند; و به او گفتیم: چیزی را همتای من قرار مده! و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجودکنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز! (* 26) و مردم را دعوت عمومی به حج کن; تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند... (* 27) تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند; و در ایام معینی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنان داده است، (به هنگام قربانی کردن) ببرند; پس از گوشت آنها بخورید; و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید! (* 28) سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند; و به نذرهای خود وفا کنند; و بر گرد خانه گرمی کعبه، طواف کنند. (* 29) (مناسک حج) این است! و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می‌شود. از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید! (* 30) (برنامه و مناسک حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشد! هیچ گونه همتایی برای او قائل نشوید! و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده، و پرنندگان (در وسط هوا) او را می‌ربایند; و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می‌کند! (* 31) این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست. (* 32) در آن (حیوانات قربانی)، منافعی برای شماست تا زمان معینی [= روز ذبح آنها] سپس محل آن، خانه قدیمی و گرمی (کعبه) است. (* 33) برای هر امتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که

به آنان روزی داده ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است؛ در برابر (فرمان) او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را. (* 34) همانها که چون نام خدا برده می شود، دلهایشان پر از خوف (پروردگار) می گردد؛ و شکیبایان در برابر مصیبت‌هایی که به آنان می رسد؛ و آنها که نماز را برپا می دارند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. (* 35) و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر و برکت است؛ نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده اند بر آنها بپسید؛ و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخرّتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید. (* 36) نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخرّ شما ساخته، تا او را بخاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید؛ و بشارت ده نیکوکاران را! (* 37) خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند؛ خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد! (* 38) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. (* 39) همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است. (* 40) همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست! (* 41) اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه ای نیست؛) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. (* 42) و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط؛ (* 43) و اصحاب مدین (قوم شعیب)؛ و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد؛ اما من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟! (* 44) چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت؛ و بعد دیوارها بر روی سقفها!) و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع! (* 45) آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوشهای شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نابینا نمی شود، بلکه دل‌هایی که در سینه هاست کور می شود. (* 46) آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد! و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می شمردید! (* 47) و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند؛ (اما از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند.) سپس آنها را مجازات کردم؛ و بازگشت، تنها بسوی من است! (* 48) بگو: «ای مردم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم! (* 49) آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آموزش و روزی پر ارزشی برای آنهاست! (* 50) و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می پنداشتند که می توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوزخند!» (* 51) هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هرگاه آرزو می کرد (و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می ریخت)، شیطان القائاتی در آن می کرد؛ اما خداوند القائات

شیطان را از میان می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشید؛ و خداوند علیم و حکیم است. (*) 52_ هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دل‌هایشان بیماری است، و آنها که سنگدلند؛ و ظالمان در عداوت شدید دور از حق قرار گرفته اند! (*) 53_ و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت می کند. (*) 54_ کافران همواره در باره قرآن در شک هستند، تا آنکه روز قیامت بطور ناگهانی فرارسد، یا عذاب روز عقیم [= روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند] به سراغشان آید! (*) 55_ حکومت و فرمانروایی در آن روز از آن خداست؛ و میان آنها داوری می کند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغهای پر نعمت بهشتند؛ (*) 56_ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده ای برای آنهاست! (*) 57_ و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می دهد؛ که او بهترین روزی دهندگان است! (*) 58_ خداوند آنان را در محلی وارد می کند که از آن خشنود خواهند بود؛ و خداوند دانا و بردبار است. (*) 59_ (آری،) مطلب چنین است! و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدی قرار گیرد، خدا او را یاری خواهد کرد؛ یقیناً خداوند بخشنده و آمرزنده است! (*) 60_ این (وعده نصرت الهی) بخاطر آن است (که او بر هر چیز قادر است؛ خداوندی) که شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند؛ و خداوند شنوا و بیناست! (*) 61_ این بخاطر آن است که خداوند حق است؛ و آنچه را غیر از او می خوانند باطل است؛ و خداوند بلند مقام و بزرگ است! (*) 62_ آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، و زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرم می گردد؟! و خداوند لطیف و آگاه است. (*) 63_ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ و خداوند بی نیاز، و شایسته هر گونه ستایش است! (*) 64_ آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر شما کرد؛ و (نیز) کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می کنند؛ و آسمان [= کرات و سنگهای آسمانی] را نگه می دارد، تا جز بفرمان او، بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است! (*) 65_ و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می میراند، بار دیگر زنده می کند، اما این انسان بسیار ناسپاس است. (*) 66_ برای هر امتی عبادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند؛ پس نباید در این امر با تو به نزاع برخیزند! بسوی پروردگارت دعوت کن، که بر هدایت مستقیم قرار داری (و راه راست همین است که تو می پویی). (*) 67_ و اگر آنان با تو به جدال برخیزند، بگو: «خدا از کارهایی که شما انجام می دهید آگاهتر است! (*) 68_ و خداوند در روز قیامت، میان شما در آنچه اختلاف می کردید، داوری می کند!» (*) 69_ آیا نمی دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است! (*) 70_ آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند! و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست! (*) 71_ و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، در چهره کافران آثار انکار مشاهده می کنی، آنچنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها میخوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتش سوزنده [= دوزخ] که خدا به کافران وعده داده؛ و بد سرانجامی است!» (*) 72_ ای مردم! متلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می خوانید، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند، هر چند

برای این کار دست به دست هم دهند! و هرگاه مگس چیزی از آنها برآید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند! هم این طلب‌کنندگان نتوانند، و هم آن مطلوبان (هم این عابدان، و هم آن معبودان)! (* 73) خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است! (* 74) خداوند از فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و همچنین از مردم؛ خداوند شنوا و بیناست! (* 75) آنچه را در پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می‌داند؛ و همه امور بسوی خدا بازمی‌گردد. (* 76) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید! (* 77) و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسک جوئید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته‌ای! (* 78)

(سوره مؤمنون)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

مؤمنان رستگار شدند؛ (* 1) آنها که در نمازشان خشوع دارند؛ (* 2) و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند؛ (* 3) و آنها که زکات را انجام می‌دهند؛ (* 4) و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ (* 5) تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛ (* 6) و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند! (* 7) و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می‌کنند؛ (* 8) و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند؛ (* 9) (آری،) آنها وارثانند! (* 10) (وارثانی) که بهشت برین را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (* 11) و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ (* 12) سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن [= رحم] قرار دادیم؛ (* 13) سپس نطفه را بصورت علقه [= خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشانیدیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (* 14) سپس شما بعد از آن می‌میرید؛ (* 15) سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید! (* 16) ما بر بالای سر شما هفت راه [= طبقات هفتگانه آسمان] قرار دادیم؛ و ما (هرگز) از خلق (خود) غافل نبوده‌ایم! (* 17) و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم؛ و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم؛ و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم! (* 18) سپس بوسیله آن باغهایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغهایی که در آن میوه‌های بسیار است؛ و از آن می‌خورید! (* 19) و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید [= درخت زیتون]، و از آن روغن و «نان خورش» برای خوردندگان فراهم می‌گردد (آفریدیم)! (* 20) و برای شما در چهارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست [= از

شیر [شما را سیراب می کنیم؛ و برای شما در آنها منافع بسیاری است؛ و از گوشت آنها می خورید؛] (* 21) و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید! (* 22) و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ او به آنها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی کنید؟! (* 23) جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: «این مرد جز بشری همچون شما نیست، که می خواهد بر شما برتری جوید! اگر خدا می خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می کرد؛ ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده ایم! (* 24) او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلاست! پس مدتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهایی یابد!)» (* 25) نوح گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (* 26) ما به نوح وحی کردیم که: «کشتی را در حضور ما، و مطابق وحی ما بساز. و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد، و آب از تنور بجوشد (که نشانه فرا رسیدن طوفان است)، از هر یک از انواع حیوانات یک جفت در کشتی سوار کن؛ و همچنین خانواده ات را، مگر آنانی که قبلاً وعده هلاکشان داده شده = همسر و فرزند کافر؛] و دیگر درباره ستمگران با من سخن مگو، که آنان همگی هلاک خواهند شد. (* 27) و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید، بگو: «ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید!» (* 28) و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودآوردگانی!» (* 29) (آری، در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه هایی است؛ و ما مسلماً همگان را آزمایش می کنیم! (* 30) سپس جمعیت دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم. (* 31) و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید؛ جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی کنید؟! (* 32) ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می خورید می خورد؛ و از آنچه می نوشید می نوشد! (پس چگونه می تواند پیامبر باشد؟! (* 33) و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکارید. (* 34) آیا او به شما وعده می دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می شوید؟! (* 35) هیئات، هیئات از این وعده هایی که به شما داده می شود! (* 36) مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می میریم، و نسل دیگری جای ما را می گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (* 37) او فقط مردی دروغگوست که بر خدا افترا بسته؛ و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد!» (* 38) (پیامبرشان) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (* 39) خداوند فرمود: «بزودی از کار خود پشیمان خواهند شد! (اما زمانی که دیگر سودی به حالشان ندارد.)» (* 40) سرانجام صیحه آسمانی آنها را بحق فرو گرفت؛ و ما آنها را همچون خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ دور باد قوم ستمگر (از رحمت خدا)! (* 41) سپس اقوام دیگری را پس از آنها پدید آوردیم. (* 42) هیچ امتی بر اجل و سر رسید حتمی خود پیشی نمی گیرد، و از آن تأخیر نیز نمی کند. (* 43) سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند؛ ولی ما این امتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند). دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی آورند! (* 44) سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم... (* 45) بسوی فرعون و اطرافیان اشرافی او؛ اما آنها تکبر

کردند، و آنها مردمی برتری جوی بودند. (* 46_ آنها گفتند: «آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها بردگان ما هستند؟!» (* 47_ آری)، آنها این دو را تکذیب کردند؛ و سرانجام همگی هلاک شدند. (* 48_ و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ شاید آنان [= بنی اسرائیل] هدایت شوند. (* 49_ و ما فرزند مریم [= عیسی] و مادرش را آیت و نشانه ای قرار دادیم؛ و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیت و آب جاری بود جای دادیم. (* 50_ ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می دهید آگاهم. (* 51_ و این امت شما امت واحدی است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید! (* 52_ اما آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند؛ (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند! (* 53_ آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی (که مرگشان فرا رسد یا گرفتار عذاب الهی شوند). (* 54_ آنها گمان می کنند اموال و فرزندان که بعنوان کمک به آنان می دهیم... (* 55_ برای این است که درهای خیرات را با شتاب به روی آنها بگشاییم!! (چنین نیست) بلکه آنها نمی فهمند (که این وسیله امتحانشان است). (* 56_ مسلماً کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند، (* 57_ و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند، (* 58_ و آنها که به پروردگارشان شرک نمی ورزند، (* 59_ و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند و با این حال، دل‌هایشان هراسناک است از اینکه سرانجام بسوی پروردگارشان بازمی گردند، (* 60_ آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می کنند و از دیگران پیشی می گیرند (و مشمول عنایات ما هستند). (* 61_ و ما هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کنیم؛ و نزد ما کتابی است که (تمام اعمال بندگان را ثبت کرده و) بحق سخن می گوید؛ و به آنان هیچ ستمی نمی شود. (* 62_ ولی دل‌های آنها از این نامه اعمال (و روز حساب و آیات قرآن) در بی خبری فرورفته؛ و اعمال (زشت) دیگری جز این دارند که پیوسته آن را انجام می دهند... (* 63_ تا زمانی که منتعمان مغرور آنها را در چنگال عذاب گرفتار سازیم؛ در این هنگام، ناله های دردناک و استغاثه آمیز سر می دهند! (* 64_ (اما به آنها گفته می شود): امروز فریاد نکنید، زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد! (* 65_ (آیا فراموش کرده اید که) در گذشته آیات من پیوسته بر شما خوانده می شد؛ اما شما اعراض کرده به عقب بازمی گشتید؟! (* 66_ در حالی که در برابر او [= پیامبر] استکبار می کردید، و شبها در جلسات خود به بدگویی می پرداختید؟! (* 67_ آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟! (* 68_ یا اینکه پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می کنند؟! (* 69_ یا می گویند او دیوانه است؟! ولی او حق را برای آنان آورده؛ اما بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند). (* 70_ و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباہ می شوند! ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه یادآوری (و عزت و شرف) برای آنهاست، اما آنان از (آنچه مایه) یادآوری‌شان (است) رویگردانند! (* 71_ یا اینکه تو از آنها مزد و هزینه ای (در برابر دعوت) می خواهی؟ با اینکه مزد پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است! (* 72_ بطور قطع و یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می کنی. (* 73_ اما کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرفند! (* 74_ و اگر به آنان رحم کنید و گرفتاریها و مشکلاتشان را برطرف سازیم، (نه تنها بیدار نمی شوند، بلکه) در طغیانشان لجاجت می ورزند و (در این وادی) سرگردان می مانند! (* 75_ ما آنها را به عذاب و بلا گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)، اما آنان نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند، و نه به درگاهش تضرع

می کنند! (*) 76_ (این وضع همچنان ادامه می یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان بکلی مایوس گردند. (*) 77_ و او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب =عقل [ایجاد کرد؛ اما کمتر شکر او را بجا می آورد. (*) 78_ و او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و به سوی او محشور می شوید! (*) 79_ و او کسی است که زنده می کند و می میراند؛ و رفت و آمد شب و روز از آن اوست؛ آیا اندیشه نمی کنید؟! (*) 80_ (نه، بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند. (*) 81_ آنها گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدیم، آیا بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (*) 82_ این وعده به ما و پدرانمان از قبل داده شده؛ این فقط افسانه های پیشینیان است!» (*) 83_ بگو: «زمین و کسانی که در آن هستند از آن کیست، اگر شما می دانید؟! (*) 84_ بزودی (در پاسخ تو) می گویند: «همه از آن خداست!» بگو: «آیا متذکر نمی شوید؟! (*) 85_ بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است؟! (*) 86_ بزودی خواهند گفت: «همه اینها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید و دست از شرک بر نمی دارید)؟! (*) 87_ بگو: «اگر می دانید، چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد، و به بی پناهان پناه می دهد، و نیاز به پناه دادن ندارد؟! (*) 88_ خواهند گفت: «همه اینها از آن خداست» بگو: «با این حال چگونه می گویید سحر شده اید (و این سخنان سحر و افسون است)؟! (*) 89_ نه، (واقع این است که) ما حق را برای آنها آوردیم؛ و آنان دروغ می گویند! (*) 90_ خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده؛ و معبود دیگری با او نیست؛ که اگر چنین می شد، هر یک ازخدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می شد)؛ منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می کنند! (*) 91_ او دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه برای او همتا قرار می دهند! (*) 92_ بگو: «پروردگار من! اگر عذابهایی را که به آنان وعده داده می شود به من نشان دهی (و در زندگیم آن را ببینم)... (*) 93_ پروردگار من! مرا (در این عذابها) با گروه ستمگران قرار مده!» (*) 94_ و ما تواناییم که آنچه را به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم! (*) 95_ بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده)؛ ما به آنچه توصیف می کنند آگاهتریم! (*) 96_ و بگو: «پروردگارا! از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم! (*) 97_ و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) -ای پروردگار من - به تو پناه می برم!» (*) 98_ (آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! (*) 99_ شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می گویند: چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)؛ و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند! (*) 100_ هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود؛ و از یکدیگر تقاضای کمک نمی کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)؛ (*) 101_ و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! (*) 102_ و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! (*) 103_ شعله های سوزان آتش همچون شمشیر به صورتهایشان نواخته می شود؛ و در دوزخ چهره ای عبوس دارند. (*) 104_ (به آنها گفته می شود: آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد، پس آن را تکذیب می کردید؟! (*) 105_ می گویند: «پروردگارا! بدبختی ما بر ما چیره شد، و ما قوم گمراهی بودیم! (*) 106_ پروردگارا! ما را از این

(دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعاً ستمگریم (و مستحق عذاب!)» (* 107_ (خداوند) می گوید: «دور شوید در دوزخ، و با من سخن مگویید!» (* 108_ (فراموش کرده اید) گروهی از بندگانم می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم؛ ما را ببخش و بر ما رحم کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی! (* 109_ اما شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند؛ و شما به آنان می خندیدید!» (* 110_ ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم؛ آنها پیروز و رستگارند!» (* 111_ (خداوند) می گوید: «چند سال در روی زمین توقّف کردید؟» (* 112_ (در پاسخ) می گویند: «تنها به اندازه یک روز، یا قسمتی از یک روز! از آنها که می توانند بشمارند پرس!» (* 113_ می گوید: «آری،) شما مقدار کمی توقّف نمودید اگر می دانستید!» (* 114_ آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم، و بسوی ما باز نمی گردید؟» (* 115_ پس برتر است خداوندی که فرمانروای حقّ است (از اینکه شما را بی هدف آفریده باشد)! معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است!» (* 116_ و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند - و مسلماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت - حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ یقیناً کافران رستگار نخواهند شد!» (* 117_ و بگو: «پروردگارا! مرا ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی!» (* 118_

(سوره نور)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

(این) سوره ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکّر شوید!» (* 1_ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبّت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند!» (* 2_ مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند؛ و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی آورد؛ و این کار بر مؤمنان حرام شده است!» (* 3_ و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعای خود) نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید؛ و آنها همان فاسقانند (* 4_ مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آنها را می بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است (* 5_ و کسانی که همسران خود را (در عمل منافی عفت) متهم می کنند، و گواهی جز خودشان ندارند هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است؛ (* 6_ و در پنجمین بار بگوید

که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (*) 7_ آن زن نیز می تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در نسبتی که به او می دهد) از دروغگویان است. (*) 8_ و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد. (*) 9_ و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و این که او توبه پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می شدید)! (*) 10_ مسلماً کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (متشکل و توطئه گر) از شما بودند؛ اما گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است؛ آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند؛ و از آنان کسی که بخش مهم آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست! (*) 11_ چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است؟! (*) 12_ چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگویندند. (*) 13_ و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شما نمی شد، به خاطر این گناهی که کردید عذاب سختی به شما می رسد! (*) 14_ به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می گرفتید، و با دهن خود سخن می گفتید که به آن یقین نداشتید؛ و آن را کوچک می پنداشتید در حالی که نزد خدا بزرگ است! (*) 15_ چرا هنگامی که آنرا شنیدید نگفتید: «ما حق نداریم که به این سخن تکلم کنیم؛ خداوند منزهی تو، این بهتان بزرگی است؟! (*) 16_ خداوند شما را اندرز می دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید اگر ایمان دارید. (*) 17_ و خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (*) 18_ کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می داند و شما نمی دانید. (*) 19_ و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود و این که خدا مهربان و رحیم است (مجازات سختی دامتان را می گرفت)! (*) 20_ ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید. هر کس پیرو گامهای شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد. و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی شد؛ ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می کند، و خدا شنوا و داناست. (*) 21_ آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است. (*) 22_ کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر (از هر گونه آلودگی) و مؤمن را متهم می سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آنهاست. (*) 23_ در آن روز زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهد. (*) 24_ آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی کم و کاست می دهد؛ و می داند که خداوند حق آشکار است. (*) 25_ زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبتهای ناروائی که (ناپاکان) به آنان می دهند میرا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرازشی است. (*) 26_ ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیریید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید. (*) 27_ و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است؛ خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (*) 28_

(ولی) گناهی بر شما نیست وارد خانه های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد؛ و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید، می داند. (* 29) - به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است. (* 30) - به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان [= کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید. (* 31) - مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است. (* 32) - کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند. و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [= قرارداد مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرارداد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)؛ و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید. و کنیزان خود را برای دستیابی به متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خودشان می خواهند پاک بمانند. و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد)، خداوند بعد از این اجبار آنها آمرزنده و مهربان است. (توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد). (* 33) - ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران. (* 34) - خداوند نور آسمانها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبایی قرار گیرد، حبایی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی؛ (روغنش آنچنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خداوند هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثلها می زند و خداوند به هر چیزی داناست. (* 35) - (این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوس بازان در امان باشد)؛ خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند... (* 36) - مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنانرا از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند؛ آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می شود. (* 37) - (آنها به سراغ این کارها می روند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده اند پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید؛ و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد (و از مواهب بی انتهای خویش بهره مند می سازد). (* 38) - کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه از دور آن را آب می پندارد؛ اما هنگامی که به سراغ آن می آید چیزی نمی یابد، و خداوند را نزد آن می یابد که حساب او را به طور کامل می دهد و

خداوند سریع الحساب است. (*) 39_ یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آنرا پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمتهایی است یکی بر فراز دیگری، آنگونه که هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خداوند نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست. (*) 40_ آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند؛ و خداوند به آنچه انجام میدهند داناست! (*) 41_ و از برای خداست حکومت و مالکیت آسمانها و زمین؛ و بازگشت (تمامی موجودات) بسوی اوست! (*) 42_ آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می راند، سپس میان آنها پیوند می دهد، و بعد آن را مترکم می سازد؟! در این حال، دانه های باران را می بینی که از لابه لای آن خارج می شود؛ و از آسمان -از کوه هایی که در آن است = ابرهایی که همچون کوه ها انباشته شده اند - دانه های تگرگ نازل می کند، و هر کس را بخواهد بوسیله آن زیان می رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (برها) چشمها را ببرد! (*) 43_ خداوند شب و روز را دگرگون می سازد؛ در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت! (*) 44_ و خداوند هر جنبه ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست! (*) 45_ ما آیات روشنگری نازل کردیم؛ و خدا هر که را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می کند! (*) 46_ آنها می گویند: «به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می کنیم!» ولی بعد از این ادعا، گروهی از آنان رویگردان می شوند؛ آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند! (*) 47_ و هنگامی که از آنان دعوت شود که بسوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می شوند! (*) 48_ ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم بسوی او می آیند! (*) 49_ آیا در دلهای آنان بیماری است، یا شک و تردید دارند، یا می ترسند خدا و رسولش بر آنان ستم کنند؟! نه، بلکه آنها خودشان ستمگرند! (*) 50_ سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند. (*) 51_ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند! (*) 52_ آنها با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، (از خانه و اموال خود) بیرون می روند (و جان را در طبق اخلاص گذارده تقدیم می کنند)؛ بگو: «سوگند یاد نکنید؛ شما طاعت خالصانه نشان دهید که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است!» (*) 53_ بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سربیزی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!» (*) 54_ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بابر جا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند. (*) 55_ و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید. (*) 56_ گمان میر کافران می توانند از چنگال مجازات الهی در زمین فرار کنند! جابگاه

آنان آتش است، و چه بد جایگاهی است! (*) 57_ ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خداوند دانا و حکیم است! (*) 58_ و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند؛ اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است! (*) 59_ و زنان از کار افتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (*) 60_ بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه های خودتان = خانه های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می شود بدون اجازه خاصی [غذا بخورید؛ و همچنین خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمه هایتان، یا خانه های داییهایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا خانه ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می کند، باشد که بیندیشید! (*) 61_ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی روند؛ کسانی که از تو اجازه می گیرند، برآستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهم خود از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می خواهی (و صلاح می بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است! (*) 62_ صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهی؛ خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می شوند، و یکی پس از دیگری فرار می کنند می داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می کنند، باید بترسند از اینکه فتنه ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد! (*) 63_ آگاه باشید که برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ او می داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می داند) روزی را که بسوی او بازمی گردند؛ و (در آن روز) آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می سازد؛ و خداوند به هر چیزی داناست! (*) 64_

(سوره فرقان)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد. (*) 1_ خداوندی که

حکومت آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی برای خود انتخاب نکرد، و همتایی در حکومت و مالکیت ندارد، و همه چیز را آفرید، و به دقت اندازه گیری نمود! (* 2) _ آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند؛ معبودانی که چیزی را نمی آفرینند، بلکه خودشان مخلوقند، و مالک زیان و سود خویش نیستند، و نه مالک مرگ و حیات و رستاخیز خویشند. (* 3) _ و کافران گفتند: «این فقط دروغی است که او ساخته، و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده اند.» آنها (با این سخن)، ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند. (* 4) _ و گفتند: «این همان افسانه های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می شود.» (* 5) _ بگو: «کسی آن را نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می داند؛ او (همیشه) آمرزنده و مهربان بوده است!» (* 6) _ و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انداز کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟! (* 7) _ یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟!» و ستمگران گفتند: «شما تنها از مردی مجنون پیروی می کنید!» (* 8) _ ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، آن گونه که قدرت پیدا کردن راه را ندارند! (* 9) _ زوال ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این قرار می دهد: باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلل قرار می دهد. (* 10) _ (اینها همه بهانه است) بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده اند؛ و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعله ور و سوزان فراهم کرده ایم! (* 11) _ هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناک و خشم آلودش را که با نفس زدن شدید همراه است می شنوند. (* 12) _ و هنگامی که در جای تنگ و محدودی از آن افکنده شوند در حالی که در غل و زنجیرند، فریاد و اوایلای آنان بلند می شود! (* 13) _ (به آنان گفته می شود): امروز یک بار و اوایلا نگوئید، بلکه بسیار و اوایلا بگوئید! (* 14) _ (ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.» (* 15) _ هر چه بخواهند در آنجا برایشان فراهم است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده ای است مسلم که پروردگارت بر عهده گرفته است! (* 16) _ (به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خدا می پرستند جمع می کند، آنگاه به آنها می گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند؟!» (* 17) _ (در پاسخ) می گویند: «منزهی تو! برای ما شایسته نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و تباه و هلاک شدند.» (* 18) _ (خداوند به آنان می گوید: ببینید) این معبودان، شما را در آنچه می گوئید تکذیب کردند! اکنون نمی توانید عذاب الهی را برطرف بسازید، یا از کسی یاری بطلبید! و هر کس از شما ستم کند، عذاب شدیدی به او می جشانیم! (* 19) _ ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند؛ و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قراردادیم، آیا صبر و شکیبایی می کنید (و از عهده امتحان برمی آید)؟! و پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است. (* 20) _ و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می کنند) گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگارانمان را با چشم خود نمی بینیم؟!» آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند! (* 21) _ (آنها به آرزوی خود می رسند)، اما روزی که فرشتگان را می بینند، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است)! و می گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید!» (اما سودی

ندارد!) (* 22_ و ما به سراغ اعمالی که انجام داده اند می رویم، و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا قرار می دهیم! (* 23_ بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است! (* 24_ و (بخاطر آور) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می شود، و فرشتگان نازل می گردند. (* 25_ حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است؛ و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود! (* 26_ و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می گزد و می گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! (* 27_ ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! (* 28_ او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود!» و شیطان همیشه خوارکنند *انسان بوده است! (* 29_ و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند». (* 30_ (آری، این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ اما (برای تو) همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد! (* 31_ و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم. (* 32_ آنان هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می آوریم، و تفسیری بهتر (و پاسخی دندان شکن که در برابر آن ناتوان شوند)! (* 33_ (تو گمراه نیستی،) آنان که بر صورتهايشان بسوی جهنم محشور می شوند، بدترین محل را دارند و گمراه ترین افرادند! (* 34_ و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ و برادرش هارون را یاور او قرار دادیم؛ (* 35_ و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» اما آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما به شدت آنان را درهم کوبیدیم! (* 36_ و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم! (* 37_ (همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرّسّ = گروهی که درختان صنوبر را می پرستیدند [و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم! (* 38_ و برای هر یک از آنها مثلها زدیم؛ و (چون سودی نداد،) همگی را نابود کردیم! (* 39_ آنها = مشرکان مکه [از کنار شهری که باران شرّ = بارانی از سنگهای آسمانی] بر آن باریده بود = دیار قوم لوط [گذشتند؛ آیا آن را نمی دیدند؟! (آری، می دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتند! (* 40_ و هنگامی که تو را می بینند، تنها به باد استهزایت می گیرند (و می گویند: آیا این همان کسی است که خدا او را بعنوان پیامبر برانگیخته است؟! (* 41_ اگر ما بر پرستش خدا یانمان استقامت نمی کردیم، بیم آن می رفت که ما را گمراه سازد! اما هنگامی که عذاب الهی را ببینند، بزودی می فهمند چه کسی گمراهتر بوده است! (* 42_ آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی؟! (* 43_ آیا گمان می بری بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراهترند! (* 44_ آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می خواست آن را ساکن قرار می داد؛ سپس خورشید را بر وجود آن دلیل قرار دادیم! (* 45_ سپس آن را آهسته جمع می کنیم (و نظام سایه و آفتاب را حاکم می سازیم)! (* 46_ او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حرکت و حیات! (* 47_ او کسی است که بادها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم... (* 48_ تا بوسیله آن، سرزمین مرده ای را زنده کنیم؛ و آن را به مخلوقاتی که آفریده ایم - چهارپایان و انسانهای بسیار - می نوشانیم. (* 49_ ما این آیات را بصورتهای گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکر شوند، ولی بیشتر مردم از هر

کاری جز انکار و کفر ابا دارند. (* 50) و اگر می خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم دهنده ای برمی انگیزیم (ولی این کار لزومی نداشت). (* 51) بنا بر این از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن [= قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما! (* 52) او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد؛ یکی گوارا و شیرین، و دیگر شور و تلخ؛ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گوید: دور باش و نزدیک نیا! (* 53) او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است. (* 54) آنان جز خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان سودی می رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند. (* 55) ای پیامبر! ما تو را جز بعنوان بشارت دهنده و انداز کننده نفرستادیم! (* 56) بگو: «من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است).» (* 57) و توکل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد؛ و تسبیح و حمد او را بجا آور؛ و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است! (* 58) همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است! (* 59) و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلاً رحمان را نمی شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می دهی؟!» (این سخن را می گویند) و بر نفریشان افزوده می شود! (* 60) جاودان و پریکت است آن (خدایی) که در آسمان منزلگاه هائی برای ستارگان قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی آفرید! (* 61) و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس). (* 62) بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنائی و بزرگواری می گذرند)؛ (* 63) کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند؛ (* 64) و کسانی که می گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است! (* 65) مسلماً آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!» (* 66) و کسانی که هرگاه اتفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند. (* 67) و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! (* 68) عذاب او در قیامت مضاعف می گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! (* 69) مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است! (* 70) و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد). (* 71) و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگواران از آن می گذرند. (* 72) و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی افتند. (* 73) و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (* 74) (آری)، آنها هستند

که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می شود؛ و در آن، با تحیت و سلام روبه رو می شوند. (* 75) در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محل اقامت خوبی! (* 76) یگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!» (* 77)

(سوره شعراء)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طسم (* 1) این آیات کتاب روشنگر است. (* 2) گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی آورند! (* 3) اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد! (* 4) و هیچ ذکر تازه ای از سوی خداوند مهربان برای آنها نمی آید مگر اینکه از آن روی گردان می شوند! (* 5) آنان تکذیب کردند؛ اما بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می کردند به آنان می رسد! (* 6) آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟! (* 7) در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا)؛ ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده اند! (* 8) و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (* 9) (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو... (* 10) قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟! (* 11) (موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند، (* 12) و سینه ام تنگ شود، و زبانم بقدر کافی گویا نیست؛ (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند)! (* 13) و آنان (به اعتقاد خودشان) بر گردن من گناهی دارند؛ می ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد)! (* 14) فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی توانند انجام دهند)! شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می شنویم! (* 15) به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛ (* 16) بنی اسرائیل را با ما بفرست!» (آنها به سراغ فرعون آمدند)؛ (* 17) فرعون گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از زندگی را در میان ما نبود؟! (* 18) و سرانجام، آن کارت را (که نمی بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسانی!» (* 19) (موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی خیران بودم! (* 20) پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد! (* 21) آیا این منتی است که تو بر من می گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته ای؟! (* 22) فرعون گفت: «پروردگار عالمیان چیست؟! (* 23) (موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین هستید!» (* 24) فرعون به اطرافیانش گفت: «آیا نمی شنوید (این مرد چه می گوید)!؟! (* 25) (موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (* 26) فرعون گفت: «پیامبری که بسوی شما فرستاده شده مسلماً دیوانه است!» (* 27)

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می گرفتید!» (* 28) (فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد!» (* 29) (موسی) گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!» (* 30) گفت: «اگر راست می گویی آن را بیاور!» (* 31) در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد؛ (* 32) و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و روشن بود. (* 33) (فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است!» (* 34) او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند! شما چه نظر می دهید؟» (* 35) گفتند: «او و برادرش را مهلت ده؛ و مأموران را برای بسیج به تمام شهرها اعزام کن، (* 36) تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند!» (* 37) سرانجام ساحران برای وعده گاه روز معینی جمع آوری شدند. (* 38) و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می کنید...» (* 39) تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!» (* 40) هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمی خواهیم داشت؟» (* 41) گفت: «آری، و در آن صورت شما از مقربان خواهید بود!» (* 42) (روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند؛ موسی به ساحران گفت: «آنچه را می خواهید بیفکنید، بیفکنید!» (* 43) آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به عزت فرعون، ما قطعاً پیروزیم!» (* 44) سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید! (* 45) فوراً همه ساحران به سجده افتادند. (* 46) گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم، (* 47) پروردگار موسی و هارون!» (* 48) (فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آورید؟! مسلماً او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)! اما بزودی خواهید دانست! دستها و پایهای شما را بعکس یکدیگر قطع می کنم، و همه شما را به دار می آویزم!» (* 49) گفتند: «مهم نیست، (هر کاری از دست ساخته است بکن)! ما بسوی پروردگاران بازمی گردیم!» (* 50) ما امیدواریم که پروردگاران خطاهای ما را ببخشند، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم!» (* 51) و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید!» (* 52) فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) مأموران بسیج نیرو را به شهرها فرستاد، (* 53) (و گفت: «اینها مسلماً گروهی اندکند؛ (* 54) و اینها ما را به خشم آورده اند؛ (* 55) و ما همگی آماده بیکاریم!» (* 56) (سرانجام فرعونیان مغلوب شدند، و ما آنها را از باغها و چشمه ها بیرون راندیم، (* 57) و از گنجها و قصرهای مجلل! (* 58) (آری، اینچنین کردیم! و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم!» (* 59) آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند. (* 60) هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!» (* 61) (موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!» (* 62) و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد، و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود!» (* 63) و در آنجا دیگران = لشکر فرعون [را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم!» (* 64) و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم!» (* 65) سپس دیگران را غرق کردیم!» (* 66) در این جریان، نشانه روشنی است ولی بیشترشان ایمان نیاوردند! (چرا که طالب حق نبودند) (* 67) و پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است!» (* 68) و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان، (* 69) هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می

پرستید؟!» (*70) گفتند: «بتهایی را می پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهایم.» (*71) گفت: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟!» (*72) یا سود و زبانی به شما می رسانند؟!» (*73) گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می کنند.» (*74) گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید...» (*75) شما و پدران پیشین شما، (*76) همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان! (*77) همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمایی می کند، (*78) و کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید، (*79) و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد، (*80) و کسی که مرا می میراند و سپس زنده می کند، (*81) و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد! (*82) پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن! (*83) و برای من در میان امتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده! (*84) و مرا وارثان بهشت پر نعمت گردان! (*85) و پدرم [= عمومیم] را بیمارز، که او از گمراهان بود! (*86) و در آن روز که مردم برانگیخته می شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن! (*87) در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشند، (*88) مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید! (*89) در آن روز، بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می شود، (*90) و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد، (*91) و به آنان گفته می شود: «کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می کردید...» (*92) معبودهایی غیر از خدا؟! آیا آنها شما را یاری می کنند، یا کسی به یاری آنها می آید؟!» (*93) در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می شوند؛ (*94) و همچنین همگی لشکریان ابلیس! (*95) آنها در آنجا در حالی که به مخاصمه برخاسته اند می گویند: (*96) «به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (*97) چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می شمردیم! (*98) اما کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد! (*99) (افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد، (*100) و نه دوست گرم و پر محبتی! (*101) ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم!» (*102) در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (*103) و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (*104) قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، (*105) هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!» (*106) مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم! (*107) تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (*108) من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (*109) پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!» (*110) گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی ارزش از تو پیروی کرده اند؟!» (*111) (نوح) گفت: «من چه می دانم آنها چه کاری داشته اند!» (*112) حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می فهمیدید! (*113) و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد. (*114) من تنها انذارکننده ای آشکارم.» (*115) گفتند: «ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برداری، سنگباران خواهی شد!» (*116) گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند! (*117) اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن؛ و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش!» (*118) ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که بر (از انسان و انواع حیوانات) بود، رهایی بخشیدیم! (*119) سپس بقیه را غرق کردیم! (*120) در این ماجرا نشانه روشنی است؛ اما بیشتر آنان مؤمن نبودند. (*121) و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (*122) قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (*123) هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟!» (*124) مسلماً من برای شما

پیامبری امین هستیم. (*) 125_ پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (*) 126_ من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. (*) 127_ آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه ای از روی هوا و هوس می سازید؟! (*) 128_ و قصرها و قلعه های زیبا و محکم بنا می کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! (*) 129_ و هنگامی که کسی را مجازات می کنید همچون جبّاران کیفر می دهید! (*) 130_ پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (*) 131_ و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می دانید امداد کرده؛ (*) 132_ شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرموده؛ (*) 133_ همچنین به باغها و چشمه ها! (*) 134_ (اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم! (*) 135_ آنها [= قوم عاد] گفتند: «برای ما تفاوت نمی کند، چه ما را انذار کنی یا نکنی؛ (بیهوده خود را خسته مکن)! (*) 136_ این همان روش (و افسانه های) پیشینیان است! (*) 137_ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (*) 138_ آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم؛ و در این، آیت و نشانه ای است (برای آگاهان)؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (*) 139_ و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (*) 140_ قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (*) 141_ هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (*) 142_ من برای شما پیامبری امین هستم! (*) 143_ پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (*) 144_ من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (*) 145_ آیا شما تصوّر می کنید همیشه در نهایت امتیّت در نعمتهایی که اینجاست می مانید، (*) 146_ در این باغها و چشمه ها، (*) 147_ در این زراعتها و نخلهایی که میوه هایش شیرین و رسیده است؟! (*) 148_ و از کوه ها خانه هایی می تراشید، و در آن به عیش و نوش می پردازید! (*) 149_ پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید! (*) 150_ و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! (*) 151_ همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!» (*) 152_ گفتند: «ای صالح! تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده ای!) (*) 153_ تو فقط بشری همچون مائی؛ اگر راست می گویی آیت و نشانه ای بیاور!» (*) 154_ گفت: «این ناقه ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معینی است! (*) 155_ کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!» (*) 156_ سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند؛ (و هلاک نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند! (*) 157_ و عذاب الهی آنان را فرا گرفت؛ در این، آیت و نشانه ای است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (*) 158_ و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (*) 159_ قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، (*) 160_ هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (*) 161_ من برای شما پیامبری امین هستم! (*) 162_ پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (*) 163_ من در برابر این دعوت، اجری از شما نمی طلبم، اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است! (*) 164_ آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید (و همجنس بازی می کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟! (*) 165_ و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقاً) شما قوم تجاوزگری هستید!» (*) 166_ گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!» (*) 167_ گفت: «من دشمن سرسخت اعمال شما هستم! (*) 168_ پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می دهند رهایی بخش!» (*) 169_ ما او و تمامی خاندانش را نجات دادیم، (*) 170_ جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود! (*) 171_ سپس دیگران را هلاک

کردیم! (*) 172_ و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران اندازشدگان! (*) 173_ در این
 (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است؛ اما بیشترشان مؤمن نبودند. (*) 174_ و پروردگار تو عزیز و
 رحیم است! (*) 175_ اصحاب ایکه [= شهری نزدیک مدین [رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (*) 176_ هنگامی که
 شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (*) 177_ مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم! (*) 178_ پس
 تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (*) 179_ من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها
 بر پروردگار عالمیان است! (*) 180_ حق پیمانۀ را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید!
 (*) 181_ و با ترازوی صحیح وزن کنید! (*) 182_ و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید!
 (*) 183_ و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!» (*) 184_ آنها گفتند: «تو فقط از افسوس
 شدگانی! (*) 185_ تو بشری همچون مائی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که از دروغگویانی! (*) 186_
 اگر راست می گویی، سنگهایی از آسمان بر سر ما بباران!» (*) 187_ (شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما
 انجام می دهید داناتر است!» (*) 188_ سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز سائبان (سایبانی از ابر صاعقه خیز)
 آنها را فراگرفت؛ یقیناً آن عذاب روز بزرگی بود! (*) 189_ در این ماجرا، آیت و نشانه ای است؛ ولی بیشتر آنها مؤمن
 نبودند. (*) 190_ و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (*) 191_ مسلماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل
 شده است! (*) 192_ روح الامین آن را نازل کرده است... (*) 193_ بر قلب (پاک) تو، تا از اندازکنندگان باشی! (*)
 194_ آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)! (*) 195_ و توصیف آن در کتابهای پیشینیان نیز آمده است! (*) 196_
 آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟! (*) 197_ هرگاه ما آن را بر بعضی
 از عجم [= غیر عرب]ها نازل می کردیم... (*) 198_ و او آن را بر ایشان می خواند، به آن ایمان نمی آورند! (*)
 199_ (آری)، این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دلهای مجرمان وارد می کنیم! (*) 200_ (اما) به آن ایمان نمی آورند
 تا عذاب دردناک را با چشم خود ببینند! (*) 201_ ناگهان به سراغشان می آید، در حالی که توجّه ندارند! (*) 202_
 و (در آن هنگام) می گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟! (*) 203_ آیا برای عذاب ما عجله می کنند؟! (*)
 204_ به ما خبر ده، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره مند سازیم... (*) 205_ سپس عذابی که به آنها
 وعده داده شده به سراغشان بیاید... (*) 206_ این تمتع و بهره گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت! (*)
 207_ ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اندازکنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند. (*) 208_ تا متذکّر
 شوند؛ و ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجّت مجازات کنیم) (*) 209_ شیاطین و جنّیان (هرگز) این آیات
 را نازل نکردند! (*) 210_ و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت ندارند! (*) 211_ آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار
 آسمانها) برکنارند! (*) 212_ (ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معذّبین خواهی بود! (*) 213_ و
 خویشاوندان نزدیکت را انداز کن! (*) 214_ و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر! (*)
 215_ اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می دهید بیزارم!» (*) 216_ و بر خداوند عزیز و رحیم
 توکل کن! (*) 217_ همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی خیزی می بیند؛ (*) 218_ و (نیز) حرکت
 تو را در میان سجده کنندگان! (*) 219_ اوست خدای شنوا و دانا. (*) 220_ آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه
 کسی نازل می شوند؟! (*) 221_ آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می گردند؛ (*) 222_ آنچه را می شنوند (به

دیگران) القا می کنند؛ و بیشترشان دروغگو هستند! (*) 223_ (بیامبر اسلام شاعر نیست؛ شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند. (*) 224_ آیا نمی بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ (*) 225_ و سخنانی می گویند که (به آنها) عمل نمی کنند؟! (*) 226_ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) برمی خیزند (و از شعر در این راه کمک می گیرند)؛ آنها که ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست! (*) 227_

(سوره نمل)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طس - این آیات قرآن و کتاب مبین است، (*) 1_ وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است؛ (*) 2_ همان کسانی که نماز را برپا می دارند، و زکات را ادا می کنند، و آنان به آخرت یقین دارند. (*) 3_ کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد)شان را برای آنان زینت می دهیم بطوری که سرگردان می شوند. (*) 4_ آنان کسانی هستند که عذاب (و دردناک) برای آنهاست؛ و آنها در آخرت، زیانکارترین مردمند! (*) 5_ به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می شود. (*) 6_ (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: «من آتشی از دور دیدم؛ (همین جا توقف کنید؛ بزودی خبری از آن برای شما می آورم، یا شعله آتشی تا گرم شوید.» (*) 7_ هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است» = فرشتگان و موسی [و منزه است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (*) 8_ ای موسی! من خداوند عزیز و حکیم! (*) 9_ و عصایت را بیفکن! - هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد - ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی ترسند! (*) 10_ مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که (توبه او را می پذیرم، و) من غفور و رحیم! (*) 11_ و دستت را در گریبان داخل کن؛ هنگامی که خارج می شود، سفید و درخشنده است بی آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نه گانه ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قومش فرستاده می شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند! (*) 12_ و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری است آشکار!» (*) 13_ و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود! (*) 14_ و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.» (*) 15_ و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است.» (*) 16_ لشکریان سلیمان، از جنّ و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند؛ آنقدر زیاد بودند که باید توقّف می کردند تا به هم ملحق شوند! (*) 17_ (آنها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه ای گفت: «به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال

نکنند در حالی که نمی فهمند!» (* 18_ سلیمان از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن!» (* 19_ سلیمان) در جستجوی آن پرنده [= هدهد [برآمد و گفت: «چرا هدهد را نمی بینم، یا اینکه او از غایبان است؟! (* 20_ قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد!» (* 21_ چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافته ام که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک خبر قطعی برای تو آورده ام!» (* 22_ من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص) تخت عظیمی دارد!» (* 23_ او و قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده می کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی شوند!» (* 24_ چرا برای خداوندی سجده نمی کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می سازد، و آنچه را پنهان می دارید یا آشکار می کنید می داند؟! (* 25_ خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است!» (* 26_ سلیمان) گفت: «ما تحقیق می کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟» (* 27_ این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه ای توقف کن) بین آنها چه عکس العملی نشان می دهند!» (* 28_ ملکه سبا) گفت: «ای اشراف! نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده!» (* 29_ این نامه از سلیمان است، و چنین می باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان (* 30_ توصیه من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید، و بسوی من آید در حالی که تسلیم حق هستید!» (* 31_ سپس) گفت: «ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده ام!» (* 32_ گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست؛ بین چه دستور می دهی!» (* 33_ گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می کشند، و عزیزان آنجا را ذلیل می کنند؛ (آری) کار آنان همین گونه است!» (* 34_ و من (اکنون جنگ را صلاح نمی بینم)، هدیه گرانبهایی برای آنان می فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم)!» (* 35_ هنگامی که (فرستاده ملکه سبا) نزد سلیمان آمد، گفت: «می خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما هستید که به هدیه هایتان خوشحال می شوید!» (* 36_ بسوی آنان بازگرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سراغ آنان می آیم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند؛ و آنان را از آن (سرزمین آباد) با ذلت و خواری بیرون می رانیم!» (* 37_ سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟» (* 38_ عفريتی از جن گفت: «من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از مجلس برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (* 39_ (مَا) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!» (* 40_ سلیمان) گفت: «تخت او را برایش ناشناس سازید؛ ببینم آیا متوجه می شود یا از کسانی است که هدایت نخواهند شد؟! (* 41_ هنگامی که آمد، به او

گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!» (* 42_ و او را از آنچه غیر از خدا میپرستید بازداشت، که او [= ملکه سبا] از قوم کافران بود. (* 43_ به او گفته شد: «داخل حیاط (قصر) شو!» هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ اما سلیمان) گفت: «این آب نیست، بلکه قصری است از بلور صاف!» (ملکه سبا) گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم!» (* 44_ ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرستید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند. (* 45_ صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می کنید (و عذاب الهی را می طلبید نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی کنید تا شاید مشمول رحمت (او) شوید؟!» (* 46_ آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال (نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدرات به قدرت او تعیین می گردد)؛ بلکه شما گروهی هستید فریب خورده!» (* 47_ و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمین فساد می کردند و اصلاح نمی کردند. (* 48_ آنها گفتند: «بیاید قسم یاد کنید به خدا که بر او [= صالح] و خانواده اش شبیخون می زنیم (و آنها را به قتل می رسانیم)؛ سپس به ولی دم او می گوئیم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!» (* 49_ آنها نقشه مهمی کشیدند، و ما هم نقشه مهمی؛ در حالی که آنها درک نمی کردند!» (* 50_ بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم؛ (* 51_ این خانه های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند!» (* 52_ و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم!» (* 53_ و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می بینید؟!» (* 54_ آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می روید؟! شما قومی نادانید!» (* 55_ آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!» (* 56_ ما او و خانواده اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدر کردیم جزء باقی ماندگان (در آن شهر) باشد!» (* 57_ سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها بارانیدیم (و همگی زیر آن مدفون شدند)؛ و چه بد است باران اندازشدگان!» (* 58_ بگو: «حمد مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده اش!» آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرار می دهند؟!» (* 59_ (آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرورانگیز رویانیدیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را بروانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همطراز (پروردگارشان) قرار می دهند!» (* 60_ یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوه های ثابت و پابرجا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند؛ با این حال) آیا معبودی با خداست؟! نه، بلکه بیشتر آنان نمی دانند (و جاهلند)!» (* 61_ یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می شوید!» (* 62_ یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا هدایت می کند، و کسی که بادها را بعنوان بشارت پیش از نزول رحمتش می فرستد؛ آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرار می دهند!» (* 63_ یا کسی که آفرینش را آغاز

کرد، سپس آن را تجدید می کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! بگو: «دلایلتان را بیاورید اگر راست می گوئید!» (* 64_ بگو: «کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی دانند جز خدا، و نمی دانند کی برانگیخته می شوند!» (* 65_ آنها = مشرکان [اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند؛ بلکه در اصل آن شک دارند؛ بلکه نسبت به آن نابینايند! (* 66_ و کافران گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم، (زنده می شویم و) از دل خاک بیرون می آئیم؟! (* 67_ این وعده ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده؛ اینها همان افسانه های خرافی پیشینیان است!» (* 68_ بگو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید!» (* 69_ از (تکذیب و انکار) آنان غمگین مباش، و سینه ات از توطئه آنان تنگ نشود!» (* 70_ آنها می گویند: «این وعده (عذاب که به ما می دهی) کی خواهد آمد اگر راست می گوئید؟!» (* 71_ بگو: «شاید پاره ای از آنچه درباره آن شتاب می کنید، نزدیک و در کنار شما باشد!» (* 72_ مسلماً پروردگار تو نسبت به مردم، فضل (و رحمت) دارد؛ ولی بیشترشان شکرگزار نیستند!» (* 73_ و پروردگارت آنچه را در سینه هایشان پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند بخوبی می داند!» (* 74_ و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب مبین (در لوح محفوظ و علم بی پایان پروردگار) ثبت است!» (* 75_ این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می کند؛ (* 76_ و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است!» (* 77_ پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می کند؛ و اوست قادر دانا.» (* 78_ پس بر خدا توکل کن، که تو بر حق آشکار هستی!» (* 79_ مسلماً تو نمی توانی سختی را به گوش مردگان برسانی، و نمی توانی کران را هنگامی که روی برمی گردانند و پشت می کنند فراخوانی!» (* 80_ و نیز نمی توانی کوران را از گمراهیشان برهانی؛ تو فقط میتوانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و در برابر حق تسلیمند!» (* 81_ و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلم می کند (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند.» (* 82_ (به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم؛ و آنها را ننگ می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند!» (* 83_ تا زمانی که (به پای حساب) می آیند، (به آنان) می گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدق تحقیق برنیامدید؟! شما چه اعمالی انجام می دادید؟!» (* 84_ در این هنگام، فرمان عذاب بخاطر ظلمشان بر آنها واقع می شود، و آنها سخنی ندارند که بگویند!» (* 85_ یا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی بخش؟! در این امور نشانه های روشنی است برای کسانی که ایمان می آورند (و آماده قبول حقند). (* 86_ و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته؛ و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می شوند!» (* 87_ کوه ها را می بینی، و آنها را ساکن و جامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند؛ این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده؛ او از کارهایی که شما انجام می دهید مسلماً آگاه است!» (* 88_ کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت؛ و آنان از وحشت آن روز درامانند!» (* 89_ و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید خواهید داشت؟! (* 90_ (بگو: من مأمورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم، همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده؛ در حالی که همه چیز از آن اوست! و من

مأمورم که از مسلمین باشم؛ (* 91) و اینکه قرآن را تلاوت کنم! هر کس هدایت شود بسود خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد (زیانش متوجه خود اوست)؛ بگو: «من فقط از اندازکنندگانم!» (* 92) بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست؛ بزودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید؛ و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست!» (* 93)

(سوره قصص)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

طسم! (* 1) اینها از آیات کتاب مبین است! (* 2) ما از داستان موسی و فرعون بحق بر تو می خوانیم، برای گروهی که (طالب حقد و) ایمان می آورند! (* 3) فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود! (* 4) ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (* 5) و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم! (* 6) ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (نیل) بیفکن؛ و ترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی گردانیم، و او را از رسولان قرار می دهیم!» (* 7) (هنگامی که مادر بفرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان گردد! مسلماً فرعون و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند. (* 8) همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: «نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم!» و آنها نمی فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می پروراند!) (* 9) (سرانجام) قلب مادر موسی از همه چیز (جز یاد فرزندش) تهی گشت؛ و اگر دل او را (بوسیله ایمان و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند! (* 10) و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی خبر بودند. (* 11) ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ و خواهرش (که بیتابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که می توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!» (* 12) ما او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (* 13) و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را جزا می دهیم! (* 14) او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت

(و بر زمین افتاد و مرد): موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه کننده آشکاری است» (* 15) _ (سپس) عرض کرد: «پروردگارا! من به خویشتن ستم کردم؛ مرا ببخش!» خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است! (* 16) _ عرض کرد: «پروردگارا! بشکرانه نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود!»

(* 17) _ موسی در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای (و در جستجوی اخبار): ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می زند و از او کمک می خواهد، موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی!» (* 18) _ و هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود و با قدرت مانع او گردد، (فریادش بلند شد)، گفت: «ای موسی می خواهی! مرا بکشی همان گونه که دیروز انسانی را کشتی؟! تو فقط می خواهی جباری در روی زمین باشی، و نمی خواهی از مصلحان باشی!» (* 19) _ (در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [= مرکز فرعونیان آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشستند؛ فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام!»] (* 20) _ موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای؛ عرض کرد: «پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!» (* 21) _ و هنگامی که متوجه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند!» (* 22) _ و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی شوند؛ موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟!» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست.)!» (* 23) _ موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم!» (* 24) _ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او [= شعیب آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ظالم نجات یافتی!»] (* 25) _ یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است.)!» (* 26) _ (شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه دوست؛ من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم؛ و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت» (* 27) _ (موسی) گفت: «مانعی ندارد، این قراردادی میان من و تو باشد؛ البته هر کدام از این دو مدت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم)!» و خدا بر آنچه ما می گوییم گواه است!» (* 28) _ هنگامی که موسی مدت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید؛ به خانواده اش گفت: «درنگ کنید که من آتشی دیدم! (می روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم، یا شعله ای از آتش تا با آن گرم شوید!» (* 29) _ هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست درّه، در آن سرزمین پر برکت، از میان یک درخت ندا داده شد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان!» (* 30) _ عصایت را بیفکن!» هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد و نترس، تو در امان هستی!» (* 31) _ دستت را در گریبان خود فروبر، هنگامی که خارج می شود سفید و

درخشنده است بدون عیب و نقص؛ و دستهای را بر سینه ات بگذار، تا ترس و وحشت از تو دور شود! این دو =

معجزه عصا و ید بیضا [رهان روشن از پروردگارت بسوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان قوم فاسقی هستند!]» (*) 32_ عرض کرد: «پروردگارا! من یک تن از آنان را کشته ام؛ می ترسم مرا به قتل برسانند!» (*) 33_ و برادرم هارون زبانش از من فصیحتر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند؛ می ترسم مرا تکذیب کنند!

(*) 34_ فرمود: «بزودی بازوان تو را بوسیله برادرت محکم (و نیرومند) می کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرار می دهیم؛ و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید!» (*) 35_ هنگامی که موسی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: «این چیزی جز سحر نیست که بدروغ به خدا بسته شده؛ ما هرگز چنین چیزی را در نیاکان خود نشنیده ایم!» (*) 36_ موسی گفت: «پروردگارم از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده اند، و کسانی که عاقبت نیک سرا (ای دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است! مسلماً ظالمان رستگار نخواهند شد!» (*) 37_ فرعون گفت: «ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. (اما برای تحقیق بیشتر،) ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و آجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر گیرم؛ هر چند من گمان می کنم او از دروغگویان است!» (*) 38_ (سرانجام) فرعون و لشکریانش بدون حق در زمین استکبار کردند، و پنداشتند بسوی ما بازگردانده نمی شوند! (*) 39_ ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم؛ اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود! (*) 40_ و آنان = فرعونیان [را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می کنند؛ و روز رستاخیز یاری نخواهند شد! (*) 41_ و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم؛ و روز قیامت از زشت رویانند! (*) 42_ و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام قرون نخستین را هلاک نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت آفرین بود، و مایه هدایت و رحمت؛ شاید متذکر شوند! (*) 43_ تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوت را به موسی دادیم؛ و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را در اختیار موسی گذاردیم)!

(*) 44_ ولی ما اقوامی را در اعصار مختلف خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلایشان محو شد؛ پس تو را با کتاب آسمانیت فرستادیم)! تو هرگز در میان مردم مدین اقامت نداشتی تا (از وضع آنان آگاه باشی و) آیات ما را برای آنها = مشرکان مکّه [بخوانی، ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این آیات را در اختیار قرار دادیم)! (*) 45_ تو در کنار طور نبودی زمانی که ما ندا دادیم؛ ولی این رحمتی از سوی پروردگارت بود (که این اخبار را در اختیار تو نهاد) تا بوسیله آن قومی را انداز کنی که پیش از تو هیچ اندازکننده ای برای آنان نیامده است؛ شاید متذکر شوند! (*) 46_ هرگاه (بیش از فرستادن پیامبری) مجازات و مصیبتی بر اثر اعمالشان به آنان می رسید، می گفتند: «پروردگارا! چرا رسولی برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟!» (*) 47_ ولی هنگامی که حق از نزد ما برای آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان چیزی که به موسی داده شد به این پیامبر داده نشده است؟!» مگر بهانه جویانی همانند آنان، معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «این دو نفر = موسی و هارون [دو ساحرند که دست به دست هم داده اند (تا ما را گمراه کنند) و ما به هر دو کافریم؟! (*) 48_ بگو: «اگر راست می گوئید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)، کتابی هدایت بخش تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا من از آن پیروی کنم!» (*) 49_ اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می کنند! و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می

شود؟! مسلماً خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند! (*) 50_ ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم شاید متذکر شوند! (*) 51_ کسانی که قبلاً کتاب آسمانی به آنان داده ایم به آن [= قرآن] ایمان می آورند! (*) 52_ و هنگامی که بر آنان خوانده شود می گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ اینها همه حق است و از سوی پروردگار ماست؛ ما پیش از این هم مسلمان بودیم!» (*) 53_ آنها کسانی هستند که بخاطر شکیباییشان، اجر و پادششان را دو بار دریافت می دارند؛ و بوسیله نیکبها بدبها را دفع می کنند؛ و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می نمایند؛ (*) 54_ و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می گردانند و می گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)؛ ما خواهان جاهلان نیستیم!» (*) 55_ تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت یافتگان آگاهتر است! (*) 56_ آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می ربایند!» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (*) 57_ و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم! (*) 58_ و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! (*) 59_ آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است؛ و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی کنید؟! (*) 60_ آیا کسی که به او وعده نیکو داده ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که متاع زندگی دنیا به او داده ایم سپس روز قیامت (برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟! (*) 61_ روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آنان را ندا میدهد و میگوید: «کجا هستند همتایانی که برای من می پنداشتید؟!» (*) 62_ گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده است میگویند: «پروردگارا! ما اینها [= عابدان] را گمراه کردیم؛ (آری) ما آنها را گمراه کردیم همان گونه که خودمان گمراه شدیم؛ ما از آنان به سوی تو بیزاری می جویم؛ آنان در حقیقت ما را نمی پرستیدند (بلکه هوای نفس خود را پرستش می کردند)!» (*) 63_ و به آنها [= عابدان] گفته می شود: «معبودهایتان را که همتای خدا می پنداشتید بخوانید (تا شما را یاری کنند)!» معبودهایشان را می خوانند، ولی جوابی به آنان نمی دهند! و (در این هنگام) عذاب الهی را (با چشم خود) می بینند، و آرزو می کنند ای کاش هدایت یافته بودند! (*) 64_ (به خاطر آورید) روزی را که خداوند آنان را ندا می دهد و می گوید: «چه پاسخی به پیامبران (من) گفتید؟!» (*) 65_ در آن روز، همه اخبار به آنان پوشیده می ماند، (حتی نمی توانند) از یکدیگر سؤالی کنند! (*) 66_ اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از رستگاران باشد! (*) 67_ پروردگار تو هر چه بخواهد می آفریند، و هر چه بخواهد برمی گزیند؛ آنان (در برابر او) اختیاری ندارند؛ منزّه است خداوند، و برتر است از همتایانی که برای او قائل می شوند! (*) 68_ و پروردگار تو می داند آنچه را که سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می سازند! (*) 69_ و او خدایی است که معبودی جز او نیست؛ ستایش برای اوست در این جهان و در جهان دیگر؛ حاکمیت (نیز) از آن اوست؛ و همه شما به سوی او بازگردانده می شوید! (*) 70_ بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا قیامت بر شما جاودان سازد، آیا معبودی جز خدا می تواند روشنایی برای شما بیاورد؟! آیا نمی شنوید؟!» (*) 71_ بگو: «به من خبر دهید

اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از خداست که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی بینید؟!» (*) 72_ و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید! (*) 73_ (به خاطر آورید) روزی را که آنها را ندا می دهد و می گوید: «کجا ایند همتایانی که برای من می پنداشتید؟!» (*) 74_ (در آن روز) از هر امتی گواهی برمی گزینیم و (به مشرکان) می گوئیم: «دلیل خود را بیاورید!» اما آنها می دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را افترا می بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد! (*) 75_ قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آنقدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد!» (*) 76_ و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (*) 77_ (قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام!» آیا او نمی دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد، مجرمان از گناهانشان سؤال نمی شوند. (*) 78_ (روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!» (*) 79_ اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی کنند.» (*) 80_ سپس ما، او و خانه اش را در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند، و خود نیز نمی توانست خویشتن را یاری دهد. (*) 81_ و آنها که دیروز آرزو می کردند بجای او باشند (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند: «وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هر کس از بندگان بخواند گسترش می دهد یا تنگ می گیرد! اگر خدا بر ما منت نهاده بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می برد! ای وای گویی کافران هرگز رستگار نمی شوند!» (*) 82_ (آری)، این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! (*) 83_ کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن است؛ و به کسانی که کارهای بد انجام دهند، مجازات بدکاران جز (به مقدار) اعمالشان نخواهد بود. (*) 84_ آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت [= زادگاهت] بازمی گرداند! بگو: «پروردگار من از همه بهتر می داند چه کسی (برنامه) هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است!» (*) 85_ و تو هرگز امید نداشتی که این کتاب آسمانی به تو القا گردد؛ ولی رحمت پروردگارت چنین ایجاب کرد! اکنون که چنین است، هرگز از کافران پشتیبانی مکن! (*) 86_ و هرگز (آنها) تو را از آیات خداوند، بعد از آنکه بر تو نازل گشت، باز ندارند! و بسوی پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش! (*) 87_ معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می شود؛ حاکمیت تنها از آن اوست؛ و همه بسوی او بازگردانده می شوید! (*) 88_

(سوره عنكبوت)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (*) 1_ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! (*) 2_ ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم); باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد! (*) 3_ آیا کسانی که اعمال بد انجام می دهند گمان کردند بر قدرت ما چیره خواهند شد؟! چه بد داوری می کنند! (*) 4_ کسی که امید به لقاء الله (و رستاخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد!) زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرامی رسد; و او شنوا و داناست! (*) 5_ کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می کند; چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. (*) 6_ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می پوشانیم (و می بخشیم) و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش می دهیم. (*) 7_ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می دادید با خبر خواهم ساخت! (*) 8_ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد! (*) 9_ و از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می شمارند (و از آن سخت وحشت می کنند); ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) بیاید، می گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)»!! آیا خداوند به آنچه در سینه های جهانیان است آگاه تر نیست؟! (*) 10_ مسلماً خداوند مؤمنان را می شناسد، و به یقین منافقان را (نیز) می شناسد. (*) 11_ و کافران به مؤمنان گفتند: «شما از راه ما پیروی کنید، و اگر گناهی دارد) ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت!» آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر دوش نخواهند گرفت; آنان به یقین دروغگو هستند! (*) 12_ آنها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می کشند، و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود; و روز قیامت به یقین از تهمت‌هایی که می بستند سؤال خواهند شد! (*) 13_ و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم; و او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد; اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند. (*) 14_ ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم! (*) 15_ ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید! (*) 16_ شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می پرستید و دروغی به هم می بافید; آنهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند; روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که بسوی او بازگشت داده می شوید! (*) 17_ اگر شما (مرا) تکذیب کنید (جای تعجب نیست)، امت‌هایی پیش از شما نیز (پیامبران را) تکذیب کردند; و وظیفه فرستاده (خدا) جز ابلاغ آشکار نیست». (*) 18_ آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس بازمی گرداند؟! این کار برای خدا آسان است! (*) 19_ بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را

آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است! (*)

20_ هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می دهد؛ و شما را به سوی او بازمی گردانند. (*) 21_ شما هرگز نمی توانید بر اراده خدا چیره شوید و از حوزه قدرت او در زمین و آسمان بگریزید؛ و برای شما جز خدا، ولی و یاور نیست!» (*) 22_ کسانی که به آیات خدا و دیدار او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است! (*) 23_ اما جواب قوم او [= ابراهیم] جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید!» ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید؛ در این ماجرا نشانه هایی است برای کسانی که ایمان می آورند. (*) 24_ (ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می جوئید و یکدیگر را لعن می کنید؛ و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یاور برای شما نخواهد بود!» (*) 25_ و لوط به او [= ابراهیم] ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من بسوی پروردگارم هجرت می کنم که او صاحب قدرت و حکیم است!» (*) 26_ و (در اواخر عمر)، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است! (*) 27_ و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است!» (*) 28_ آیا شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید و در مجلسان اعمال ناپسند انجام می دهید؟! «اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» اگر راست می گویی عذاب الهی را برای ما بیاور! (*) 29_ (لوط) عرض کرد: «پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!» (*) 30_ و هنگامی که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی را [و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند] هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگرند!» (*) 31_ (ابراهیم) گفت: «در این آبادی لوط است!» گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاهتریم! او و خانواده اش را نجات می دهیم؛ جز همسرش که در میان قوم (گنهکار) باقی خواهد ماند.» (*) 32_ هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها بدحال و دلتنگ شد؛ گفتند: «نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که در میان قوم باقی می ماند.» (*) 33_ ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!» (*) 34_ و از این آبادی نشانه روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می اندیشند باقی گذاریم! (*) 35_ و ما بسوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین امیدوار باشید، و در زمین فساد نکنید!» (*) 36_ (ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه های خود به رو در افتاده و مرده بودند! (*) 37_ ما طایفه «عاد» و «ثمود» را نیز (هلاک کردیم)، و مساکن (ویران شده) آنان برای شما آشکار است؛ شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که بینا بودند. (*) 38_ و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نیز هلاک کردیم؛ موسی با دلایل روشن به سراغشان آمد، اما آنان در زمین برتری جویی کردند، ولی نتوانستند بر خدا پیشی گیرند! (*) 39_ ما هر یک از آنان را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خود ستم می کردند! (*) 40_ مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود

برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سست ترین خانه های خانه عنکبوت است اگر می دانستند! (*) 41_ خداوند آنچه را غیر از او می خوانند می داند، و او شکست ناپذیر و حکیم است. (*)

42_ اینها مثالهایی است که ما برای مردم می زنیم، و جز دانایان آن را درک نمی کنند. (*) 43_ خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و در این آیتی است برای مؤمنان. (*) 44_ آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد، و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید! (*) 45_ با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!» (*) 46_ و این گونه، کتاب [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده ایم به این کتاب ایمان می آورند؛ و بعضی از این گروه [= مشرکان] نیز به آن مؤمن می شوند؛ و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند. (*) 47_ تو هرگز پیش از این کتابی نمی خواندی، و با دست خود چیزی نمی نوشتی، مبدا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند! (*) 48_ ولی این آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد؛ و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی کنند! (*) 49_ گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟!» بگو: «معجزات همه نزد خداست (و به فرمان او نازل می شود، نه به میل من و شما)؛ من تنها بیم دهنده ای آشکارم! (*) 50_ آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می شود؟! در این، رحمت و تذکری است برای کسانی که ایمان می آورند (و این معجزه بسیار واضحی است). (*) 51_ بگو: «همین بس که خدا میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمانها و زمین است می داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند! (*) 52_ آنان با شتاب از تو عذاب را می طلبند؛ و اگر موعد مقرر تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می آمد؛ و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی بر آنها نازل می شود در حالی که نمی دانند (و غافلند). (*) 53_ آنان با عجله از تو عذاب می طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد! (*) 54_ آن روز که عذاب (الهی) آنها را از بالای سر و پایین پایشان فرامی گیرد و به آنها می گوید: «بچشید آنچه را عمل می کردید» (روز سخت و دردناکی برای آنهاست!) (*) 55_ ای بندگان من که ایمان آورده اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بیرستید (و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید!) (*) 56_ هر انسانی مرگ را می چشد، سپس شما را بسوی ما بازمی گردانند. (*) 57_ و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها در زیر آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه خوب است پاداش عمل کنندگان! (*) 58_ همانها که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و بر پروردگارشان توکل می کنند. (*) 59_ چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می دهد؛ و او شنوا و داناست. (*) 60_ و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟» می گویند: «الله!» پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می سازند؟! (*) 61_ خداوند روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد گسترده می کند، و برای هر کس بخواهد محدود می سازد؛ خداوند به همه چیز داناست! (*) 62_ و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟» می گویند: «الله!» بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!» اما بیشتر آنها نمی

دانند. (*) 63_ این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند! (*) 64_ هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می شوند! (*) 65_ (بگذار) آنچه را (از آیات) به آنها داده ایم انکار کنند و از لذات زودگذر زندگی بهره گیرند؛ اما بزودی خواهند فهمید! (*) 66_ آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می ربایند؟! آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند؟! (*) 67_ چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟! (*) 68_ و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است. (*) 69_

(سوره روم)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (*) 1_ رومیان مغلوب شدند! (*) 2_ (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ اما آنان پس از (این) مغلوبیت بزودی غلبه خواهند کرد... (*) 3_ در چند سال همه کارها از آن خداست؛ چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی)؛ و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد... (*) 4_ به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است! (*) 5_ این وعده ای است که خدا کرده؛ و خداوند هرگز از وعده اش تخلف نمی کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (*) 6_ آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند! (*) 7_ آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق و برای زمان معینی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارشان را منکرند! (*) 8_ آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانسان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می کردند! (*) 9_ سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! (*) 10_ خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، سپس شما را بسوی او باز می گرداند! (*) 11_ آن روز که قیامت برپا می شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می روند! (*) 12_ و برای آنان شفیعیانی از معبودانشان نخواهد بود، و نسبت به معبودهایی که آنها را همتای خدا قرار داده بودند کافر می شوند! (*) 13_ آن روز که قیامت برپا می گردد، (مردم) از هم جدا می شوند؛ (*) 14_ اما آنان که ایمان آورده و

اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود. (*) 15_ و اما آنان که به آیات ما و لقای آخرت کافر شدند، در عذاب الهی احضار می شوند. (*) 16_ منزه است خداوند به هنگامی که شام می کنید و صبح می کنید؛ (*) 17_ و حمد و ستایش مخصوص اوست در آسمان و زمین، و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می کنید. (*) 18_ او زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده، و زمین را پس از مردنش حیات می بخشد، و به همین گونه روز قیامت (از گورها) بیرون آورده می شوید! (*) 19_ از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسانهایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید! (*) 20_ و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند! (*) 21_ و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شماست؛ در این نشانه هایی است برای عالمان! (*) 22_ و از نشانه های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش)؛ در این امور نشانه هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند! (*) 23_ و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می کند؛ در این نشانه هایی است برای جمعیتی که می اندیشند! (*) 24_ و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست؛ سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند، ناگهان همه خارج می شوید (و در صحنه محشر حضور می یابید)!

(*) 25_ و از آن اوست تمام کسانی که در آسمانها و زمین اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع اند! (*) 26_ او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، و این کار برای او آسانتر می باشد؛ و برای اوست توصیف برتر در آسمانها و زمین؛ و اوست توانمند و حکیم! (*) 27_ خداوند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده ای داشته باشید)، این برده های شما هرگز در روزیهایی که به شما داده ایم شریک شما می باشند؛ آنچنان که هر دو مساوی بوده و از تصرف مستقل و بدون اجازه آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد شرکای آزاد خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که تعقل می کنند شرح می دهیم. (*) 28_ ولی ظالمان بدون علم و آگاهی، از هوی و هوسهای خود پیروی کردند! پس چه کسی می تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! و برای آنها هیچ یابوری نخواهد بود! (*) 29_ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند! (*) 30_ این باید در حالی باشد که شما بسوی او بازگشت می کنید و از (مخالفت فرمان) او پرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید... (*) 31_ از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دل بسته و) خوشحالند! (*) 32_ هنگامی که رنج و زبانی به مردم برسد، پروردگار خود را می خوانند و توبه کنان بسوی او بازمی گردند؛ اما همین که رحمتی از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرک می شوند. (*) 33_ (بگذار) نعمتهایی را که ما به آنها داده ایم کفران کنند! و (از نعمتهای زودگذر دنیا هر چه می توانید) بهره گیرید؛ اما بزودی خواهید دانست (که نتیجه کفران و کامجوییهای بی حساب شما چه بوده است)! (*) 34_ آیا ما دلیل محکمی بر آنان فرستادیم که از شرکشان سخن می گوید (و آن را موجه می شمارد)؟! (*) 35_ و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن خوشحال می شوند؛ و هرگاه رنج و مصیبتی

بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنان رسد، ناگهان مایوس می شوند! (*) 36_ آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند. (*) 37_ پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارند. (*) 38_ آنچه بعنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را بعنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند. (*) 39_ خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می میراند، سپس زنده می کند؛ آیا هیچ یک از همتایانی که برای خدا قرار داده اید چیزی از این کارها را می توانند انجام دهند؟! او منزه و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند. (*) 40_ فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است؛ خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! (*) 41_ بگو: «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند! (*) 42_ روی خود را بسوی آیین مستقیم و پایدار بدار، پیش از آنکه روزی فرا رسد که هیچ کس نمی تواند آن را از خدا بازگرداند؛ در آن روز مردم به گروه هایی تقسیم می شوند: (*) 43_ هر کس کافر شود، کفرش بر زیان خود اوست؛ و آنها که کار شایسته انجام دهند، به سود خودشان آماده می سازند. (*) 44_ این برای آن است که خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، از فضلش پاداش دهد؛ او کافران را دوست نمی دارد! (*) 45_ و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را بعنوان بشارتگرانی می فرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید. (*) 46_ و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزاها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما! (*) 47_ خداوند همان کسی است که بادها را می فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می گستراند و متراکم می سازد؛ در این هنگام دانه های باران را می بینی که از لا به لای آن خارج می شود، هنگامی که این (باران حیاتبخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند، ناگهان خوشحال می شوند... (*) 48_ و قطعاً پیش از آنکه بر آنان نازل شود مایوس بودند! (*) 49_ به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ چنین کسی (که زمین مرده را زنده کرد) زنده کننده مردگان (در قیامت) است؛ و او بر همه چیز تواناست! (*) 50_ و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان)، و بر اثر آن زراعت و باغ خود را زرد و پژمرده ببینند، (مایوس شده و) پس از آن راه کفران پیش می گیرند! (*) 51_ تو نمی توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند! (*) 52_ و (نیز) نمی توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی؛ تو تنها سخنت را به گوش کسانی می رسانی که ایمان به آیات ما می آورند و در برابر حق تسلیمند! (*) 53_ خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می آفریند، و دانا و تواناست. (*) 54_ و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! اینچنین از درک حقیقت بازگردانده می شوند. (*) 55_ ولی کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می گویند: «شما بفرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید، و اکنون روز

رستاخیز است، اما شما نمی دانستید!» (* 56_ آن روز عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان ندارد، و توبه آنان پذیرفته نمی شود. (* 57_ ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثال و مطلبی بیان کردیم؛ و اگر آیه ای برای آنان بیاوری، کافران می گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر و جادو است)!» (* 58_ این گونه خداوند بر دلهای آنان که آگاهی ندارند مهر می نهد! (* 59_ اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است؛ و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و از راه خود منحرف نکنند)! (* 60_

(سوره لقمان)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (* 1_ این آیات کتاب حکیم است (کتابی پرمحتوا و استوار)! (* 2_ مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. (* 3_ همانان که نماز را برپا می دارند، و زکات را می پردازند و آنها به آخرت یقین دارند. (* 4_ آنان بر طریق هدایت از پروردگارشانند، و آنانند رستگاران! (* 5_ و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرنند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان غذایی خوارکننده است! (* 6_ و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود، مستکبرانه روی برمی گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوشه‌های سنگین است! او را به غذایی دردناک بشارت ده! (* 7_ ولی کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، باغهای پر نعمت بهشت از آن آنهاست؛ (* 8_ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم (شکست ناپذیر و دانا). (* 9_ (او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه هایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبنده ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفتهای گیاهان پر ارزش رویاندیم. (* 10_ این آفرینش خداست؛ اما به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیز را آفریده اند؟! ولی ظالمان در گمراهی آشکارند. (* 11_ ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم: شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی رساند)؛ چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است. (* 12_ (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.» (* 13_ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه ای را متحمل می شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است! (* 14_ و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن؛ و از راه کسانی پیروی کن که توبه کنان به سوی من آمده اند؛ سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می کردید آگاه می

کنم. (*) 15_بِسْرَم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است! (*) 16_بِسْرَم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است! (*) 17_بِسْرَم! با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. (*) 18_بِسْرَم! در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بگناه (و هرگز فریاد مزین) که زشت ترین صداها صدای خران است. (*) 19_آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می کنند! (*) 20_و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، می گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم!» آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت می کنند)؟! (*) 21_کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه گاه مطمئنی تکیه کرده است)؛ و عاقبت همه کارها به سوی خداست. (*) 22_و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد؛ بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده اند (و نتایج شوم آن) آگاه خواهیم ساخت؛ خداوند به آنچه درون سینه هاست آگاه است. (*) 23_ما اندکی آنها را از متاع دنیا بهره مند می کنیم، سپس آنها را به تحمل عذاب شدیدی وادار می سازیم!

(*) 24_و هرگاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلماً می گویند: «الله»، بگو: «الحمد لله (که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی دانند! (*) 25_آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، چرا که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (*) 26_و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی گیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است. (*) 27_آفرینش و برانگیختن (و زندگی دوباره) همه شما (در قیامت) همانند یک فرد بیش نیست؛ خداوند شنوا و بیناست! (*) 28_آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند، و خورشید و ماه را مسخر ساخته و هر کدام تا سرآمد یعنی به حرکت خود ادامه می دهند؟! خداوند به آنچه انجام می دهد آگاه است. (*) 29_اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حق است، و آنچه غیر از او می خوانند باطل است، و خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است! (*) 30_آیا ندیدی کشتیها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه هایی است برای کسانی که شکیبیا و شکرگزارند! (*) 31_و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بیوشاند (و بالا رود و بالای سرشان قرار گیرد)، خدا را با اخلاص می خوانند؛ اما وقتی آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بعضی راه اعتدال را پیش می گیرند (و به ایمان خود وفادار می مانند، در حالی که بعضی دیگر فراموش کرده راه کفر پیش می گیرند)؛ ولی آیات ما را هیچ کس جز پیمان شکنان ناسپاس انکار نمی کنند! (*) 32_ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمل می کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را؛ به یقین وعده الهی حق است؛ پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبید، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد! (*) 33_آگاهی از زمان قیامت قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می کند، و آنچه را که در رحم های (مادران) است می داند، و هیچ

کس نمی داند فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؟ خداوند عالم و آگاه است!
(*) 34_

(سوره سجده)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (*) 1_ این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شک و تردیدی در آن نیست! (*) 2_ ولی آنان می گویند: «محمد (آن را بدروغ به خدا بسته است»، اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند! (*) 3_ خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [= شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت؛ هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست؛ آیا متذکر نمی شوید؟! (*) 4_ امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می شمرد بسوی او بالا می رود (و دنیا پایان می یابد). (*) 5_ او خداوندی است که از پنهان و آشکار با خبر است، و شکست ناپذیر و مهربان است! (*) 6_ او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ (*) 7_ سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید. (*) 8_ سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمتهای او را بجا می آورید! (*) 9_ آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین گم شدیم، آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» ولی آنان لقای پروردگارشان را انکار می کنند (و می خواهند با انکار معاد، آزادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند). (*) 10_ یگو: «فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می گیرد؛ سپس شما را بسوی پروردگارتان بازمی گردانند.» (*) 11_ و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده، می گویند: «پروردگارا! آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته ای انجام دهیم؛ ما (به قیامت) یقین داریم!» (*) 12_ و اگر می خواستیم به هر انسانی هدایت لازم را (از روی اجبار بدهیم) می دادیم؛ ولی (من آنها را آزاد گذارده ام و) سخن و وعده ام حق است که دوزخ را (از افراد بی ایمان و گنهکار) از جنّ و انس همگی پر کنم! (*) 13_ (و به آنها می گویم:) بچشید (عذاب جهنم را)! بخاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم؛ و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می دادید! (*) 14_ تنها کسانی که به آیات ما ایمان می آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می آورند، و تکبر نمی کنند. (*) 15_ پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می شود (و پیا می خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند! (*) 16_ هیچ کس نمی داند چه پادشاهای مهمی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پادشاهانی است که انجام می دادند! (*) 17_

آیا کسی که باایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند. (* 18) اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت جاویدان از آن آنها خواهد بود، این وسیله پذیرایی (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام می دادند. (* 19) و اما کسانی که فاسق شدند (و از اطاعت خدا سرباز زدند)، جایگاه همیشگی آنها آتش است؛ هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن بازمی گردانند و به آنان گفته می شود: «چشید عذاب آتشی را که انکار می کردید!» (* 20) به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند! (* 21) چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است؟! مسلماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت! (* 22) ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و شک نداشته باش که او آیات الهی را دریافت داشت؛ و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم! (* 23) و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند. (* 24) البته پروردگار تو میان آنان روز قیامت در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند (و هر کس را به سزای اعمالش می رساند)! (* 25) آیا برای هدایت آنها همین کافی نیست که افراد زیادی را که در قرن پیش از آنان زندگی داشتند هلاک کردیم؟! اینها در مسکن (ویران شده) آنان راه می روند؛ در این آیه ای است (از قدرت خداوند و مجازات دردناک مجرمان)؛ آیا نمی شنوند؟! (* 26) آیا ندیدند که ما آب را بسوی زمینهای خشک می رانیم و بوسیله آن زراعتهایی می رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می خوردند و هم خودشان تغذیه می کنند؛ آیا نمی بینند؟! (* 27) آنان می گویند: «اگر راست می گویند، این پیروزی شما کی خواهد بود؟!» (* 28) بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت؛ و به آنها هیچ مهلت داده نمی شود!» (* 29) حال که چنین است، از آنها روی بگردان و منتظر باش؛ آنها نیز منتظرند! (تو منتظر رحمت خدا و آنها هم منتظر عذاب او!) (* 30)

(سوره احزاب)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است. (* 1) و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می دهی آگاه است. (* 2) و بر خدا توکل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد! (* 3) خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده؛ و هرگز همسرانتان را که مورد «ظهار» قرار می دهی مادران شما قرار نداده؛ و (نیز) فرزندخوانده های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است؛ این سخن شماست که به دهان خود می گویند (سخنی باطل و بی پایه)؛ اما خداوند حق را می گوید و او به راه راست هدایت می کند. (* 4) آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند؛ اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما

سرمی زند (و بی توجّه آنها را به نام دیگران صدا می‌زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد حساب قرار خواهد داد)؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است. (* 5) پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها [= مؤمنان] محسوب می‌شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است. (* 6) (به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)! (* 7) به این منظور که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است. (* 8) ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم)؛ و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است. (* 9) (به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می‌بردید. (* 10) آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند! (* 11) و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده اند!» (* 12) و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی حفاظ است!»، در حالی که بی حفاظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند. (* 13) آنها چنان بودند که اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به آنان می‌کردند می‌پذیرفتند، و جز مدت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی‌کردند! (* 14) (در حالی که) آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند)! (* 15) بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، سودی به حال شما نخواهد داشت؛ و در آن هنگام جز بهره کمی از زندگانی نخواهید گرفت!» (* 16) بگو: «چه کسی می‌تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند اگر او بدی یا رحمتی را برای شما اراده کند؟!» و آنها جز خدا هیچ سرپرست و یآوری برای خود نخواهند یافت. (* 17) خداوند کسانی که مردم را از جنگ بازمی‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: «بسوی ما بیاوید (و خود را از معرکه بیرون کشید)» بخوبی می‌شناسد؛ و آنها (مردمی ضعیفند و) جز اندکی پیکار نمی‌کنند! (* 18) آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند؛ و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آنچنان به تو نگاه می‌کنند، و چشمهایشان در حدقه می‌چرخد، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند! اما وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند؛ آنها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد؛ و این کار بر خدا آسان است. (* 19) آنها گمان می‌کنند هنوز لشکر احزاب نرفته‌اند؛ و اگر برگردند (از ترس آنان) دوست می‌دارند در میان اعراب بادیه نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جويا گردند؛ و اگر در میان شما باشند جز اندکی پیکار نمی‌کنند! (* 20) مسلماً برای

شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. (* 21_اَما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (* 22_در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. (* 23_هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است. (* 24_خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند؛ و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد)؛ و خدا قوی و شکست ناپذیر است! (* 25_و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان = مشرکان عرب [حمایت کردند از قلعه‌های محکمشان پایین کشید و در دل‌هایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می رساندید و گروهی را اسیر می کردید! (* 26_و زمینها و خانه‌ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت، و (همچنین) زمینی را که هرگز در آن گام نهاده بودید؛ و خداوند بر هر چیز تواناست! (* 27_ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید بیایید با هدیه‌ای شما را بهره مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم! (* 28_و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.» (* 29_ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود؛ و این برای خدا آسان است. (* 30_و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دوچندان خواهیم ساخت، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده ایم. (* 31_ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند! (* 32_و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (* 33_آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است! (* 34_به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (* 35_هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (* 36_ (به خاطر بیابور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خوانده ات «زید» می گفتی: «همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می کردی)؛ و در دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند؛ و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است

که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان - هنگامی که طلاق گیرند - نباشد؛ و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (* 37) - هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است! (* 38) - (پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است! (* 39) - محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است! (* 40) - ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید، (* 41) - و صبح و شام او را تسبیح گوید! (* 42) - او کسی است که بر شما درود و رحمت می فرستد، و فرشتگان او (نیز) برای شما تقاضای رحمت می کنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرک گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گردد؛ او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است! (* 43) - تحیت آنان در روزی که او را دیدار می کنند سلام است؛ و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است. (* 44) - ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و اندازکننده! (* 45) - و تو را دعوت کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش! (* 46) - و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است. (* 47) - و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا ننما، و بر خدا توکل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است! (* 48) - ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید، عده ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید؛ آنها را با هدیه مناسبی بهره مند سازید و بطرز شایسته ای رهایشان کنید. (* 49) - ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است مالک شده ای و دختران عموی تو، و دختران عمه ها، و دختران دایی تو، و دختران خاله ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و هرگاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد می تواند او را به همسری برگزیند؛ اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان؛ ما می دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می کند)؛ این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی)؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است! (* 50) - (موعد) هر یک از همسرانت را بخواهی می توانی به تأخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی؛ و هرگاه بعضی از آنان را که برکنار ساخته ای بخواهی نزد خود جای دهی، گناهی بر تو نیست؛ این حکم الهی برای روشنی چشم آنان، و اینکه غمگین نباشند و به آنچه به آنان می دهی همگی راضی شوند نزدیکتر است؛ و خدا آنچه را در قلوب شماست می داند، و خداوند دانا و بردبار است (از مصالح بندگان خود با خبر است، و در کیفر آنها عجله نمی کند)! (* 51) - بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست، و نمی توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی [= بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری به جای او برگزینی] هر چند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود، مگر آنچه که بصورت کنیز در ملک تو درآید! و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است (و با این حکم فشار قبایل عرب را در اختیار همسر از آنان، از تو برداشتیم). (* 52) - ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه های پیامبر

داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیاید و) در انتظار وقت غذا نشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت نشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می نماید، ولی از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید)؛ اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد! و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر] می خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است! و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این کار نزد خدا بزرگ است! (*) 53_ اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را پنهان دارید، خداوند از همه چیز آگاه است! (*) 54_ بر آنان [= همسران پیامبر] گناهی نیست در مورد پدران و فرزندان و برادران و فرزندان برادران و فرزندان خواهران خود و زنان مسلمان و بردگان خویش (که بدون حجاب و پرده با آنها تماس بگیرند)؛ و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت به هر چیزی شاهد و آگاه است. (*) 55_ خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید. (*) 56_ آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (*) 57_ و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند. (*) 58_ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [= روسری های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. (*) 59_ اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند! (*) 60_ و از همه جا طرد می شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید! (*) 61_ این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت! (*) 62_ مردم از تو درباره (زمان قیام) قیامت سؤال می کنند، بگو: «علم آن تنها نزد خداست!» و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد! (*) 63_ خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده ای آماده نموده است، (*) 64_ در حالی که همواره در آن تا ابد می مانند، و ولی و یآوری نخواهند یافت! (*) 65_ در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می شوند و) می گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم!» (*) 66_ و می گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند! (*) 67_ پروردگارا! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را لعن بزرگی فرما!» (*) 68_ ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خداوند او را از آنچه در حق او می گفتند مبرا ساخت؛ و او نزد خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود! (*) 69_ ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... (*) 70_ تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهاتتان را بیامرزد؛ و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است! (*) 71_ ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)! (*) 72_ هدف این بود که خداوند مردان و زنان

منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است! (*) 73_

(سوره سبأ)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حمد (و ستایش) مخصوص خداوندی است که تمام آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست؛ و (نیز) حمد (و سپاس) برای اوست در سرای آخرت؛ و او حکیم و آگاه است. (*) 1_ آنچه در زمین فرومی رود و آنچه را از آن برمی آید می داند، و (همچنین) آنچه از آسمان نازل می شود و آنچه بر آن بالا می رود؛ و او مهربان و آمرزنده است. (*) 2_ کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد!» بگو: «آری به پروردگرم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، خداوندی که از غیب آگاه است و به اندازه سنگینی ذره ای در آسمانها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه در کتابی آشکار ثبت است!» (*) 3_ تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند پادشاه دهد؛ برای آنان مغفرت و روزی پرارزشی است! (*) 4_ و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، عذابی بد و دردناک خواهند داشت! (*) 5_ کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می کند. (*) 6_ و کافران گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می دهد هنگامی که (شُرید و) سخت از هم متلاشی شدید، (بار دیگر) آفرینش تازه ای خواهید یافت؟! (*) 7_ آیا او بر خدا دروغ بسته یا به نوعی جنون گرفتار است؟!» (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، در عذاب و گمراهی دوری هستند (و نشانه گمراهی آنها همین انکار شدید است). (*) 8_ آیا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد نگاه نکردند (تا به قدرت خدا بر همه چیز واقف شوند)؟! اگر ما بخواهیم آنها را (با یک زمین لرزه) در زمین فرومی بریم، یا قطعه هایی از سنگهای آسمانی را بر آنها فرومی ریزیم؛ در این نشانه ای است (بر قدرت خدا) برای هر بنده توبه کار! (*) 9_ و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه ها و پرندگان گفتیم): ای کوه ها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم. (*) 10_ (و به او گفتیم): زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه انجام می دهید بینا هستم! (*) 11_ و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را؛ و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم؛ و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند؛ و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می کرد، او را عذاب آتش سوزان می چشانیم! (*) 12_ آنها هر چه سلیمان می خواست برایش درست می کردند: معبدها، تماثلاها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبوده؛ و به آنان گفتیم): ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید؛ ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند! (*)

13_ (با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نداشت مگر جنبنده زمین [= موریانه] که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)؛ هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند! (* 14_ برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه های فراوان؛ و به آنها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! (* 15_ اما آنها (از خدا) روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (بربرکت)شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم! (* 16_ این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز کفران کننده را کیفر می دهیم؟! (* 17_ و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم): شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید! (* 18_ ولی (این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند! و به این طریق) آنها به خویشان ستم کردند! و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیشان را متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است. (* 19_ (آری) بییقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان! (* 20_ او سلطه بر آنان نداشت جز برای اینکه مؤمنان به آخرت را از آنها که در شک هستند باز شناسیم؛ و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است! (* 21_ بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی گشایند، چرا که آنها به اندازه ذره ای در آسمانها و زمین مالک نیستند، و نه در (خلقت و مالکیت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند. (* 22_ هیچ شفاعتی نزد او، جز برای کسانی که اذن داده، سودی ندارد! (در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دلهای آنان زایل گردد (و فرمان از ناحیه او صادر شود؛ در این هنگام مجرمان به شفیعان) می گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می گویند: «حق را (بیان کرد و اجازه شفاعت درباره مستحقان داد)؛ و اوست بلندمقام و بزرگ مرتبه!» (* 23_ بگو: «چه کسی شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد؟» بگو: «اللّه! و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم!» (* 24_ بگو: «شما از گناهی که ما کرده ایم سؤال نخواهید شد، (همان گونه که) ما در برابر اعمال شما مسؤول نیستیم!» (* 25_ بگو: «پروردگار ما همه ما را جمع می کند، سپس در میان ما بحق داوری می نماید (و صفوف مجرمان را از نیکوکاران جدا می سازد)، و اوست داور (و جداکننده) آگاه!» (* 26_ بگو: «کسانی را که بعنوان شریک به او ملحق ساخته اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! (او شریک و شبیهی ندارد)، بلکه او خداوند عزیز و حکیم است! (* 27_ و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پادشاهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (* 28_ می گویند: «اگر راست می گویند، این وعده (رستاخیز) کی خواهد بود؟! (* 29_ بگو: «وعده شما روزی خواهد بود که نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه (بر آن) پیشی خواهید گرفت!» (* 30_ کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد!» اگر بینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) نگه داشته شده اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می اندازد (از وضع آنها

تعجب می کنی!) مستضعفان به مستکبران می گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم!» (* 31_ (ما) مستکبران به مستضعفان پاسخ می دهند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟! بلکه شما خود مجرم بودید!» (* 32_ و مستضعفان به مستکبران می گویند: «سوسه های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم!» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می بینند پشیمانی خود را پنهان می کنند (تا بیشتر رسوا نشوند)؛ و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می کردند به آنها جزا داده می شود؟! (* 33_ و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم!» (* 34_ و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!)؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (* 35_ بگو: «پروردگار من روزی را برای هر کس بخواهد وسیع یا تنگ می کند، (این ربطی به قرب در درگاه او ندارد)؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!» (* 36_ اموال و فرزندانان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده اند؛ و آنها در غرفه های (بهشتی) در (نهایت) امنیت خواهند بود!» (* 37_ و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می کنند و می پندارند از چنگ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی) احضار می شوند!» (* 38_ بگو: «پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می بخشد، و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می سازد؛ و هر چیزی را (در راه او) اتفاق کنید، عوض آن را می دهد (و جای آن را پر می کند)؛ و او بهترین روزی دهندگان است!» (* 39_ (به خاطر بیاور) روزی را که خداوند همه آنان را بر می انگیزد، سپس به فرشتگان می گوید: «آیا اینها شما را پرستش می کردند؟!» (* 40_ آنها می گویند: «منزّهی (از اینکه همتایی داشته باشی)! تنها تو ولیّ مائی، نه آنها؛ (آنها ما را پرستش نمی کردند) بلکه جنّ را پرستش می نمودند؛ و اکثرشان به آنها ایمان داشتند!» (* 41_ (آری) امروز هیچ یک از شما نسبت به دیگری مالک سود و زیانی نیست! و به ظالمان می گوئیم: «بجشید عذاب آتشی را که تکذیب می کردید!» (* 42_ و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنان خوانده می شود، می گویند: «او فقط مردی است که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند بازدارد!» و می گویند: «این جز دروغ بزرگی که (به خدا) بسته شده چیز دیگری نیست!» و کافران هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند: «این، جز افسونی آشکار نیست!» (* 43_ ما (قبلاً) چیزی از کتابهای آسمانی را به آنان نداده ایم که آن را بخوانند (و به اتکای آن سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ بیم دهنده [= پیامبری] برای آنان نفرستادیم!» (* 44_ کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) تکذیب کردند، در حالی که اینها به یک دهم آنچه به آنان دادیم نمی رسند! (آری) آنها رسولان مرا تکذیب کردند؛ پس ببین مجازات من (نسبت به آنها) چگونه بود!» (* 45_ بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس ببینید این دوست و همنشین شما [= محمد] هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!» (* 46_ بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است!» (* 47_ بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می افکند، که او دانای غیبها (و اسرار نهان) است.» (* 48_ بگو: «حق آمد! و باطل (کاری از آن ساخته نیست) نمی تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن!» (* 49_ بگو:

«اگر من گمراه شوم، از ناحیه خود گمراه می شوم؛ و اگر هدایت یابم، به وسیله آنچه پروردگارم به من وحی می کند هدایت می یابم؛ او شنوای نزدیک است!» (* 50_ اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود اما نمی توانند (از عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از جای نزدیکی (که حتی انتظارش را ندارند) می گیرند (از درماندگی آنها تعجب خواهی کرد)! (* 51_ و (در آن حال) می گویند: «به حق ایمان آوردیم!»، ولی چگونه می توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند! (* 52_ آنها پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند و دورا دور، و غائبانه (و بدون آگاهی). نسبت های ناروا می دادند. (* 53_ (سرانجام) میان آنها و خواسته هایشان جدایی افکنده شد، همان گونه که با پیروان (و هم مسلکان) آنها از قبل عمل شد، چرا که آنها در شک و تردید بودند! (* 54_

(سوره فاطر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمانها و زمین، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه، او هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید، و او بر هر چیزی تواناست! (* 1_ هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی تواند جلو آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست؛ و او عزیز و حکیم است! (* 2_ ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما؛ آیا آفریننده ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می شوید؟! (* 3_ اگر تو را تکذیب کنند (غم مخور، موضوع تازه ای نیست) پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند؛ و همه کارها بسوی خدا بازمی گردد. (* 4_ ای مردم! وعده خداوند حق است؛ مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد! (* 5_ البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند! (* 6_ کسانی که راه کفر پیش گرفتند، برای آنان عذابی سخت است؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگ از آن آنهاست! (* 7_ آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را خوب و زیبا می بیند (همانند کسی است که واقع را آنچنان که هست می یابد)! خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ پس جانت به خاطر شدت تأسف بر آنان از دست نرود؛ خداوند به آنچه انجام می دهند داناست! (* 8_ خداوند کسی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند؛ سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده ای راندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می کنیم؛ رستاخیز نیز همین گونه است! (* 9_ کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد؛ و آنها که نقشه های بد می کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می شود (و به جایی نمی رسد)! (* 10_ خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای؛ سپس شما را بصورت زوجهایی قرار داد؛ هیچ جنس ماده

ای باردار نمی شود و وضع حمل نمی کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی کند، یا از عمرش کاسته نمی شود مگر اینکه در کتاب (علم خداوند) ثبت است؛ اینها همه برای خداوند آسان است. (*) 11_ دو دریا یکسان نیستند؛ این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر؛ (اما) از هر دو گوشتی تازه می خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می پوشید؛ و کشتیها را در آن می بینی که آنها را می شکافند (و به سوی مقصد پیش می روند) تا از فضل خداوند بهره گیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید! (*) 12_ او شب را در روز داخل می کند و روز را در شب؛ و خورشید و ماه را مسخر (شما) کرده، هر یک تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می دهد؛ این است خداوند، پروردگار شما؛ حاکمیت (در سراسر عالم) از آن اوست؛ و کسانی را که جز او می خوانید (و می پرستید) حتی به اندازه پوست نازک هسته خرما مالک نیستند! (*) 13_ اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی گویند؛ و روز قیامت، شرک (و پرستش) شما را منکر می شوند، و هیچ کس مانند (خداوند آگاه و) خبیر تو را (از حقایق) با خبر نمی سازد! (*) 14_ ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است! (*) 15_ اگر بخواید شما را می برد و خلق جدیدی می آورد؛ (*) 16_ و این برای خداوند مشکل نیست! (*) 17_ هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد؛ و اگر شخص سنگین باری دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از نزدیکان او باشد! تو فقط کسانی را بیم می دهی که از پروردگار خود در پنهانی می ترسند و نماز را برپا می دارند؛ و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش بازمی گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خداست! (*) 18_ و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، (*) 19_ و نه ظلمتها و روشنایی، (*) 20_ و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! (*) 21_ و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس خواهد می رساند، و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی! (*) 22_ تو فقط اندازکننده ای، (اگر ایمان نیاورند نگران نباش، وظیفه ات را انجام ده.) (*) 23_ ما تو را بحق برای بشارت و انداز فرستادیم؛ و هر امتی در گذشته اندازکننده ای داشته است! (*) 24_ اگر تو را تکذیب کنند (عجیب نیست)؛ کسانی که پیش از آنان بودند (نیز پیامبران خود را) تکذیب کردند؛ آنها با دلایل روشن و کتابهای پند و موعظه و کتب آسمانی روشنگر (مشمول بر معارف و احکام) به سراغ آنان آمدند (اما کوردلان ایمان نیاوردند). (*) 25_ سپس من کافران را (بعد از اتمام حجت) گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟! (*) 26_ آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه ها نیز (به لطف پروردگار) جاده هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه! (*) 27_ و از انسانها و جنبندها و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، (آری) حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می ترسند؛ خداوند عزیز و غفور است! (*) 28_ کسانی که کتاب الهی را تلاوت می کنند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم پنهان و آشکار انفاق می کنند، تجارتی (پرسود و) بی زیان و خالی از کساد را امید دارند. (*) 29_ (آنها) این اعمال صالح را انجام می دهند) تا خداوند اجر و پاداش کامل به آنها دهد و از فضلش بر آنها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار است! (*) 30_ و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق کننده و هماهنگ با کتب پیش از آن؛ خداوند نسبت به بندگان خبیر و بیناست! (*) 31_ سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده

خود به میراث دادیم؛ (اما) از میان آنها عده ای بر خود ستم کردند، و عده ای میانه رو بودند، و گروهی به اذن خدا در نیکبها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است! (* 32) _ (پاداش آنان) باغهای جاویدان بهشت است که در آن وارد می شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته اند، و لباسشان در آنجا حریر است! (* 33) _ آنها می گویند: «حمد (و ستایش) برای خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است! (* 34) _ همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می رسد و نه سستی و واماندگی! (* 35) _ و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست؛ هرگز فرمان مرگشان صادر نمی شود تا بمیرند، و نه چیزی از عذابش از آنان تخفیف داده می شود؛ این گونه هر کفران کننده ای را کیفر می دهیم! (* 36) _ آنها در دوزخ فریاد می زنند: «پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می دادیم!» (در پاسخ به آنان گفته می شود): آیا شما را به اندازه ای که هر کس اهل تذکر است در آن متذکر می شود عمر ندادیم، و اندازکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بچشید که برای ظالمان هیچ یآوری نیست! (* 37) _ خداوند از غیب آسمانها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون دلهاست می داند! (* 38) _ اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد؛ هر کس کافر شود، کفر او به زبان خودش خواهد بود، و کافران را کفرشان جز خشم و غضب در نزد پروردگار چیزی نمی افزاید، و (نیز) کفرشان جز زیان و خسران چیزی بر آنها اضافه نمی کند! (* 39) _ بگو: «این معبودانی را که جز خدا می خوانید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا اینکه شرکتی در (آفرینش و مالکیت) آسمانها دارند؟! یا به آنان کتابی (آسمانی) داده ایم و دلیلی از آن برای (شرک) خود دارند؟!» نه هیچ یک از اینها نیست، ظالمان فقط وعده های دروغین به یکدیگر می دهند! (* 40) _ خداوند آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است! (* 41) _ آنان با نهایت تأکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری اندازکننده به سراغشان آید، هدایت یافته ترین امتها خواهند بود؛ اما چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود! (* 42) _ اینها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود؛ اما این نیرنگها تنها دامان صاحبانش را می گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذابهای دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی یابی! (* 43) _ آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست! (* 44) _ اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده اند مجازات کند، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معینی تأخیر می اندازد (و مهلت اصلاح می دهد) اما هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می دهد) او نسبت به بندگانش بیناست (و از اعمال و نیات همه آگاه است)! (* 45) _

(سوره یس)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

یس. (*) 1_ سوگند به قرآن حکیم. (*) 2_ که تو قطعاً از رسولان (خداوند هستی، (*) 3_ بر راهی راست (قرار داری); (*) 4_ این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده است (*) 5_ تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند! (*) 6_ فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی آورند! (*) 7_ ما در گردنهای آنان غلهایی قرار دادیم که تا چانه ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است! (*) 8_ و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده ایم، لذا نمی بینند! (*) 9_ برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی یا نکنی، ایمان نمی آورند! (*) 10_ تو فقط کسی را انذار می کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد؛ چنین کسی را به آمرزش و پاداشی پرازش بشارت ده! (*) 11_ به یقین ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را از پیش فرستاده اند و تمام آثار آنها را می نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده ای برشمرده ایم! (*) 12_ و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛ (*) 13_ هنگامی که دو نفر از رسولان را بسوی آنها فرستادیم، اما آنان رسولان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سوّمی فرستادیم، آنها همگی گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم!» (*) 14_ اما آنان (در جواب) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می گوئید!» (*) 15_ (رسولان ما) گفتند: «پروردگار ما آگاه است که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم، (*) 16_ و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست!» (*) 17_ آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته ایم (و وجود شما را شوم می دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست بردارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید!» (*) 18_ (رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسرافکارید!» (*) 19_ و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید!» (*) 20_ از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی خواهند و خود هدایت یافته اند! (*) 21_ من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می شوید؟! (*) 22_ آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زبانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد! (*) 23_ اگر چنین کنم، من در گمراهی آشکاری خواهم بود! (*) 24_ (به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم؛ پس به سخنان من گوش فرا دهید!» (*) 25_ (سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من می دانستند... (*) 26_ که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتن قرار داده است!» (*) 27_ و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر این نبود؛ (*) 28_ (بلکه) فقط یک صیحه آسمانی بود، ناگهان همگی خاموش شدند! (*) 29_ افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می کردند! (*) 30_ آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک کردیم، آنها هرگز به سوی ایشان باز نمی گردند

(و زنده نمی شوند!) (* 31_ و همه آنان (روز قیامت) نزد ما احضار می شوند! (* 32_ زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آن را زنده کردیم و دانه های (غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می خورند؛ (* 33_ و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه هایی از آن جاری ساختیم، (* 34_ تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است! آیا شکر خدا را بجا نمی آورند؟! (* 35_ منزّه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی دانند! (* 36_ شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی گیریم، ناگهان تاریکی آنان را فرا می گیرد! (* 37_ و خورشید (نیز) برای آنها آیتی است) که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند قادر و داناست. (* 38_ و برای ماه منزلگاه هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت «شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می آید. (* 39_ نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند. (* 40_ نشانه ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (* 41_ و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم. (* 42_ و اگر بخواهیم آنها را غرق می کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه نجات داده شوند! (* 43_ مگر اینکه رحمت ما شامل حال آنان شود، و تا زمان معینی از این زندگی بهره گیرند! (* 44_ و هرگاه به آنها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست [= از عذابهای الهی] بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید!» (اعتنا نمی کنند). (* 45_ و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی آید مگر اینکه از آن روی گردان می شوند. (* 46_ و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!»، کافران به مؤمنان می گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! (بس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید!» (* 47_ آنها می گویند: «اگر راست می گویند، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟! (* 48_ (ما) جز این انتظار نمی کشند که یک صبحه عظیم (آسمانی) آنها را فراگیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (* 49_ (جنان غافلگیر می شوند که حتی) نمی توانند وصیتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند! (* 50_ (بار دیگر) در «صور» دیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می روند! (* 51_ می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند!» (* 52_ صبحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می شوند! (* 53_ (و به آنها گفته می شود): امروز به هیچ کس ذره ای ستم نمی شود، و جز آنچه را عمل می کردید جزا داده نمی شوید! (* 54_ بهشتیان، امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند. (* 55_ آنها و همسرانشان در سایه های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده اند. (* 56_ برای آنها در بهشت میوه بسیار لذت بخشی است، و هر چه بخواهند در اختیار آنان خواهد بود! (* 57_ بر آنها سلام (و درود الهی) است؛ این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! (* 58_ (و به آنها می گویند): جدا شوید امروز ای گنهکاران! (* 59_ آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (* 60_ و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟! (* 61_ او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! (* 62_ این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد! (* 63_ امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید! (* 64_ امروز بر دهانشان مهر می نهیم،

و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند! (*) 65_ و اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم؛ سپس برای عبور از راه، می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، اما چگونه می توانند ببینند؟! (*) 66_ و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می کنیم (و به مجسمه هایی بی روح مبدل می سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند! (*) 67_ هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی کنند؟! (*) 68_ ما هرگز شعر به او [= پیامبر انبیا موحتیم، و شایسته او نیست (شاعر باشد)؛ این (کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است! (*) 69_ تا افرادی را که زنده اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلّم گردد! (*) 70_ آیا ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟! (*) 71_ و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می کنند؛ (*) 72_ و برای آنان بهره های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهای گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی کنند؟! (*) 73_ آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند! (*) 74_ ولی آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که در آتش دوزخ احضار می شوند! (*) 75_ پس سخنانشان تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند می دانیم! (*) 76_ آیا انسان نمی داند که ما او را از نطفه ای بی ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست! (*) 77_ و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟!» (*) 78_ بگو: «همان کسی آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او به هر مخلوقی داناست! (*) 79_ همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می افروزید!» (*) 80_ آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، نمی تواند همانند آنان [= انسانهای خاک شده] را بیافریند؟! آری (می تواند)، و او آفریدگار داناست! (*) 81_ فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود! (*) 82_ پس منزّه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست؛ و شما را به سوی او بازمی گردانند! (*) 83_

(سوره صافات)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به (فرشتگان) صف کشیده (و منظم) (*) 1_ و به نهی کنندگان و (بازدارندگان) (*) 2_ و تلاوت کنندگان پیایی آیات الهی... (*) 3_ که معبود شما یگانه است؛ (*) 4_ پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها! (*) 5_ ما آسمان نزدیک [= پایین] را با ستارگان آراستیم، (*) 6_ تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم! (*) 7_ آنها نمی توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هرگاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می

گیرند! (*) 8_ آنها به شدت به عقب رانده می شوند؛ و برای آنان مجازاتی دائم است! (*) 9_ مگر آنها که در لحظه ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب» آنها را تعقیب می کند! (*) 10_ از آنان بپرس: «آیا آفرینش (و معاد) آنان سخت تر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین)؟! ما آنان را از گل چسبیده ای آفریدیم! (*) 11_ تو از انکارشان تعجب می کنی، ولی آنها مسخره می کنند! (*) 12_ و هنگامی که به آنان تذکر داده شود، هرگز متذکر نمی شوند! (*) 13_ و هنگامی که معجزه ای را ببینند، دیگران را نیز به استهزا دعوت می کنند! (*) 14_ و می گویند: «این فقط سحری آشکار است! (*) 15_ آیا هنگامی که ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدل شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (*) 16_ یا پدران نخستین ما (باز می گردند)؟!» (*) 17_ بگو: «آری، همه شما زنده می شوید در حالی که خوار و کوچک خواهید بود! (*) 18_ تنها یک صیحه عظیم واقع می شود، ناگهان همه (از قبرها برمی خیزند و) نگاه می کنند! (*) 19_ و می گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست!» (*) 20_ (آری) این همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما آن را تکذیب می کردید! (*) 21_ (در این هنگام به فرشتگان دستور داده می شود): ظالمان و همدیفانسان و آنچه را می پرستیدند... (*) 22_ (آری آنچه را) جز خدا می پرستیدند جمع کنید و بسوی راه دوزخ هدایتشان کنید! (*) 23_ آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند! (*) 24_ شما را چه شده که از هم یاری نمی طلبید؟! (*) 25_ ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند! (*) 26_ (و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می پرسند... (*) 27_ گروهی (می گویند: «شما رهبران گمراهی بودید که به ظاهر از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید اما جز فریب چیزی در کارتان نبود!») (*) 28_ (آنها در جواب) می گویند: «شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟! (*) 29_ ما هیچ گونه سلطه ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید! (*) 30_ اکنون فرمان پروردگاران بر همه ما مسلّم شده، و همگی از عذاب او می چشیم! (*) 31_ ما شما را گمراه کردیم، همان گونه که خود گمراه بودیم! (*) 32_ (آری) همه آنها [= پیشوایان و پیروان گمراه] در آن روز در عذاب الهی مشترکند! (*) 33_ ما این گونه با مجرمان رفتار می کنیم! (*) 34_ چرا که وقتی به آنها گفته می شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبر و سرکشی می کردند... (*) 35_ و پیوسته می گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!» (*) 36_ چنین نیست، او حق را آورده و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است! (*) 37_ اما شما (مستکبران کوردل) بطور مسلّم عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید! (*) 38_ و جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده نمی شوید، (*) 39_ جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند)! (*) 40_ برای آنان [= بندگان مخلص] روزی معین و ویژه ای است، (*) 41_ میوه ها (ی گوناگون پر ارزش)، و آنها گرامی داشته می شوند... (*) 42_ در باغهای پر نعمت بهشت؛ (*) 43_ در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگر تکیه زده اند، (*) 44_ و گرداگردشان قدهای لبریز از شراب طهور را می گردانند؛ (*) 45_ شرابی سفید و درخشنده، و لذتبخش برای نوشندگان؛ (*) 46_ شرابی که نه در آن مایه تباهی عقل است و نه از آن مست می شوند! (*) 47_ و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی ورزند. (*) 48_ گویی از (لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است)! (*) 49_ (در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعضی دیگر کرده می پرسند... (*) 50_ کسی از آنها می گوید: «من همنشینی داشتم... (*) 51_ که پیوسته می گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده ای... (*) 52_ که وقتی ما

مردیم و به خاک و استخوان مبدل شدیم، (بار دیگر) زنده می شویم و جزا داده خواهیم شد؟! (* 53_ سپس) می گوید: «آیا شما می توانید از او خبری بگیرید؟» (* 54_ اینجاست که نگاهی می کند، ناگهان او را در میان دوزخ می بیند. (* 55_ می گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بکشانی! (* 56_ و اگر نعمت پروردگارم نبود، من نیز از احضارشدگان (در دوزخ) بودم! (* 57_ سپس) به یاران خود می گوید: ای دوستان! آیا ما هرگز نمی میریم (و در بهشت جاودانه خواهیم بود)، (* 58_ و جز همان مرگ اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. (* 59_ راستی این همان پیروزی بزرگ است! (* 60_ آری، برای مثل این، باید عمل کنندگان عمل کنند! (* 61_ آیا این (نعمتهای جاویدان بهستی) بهتر است یا درخت (نفت انگیز) زقوم؟! (* 62_ ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! (* 63_ آن درختی است که از قعر جهنم می روید! (* 64_ شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! (* 65_ آنها] = مجرمان] از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند! (* 66_ سپس روی آن آب داغ متعفی می نوشند! (* 67_ سپس بازگشت آنها به سوی جهنم است! (* 68_ چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند، (* 69_ با این حال به سرعت بدنبال آنان کشانده می شوند! (* 70_ و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند! (* 71_ ما در میان آنها اندازکنندگانی فرستادیم، (* 72_ ولی بنگر عاقبت اندازشوندگان چگونه بود! (* 73_ مگر بندگان مخلص خدا! (* 74_ و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم); و چه خوب اجابت کننده ای هستیم! (* 75_ و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم، (* 76_ و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم، (* 77_ و نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی نهادیم. (* 78_ سلام بر نوح در میان جهانیان باد! (* 79_ ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (* 80_ چرا که او از بندگان باایمان ما بود! (* 81_ سپس دیگران] = دشمنان او] را غرق کردیم! (* 82_ و از پیروان او ابراهیم بود; (* 83_ (به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد; (* 84_ هنگامی که به پدر و قومش گفت: «اینها چیست که می پرستید؟! (* 85_ آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می روید؟! (* 86_ شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می برید؟! (* 87_ سپس) نگاهی به ستارگان افکند... (* 88_ و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی آیم)! (* 89_ آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و بسرعت دور شدند). (* 90_ (او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: «چرا (از این غذاها) نمی خورید؟! (* 91_ (اصلاً) چرا سخن نمی گوید؟! (* 92_ سپس بسوی آنها رفت و ضربه ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را درهم شکست). (* 93_ آنها با سرعت به او روی آوردند. (* 94_ گفت: «آیا چیزی را می پرستید که با دست خود می تراشید؟! (* 95_ با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می سازید!» (* 96_ (بت پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنمی از آتش بیفکنید!» (* 97_ آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم! (* 98_ (او از این مهلکه سلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می روم، او مرا هدایت خواهد کرد!» (* 99_ پروردگارا! به من از صالحان] = فرزندان صالح [بخش! (* 100_ ما او] = ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم! (* 101_ هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» (* 102_ هنگامی که هر دو تسلیم شدند و

ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد... (* 103) او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! (* 104) آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی)!» ما این گونه، نیکوکاران را جزا می دهیم! (* 105) این مسلماً همان امتحان آشکار است! (* 106) ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم، (* 107) و نام نیک او را در امتهای بعد باقی نهادیم! (* 108) سلام بر ابراهیم! (* 109) این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (* 110) او از بندگان باایمان ما است! (* 111) ما او را به اسحاق - پیامبری از شایستگان - بشارت دادیم! (* 112) ما به او و اسحاق برکت دادیم؛ و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا به خود ستم کردند! (* 113) ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم! (* 114) و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم! (* 115) و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند! (* 116) ما به آن دو، کتاب روشننگر دادیم، (* 117) و آن دو را به راه راست هدایت نمودیم! (* 118) و نام نیکشان را در اقوام بعد باقی گذاردیم! (* 119) سلام بر موسی و هارون! (* 120) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (* 121) آن دو از بندگان مؤمن ما بودند! (* 122) و الیاس از رسولان (ما) بود! (* 123) به خاطر بیاور هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (* 124) آیا بت «بعل» را می خوانید و بهترین آفریدگاران را رها می سازید؟! (* 125) خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (* 126) اما آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می شوند! (* 127) مگر بندگان مخلص خدا! (* 128) ما نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی گذاردیم! (* 129) سلام بر الیاسین! (* 130) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (* 131) او از بندگان مؤمن ما است! (* 132) و لوط از رسولان (ما) است! (* 133) و به خاطر بیاور زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم، (* 134) مگر پیرزنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت آنان گرفتار شد)! (* 135) سپس بقیه را نابود کردیم! (* 136) و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه های شهرهای) آنها می گذرید... (* 137) و (همچنین) شبانگاه؛ آیا نمی اندیشید؟! (* 138) و یونس از رسولان (ما) است! (* 139) به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیت و بار) فرار کرد. (* 140) و با آنها قرعه افکند، (و قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد! (* 141) (او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق سرزنش بود! (* 142) و اگر او از تسبیح کنندگان نبود... (* 143) تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند! (* 144) (به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود! (* 145) و بوته کدوئی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای بهن و مرطوبش آرامش یابد)! (* 146) و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری - یا بیشتر - فرستادیم! (* 147) آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره مند ساختیم! (* 148) از آنان بیرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟! (* 149) آیا ما فرشتگان را مؤنت آفریدیم و آنها ناظر بودند؟! (* 150) بدانید آنها با این تهمت بزرگشان می گویند: (* 151) «خداوند فرزند آورده!» ولی آنها به یقین دروغ می گویند! (* 152) آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟! (* 153) شما را چه شده است؟! چگونه حکم می کنید؟! (هیچ می فهمید چه می گویند؟! (* 154) آیا متذکر نمی شوید؟! (* 155) یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟! (* 156) کتابتان را بیاورید اگر راست می گویند! (* 157) آنها [= مشرکان] میان او [= خداوند] و جنّ، (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند؛ در حالی که جنیان بخوبی می دانند که این بت پرستان در دادگاه الهی احضار می شوند! (* 158) منزّه است

خداوند از آنچه توصیف می کنند، (* 159) مگر بندگان مخلص خدا! (* 160) شما و آنچه را پرستش می کنید، (* 161) هرگز نمی توانید کسی را (با آن) فریب دهید، (* 162) مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می شوند! (* 163) و هیچ یک از ما نیست جز آنکه مقام معلومی دارد؛ (* 164) و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده ایم؛ (* 165) و ما همه تسبیح گوی او هستیم! (* 166) آنها پیوسته می گفتند: (* 167) «اگر یکی از کتابهای پیشینیان نزد ما بود، (* 168) به یقین، ما بندگان مخلص خدا بودیم!» (* 169) اما هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد، به آن کافر شدند؛ ولی بزودی (نتیجه کار خود را) خواهند دانست! (* 170) وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده... (* 171) که آنان یاری شدگانند، (* 172) و لشکر ما پیروزند! (* 173) از آنها [= کافران] روی بگردان تا زمان معینی (که فرمان جهاد فرارسد)! (* 174) و وضع آنها را بنگر (چه بی محتواس) اما بزودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند! (* 175) آیا آنها برای عذاب ما شتاب می کنند؟! (* 176) اما هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه هایشان فرود آید، اندازشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت! (* 177) از آنان روی بگردان تا زمان معینی! (* 178) و وضع کارشان را ببین؛ آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند! (* 179) منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند. (* 180) و سلام بر رسولان! (* 181) حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (* 182)

(سوره ص)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است). (* 1) ولی کافران گرفتار غرور اختلافند! (* 2) چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم؛ و به هنگام نزول عذاب فریاد می زدند (و کمک می خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود! (* 3) آنها تعجب کردند که پیامبر بیم دهنده ای از میان آنان به سویشان آمده؛ و کافران گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است! (* 4) آیا او بجای اینهمه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این برآستی چیز عجیبی است! (* 5) سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته اند (شما را گمراه کنند)! (* 6) ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده ایم؛ این تنها یک آئین ساختگی است! (* 7) آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او [= محمد] نازل شده؟!» آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده اند (که این چنین گستاخانه سخن می گویند)! (* 8) مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)! (* 9) یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاک محمد بگیرند)! (* 10) (آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده ای از احزابند! (* 11) پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند! (* 12) و

(نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الأیکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)! (* 13) _
هر یک (از این گروه ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت! (* 14) _ اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می سازد)! (* 15) _ آنها (از روی خیره سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!» (* 16) _ در برابر آنچه می گویند شکبیا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه کننده بود! (* 17) _ ما کوه ها را مسخرّ او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می گفتند! (* 18) _
پرندهگان را نیز دسته جمعی مسخرّ او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه اینها بازگشت کننده به سوی او بودند!
(* 19) _ و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه! (* 20) _ آیا داستان شاکبان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! (* 21) _ در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: «ترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!» (* 22) _ این برادر من است؛ و او نود و نه میس دارد و من یکی بیش ندارم اما او اصرار می کند که: این یکی را هم به من واگذار؛ و در سخن بر من غلبه کرده است!» (* 23) _ (داوود) گفت: «مسلماً او با درخواست یک میس تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند؛ اما عده آنان کم است!» داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد. (* 24) _ ما این عمل را بر او بخشیدیم؛ و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست!
(* 25) _ ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند! (* 26) _ ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ و ای بر کافران از آتش (دوزخ)! (* 27) _ آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار می دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! (* 28) _ این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند! (* 29) _ ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می کرد (و به یاد او بود)! (* 30) _ به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند، (* 31) _ گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم»، او همچنان به آنها نگاه می کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (* 32) _ (آنها به قدری جالب بودند که گفت: بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد). (* 33) _ ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم؛ سپس او به درگاه خداوند توبه کرد. (* 34) _ گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده ای! (* 35) _ پس ما باد را مسخرّ او ساختیم تا به فرمانش برمی حرکت کند و به هر جا او می خواهد برود! (* 36) _ و شیاطین را مسخرّ او کردیم، هر بنا و غواصی از آنها را! (* 37) _ و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم، (* 38) _ (و به او گفتیم: این عطای ما است، به هر کس می خواهی (و صلاح می بینی) ببخش، و از هر کس می

خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)! (* 39_ و برای او = سلیمان] نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیکوست! (* 40_ و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. (* 41_ (به او گفتیم: پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است! (* 42_ و خانواده اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان. (* 43_ (و به او گفتیم: بسته ای از ساقه های گندم (یا مانند آن) را بگیر و با آن (همسرت را) بزن و سوگند خود را مشکن! ما او را شکیبیا یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت کننده (به سوی خدا) بود! (* 44_ و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستها (ی نیرومند) و چشمها (ی بینا)! (* 45_ ما آنها را با خلوص ویژه ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود! (* 46_ و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند! (* 47_ و به خاطر بیاور «اسماعیل» و «الیسع» و «ذا الکفل» را که همه از نیکان بودند! (* 48_ این یک یادآوری است، و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است: (* 49_ باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است، (* 50_ در حالی که در آن بر تختها تکیه کرده اند و میوه های بسیار و نوشیدنیها در اختیار آنان است! (* 51_ و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته اند، و همسن و سالند! (* 52_ این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می شود (وعده ای تخلف ناپذیر)! (* 53_ این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست! (* 54_ این (یاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است: (* 55_ دوزخ، که در آن وارد می شوند؛ و چه بستر بدی است! (* 56_ این نوشابه «حمیم» و «غساق» است = دو مایع سوزان و تیره رنگ [که باید از آن بچشند! (* 57_ و جز اینها کیفیهای دیگری همانند آن دارند! (* 58_ (به آنان گفته می شود: این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می شوند (اینها همان سران گمراهیند؛ خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت! (* 59_ آنها (به رؤسای خود) می گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای ما فراهم ساختید! چه بد قرارگاهی است اینجا!» (* 60_ (سپس) می گویند: «پروردگارا! هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزاید!» (* 61_ آنها می گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ) نمی بینیم؟! (* 62_ آیا ما آنان را به مسخره گرفتیم یا (به اندازه ای حقیرند که) چشمها آنها را نمی بیند؟! (* 63_ این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان! (* 64_ بگو: «من تنها یک بیم دهنده ام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهار نیست! (* 65_ پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفار!» (* 66_ بگو: «این خبری بزرگ است، (* 67_ که شما از آن روی گردانید! (* 68_ من از ملاً اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) مخاصمه می کردند خبر ندارم! (* 69_ تنها چیزی که به من وحی می شود این است که من اندازکننده آشکاری هستم!» (* 70_ و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می آفرینم! (* 71_ هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!» (* 72_ در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، (* 73_ جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! (* 74_ گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)» (* 75_ گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل!» (* 76_ فرمود: «از آسمانها (و

صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی! (*) 77_ و مسلماً لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود! (*)
 78_ گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می شوند مهلت ده!» (*) 79_ فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی، (*) 80_ ولی تا روز و زمان معین!» (*) 81_ گفت: «به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، (*)
 82_ مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!» (*) 83_ فرمود: «به حق سوگند، و حق می گویم، (*) 84_ که جهنم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!» (*) 85_ (ای پیامبر!) بگو: «من برای دعوت نبوت هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، و من از متکلفین نیستم! (سخناتم روشن و همراه با دلیل است!)» (*) 86_ این (قرآن) تذکری برای همه جهانیان است؛ (*) 87_ و خبر آن را بعد از مدتی می شنوید! (*) 88_

(سوره زمر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. (*) 1_ ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان! (*) 2_ آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «اینها را نمی پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند؛ خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است هرگز هدایت نمی کند! (*) 3_ اگر (فرض محال) خدا می خواست فرزندی انتخاب کند، از میان مخلوقاتش آنچه را می خواست برمیگزید؛ منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)؛ او خداوند یکتای پیروز است! (*) 4_ آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ شب را بر روز می پیچد و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را مسخر فرمان خویش قرار داد؛ هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می دهند؛ آگاه باشید که او قادر و آمرزنده است! (*) 5_ او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از (باقیمانده گل) او خلق کرد؛ و برای شما هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد؛ او شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکیهای سه گانه، می بخشد! این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه از راه حق منحرف می شوید؟! (*) 6_ اگر کفران کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز کفران را برای بندگان نمی پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می پسندد! و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد! سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می دادید آگاه می سازد؛ چرا که او به آنچه در سینه هاست آگاه است! (*)
 7_ هنگامی که انسان را زبانی رسد، پروردگار خود را می خواند و بسوی او باز می گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از

خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلاً خدا را می خواند از یاد می برد و برای خداوند همتیانی قرار می دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی!» (* 8) (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می شوند!» (* 9) بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند (* 10) بگو: «من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم، (* 11) و مأمورم که نخستین مسلمان باشم!» (* 12) بگو: «من اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم!» (* 13) بگو: «من تنها خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می کنم. (* 14) شما هر چه را جز او می خواهید بپرستید!» بگو: «زیانکاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده اند! آگاه باشید زبان آشکار همین است!» (* 15) برای آنان از بالای سرشان سایبانهایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبانهایی از آتش است؛ این چیزی است که خداوند با آن بندگان را می ترساند! ای بندگان من! از نافرمانی من بپرهیزید! (* 16) و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست؛ پس بندگان مرا بشارت ده! (* 17) همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند. (* 18) آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو میتوانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟! (* 19) ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه هایی در بهشت دارند که بر فراز آنها غرفه های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلف نمی کند! (* 20) آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می سازد که رنگهای مختلف دارد؛ بعد آن گیاه خشک می شود، بگونه ای که آن را زرد و بی روح می بینی؛ سپس آن را در هم می شکند و خرد می کند؛ در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا)! (* 21) آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟! وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند! (* 22) خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می ترسند می افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می شود؛ این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می کند؛ و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود! (* 23) آیا کسی که با صورت خود عذاب دردناک (الهی) را در روز قیامت دور می سازد (همانند کسی است که هرگز آتش دوزخ به او نمی رسد؟! و به ظالمان گفته می شود: «بچشید آنچه را به دست می آوردید (و انجام می دادید)!» (* 24) کسانی که قبل از آنها بودند نیز (آیات ما را) تکذیب نمودند، و عذاب (الهی) از جایی که فکر نمی کردند به سراغشان آمد! (* 25) پس خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشانید، و عذاب آخرت شدیدتر است اگر می دانستند. (* 26) ما برای مردم در

این قرآن از هر نوع مثلی زدیم، شاید متذکر شوند. (* 27_ قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه کنند! (* 28_ خداوند مثالی زده است: مردی را که مملوک شریکانی است که درباره او پیوسته با هم به مشاجره مشغولند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است؛ آیا این دو یکسانند؟! حمد، مخصوص خداست، ولی بیشتر آنان نمی دانند. (* 29_ تو می میری و آنها نیز خواهند مرد! (* 30_ سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه می کنید. (* 31_ پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟! (* 32_ اما کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارند! (* 33_ آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است؛ و این است جزای نیکوکاران! (* 34_ تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده اند (در سایه ایمان و صداقت آنها) بیمارزد، و آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش دهد! (* 35_ آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟! اما آنها تو را از غیر او می ترسانند. و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت کننده ای ندارد! (* 36_ و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه کننده ای نخواهد داشت آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟! (* 37_ و اگر از آنها پرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟» حتماً می گویند: «خدا!» بگو: «آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می خوانید اندیشه می کنید که اگر خدا زبانی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند جلو رحمت او را بگیرند؟!» بگو: «خدا مرا کافی است؛ و همه متوکلان تنها بر او توکل می کنند!» (* 38_ بگو: «ای قوم من! شما هر چه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفه خود عمل می کنم؛ اما بزودی خواهید دانست... (* 39_ چه کسی عذاب خوارکننده ای (در دنیا) به سراغش می آید، و (سپس) عذابی جاویدان (در آخرت) بر او وارد می گردد!» (* 40_ ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم؛ هر کس هدایت را پذیرد به نفع خود اوست؛ و هر کس گمراهی را برگزیند، تنها به زیان خود گمراه می گردد؛ و تو مأمور اجبار آنها به هدایت نیستی. (* 41_ خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می کند، و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب می گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی گرداند تا سرآمدی معین؛ در این امر نشانه های روشنی است برای کسانی که اندیشه می کنند! (* 42_ آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته اند؟! به آنان بگو: «آیا (از آنها شفاعت می طلبید) هر چند مالک چیزی نباشند و درک و شعوری برای آنها نباشد؟!» (* 43_ بگو: «تمام شفاعت از آن خداست، (زیرا) حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست و سپس همه شما را به سوی او بازمی گردانند!» (* 44_ هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند مضمتر (و متنفر) می گردد؛ اما هنگامی که از معبودهای دیگر یاد می شود، آنان خوشحال می شوند. (* 45_ بگو: «خداوند! ای آفریننده آسمانها و زمین، و آگاه از اسرار نهان و آشکار، تو در میان بندگان در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهی کرد!» (* 46_ اگر ستمکاران تمام آنچه را روی زمین است مالک باشند و همانند آن بر آن افزوده شود، حاضرند همه را فدا کنند تا از عذاب شدید روز قیامت رهایی یابند؛ و از سوی خدا برای آنها اموری ظاهر می شود که هرگز گمان نمی کردند! (* 47_ در آن روز اعمال بدی را که انجام داده اند برای آنها آشکار می شود، و آنچه را استهزا می کردند بر آنها واقع می گردد. (* 48_ هنگامی که انسان را زبانی رسد، ما را (برای حل مشکلتش) می خواند؛ سپس هنگامی که از جانب خود

به او نعمتی دهیم، می گوید: «این نعمت را بخاطر کاردانی خودم به من داده اند؛ ولی این وسیله آزمایش (آنها) است، اما بیشترشان نمی دانند. (* 49) این سخن را کسانی که قبل از آنها بودند نیز گفتند، ولی آنچه را به دست می آوردند برای آنها سودی نداشت! (* 50) سپس بدیهای اعمالشان به آنها رسید؛ و ظالمان این گروه [= اهل مکه نیز بزودی گرفتار بدیهای اعمالی که انجام داده اند خواهند شد، و هرگز نمی توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند. (* 51) آیا آنها ندانستند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این، آیات و نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند. (* 52) بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (* 53) و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید! (* 54) و از بهترین دستورهائی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!» (* 55) (این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره کنندگان (آیات او) بودم!» (* 56) یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می کرد، از پرهیزگاران بودم!» (* 57) یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: «ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازمی گشتم و از نیکوکاران بودم!» (* 58) آری، آیات من به سراغ تو آمد، اما آن را تکذیب کردی و تکبر نمودی و از کافران بودی! (* 59) و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می بینی که صورتهایشان سیاه است؛ آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟! (* 60) و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غمگین نخواهند شد. (* 61) خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است. (* 62) کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند زیانکارانند. (* 63) بگو: «آیا به من دستور می دهید که غیر خدا را پرستم ای جاهلان؟!» (* 64) به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمالت تباه می شود و از زیانکاران خواهی بود! (* 65) بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش! (* 66) آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها پیچیده در دست او؛ خداوند منزّه و بلندمقام است از شریکهای که برای او می پندارند (* 67) و در «صور» دمیده می شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند. (* 68) و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه های اعمال را پیش می نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می سازند، و میان آنها بحق داوری می شود و به آنان ستم نخواهد شد! (* 69) و به هر کس آنچه انجام داده است بی کم و کاست داده می شود؛ و او نسبت به آنچه انجام می دادند از همه آگاهتر است. (* 70) و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند؛ وقتی به دوزخ می رسند، درهای آن گشوده می شود و نگهبانان دوزخ به آنها می گویند: «آیا رسولانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را بر حذر دارند؟!» می گویند: «آری، (پیامبران آمدند و آیات الهی را بر ما خواندند، و ما مخالفت کردیم!) ولی فرمان عذاب الهی بر کافران مسلّم شده است. (* 71) به آنان گفته می شود: «از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید؛ چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران!» (* 72) و

کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند؛ هنگامی که به آن می رسند درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنان می گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!» (* 73_ آنها می گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!» (* 74_ (در آن روز) فرشتگان را می بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده اند و با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند؛ و در میان بندگان بحق داوری می شود؛ و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!» (* 75_

(سوره مؤمن)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم. (* 1_ این کتابی است که از سوی خداوند قادر و دانا نازل شده است. (* 2_ خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و بازگشت (همه شما) تنها بسوی اوست. (* 3_ تنها کسانی که در آیات ما مجادله می کنند که (از روی عناد) کافر شده اند؛ پس مبادا رفت و آمد آنان در شهرها (و قدرت نمایی آنان) تو را بفریبد! (* 4_ پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ اما من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ بین که مجازات من چگونه بود! (* 5_ و این گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلم شده که آنها همه اهل آتشند! (* 6_ فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند): پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار! (* 7_ پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشت که به آنها وعده فرموده ای وارد کن، همچنین از پدران و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی! (* 8_ و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر کس را که در آن روز از بدیها نگاه داری، مشمول رحمت ساخته ای؛ و این است همان رستگاری عظیم! (* 9_ کسانی را که کافر شدند روز قیامت صدا می زند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است، چرا که بسوی ایمان دعوت می شدید، ولی انکار می کردید! (* 10_ آنها می گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم؛ آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟» (* 11_ این بخاطر آن

است که وقتی خداوند به یگانگی خوانده می شد انکار می کردید، و اگر برای او همتایی می پنداشتند ایمان می آوردید؛ اکنون داوری مخصوص خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و شما را مطابق عدل خود کیفر می دهد). (* 12_ او کسی است که آیات خود را به شما نشان می دهد و از آسمان برای شما روزی (با ارزشی) می فرستد؛ تنها کسانی متذکر این حقایق می شوند که بسوی خدا باز می گردند. (* 13_ تنها) خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هر چند کافران ناخشنود باشند! (* 14_ او درجات (بندگان صالح) را بالا می برد، او صاحب عرش است، روح مقدّس) را به فرمانش بر هر کس از بندگان که بخواهد القاء می کند تا (مردم را) از روز ملاقات [= روز رستاخیز] بیم دهد! (* 15_ روزی که همه آنان آشکار می شوند و چیزی از آنها بر خدا پنهان نخواهد ماند؛ (و گفته می شود): حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است! (* 16_ امروز هر کس در برابر کاری که انجام داده است پاداش داده می شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ خداوند سریع الحساب است! (* 17_ و آنها را از روز نزدیک بترسان، هنگامی که از شدت وحشت دلها به گلوگاه می رسد و تمامی وجود آنها مملو از اندوه می گردد؛ برای ستمکاران دوستی وجود ندارد، و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود. (* 18_ او چشמהایی را که به خیانت می گردد و آنچه را سینه ها پنهان می دارند، می داند. (* 19_ خداوند بحق داوری می کند، و معبودهایی را که غیر از او می خوانند هیچ گونه داوری ندارند؛ خداوند شنوا و بیناست! (* 20_ آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین از اینها برتر بودند؛ ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند! (* 21_ این برای آن بود که پیامبرانشان پیوسته با دلایل روشن به سراغشان می آمدند، ولی آنها انکار می کردند؛ خداوند هم آنان را گرفت (و کیفر داد) که او قوی و مجازاتش شدید است! (* 22_ ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم... (* 23_ بسوی فرعون و هامان و قارون؛ ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است!» (* 24_ و هنگامی که حق را از سوی ما برای آنها آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده اند بکشید و زنانشان را (برای اسارت و خدمت) زنده بگذارید!» اما نقشه کافران جز در گمراهی نیست (و نقش بر آب می شود). (* 25_ و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد برپا کند!» (* 26_ موسی گفت: «من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد!» (* 27_ و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می داشت گفت: «آیا می خواهید مردی را بکشید بخاطر اینکه می گوید: پروردگار من «الله» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! اگر دروغگو باشد، دروغش دامن خودش را خواهد گرفت؛ و اگر راستگو باشد، (لااقل) بعضی از عذابهایی را که وعده می دهد به شما خواهد رسید؛ خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی کند. (* 28_ ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروزید؛ اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟! فرعون گفت: «من جز آنچه را معتقدم به شما ارائه نمی دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی کنم! (دستور، همان قتل موسی است!)» (* 29_ آن مرد باایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم! (* 30_ و از عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرک و کفر و طغیان) می ترسم؛ و خداوند ظلم و ستمی بر بندگان نمی خواهد. (* 31_ ای قوم من!

من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را صدا می زنند (و از هم یاری می طلبند و صدایشان به جایی نمی رسد) بیمناکم! (* 32) همان روزی که روی می گردانید و فرار می کنید؛ اما هیچ پناهگاهی در برابر عذاب خداوند برای شما نیست؛ و هر کس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدایت کننده ای برای او نیست! (* 33) پیش از این یوسف دلایل روشن برای شما آورد، ولی شما همچنان در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید؛ تا زمانی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد! این گونه خداوند هر اسرافکار تردیدکننده ای را گمراه می سازد!

(* 34) همانها که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برایشان آمده باشد به مجادله برمی خیزند؛ (این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده اند به بار می آورد؛ این گونه خداوند بر دل هر متکبر جباری مهر می نهد! (* 35) فرعون گفت: «ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز، شاید به وسایلی دست یابم، (* 36) وسایل (صعود به) آسمانها تا از خدای موسی آگاه شوم؛ هر چند گمان می کنم او دروغگو باشد!» اینچنین اعمال بد فرعون در نظرش آراسته جلوه کرد و از راه حق باز داشته شد؛ و توطئه فرعون (و همفکران او) جز به نابودی نمی انجامد! (* 37) کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم. (* 38) ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است! (* 39) هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی شود؛ ولی هر کس کار شایسته ای انجام دهد - خواه مرد یا زن - در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می شوند و در آن روزی بی حسابی به آنها داده خواهد شد. (* 40) ای قوم من! چرا من شما را به سوی نجات دعوت می کنم، اما شما مرا بسوی آتش فرا می خوانید؟! (* 41) مرا دعوت می کنید که به خداوند یگانه کافر شوم و همتایی که به آن علم ندارم برای او قرار دهم، در حالی که من شما را بسوی خداوند عزیز غفار دعوت می کنم! (* 42) قطعاً آنچه مرا بسوی آن می خوانید، نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا دارد و نه در آخرت؛ و تنها بازگشت ما در قیامت بسوی خداست؛ و مسرفان اهل آتشند! (* 43) و بزودی آنچه را به شما می گویم به خاطر خواهید آورد! من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست!» (* 44) خداوند او را از نقشه های سوء آنها نکه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد! (* 45) عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می فرماید): «آل فرعون را در سخت ترین عذابها وارد کنید!» (* 46) به خاطر بیاور هنگامی را که در آتش دوزخ با هم محاجّه می کنند؛ ضعیفان به مستکبران می گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را بجای ما پذیرا می شوید؟! (* 47) مستکبران می گویند: «ما همگی در آن هستیم، زیرا خداوند در میان بندگانش (عدالت) حکم کرده است!» (* 48) و آنها که در آتشند به مأموران دوزخ می گویند: «از پروردگارتان بخواهید یک روز عذاب را از ما بردارد!» (* 49) آنها می گویند: «آیا پیامبران شما دلایل روشن برایتان نیاوردند؟!» می گویند: «آری!» آنها می گویند: «پس هر چه می خواهید (خدا را) بخوانید؛ ولی دعای کافران (به جایی نمی رسد و) جز در ضلالت نیست!» (* 50) ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! (* 51) روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد؛ و لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای آنان است. (* 52) و ما به موسی هدایت بخشیدیم، و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم. (* 53) کتابی که مایه هدایت و تذکر برای صاحبان عقل بود! (* 54) پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است، و برای گناهت استغفار کن، و هر صبح و شام

تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور! (*) 55_ کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد ستیزه جویی می کنند، در سینه هایشان فقط تکبر (و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید، پس به خدا پناه بر که او شنوا و بیناست! (*) 56_ آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش انسانها مهمتر است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (*) 57_ هرگز نابینا و بینا یکسان نیستند؛ همچنین کسانی که ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده اند با بدکاران یکسان نخواهند بود؛ اما کمتر متذکر می شوید! (*) 58_ روز قیامت به یقین آمدنی است، و شکّی در آن نیست؛ ولی اکثر مردم ایمان نمی آورند! (*) 59_ پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلّت وارد دوزخ می شوند!» (*) 60_ خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید، و روز را روشنی بخش قرار داد؛ خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند! (*) 61_ این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده همه چیز است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه از راه حق منحرف می شوید؟! (*) 62_ اینچنین کسانی که آیات خدا را انکار می کردند (از راه راست) منحرف می شوند! (*) 63_ خداوند کسی است که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بالای سرتان)؛ و شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید؛ و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد؛ این است خداوند پروردگار شما! جاوید و پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است! (*) 64_ زنده (واقعی) اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (*) 65_ بگو: «من نهی شده ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است؛ و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!» (*) 66_ او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را بصورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می فرستد، بعد به مرحله کمال قوت خود می رسید، و بعد از آن پیر می شوید و (در این میان) گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می میرند و در نهایت به سرآمد عمر خود می رسید؛ و شاید تعقل کنید! (*) 67_ او کسی است که زنده می کند و می میراند؛ و هنگامی که کاری را مقرر کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!» بی درنگ موجود می شود! (*) 68_ آیا ندیدی کسانی را که در آیات خدا مجادله می کنند، چگونه از راه حق منحرف می شوند؟! (*) 69_ همان کسانی که کتاب (آسمانی) و آنچه رسولان خود را بدان فرستاده ایم تکذیب کردند؛ اما بزودی (نتیجه کار خود را) می دانند! (*) 70_ در آن هنگام که غل و زنجیرها بر گردن آنان قرار گرفته و آنها را می کشند... (*) 71_ و در آب جوشان وارد می کنند؛ سپس در آتش دوزخ افروخته می شوند! (*) 72_ سپس به آنها گفته می شود: «کجا ایند آنچه را همتای خدا قرار می دادید، (*) 73_ همان معبودهایی را که جز خدا پرستش می کردید؟! آنها می گویند: «همه از نظر ما پنهان و گم شدند؛ بلکه ما اصلاً پیش از این چیزی را پرستش نمی کردیم!» این گونه خداوند کافران را گمراه می سازد! (*) 74_ این (عذاب) بخاطر آن است که بناحق در زمین شادی می کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می پرداختید! (*) 75_ از درهای جهنّم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید؛ و چه بد است جایگاه متکبران! (*) 76_ پس (ای پیامبر) صبر کن که وعده خدا حقّ است؛ و هرگاه قسمتی از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده ایم در حال حیاتت به تو ارائه دهیم، یا تو را (پیش از آن) از دنیا ببریم (مهم نیست)؛ چرا که همه آنان را تنها بسوی ما باز می گردانند! (*) 77_ ما پیش از تو

رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده ایم؛ و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه ای جز بفرمان خدا بیاورد و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات آنها) صادر شود، بحق داوری خواهد شد؛ و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد! (*) 78_ خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید. (*) 79_ و برای شما در آنها منافع بسیاری (جز اینها) است، تا بوسیله آنها به مقصدی که در دل دارید برسید؛ و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید. (*) 80_ او آیتش را همواره به شما نشان می دهد؛ پس کدام یک از آیات او را انکار می کنید؟! (*) 81_ آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! همانها که نفراتشان از اینها بیشتر، و نیرو و آتارشان در زمین فروتر بود؛ اما هرگز آنچه را به دست می آوردند نتوانست آنها را بی نیاز سازد (و عذاب الهی را از آنان دور کند)! (*) 82_ هنگامی که رسولان نشان دلایل روشنی برای آنان آوردند، به دانشی که خود داشتند خوشحال بودند (و غیر آن را هیچ می شمردند)؛ ولی آنچه را (از عذاب) به تمسخر می گرفتند آنان را فراگرفت! (*) 83_ هنگامی که عذاب (شدید) ما را دیدند گفتند: «هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می شمردیم کافر شدیم!» (*) 84_ اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت! این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند! (*) 85_

(سوره فصلت)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (*) 1_ این کتابی است که از سوی خداوند رحمان و رحیم نازل شده است؛ (*) 2_ کتابی که آیتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده، در حالی که فصیح و گویاست برای جمعیتی که آگاهند! (*) 3_ قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است؛ ولی بیشتر آنان روی گردان شدند؛ از این رو چیزی نمی شنوند! (*) 4_ آنها گفتند: «قلبهای ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنی در پوششهایی قرار گرفته و در گوشهای ما سنگینی است، و میان ما و تو حجابی وجود دارد؛ پس تو بدنبال عمل خود باش، ما هم برای خود عمل می کنیم!» (*) 5_ بگو: من فقط انسانی مثل شما هستم؛ این حقیقت بر من وحی می شود که معبود شما معبودی یگانه است؛ پس تمام توجه خویش را به او کنید و از وی آموزش طلبید؛ وای بر مشرکان! (*) 6_ همانها که زکات را نمی پردازند، و آخرت را منکرند! (*) 7_ اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند! (*) 8_ بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می دهید؟! او پروردگار جهانیان است! (*) 9_ او در زمین کوه های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود، - ینها همه در چهار روز بود - درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان! (*) 10_ سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آید (و شکل بگیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت می آییم

(و شکل می گیریم!)» (* 11_ در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی [= ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا! (* 12_ اگر آنها روی گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه ای همانند صاعقه عاد و ثمود می ترسانم! (* 13_ در آن هنگام که رسولان از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت کردند) که جز خدا را نپرستید آنها گفتند: «اگر پروردگار ما می خواست فرشتگانی نازل می کرد؛ از این رو ما به آنچه شما مبعوث به آن هستید کافریم!» (* 14_ اما قوم عاد بناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟!» آیا نمی دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قویتر است؟ و (به خاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می کردند. (* 15_ سرانجام تبدیادی شدید و هول انگیز و سرد و سخت در روزهایی شوم و پرغبار بر آنها فرستادیم تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم؛ و عذاب آخرت از آن هم خوارکننده تر است، و (از هیچ طرف) یاری نمی شوند! (* 16_ اما ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها ناپیایی را بر هدایت ترجیح دادند؛ به همین جهت صاعقه - آن عذاب خوارکننده - به خاطر اعمالی که انجام می دادند آنها را فروگرفت! (* 17_ و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات بخشیدیم! (* 18_ به خاطر بیابورید روزی را که دشمنان خدا را جمع کرده به سوی دوزخ می برند، و صفوف پیشین را نگه می دارند (تا صفهای بعد به آنها ملحق شوند!) (* 19_ وقتی به آن می رسند، گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به آنچه می کردند گواهی می دهند. (* 20_ آنها به پوستهای تنشان می گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته؛ و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست!» (* 21_ شما اگر گناهاتتان را مخفی می کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهای تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می دهید نمی داند! (* 22_ آری این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما گردید، و سرانجام از زیانکاران شدید! (* 23_ اگر صبر کنید (با نکنند، به هر حال) دوزخ جایگاه آنهاست؛ و اگر تقاضای عفو کنند، مورد عفو قرار نمی گیرند! (* 24_ ما برای آنها همنشینانی (زشت سیرت) قرار دادیم که زشتیها را از پیش رو و پشت سر آنها در نظرشان جلوه دادند؛ و فرمان الهی در باره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جنّ و انس که قبل از آنها بودند گرفتار شدند؛ آنها مسلماً زیانکار بودند! (* 25_ کافران گفتند: «گوش به این قرآن فرانهید؛ و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!» (* 26_ به یقین به کافران عذاب شدیدی می چشمانیم، و آنها را به بدترین اعمالی که انجام می دادند کیفر می دهیم! (* 27_ این آتش کیفر دشمنان خدا است، سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخاطر اینکه آیات ما را انکار می کردند. (* 28_ کافران گفتند: «پروردگارا! آنهايي که از جنّ و انس ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا زیر پای خود نهیم (و لگدمالشان کنیم) تا از پست ترین مردم باشند!» (* 29_ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!» (* 30_ ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم؛ و برای شما هر چه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است، و هر چه طلب کنید به شما داده می شود! (* 31_ اینها وسیله پذیرایی از سوی خداوند غفور و رحیم است!» (* 32_ چه کسی خوش گفتارتر است

از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: «من از مسلمانانم؟! (* 33_هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! (* 34_ اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی گردند! (* 35_ و هرگاه وسوسه هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست! (* 36_ و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر می خواهید او را بپرستید! (* 37_ و اگر (از عبادت پروردگار) تکبر کنید، کسانی که نزد پروردگار تو هستند شب و روز برای او تسبیح می گویند و خسته نمی شوند! (* 38_ و از آیات او این است که زمین را خشک (و بی جان) می بینی، اما هنگامی که آب (باران) بر آن می فرستیم به جنبش درمی آید و نمو می کند؛ همان کسی که آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می کند؛ او بر هر چیز تواناست! (* 39_ کسانی که آیات ما را تحریف می کنند بر ما پوشیده نخواهند بود! آیا کسی که در آتش افکنده می شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان در قیامت به عرصه محشر می آید؟! هر کاری می خواهید بکنید، او به آنچه انجام می دهید بیناست! (* 40_ کسانی که به این ذکر [= قرآن] هنگامی که به سراغشان آمد کافر شدند (نیز بر ما مخفی نخواهد ماند)! و این کتابی است قطعاً شکست ناپذیر... (* 41_ که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است! (* 42_ آنچه به ناروا درباره تو می گویند همان است که درباره پیامبران قبل از تو نیز گفته شده؛ پروردگار تو دارای مغفرت و (هم) دارای مجازات دردناکی است! (* 43_ هرگاه آن را قرآنی عجمی قرار می دادیم حتماً می گفتند: «چرا آیاتش روشن نیست؟! قرآن عجمی از پیغمبری عربی؟!» بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و درمان است؛ ولی کسانی که ایمان نمی آورند، در گوشه هایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی بینند؛ آنها (همچون کسانی هستند که گوئی) از راه دور صدا زده می شوند!» (* 44_ ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمانی از ناحیه پروردگارت در این باره صادر نشده بود (که باید به آنان مهلت داد تا اتمام حجت شود)، در میان آنها داوری می شد (و به کيفر می رسیدند)؛ ولی آنها هنوز درباره آن شکّی تهمت انگیز دارند! (* 45_ کسی که عمل صالحی انجام دهد، سودش برای خود اوست؛ و هر کس بدی کند، به خویشتن بدی کرده است؛ و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی کند! (* 46_ علم به قیامت (و لحظه وقوع آن) تنها به خدا بازمی گردد؛ هیچ میوه ای از غلاف خود خارج نمی شود، و هیچ زنی باردار نمی گردد و وضع حمل نمی کند مگر به علم او؛ و آن روز که آنها را ندا می دهد (و می گوید): کجا پند شریکانی که برای من می پنداشتید؟! می گویند: «پروردگارا! ما عرضه داشتیم که هیچ گواهی بر گفته خود نداریم!» (* 47_ و همه معبودانی را که قبلاً می خواندند محو و گم می شوند؛ و می دانند هیچ گریزگاهی ندارند! (* 48_ انسان هرگز از تقاضای نیکی (و نعمت) خسته نمی شود؛ و هرگاه شرّ و بدی به او رسد، بسیار مأیوس و نومید می گردد! (* 49_ و هرگاه او را رحمتی از سوی خود بعد از ناراحتی که به او رسیده بچشانیم می گوید: «این بخاطر شایستگی و استحقاق من بوده، و گمان نمی کنم قیامت برپا شود؛ و (بفرض که قیامتی باشد)، هرگاه بسوی پروردگارم بازگردانده شوم، برای من نزد او پادشاهای نیک است. ما کافران را از اعمالی که انجام داده اند (بزودی) آگاه خواهیم کرد و از عذاب شدید به آنها می چشانیم. (* 50_ و هرگاه به انسان (غافل و بی خبر) نعمت دهیم، روی می

گرداند و به حال تکبر از حق دور می شود؛ ولی هرگاه مختصر ناراحتی به او رسد، تقاضای فراوان و مستمر (برای بر طرف شدن آن) دارد! (* 51_ بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراهتر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی قرار دارد؟! (* 52_ به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! (* 53_ آگاه باشید که آنها از لقای پروردگارشان در شک و تردیدند؛ و آگاه باشید که خداوند به همه چیز احاطه دارد! (* 54_

(سوره شوری)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم. (* 1_ عشق. (* 2_ این گونه خداوند عزیز و حکیم به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی می کند. (* 3_ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ و او بلندمرتبه و بزرگ است! (* 4_ نزدیک است آسمانها (بخاطر نسبتهای ناروای مشرکان) از بالا متلاشی شوند و فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند؛ آگاه باشید خداوند آمرزنده و مهربان است. (* 5_ کسانی که غیر خدا را ولی خود انتخاب کردند، خداوند حساب همه اعمال آنها را نگه می دارد؛ و تو مأمور نیستی که آنان را مجبور به قبول حق کنی! (* 6_ و این گونه قرآنی عربی [= فصیح و گویا] را بر تو وحی کردیم تا «امّ القری» [= مکه] و مردم پیرامون آن را انداز کنی و آنها را از روزی که همه خلائق در آن روز جمع می شوند و شک و تردید در آن نیست بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان! (* 7_ و اگر خدا می خواست همه آنها را امت واحدی قرار می داد (و به زور هدایت می کرد، ولی هدایت اجباری سودی ندارد)؛ اما خداوند هر کس را بخواهد در رحمتش وارد می کند، و برای ظالمان ولی و یآوری نیست. (* 8_ آیا آنها غیر از خدا را ولی خود برگزیدند؟! در حالی که «ولی» فقط خداوند است و اوست که مردگان را زنده می کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست! (* 9_ در هر چیز اختلاف کنید، داوریش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی گردم! (* 10_ او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [= بوسیله همسران] زیاد می کند؛ هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست! (* 11_ کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد یا محدود می سازد؛ او به همه چیز داناست. (* 12_ آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان

را به سویی دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند.

(* 13_ آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد؛ و این تفرقه جویی بخاطر انحراف از حق (و عداوت و حسد) بود؛ و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معینی (زنده و آزاد) باشند، در میان آنها داوری می شد؛ و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شک و تردیدند، شکی همراه با بدبینی! (* 14_ پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچه که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست!»

(* 15_ کسانی که (از روی لجابت) درباره خدا بعد از پذیرفتن (و ایمان به) او، محاجّه می کنند، دلیلشان نزد پروردگارش باطل و بی پایه است؛ و غضب بر آنهاست و عذابی شدید دارند. (* 16_ خداوند کسی است که کتاب را بحق نازل کرد و میزان (سنجش حق و باطل و خبر قیامت) را نیز؛ تو چه می دانی شاید ساعت (قیام قیامت) نزدیک باشد! (* 17_ کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن شتاب می کنند؛ ولی آنها که ایمان آورده اند پیوسته از آن هراسانند، و می دانند آن حق است؛ آگاه باشید کسانی که در قیامت تردید می کنند، در گمراهی عمیقی هستند. (* 18_ خداوند نسبت به بندگان لطف (و آگاهی) دارد؛ هر کس را بخواهد روزی می دهد و او قوی و شکست ناپذیر است! (* 19_ کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می دهیم و بر محصولش می افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارد! (* 20_ آیا معبودانی دارند که بی اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته اند؟! اگر مهلت معینی برای آنها نبود، در میانشان داوری می شد (و دستور عذاب صادر می گشت) و برای ظالمان عذاب دردناکی است! (* 21_ (در آن روز) ستمگران را می بینی که از اعمالی که انجام داده اند سخت بیمناکند، ولی آنها را فرامی گیرد! اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند در باغهای بهشتند و هر چه بخواهند نزد پروردگارش برای آنها فراهم است؛ این است فضل (و بخشش) بزرگ!

(* 22_ این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزایم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. (* 23_ آیا می گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می نهد (و اگر خلاف بگویی قدرت اظهار این آیات را از تو می گیرد) و باطل را محو می کند و حق را بفرمانش پابرجا می سازد؛ چرا که او از آنچه درون سینه هاست آگاه است. (* 24_ او کسی است که توبه را از بندگان می پذیرد و بدیها را می بخشد، و آنچه را انجام می دهید می داند. (* 25_ و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد و از فضل خود بر آنها می افزاید؛ اما برای کافران عذاب شدیدی است! (* 26_ هرگاه خداوند روزی را برای بندگان وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می کنند؛ از این رو بمقداری که می خواهد (و مصلحت می داند) نازل می کند، که نسبت به بندگان آگاه و بیناست! (* 27_ او کسی است که باران سودمند را پس از آنکه مایوس شدند نازل می کند و رحمت خویش را می گستراند؛ و او ولیّ و (سرپرست) و ستوده است! (* 28_ و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و

آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها تواناست! (*) 29_ هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند! (*) 30_ و شما هرگز نمی توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولی و یآوری برای شما نیست. (*) 31_ از نشانه های او کشتیهایی است که در دریا همچون کوه ها به نظر می رسند! (*) 32_ اگر او اراده کند، باد را ساکن می سازد تا آنها بر پشت دریا بی حرکت بمانند؛ در این نشانه هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار! (*) 33_ یا اگر بخواهد آنها را بخاطر اعمالی که سرنشینانش مرتکب شده اند نابود می سازد؛ و در عین حال بسیاری را می بخشد. (*) 34_ کسانی که در آیات ما مجادله می کنند بدانند هیچ گریزگاهی ندارند! (*) 35_ آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند بهتر و پایدارتر است. (*) 36_ همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می کنند. (*) 37_ و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند، (*) 38_ و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی شوند و) یاری می طلبند! (*) 39_ کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد! (*) 40_ و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست؛ (*) 41_ ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و در زمین بناحق ظلم روا می دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است! (*) 42_ اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است! (*) 43_ کسی را که خدا گمراه کند، ولی و یآوری جز او نخواهد داشت؛ و ظالمان را (روز قیامت) می بینی هنگامی که عذاب الهی را مشاهده می کنند میگویند: «آیا راهی به سوی بازگشت (و جبران) وجود دارد؟!» (*) 44_ و آنها را می بینی که بر آتش عرضه می شوند در حالی که از شدت مذلت خاشعند و زیر چشمی (به آن) نگاه می کنند؛ و کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «زینکاران واقعی آناند که خود و خانواده خویش را روز قیامت از دست داده اند؛ آگاه باشید که ظالمان (آن روز) در عذاب دائمند!» (*) 45_ آنها جز خدا اولیا و یاورانی ندارند که یاریشان کنند؛ و هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی برای او نیست! (*) 46_ اجابت کنید دعوت پروردگار خود را پیش از آنکه روزی فرا رسد که بازگشتی برای آن در برابر اراده خدا نیست؛ و در آن روز، نه پناهگاهی دارید و نه مدافعی! (*) 47_ و اگر روی گردان شوند (غمگین مباش)، ما تو را حافظ آنان (و مأمور اجبارشان) قرار نداده ایم؛ وظیفه تو تنها ابلاغ رسالت است! و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می شود، و اگر بلایی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنها رسد (به کفران می پردازند)، چرا که انسان بسیار کفران کننده است! (*) 48_ مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر چه را بخواهد می آفریند؛ به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس بخواهد پسر، (*) 49_ یا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - را برای آنان جمع میکند و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد؛ زیرا که او دانا و قادر است. (*) 50_ و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می فرستد و فرمان او آنچه را بخواهد وحی می کند؛ چرا که او بلندمقام و حکیم است! (*) 51_ همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم؛ تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی)؛ ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش

را بخواهیم هدایت می‌کنیم؛ و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی. (*) 52_ راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ آگاه باشید که همه کارها تنها بسوی خدا بازمی‌گردد! (*) 53_

(سوره زخرف)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم. (*) 1_ سوگند به کتاب مبین (و روشنگر)، (*) 2_ که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! (*) 3_ و آن در «امّ الکتاب» = لوح محفوظ [نزد ما بلندپایه و استوار است! (*) 4_ آیا این ذکر = قرآن] را از شما بازگیریم بخاطر اینکه قومی اسرافکارید؟! (*) 5_ چه بسیار پیامبرانی که (برای هدایت) در میان اقوام پیشین فرستادیم؛ (*) 6_ ولی هیچ پیامبری به سوی آنها نمی‌آمد مگر اینکه او را استهزا می‌کردند. (*) 7_ ولی ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند هلاک کردیم، و داستان پیشینیان گذشت. (*) 8_ هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» (*) 9_ مسلماً می‌گویند: «خداوند قادر و دانا آنها را آفریده است!» همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرار داد، و برای شما در آن راه‌هایی آفرید باشد، که هدایت شوید (و به مقصد برسید)! (*) 10_ همان کسی که از آسمان آبی فرستاد بمقدار معین، و بوسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم؛ همین گونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می‌سازند! (*) 11_ و همان کسی که همه زوجها را آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان مرکبایی قرارداد که بر آن سوار می‌شوید، (*) 12_ تا بر پشت آنها بخوبی قرار گیرید؛ سپس هنگامی که بر آنها سوار شدید، نعمت پروردگارتان را متذکر شوید و بگویید: «پاک و منزّه است کسی که این را مسخرّ ما ساخت، و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ (*) 13_ و ما به سوی پروردگاران بازمی‌گردیم!» (*) 14_ آنها برای خداوند از میان بندگانش جزئی قرار دادند (و ملائکه را دختران خدا خواندند)؛ انسان کفران‌کننده آشکاری است! (*) 15_ آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود انتخاب کرده و پسران را برای شما برگزیده است؟! (*) 16_ در حالی که هرگاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده = به تولّد دختر [بشارت دهند، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود و خشمگین می‌گردد! (*) 17_ آیا کسی را که در لابلای زینتها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می‌خوانید)؟! (*) 18_ آنها فرشتگان را که بندگان خداوند رحمانند مؤنث پنداشتند؛ آیا شاهد آفرینش آنها بوده‌اند؟! گواهی آنان نوشته می‌شود و (از آن) بازخواست خواهند شد! (*) 19_ آنان گفتند: «اگر خداوند رحمان می‌خواست ما آنها را پرستش نمی‌کردیم!» ولی به این امر هیچ گونه علم و یقین ندارند و جز دروغ چیزی نمی‌گویند! (*) 20_ یا اینکه ما کتابی پیش از این به آنان داده ایم و آنها به آن تمسک می‌جویند؟! (*) 21_ بلکه آنها می‌گویند: «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته ایم.» (*) 22_ و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر اندازکننده ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.» (*) 23_ (پیامبرشان) گفت: «آیا اگر

من آیینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می کنید؟! گفتند: «آری، ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم!») (* 24_ به همین جهت از آنها انتقام گرفتیم؛ بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود!) (* 25_ و به خاطر بی‌اور هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش آزر] و قومش گفت: «من از آنچه شما می پرستید بیزارم. (* 26_ مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایت‌م خواهد کرد!») (* 27_ او کلمه توحید را کلمه پاینده ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند!) (* 28_ ولی من این گروه و پدرانشان را از مواهب دنیا بهره مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار (الهی) به سراغشان آمد؛ (* 29_ هنگامی که حق به سراغشان آمد؛ گفتند: «این سحر است، و ما نسبت به آن کافریم!») (* 30_ و گفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟!») (* 31_ آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون نمایند)؛ و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می کنند بهتر است!) (* 32_ اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می شدند خانه هایی قرار می دادیم با سقفهایی از نقره و نردبانهایی که از آن بالا روند، (* 33_ و برای خانه هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره ای) قرار می دادیم که بر آن تکیه کنند؛ (* 34_ و انواع زیورها؛ ولی تمام اینها بهره زندگی نداشت، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است!) (* 35_ و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست!) (* 36_ و آنها [= شیاطین] این گروه را از راه خدا بازمی دارند، در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند!) (* 37_ تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر شود می گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود؛ چه بد همنشینی بودی!) (* 38_ ولی به آنها می گویم: هرگز این گفتگوها امروز به حال شما سودی ندارد، چرا که ظلم کردید؛ و همه در عذاب مشترکید!) (* 39_ (ای پیامبر!) آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری هستند هدایت کنی؟! (* 40_ و هرگاه تو را از میان آنها ببریم، حتماً از آنان انتقام خواهیم گرفت؛ (* 41_ یا اگر (زنده بمانی و) و آنچه را (از عذاب) به آنان وعده داده ایم به تو نشان دهیم، باز ما بر آنها مسلطیم!) (* 42_ آنچه را بر تو وحی شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیمی. (* 43_ و این مایه یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است و بزودی سؤال خواهید شد. (* 44_ از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بیرس: آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای پرستش قرار دادیم؟! (* 45_ ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و درباریان او فرستادیم؛ (موسی به آنها) گفت: «من فرستاده پروردگار جهانیانم» (* 46_ ولی هنگامی که او آیات ما را برای آنها آورد، به آن می خندیدند!) (* 47_ ما هیچ آیه (و معجزه ای) به آنان نشان نمی دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود؛ و آنها را به (انواع) عذاب گرفتار کردیم شاید باز گردند!) (* 48_ (وقتی گرفتار بلا می شدند می گفتند: «ای ساحر! پروردگارت را به عهدی که با تو کرده بخوان (تا ما را از این بلا برهاند) که ما هدایت خواهیم یافت (و ایمان می آوریم!)» (* 49_ اما هنگامی که عذاب را از آنها برطرف می ساختیم پیمان خود را می شکستند!) (* 50_ فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟» (* 51_ مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی تواند فصیح سخن بگوید برترم؟

(* 52) (اگر راست می گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده اند (تا گفتارش را تأیید کنند)؟! (* 53) (فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند! (* 54) اما هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم. (* 55) و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم. (* 56) و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد راه انداختند. (* 57) و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او» = مسیح؟! (اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده!) «ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال (و لجاج) برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه توز و پرخاشگرند!» (* 58) مسیح فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. (* 59) و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین (شما) گردند! (* 60) و او = مسیح [سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است)؛ هرگز در آن تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است! (* 61) و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، که او دشمن آشکار شماست! (* 62) و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آنها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده ام، و آمده ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم؛ پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید!» (* 63) خداوند پروردگار من و پروردگار شماست؛ (تنها) او را پرستش کنید که راه راست همین است!» (* 64) ولی گروه هایی از میان آنها (درباره مسیح) اختلاف کردند (و بعضی او را خدا پنداشتند)؛ وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک! (* 65) آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید در حالی که نمی فهمند؟ (* 66) دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران! (* 67) ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می شوید! (* 68) همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند. (* 69) (به آنها خطاب می شود): شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! (* 70) (این در حالی است که) ظرفها (غذا) و جامهای طلائی (شراب طهور) را گرداگرد آنها می گردانند؛ و در آن (بهشت) آنچه دلها می خواهد و چشمها از آن لذت می برد موجود است؛ و شما همیشه در آن خواهید ماند! (* 71) این بهشتی است که شما وارث آن می شوید بخاطر اعمالی که انجام می دادید! (* 72) و در آن برای شما میوه های فراوان است که از آن می خورید. (* 73) (ولی) مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می مانند. (* 74) هرگز عذاب آنان تخفیف نمی یابد، و در آنجا از همه چیز مأیوسند. (* 75) ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود ستمکار بودند! (* 76) آنها فریاد می کشند: «ای مالک دوزخ! (ای کاش) پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم)!» می گوید: «شما در این جا ماندنی هستید!» (* 77) ما حق را برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید! (* 78) بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند؛ ما نیز اراده محکمی (درباره آنها) داریم! (* 79) آیا آنان می پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها هستند و می نویسند! (* 80) بگو: «اگر برای خداوند فرزندی بود، من نخستین یرستنده او بودم!» (* 81) منزّه است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می کنند! (* 82) آنان را به حال خود واگذار تا در باطل غوطهور باشند و سرگرم بازی شوند تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند (و نتیجه کار خود را ببینند)! (* 83) او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود؛ و او حکیم و علیم است! (* 84) پر برکت و پایدار است کسی که

حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است از آن اوست؛ و آگاهی از قیام قیامت نزد اوست و به سوی او بازگردانده می شوید! (*) 85_ کسانی را که غیر از او می خوانند قادر بر شفاعت نیستند؛ مگر آنها که شهادت به حق داده اند و بخوبی آگاهند! (*) 86_ و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده، قطعاً می گویند: خدا؛ پس چگونه از عبادت او منحرف می شوند؟! (*) 87_ آنها چگونه از شکایت پیامبر که می گوید: «پروردگارا! اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند» غافل می شوند؟! (*) 88_ پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، اما بزودی خواهند دانست! (*) 89_

(سوره دخان)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (*) 1_ سوگند به این کتاب روشنگر، (*) 2_ که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انذارکننده بوده ایم! (*) 3_ در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد. (*) 4_ (آری، نزول قرآن) فرمانی بود از سوی ما؛ ما (محمد ص) را فرستادیم! (*) 5_ اینها همه بخاطر رحمتی است از سوی پروردگارت، که شنونده و داناست! (*) 6_ (همان) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، اگر اهل یقین هستید! (*) 7_ هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و می میراند؛ او پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست! (*) 8_ ولی آنها در شکند و (با حقایق) بازی می کنند. (*) 9_ پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد... (*) 10_ که همه مردم را فرامی گیرد؛ این عذاب دردناکی است! (*) 11_ (می گویند): پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می آوریم. (*) 12_ چگونه: و از کجا متذکر می شوند با اینکه رسول روشنگر (با معجزات و منطق روشن) به سراغشان آمد! (*) 13_ سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته ای دیوانه است!» (*) 14_ ما عذاب را کمی برطرف می سازیم، ولی باز به کارهای خود بازمی گردید! (*) 15_ (ما از آنها انتقام می گیریم) در آن روز که آنها را با قدرت خواهیم گرفت؛ آری ما انتقام گیرنده ایم! (*) 16_ ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغشان آمد، (*) 17_ (و به آنان گفت: امور) بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستاده امینی برای شما هستم! (*) 18_ و در برابر خداوند تکبر نورزید که من برای شما دلیل روشنی آورده ام! (*) 19_ و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا متهم کنید! (*) 20_ و اگر به من ایمان نمی آورید، از من کناره گیری کنید (و مانع ایمان آوردن مردم نشوید)! (*) 21_ (آنها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند، و موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه داشت: اینها قومی مجرمند! (*) 22_ (به او دستور داده شد): بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما

تعقیب می شوید! (*) 23_ (هنگامی که از دریا گذشتید) دریا را آرام و گشاده بگذار (و بگذر) که آنها لشکری غرق شده خواهند بود! (*) 24_ (سرانجام همگی نابود شدند و) چه بسیار باغها و چشمه ها که از خود به جای گذاشتند، (*) 25_ و زراعتها و قصرهای زیبا و گرانبه، (*) 26_ و نعمتهای فراوان دیگر که در آن (غرق) بودند! (*) 27_ اینچنین بود ماجرای آنان! و ما (موال و حکومت) اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم! (*) 28_ نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به آنها مهلتی داده شد! (*) 29_ ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلت بار رهایی بخشیدیم؛ (*) 30_ از فرعون که مردی متکبر و از اسرافکاران بود! (*) 31_ ما آنها را با علم (خویش) بر جهانیان برگزیدیم و برتری دادیم، (*) 32_ و آیتی (از قدرت خویش) را به آنها دادیم که آزمایش آشکاری در آن بود (ولی آنان کفران کردند و مجازات شدند)! (*) 33_ اینها [= مشرکان] می گویند: (*) 34_ «مرگ ما جز همان مرگ اول نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» (*) 35_ اگر راست می گویند پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید (تا گواهی دهند)! (*) 36_ آیا آنان بهترند یا قوم «تبع» و کسانی که پیش از آنها بودند؟! ما آنان را هلاک کردیم، چرا که مجرم بودند! (*) 37_ ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی هدف) نیافریدیم! (*) 38_ ما آن دو را جز بحق نیافریدیم؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (*) 39_ روز جدایی (حق از باطل) وعده گاه همه آنهاست! (*) 40_ روزی که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی کند، و از هیچ سو یاری نمی شوند؛ (*) 41_ مگر کسی که خدا او را مورد رحمت قرار داده، چرا که او عزیز و رحیم است! (*) 42_ مسلماً درخت زقوم... (*) 43_ غذای گنهکاران است، (*) 44_ همانند فلز گداخته در شکمها می جوشد؛ (*) 45_ جوششی همچون آب سوزان! (*) 46_ (آنگاه به مأموران دوزخ خطاب می شود): این کافر مجرم را بگیرید و به میان دوزخ پرتاب کنید! (*) 47_ سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید! (*) 48_ (به او گفته می شود): بجش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی! (*) 49_ این همان چیزی است که پیوسته در آن تردید می کردید! (*) 50_ (ولی) پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند، (*) 51_ در میان باغها و چشمه ها؛ (*) 52_ آنها لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند؛ (*) 53_ اینچنین اند بهشتیان؛ و آنها را با «حور العین» تزویج می کنیم! (*) 54_ آنها در آنجا هر نوع میوه ای را بخواهند در اختیارشان قرار می گیرد، و در نهایت امنیت به سر می برند! (*) 55_ هرگز مرگی جز همان مرگ اول (که در دنیا چشیده اند) نخواهند چشید، و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می کند؛ (*) 56_ این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، این همان رستگاری بزرگ است! (*) 57_ ما آن [= قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکر شوند! (*) 58_ (اما اگر نپذیرفتند) منتظر باش، آنها نیز منتظرند (تو منتظر پیروزی الهی و آنها منتظر عذاب و شکست)! (*) 59_

(سوره جاثیه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (*) 1_ این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (*) 2_ بی شک در آسمانها و زمین نشانه های (فراوانی) برای مؤمنان وجود دارد; (*) 3_ و نیز در آفرینش شما و جنبندگان (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه هایی است برای جمعیتی که اهل یقینند. (*) 4_ و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزق (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادهای، نشانه های روشنی است برای گروهی که اهل تفکرند! (*) 5_ اینها آیات خداوند است که ما آن را بحق بر تو تلاوت می کنیم; اگر آنها به این آیات ایمان نیاورند، به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیاتش ایمان می آورند؟! (*) 6_ وای بر هر دروغگوی گنهکار... (*) 7_ که پیوسته آیات خدا را می شنود که بر او تلاوت می شود، اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد; گویی اصلاً آن را هیچ نشنیده است; چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده! (*) 8_ و هرگاه از بعضی آیات ما آگاه شود، آن را به باد استهزا می گیرد; برای آنان عذاب خوارکننده ای است! (*) 9_ و پشت سرشان دوزخ است; و هرگز آنچه را به دست آورده اند آنها را (از عذاب الهی) رهایی نمی بخشد، و نه اولیایی که غیر از خدا برای خود برگزیدند (مایه نجاتشان خواهند بود); و عذاب بزرگی برای آنهاست! (*) 10_ این (قرآن) مایه هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، عذابی سخت و دردناک دارند! (*) 11_ خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرند، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید! (*) 12_ او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته; در این نشانه های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می کنند! (*) 13_ به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایام الله = روز رستاخیز [ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد!» (*) 14_ هر کس کار شایسته ای بجا آورد، برای خود بجا آورده است; و کسی که کار بد می کند، به زیان خود اوست; سپس همه شما به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید! (*) 15_ ما بنی اسرائیل را کتاب (آسمانی) و حکومت و نبوت بخشیدیم و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان (و مردم عصر خویش) برتری بخشیدیم; (*) 16_ و دلایل روشنی از امر نبوت و شریعت در اختیارشان قرار دادیم; آنها اختلاف نکردند مگر بعد از علم و آگاهی; و این اختلاف بخاطر ستم و برتری جویی آنان بود; اما پروردگارت روز قیامت در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند. (*) 17_ سپس تو را بر شریعت و آیین حقّی قرار دادیم; از آن پیروی کن و از هوسهای کسانی که آگاهی ندارند پیروی مکن! (*) 18_ آنها هرگز نمی توانند تو را در برابر خداوند بی نیاز کنند (و از عذابش برهانند); و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزگاران است! (*) 19_ این (قرآن و شریعت آسمانی) وسایل بینایی و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که (به آن) یقین دارند! (*) 20_ آیا کسانی که مرتکب بدیها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می کنند! (*) 21_ و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود; و به آنها ستمی نخواهد شد! (*) 22_ آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی شوید؟! (*) 23_ آنها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست; گروهی از ما می میرند و گروهی جای آنها را می گیرند; و جز طبیعت

و روزگار ما را هلاک نمی کند!» آنان به این سخن که می گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می زنند (و گمانی بی پایه دارند)! (* 24) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز اینکه می گویند: «اگر راست می گویند پدران ما را (زنده کنید) و بیاورید (تا گواهی دهند)!» (* 25) بگو: «خداوند شما را زنده می کند، سپس می میراند، بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (* 26) مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین برای خداست؛ و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می بینند! (* 27) در آن روز هر امتی را می بینی (که از شدت ترس و وحشت) بر زانو نشسته؛ هر امتی بسوی کتابش خوانده می شود، و (به آنها می گویند): امروز جزای آنچه را انجام می دادید به شما می دهند! (* 28) این کتاب ما است که بحق با شما سخن می گوید (و اعمال شما را بازگو می کند)؛ ما آنچه را انجام می دادید می نوشتیم! (* 29) اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می کند؛ این همان پیروزی بزرگ است! (* 30) اما کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می شود): مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی بودید؟! (* 31) و هنگامی که گفته می شد: «وعدۀ خداوند حق است، و در قیامت هیچ شکّی نیست»، شما می گفتید: «ما نمی دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی در این باره داریم، و به هیچوجه یقین نداریم!» (* 32) و بدیهای اعمالشان برای آنان آشکار می شود، و سرانجام آنچه را استهزا می کردند آنها را فراموش گیرد! (* 33) و به آنها گفته می شود: «امروز شما را فراموش می کنیم همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید؛ و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یآوری ندارید!» (* 34) این بخاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد! «امروز نه آنان را از دوزخ بیرون می آورند، و نه هیچ گونه عذری از آنها پذیرفته می شود!» (* 35) پس حمد و ستایش مخصوص خداست، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان! (* 36) و برای اوست کبریا و عظمت در آسمانها و زمین، و اوست عزیز و حکیم! (* 37)

(سوره احقافه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

حم (* 1) این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (* 2) ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق و برای سرآمد معینی نیافریدیم؛ اما کافران از آنچه انذار می شوند روی گردانند! (* 3) به آنان بگو: «این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا شرکتی در آفرینش آسمانها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید (که دلیل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می گویند!» (* 4) چه کسی گمراهتر است از آن کس که معبودی غیر خدا را می خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی گوید و از خواندن آنها (کاملاً) بی خبر است؟! (و صدای آنها را هیچ نمی شنود!) (* 5) و هنگامی که مردم محشور می شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود؛ حتی عبادت آنها را انکار می کنند! (* 6) هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، کافران در برابر حقّی که برای آنها آمده می گویند: «این سحری

آشکار است!» (* 7) بلکه می گویند: «این آیات را بر خدا افترا بسته است!» بگو: «اگر من آن را بدروغ به خدا نسبت داده باشم (لازم است مرا رسوا کند و) شما نمی توانید در برابر خداوند از من دفاع کنید! او کارهایی را که شما در آن وارد می شوید بهتر می داند؛ همین بس که خداوند گواه میان من و شما باشد؛ و او آمرزنده و مهربان است!» (* 8) _

بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم؛ و نمی دانم با من و شما چه خواهد شد؛ من تنها از آنچه بر من وحی می شود پیروی می کنم، و جز بیم دهنده آشکاری نیستم!» (* 9) _ بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خدا باشد و شما به آن کافر شوید، در حالی که شاهی از بنی اسرائیل بر آن شهادت دهد، و او ایمان آورد و شما استکبار کنید (چه کسی گمراهتر از شما خواهد بود)؟! خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی کند!» (* 10) _ کافران درباره مؤمنان چنین گفتند: «اگر (اسلام) چیز خوبی بود، هرگز آنها (در پذیرش آن) بر ما پیشی نمی گرفتند!» و چون خودشان بوسیله آن هدایت نشدند می گویند: «این یک دروغ قدیمی است!» (* 11) _ و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد! (* 12) _ کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. (* 13) _ آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می مانند؛ این پادشاه اعمالی است که انجام می دادند. (* 14) _ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خوشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم، و من از مسلمانانم!» (* 15) _ آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می کنیم و از گناهانشان می گذریم و در میان بهشتیان جای دارند؛ این وعده راستی است که وعده داده می شدند. (* 16) _ و کسی که به پدر و مادرش می گوید: «اف بر شما! آیا به من وعده می دهید که من روز قیامت مبعوث می شوم؟! در حالی که پیش از من اقوام زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند)؛ و آن دو پیوسته فریاد می کشند و خدا را به یاری می طلبند که: وای بر تو، ایمان بیاور که وعده خدا حق است اما او پیوسته می گوید:» اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست! (* 17) _ آنها کسانی هستند که فرمان عذاب درباره آنان همراه اقوام (کافری) که پیش از آنان از جنّ و انس بودند مسلم شده، چرا که همگی زیانکار بودند! (* 18) _ و برای هر کدام از آنها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده اند، تا خداوند کارهایشان را بی کم و کاست به آنان تحویل دهد؛ و به آنها هیچ ستمی نخواهد شد! (* 19) _ آن روز که کافران را بر آتش عرضه می کنند (به آنها گفته می شود): از طیبات و لذائذ در زندگی دنیا خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید؛ اما امروز عذاب دلت بار بخاطر استکباری که در زمین بناحق کردید و بخاطر گناهانی که انجام می دادید؛ جزای شما خواهد بود! (* 20) _ (سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» بیم داد در حالی که پیامبران زیادی قبل از او در گذشته های دور و نزدیک آمده بودند که: جز خدای یگانه را نپرستید! (و گفت:) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم! (* 21) _ آنها گفتند: «آیا آمده ای که ما را (با دروغهات) از معبودانمان بازگردانی؟! اگر راست می گویی عذابی را که به ما وعده می دهی بیاور!» (* 22) _ گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او می داند چه زمانی شما را مجازات کند)؛ من آنچه را به آن فرستاده شده ام به شما می

رسانم، (وظیفه من همین است!) ولی شما را قومی می بینیم که پیوسته در نادانی هستید!» (* 23_ هنگامی که آن (عذاب الهی) را بصورت ابر گسترده ای دیدند که بسوی درّه ها و آبگیرهای آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «این ابری است که بر ما می بارد!» (ولی به آنها گفته شد:) این همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می کردید، تندبادی است (وحشتناک) که عذاب دردناکی در آن است! (* 24_ همه چیز را بفرمان پروردگارش در هم میکوبد و نابود میکند (آری) آنها صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه هایشان به چشم نمی خورد؛ ما این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم! (* 25_ ما به آنها [= قوم عاد] قدرتی دادیم که به شما ندادیم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار دادیم؛ (اما به هنگام نزول عذاب) نه گوشها و چشمها و نه عقلهایشان برای آنان هیچ سودی نداشت، چرا که آیات خدا را انکار می کردند؛ و سرانجام آنچه را استهزا می کردند بر آنها وارد شد! (* 26_ ما آبدیهای را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم، و آیات خود را بصورتهای گوناگون (برای مردم آنها) بیان کردیم شاید بازگردند! (* 27_ پس چرا معبودانی را که غیر از خدا برگزیدند - به گمان اینکه به خدا نزدیکشان سازد - آنها را یاری نکردند؟! بلکه از میانشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آنها و آنچه افترا می بستند! (* 28_ (به یاد آور) هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند؛ وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: «خاموش باشید و بشنوید!» و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آنها را بیم دادند! (* 29_ گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه های کتابهای پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می کند. (* 30_ ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد! (* 31_ و هر کس به دعوت کننده الهی پاسخ نگوید، هرگز نمی تواند از چنگال عذاب الهی در زمین فرار کند، و غیر از خدا یار و یاور برای او نیست؛ چنین کسانی در گمراهی آشکارند!» (* 32_ آیا آنها نمی دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان نشده است، می تواند مردگان را زنده کند؟! آری او بر هر چیز تواناست! (* 33_ روزی را به یاد آور که کافران را بر آتش عرضه می دارند (و به آنها گفته می شود:) آیا این حق نیست؟! می گویند: «آری، به پروردگاران سوگند (که حق است!)» (در این هنگام خداوند) می گوید: «پس عذاب را بخاطر کفرتان بچشید!» (* 34_ پس صبر کن آن گونه که پیامبران «أولو العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده هایی را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقّف داشتند؛ این ابلاغی است برای همگان؛ آیا جز قوم فاسق هلاک می شوند؟! (* 35_

(سوره محمد)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمالشان را نابود می کند! (* 1_ و کسانی که ایمان

آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده - و همه حق است و از سوی پروردگارشان - نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند! (* 2) - این بخاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند؛ این گونه خداوند برای مردم مَثَلهای (زندگی) آنان را بیان می کند! (* 3) و هنگامی که با کافران (جنایت پیشه) در میدان جنگ روبه رو شدید گردنپیشان را بزنید، (و این کار را همچنان ادامه دهید) تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید؛ سپس یا بر آنان منت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیة [= غرامت [بگیرید؛ (و این وضع باید همچنان ادامه یابد) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، (آری) برنامه این است! و اگر خدا می خواست خودش آنها را مجازات می کرد، اما می خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی برد! (* 4) - بزودی آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می کند؛ (* 5) و آنها را در بهشت (جاویدانش) که اوصاف آن را برای آنان بازگو کرده وارد می کند. (* 6) - ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گمراهیتان را استوار می دارد. (* 7) و کسانی که کافر شدند، مرگ بر آنان! و اعمالشان نابود باد! (* 8) - این بخاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده کراهت داشتند؛ از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد! (* 9) - آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد؛ و برای کافران امثال این مجازاتها خواهد بود! (* 10) - این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند؛ اما کافران مولایی ندارند! (* 11) - خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند وارد باغهایی از بهشت می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است؛ در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می گیرند و همچون چهارپایان می خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست! (* 12) - و چه بسیار شهرهایی که از شهری که تو را بیرون کرد نیرومندتر بودند؛ ما همه آنها را نابود کردیم و هیچ یابوری نداشتند! (* 13) - آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمالش در نظرش آراسته شده و از هوای نفسشان پیروی می کنند؟! (* 14) - توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای آنها در آن از همه انواع میوه ها وجود دارد؛ و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارش! آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می کند؟! (* 15) - گروهی از آنان به سخنان گوش فرامی دهند، اما هنگامی که از نزد تو خارج می شوند به کسانی که علم و دانش به آنان بخشیده شده (از روی استهزا) می گویند: «این مرد (ان چه گفت؟!») آنها کسانی هستند که خداوند بر دلهايشان مهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده اند (از این رو چیزی نمی فهمند)! (* 16) - کسانی که هدایت یافته اند، خداوند بر هدایتشان می افزاید و روح تقوا به آنان می بخشد! (* 17) - آیا آنها [= کافران] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرارسد (آنگاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه های آن آمده است؛ اما هنگامی که بباید، تذکر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت! (* 18) - پس بدان که معبودی جز «الله» نیست؛ و برای گناه خود و مردان و زنان بالیمان استغفار کن! و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می داند! (* 19) - کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «چرا

سوره ای نازل نمی شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟! «اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیمار دل را می بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می کنند؛ پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است! (* 20_ (ولی) اطاعت و سخن سنجیده برای آنان بهتر است؛ و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می شود به خدا راست گویند (و از در صدق و صفا درآیند) برای آنها بهتر می باشد! (* 21_ اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! (* 22_ آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشه‌ایشان را کر و چشمه‌ایشان را کور کرده است! (* 23_ آیا آنها در قرآن تدبّر نمی کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟! (* 24_ کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است! (* 25_ این بخاطر آن است که آنان به کسانی که نزول وحی الهی را کراهت داشتند گفتند: «ما در بعضی از امور از شما پیروی می کنیم؟» در حالی که خداوند پنهانکاری آنان را می داند. (* 26_ حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنان می زنند و جانشان را می گیرند؟! (* 27_ این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد پیروی کردند، و آنچه را موجب خشنودی اوست کراهت داشتند؛ از این رو (خداوند) اعمالشان را نابود کرد! (* 28_ آیا کسانی که در دل‌هایشان بیماری است گمان کردند خدا کینه هایشان را آشکار نمی کند؟! (* 29_ و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می دهیم تا آنان را با قیافه هایشان بشناسی، هر چند می توانی آنها را از طرز سخنانشان بشناسی؛ و خداوند اعمال شما را می داند! (* 30_ ما همه شما را قطعاً می آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم! (* 31_ آنان که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن هدایت برای آنان (باز) به مخالفت با رسول (خدا) برخاستند، هرگز زیانی به خدا نمی رسانند و (خداوند) بزودی اعمالشان را نابود می کند! (* 32_ ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید! (* 33_ کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند سپس در حال کفر از دنیا رفتند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید. (* 34_ پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی کند! (* 35_ زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است؛ و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پادشاهای شما را می دهد و اموال شما را نمی طلبد، (* 36_ چرا که هر گاه اموال شما را مطالبه کند و حتی اصرار نماید، بخل می‌ورزید؛ و کینه و خشم شما را آشکار می سازد! (* 37_ آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، بعضی از شما بخل می‌ورزند؛ و هر کس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است؛ و خداوند بی نیاز است و شما همه نیازمندید؛ و هر گاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می کنند). (* 38_

(سوره فتح)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم!... (*) 1_ تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حقانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید؛ (*) 2_ و پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو کند. (*) 3_ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزاید؛ لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است. (*) 4_ هدف (دیگر از آن فتح مبین) این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که جاودانه در آن می مانند، و گناهانشان را می بخشد، و این نزد خدا رستگاری بزرگی است! (*) 5_ و (نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند مجازات کند؛ (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان نازل می شود! خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده؛ و چه بد سرانجامی است! (*) 6_ لشکریان آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است! (*) 7_ به یقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم، (*) 8_ تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گوید. (*) 9_ کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. (*) 10_ بزودی متخلفان از اعراب بادیه نشین (عذرتراشی کرده) می گویند: «(حفظ) اموال و خانواده های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم)، برای ما طلب آمرزش کن!» آنها به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند! بگو: «چه کسی می تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند هرگاه زبانی برای شما بخواهد، و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند به همه کارهایی که انجام می دهید آگاه است!» (*) 11_ ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانواده های خود بازخواهند گشت؛ و این (پندار غلط) در دل‌های شما زینت یافته بود و گمان بد کردید؛ و سرانجام (در دام شیطان افتادید و) هلاک شدید! (*) 12_ آن کس که به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده (سرنوشتش دوزخ است)، چرا که ما برای کافران آتش فروزان آماده کرده ایم! (*) 13_ مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و هر کس را بخواهد مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است. (*) 14_ هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی حرکت کنید، متخلفان (حدیبیه) می گویند: «بگذارید ما هم در پی شما بیاییم، آنها می خواهند کلام خدا را تغییر دهند؛ بگو: «هرگز نباید بدنبال ما بیایید؛ این گونه خداوند از قبل گفته است!» آنها به زودی می گویند: «شما نسبت به ما حسد می‌ورزید!» ولی آنها جز اندکی نمی فهمند! (*) 15_ به متخلفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می شود که بسوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند؛ اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می دهد؛ و اگر سرپیچی نمایید - همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی

کردید - شما را با عذاب دردناکی کیفر می دهد!» (* 16) بر نایبنا و لنگ و بیمار گناهی نیست (اگر در میدان جهاد شرکت نکنند)؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت نماید، او را در باغهای (از بهشت) وارد می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است؛ و آن کس که سرپیچی کند، او را به عذاب دردناکی گرفتار می سازد! (* 17) خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود؛ (* 18) و (همچنین) غنائم بسیاری که آن را به دست می آورید؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است! (* 19) خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و دست تعدی مردم [= دشمنان] را از شما بازداشت تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند! (* 20) و نیز غنائم و فتوحات دیگری (نصیبتان می کند) که شما توانایی آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد؛ و خداوند بر همه چیز تواناست! (* 21) و اگر کافران (در سرزمین حدیبیه) با شما پیکار می کردند بزودی فرار می کردند، سپس ولی و یآوری نمی یافتند! (* 22) این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت! (* 23) او کسی است که دست آنها را از شما، و دست شما را از آنان در دل مکه کوتاه کرد، بعد از آنکه شما را بر آنها پیروز ساخت؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست! (* 24) آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیها پتان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی شد) هدف این بود که خدا هر کس را می خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفار (در مکه) از هم جدا می شدند، کافران را عذاب دردناکی می کردیم! (* 25) (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دلهای خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند؛ و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز دانا است. (* 26) خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ بطور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجد الحرام می شوید در نهایت امنیّت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است. (* 27) او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادایان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد! (* 28) محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و

(سوره حجرات)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست! (*) 1_ ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی دانید! (*) 2_ آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می کنند همان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است! (*) 3_ (ولی) کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا می زنند، بیشترشان نمی فهمند! (*) 4_ اگر آنها صبر می کردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است! (*) 5_ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! (*) 6_ و بدانید رسول خدا در میان شماست؛ هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد؛ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند! (*) 7_ (و این برای شما بعنوان) فضل و نعمتی از سوی خداست؛ و خداوند دانا و حکیم است! (*) 8_ و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز بیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد. (*) 9_ مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید! (*) 10_ ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند! (*) 11_ ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بیرهزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است! (*) 12_ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است! (*) 13_ عربهای بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده ایم» بگو:

«شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی کند، خداوند، آمرزنده مهربان است.» (* 14_ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند؛ آنها راستگویانند. (* 15_ بگو: «آیا خدا را از ایمان خود با خبر می سازید؟! او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می داند؛ و خداوند از همه چیز آگاه است!» (* 16_ آنها بر تو منت می نهند که اسلام آورده اند؛ بگو: «اسلام آوردن خود را بر من منت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منت می نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر (در ادعای ایمان) راستگو هستید!» (* 17_ خداوند غیبت آسمانها و زمین را می داند و نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست!» (* 18_

(سوره ق)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ق، سوگند به قرآن مجید (که قیامت و رستاخیز حق است)! (* 1_ آنها تعجب کردند که پیامبری انذارگر از میان خودشان آمده؛ و کافران گفتند: «این چیز عجیبی است!» (* 2_ آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم (دوباره به زندگی بازمی گردیم؟! این بازگشتی بعید است!» (* 3_ ولی ما می دانیم آنچه از زمین از بدن آنها می کاهد؛ و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است!» (* 4_ آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند!» (* 5_ آیا آنان به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کرده ایم، و چگونه آن را (بوسیله ستارگان) زینت بخشیده ایم و هیچ شکاف و شکستی در آن نیست؟! (* 6_ و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه هائی عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت انگیز در آن رویاندیم، (* 7_ تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد!» (* 8_ و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم، و بوسیله آن باغها و دانه هایی را که درو می کند رویاندیم، (* 9_ و نخلهای بلندقامت که میوه های متراکم دارند؛ (* 10_ همه اینها برای روزی بخشیدن به بندگان است و بوسیله باران سرزمین مرده را زنده کردیم؛ (آری) زنده شدن مُردگان نیز همین گونه است!» (* 11_ پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرس» [= قومی که در یمامه زندگی می کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانسان را) تکذیب کردند، (* 12_ و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط، (* 13_ و «اصحاب الایکه» [= قوم شعیب] و قوم تبّع (که در سرزمین یمن زندگی می کردند)، هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقق یافت!» (* 14_ آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم)؟! ولی آنها (با این همه دلایل روشن) باز در آفرینش جدید تردید دارند!

(*) 15_ ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم! (*) 16_ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می دارند؛ (*) 17_ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر اینکه همان دم، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است! (*) 18_ و سرانجام، سكرات (و بیخودی در آستانه) مرگ بحق فرامی رسد (و به انسان گفته می شود): این همان چیزی است که تو از آن می گریختی! (*) 19_ و در «صور» دمیده می شود؛ آن روز، روز تحقق وعده وحشتناک است! (*) 20_ هر انسانی وارد محشر می گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است! (*) 21_ (به او خطاب می شود): تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است! (*) 22_ فرشته همنشین او می گوید: «این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر و آماده است!» (*) 23_ (خداوند فرمان می دهد): هر کافر متکبر لجوج را در جهنم افکنید! (*) 24_ آن کسی که به شدت مانع خیر و متجاوز و در شک و تردید است (حتی دیگران را به تردید می افکند); (*) 25_ همان کسی که معبود دیگری با خدا قرار داده، (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید! (*) 26_ و همنشینش (از شیاطین) می گوید: «پروردگارا! من او را به طغیان و انداشتم، لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود!» (*) 27_ (خداوند) می گوید: «نزد من جدال و مخاصمه نکنید؛ من پیشتر به شما هشدار داده ام (و اتمام حجت کرده ام)! (*) 28_ سخن من تغییر ناپذیر است، و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد!» (*) 29_ (به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنم می گوییم: «آیا پر شده ای؟» و او می گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟!» (*) 30_ (در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصله ای از آنان ندارد! (*) 31_ این چیزی است که به شما وعده داده می شود، و برای کسانی است که بسوی خدا بازمی گردند و پیمانها و احکام او را حفظ می کنند، (*) 32_ آن کس که از خداوند رحمان در نماند و با قلبی پرانابه در محضر او حاضر شود! (*) 33_ (به آنان گفته می شود): بسلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاودانگی است! (*) 34_ هر چه بخواهند در آنجا برای آنها هست، و نزد ما نعمتهای بیشتری است (که به فکر هیچ کس نمی رسد)! (*) 35_ چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند و شهرها (و کشورها) را گشودند؛ آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد! (*) 36_ در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد! (*) 37_ ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز = شش دوران [آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده کردن مُردگان برای ما مشکل است؟! (*) 38_ در برابر آنچه آنها می گویند شکبیا باش، و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور، (*) 39_ و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده ها! (*) 40_ و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می دهد، (*) 41_ روزی که همگان صیحه رستاخیز را بحق می شنوند؛ آن روز، روز خروج (از قبرها) است! (*) 42_ ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم، و بازگشت تنها بسوی ماست! (*) 43_ روزی که زمین به سرعت از روی آنها شکافته می شود و (از قبرها) خارج می گردند؛ و این جمع کردن برای ما آسان است! (*) 44_ ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی؛ پس بوسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می ترسند متذکر ساز (وظیفه تو همین است)! (*) 45_

(سوره خاریات)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به بادهایی که (ابرها را) به حرکت درمی آورند، (*) 1_ سوگند به آن ابرها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می کنند، (*) 2_ و سوگند به کشتیهایی که به آسانی به حرکت درمی آیند، (*) 3_ و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می کنند، (*) 4_ (آری سوگند به همه اینها) که آنچه به شما وعده شده قطعاً راست است؛ (*) 5_ و بی شک (رستاخیز) و جزای اعمال واقع شدنی است! (*) 6_ قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست، (*) 7_ که شما (درباره قیامت) در گفتاری مختلف و گوناگونید! (*) 8_ (تنها) کسی از ایمان به آن منحرف می شود که از قبول حق سرباز می زند! (*) 9_ کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها)! (*) 10_ همانها که در جهل و غفلت فرو رفته اند، (*) 11_ و پیوسته سؤال می کنند: «روز جزا چه موقع است؟!»، (*) 12_ (آری) همان روزی است که آنها را بر آتش می سوزانند! (*) 13_ (و گفته می شود): بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید! (*) 14_ به یقین، پرهیزگاران در باغهای بهشت و در میان چشمه ها قرار دارند، (*) 15_ و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند! (*) 16_ آنها کمی از شب را می خوابیدند، (*) 17_ و در سحرگاهان استغفار می کردند، (*) 18_ و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود! (*) 19_ و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است، (*) 20_ و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی بینید؟! (*) 21_ و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود! (*) 22_ سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است همان گونه که شما سخن می گوید! (*) 23_ آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ (*) 24_ در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته اید!» (*) 25_ سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده ای را برای آنها) آورد، (*) 26_ و نزدیک آنها گذارد، (ولی با تعجب دید دست بسوی غذا نمی برند) گفت: «آیا شما غذا نمی خورید؟!»، (*) 27_ و از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: «نترس (ما رسولان و فرشتگان پروردگار توایم)!» او را بشارت به تولد پسری دانا دادند. (*) 28_ در این هنگام همسرش جلو آمد در حالی که (از خوشحالی و تعجب) فریاد می کشید به صورت خود زد و گفت: «آیا پسری خواهم آورد در حالی که پیرزنی نازا هستم؟!»، (*) 29_ گفتند: «پروردگارت چنین گفته است، و او حکیم و داناست!» (*) 30_ (ابراهیم) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟»، (*) 31_ گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده ایم...» (*) 32_ تا بارانی از «سنگ - گل» بر آنها بفرستیم؛ (*) 33_ سنگهایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذاشته شده است!» (*) 34_ ما مؤمنانی را که در آن شهرها (ی قوم لوط) زندگی می کردند (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم، (*) 35_ ولی جز یک خانواده باایمان در تمام آنها نیافتیم! (*) 36_ و در آن (شهرهای بلا دیده) نشانه ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جای گذاردیم. (*) 37_ و در (زندگی) موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم؛ (*) 38_ اما او با تمام وجودش از وی برتافت و گفت: «این مرد یا ساحر است یا دیوانه!» (*)

39_ از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش بود! (* 40_ و (همچنین) در سرگذشت «عاد» (آیتی است) در آن هنگام که تندیابی بی باران بر آنها فرستادیم، (* 41_ که بر هیچ چیز نمی گذشت مگر اینکه آن را همچون استخوانهای پوسیده می ساخت. (* 42_ و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدتی کوتاه بهره مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!» (* 43_ آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره خیره) نگاه می کردند (بی آنکه قدرت دفاع داشته باشند)! (* 44_ چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند! (* 45_ همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاک کردیم، چرا که قوم فاسقی بودند! (* 46_ و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می بخشیم! (* 47_ و زمین را گسترده کردیم، و چه خوب گستراننده ای هستیم! (* 48_ و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید! (* 49_ پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما بیم دهنده ای آشکارم! (* 50_ و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم دهنده ای آشکارم! (* 51_ این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!» (* 52_ آیا یکدیگر را به آن سفارش می کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)؟! نه، بلکه آنها قومی طغیانگرند. (* 53_ حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خور ملامت نخواهی بود؛ (* 54_ و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می بخشد. (* 55_ من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)! (* 56_ هرگز از آنها روزی نمی خواهم، و نمی خواهم مرا اطعام کنند! (* 57_ خداوند روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است! (* 58_ و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است همانند سهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین)؛ بنابراین این عجله نکنند! (* 59_ پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آنها وعده داده می شود! (* 60_

(سوره طور)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به کوه طور، (* 1_ و کتابی که نوشته شده، (* 2_ در صفحه ای گسترده، (* 3_ و سوگند به «بیت المعمور»، (* 4_ و سقف برافراشته، (* 5_ و دریای مملوّ و برافروخته، (* 6_ که عذاب پروردگارت واقع می شود، (* 7_ و چیزی از آن مانع نخواهد بود! (* 8_ (این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان به شدت به حرکت درمی آید، (* 9_ و کوه ها از جا کنده و متحرک می شوند! (* 10_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، (* 11_ همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند! (* 12_ در آن روز که آنها را بزور به سوی آتش دوزخ می رانند! (* 13_ (به آنها می گویند: این همان آتشی است که آن را انکار می کردید. (* 14_ آیا این سحر است یا شما نمی بینید؟! (* 15_ در آن وارد شوید و بسوزید؛ می خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ چرا که تنها به

اعمالتان جزا داده می شوید! (*) 16_ ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند، (*) 17_ و از آنچه پروردگارشان به آنها داده و آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است شاد و مسرورند! (*) 18_ (به آنها گفته می شود): بخورید و بیاشامید گوارا؛ اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید! (*) 19_ این در حالی که بر تختهای صف کشیده در کنار هم تکیه می زنند، و «حور العین» را به همسری آنها درمی آوریم! (*) 20_ کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم؛ و از (پاداش) عملشان چیزی نمی کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است! (*) 21_ و همواره از انواع میوه ها و گوشتها - از هر نوع که بخواهند - در اختیارشان می گذاریم! (*) 22_ آنها در بهشت جامهای پر از شراب طهور را که نه بیهوده گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می گیرند! (*) 23_ و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می کنند که همچون مرواریدهای درون صدفند! (*) 24_ در این هنگام رو به یکدیگر کرده (از گذشته) سؤال می نمایند؛ (*) 25_ می گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)! (*) 26_ اما خداوند بر ما منت نهاد و از عذاب کشنده ما را حفظ کرد! (*) 27_ ما از پیش او را می خواندیم (و می پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان!» (*) 28_ پس تذکر ده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی! (*) 29_ بلکه آنها می گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را می کشیم!» (*) 30_ بگو: «انتظار بکشید که من هم با شما انتظار می کشم شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی!» (*) 31_ آیا عقلها پشان آنها را به این اعمال دستور می دهد، یا قومی طغیانگرند؟ (*) 32_ یا می گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»، ولی آنان ایمان ندارند. (*) 33_ اگر راست می گویند سخنی همانند آن بیاورند! (*) 34_ یا آنها بی هیچ آفریده شده اند، یا خود خالق خویشند؟! (*) 35_ آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند! (*) 36_ آیا خزاین پروردگارت نزد آنهاست؟! یا بر همه چیز عالم سیطره دارند؟! (*) 37_ آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می روند) و بوسیله آن اسرار وحی را می شنوند؟! کسی که از آنها این ادعا را دارد دلیل روشنی بیاورد! (*) 38_ آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران (که فرشتگان را دختران خدا می نامید)؟! (*) 39_ آیا تو از آنها پاداشی می طلبی که در زیر بار گران آن قرار دارند؟! (*) 40_ آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می نویسند؟! (*) 41_ آیا می خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این نقشه ها گرفتار می شوند! (*) 42_ یا معبودی غیر خداوند دارند (که قول یاری به آنها داده)؟! منزّه است خدا از آنچه همتای او قرار می دهند! (*) 43_ آنها (چنان لوجودند که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می کند می گویند: «این ابر متراکمی است!» (*) 44_ حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند؛ (*) 45_ روزی که نقشه های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری نمی شوند! (*) 46_ و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان)؛ ولی بیشترشان نمی دانند! (*) 47_ در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری! و هنگامی که برمی خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی! (*) 48_ (همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)! (*) 49_

(سوره نجم)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند، (*) 1_ که هرگز دوست شما [= محمد «ص»] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است، (*) 2_ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید! (*) 3_ آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! (*) 4_ آن کس که قدرت عظیمی دارد [= جبرئیل امین] او را تعلیم داده است؛ (*) 5_ همان کس که توانایی فوق العاده دارد؛ او سلطه یافت... (*) 6_ در حالی که در افق اعلی قرار داشت! (*) 7_ سپس نزدیکتر و نزدیکتر شد... (*) 8_ تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود؛ (*) 9_ در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود. (*) 10_ قلب (پاک او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. (*) 11_ آیا با او درباره آنچه (با چشم خود) دیده مجادله می کنید؟! (*) 12_ و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد، (*) 13_ نزد «سدره المنتهی»، (*) 14_ که «جنت المأوی» در آنجاست! (*) 15_ در آن هنگام که چیزی [= نور خیره کننده ای] سدره المنتهی را پوشانده بود، (*) 16_ چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیت بود)! (*) 17_ او پاره ای از آیات و نشانه های بزرگ پروردگارش را دید! (*) 18_ به من خبر دهید آیا بتهای «لات» و «عزی»... (*) 19_ و «منات» که سوّمین آنهاست (دختران خدا هستند)! (*) 20_ آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! (در حالی که بزعم شما دختران کم ارزش ترند!) (*) 21_ در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است! (*) 22_ اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته اید (نامهایی بی محتوا و اسمهایی بی مسمّا)، و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمانهای بی اساس و هوای نفس پیروی می کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارش برای آنها آمده است! (*) 23_ یا آنچه انسان تمنا دارد به آن می رسد؟! (*) 24_ در حالی که آخرت و دنیا از آن خداست! (*) 25_ و چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمی بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد! (*) 26_ کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختر (خدا) نامگذاری می کنند! (*) 27_ آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حقّ بی نیاز نمی کند! (*) 28_ حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی طلبد، اعراض کن! (*) 29_ این آخرین حدّ آگاهی آنهاست؛ پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند بهتر می شناسد، و (همچنین) هدایت یافتگان را از همه بهتر می شناسد! (*) 30_ و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد! (*) 31_ همانها که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری می کنند، جز گناهان صغیره (که گاه آلوده آن می شوند)؛ آموزش پروردگار تو گسترده است؛ او نسبت به شما از همه آگاهتر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید؛ پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می شناسد! (*) 32_ آیا دیدی آن کس را که (از اسلام - یا انفاق -) روی گردان شد؟! (*) 33_ و کمی عطا کرد، و از بیشتر امساک نمود! (*) 34_ آیا نزد او علم غیب است و می بیند (که دیگران می توانند گناهان او را بر دوش گیرند)!؟

(*) 35_ یا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟! (*) 36_ و در کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد، (*) 37_ که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد، (*) 38_ و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، (*) 39_ و اینکه تلاش او بزودی دیده می شود، (*) 40_ سپس به او جزای کافی داده خواهد شد! (*) 41_ (و آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) که همه امور به پروردگارت منتهی می گردد؟! (*) 42_ و اینکه اوست که خندانند و گریانند، (*) 43_ و اوست که میراند و زنده کرد، (*) 44_ و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید... (*) 45_ از نطفه ای هنگامی که خارج می شود (و در رحم می ریزد)، (*) 46_ و اینکه بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد)، (*) 47_ و اینکه اوست که بی نیاز کرد و سرمایه باقی بخشید، (*) 48_ و اینکه اوست پروردگار ستاره «شعرا»! (*) 49_ (و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) که خداوند قوم «عاد نخستین» را هلاک کرد؟! (*) 50_ و همچنین قوم «ثمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد! (*) 51_ و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالمتر و طغیانگرتر بودند! (*) 52_ و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را فرو کوبید، (*) 53_ سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید! (*) 54_ (بگو): در کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟! (*) 55_ این (پیامبر) بیم دهنده ای از بیم دهندگان پیشین است! (*) 56_ آنچه باید نزدیک شود، نزدیک شده است (و قیامت فرامی رسد)، (*) 57_ و هیچ کس جز خدا نمی تواند سختهایی آن را برطرف سازد! (*) 58_ آیا از این سخن تعجب می کنید، (*) 59_ و می خندید و نمی گریید، (*) 60_ و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می برید؟! (*) 61_ حال که چنین است همه برای خدا سجده کنید و او را بپرستید! (*) 62_

(سوره قمر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! (*) 1_ و هرگاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی گردانده، می گویند: «این سحری مستمر است!» (*) 2_ آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند؛ و هر امری قرارگاهی دارد! (*) 3_ به اندازه کافی برای بازداشتن از بدیها اخبار (انبیا و ائمه) پیشین به آنان رسیده است! (*) 4_ این آیات، حکمت بالغه الهی است؛ اما اندازها (برای افراد لجوج) فایده نمی دهد! (*) 5_ بنابر این از آنها روی بگردان، و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می کند (دعوت به حساب اعمال)! (*) 6_ آنان در حالی که چشمهایشان از شدت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخهای پراکنده از قبرها خارج می شوند، (*) 7_ در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) بسوی این دعوت کننده گردن می کشند؛ کافران می گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است!» (*) 8_ پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند، (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است!» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد. (*) 9_ او به درگاه پروردگار عرضه داشت: «من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده ام، انتقام مرا از آنها بگیر!» (*) 10_ در این هنگام درهای آسمان را با آبی

فراوان و پی در پی گشودیم؛ (* 11) و زمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه
 مقدّر با هم درآمیختند (و دریای وحشتناکی شد)؛ (* 12) و او را بر مرکبی از الواح و میخهایی ساخته شده سوار
 کردیم؛ (* 13) مرکبی که زیر نظر ما حرکت می کرد! این کيفری بود برای کسانی که (به او) کافر شده بودند! (* 14)
 ما این ماجرا را بعنوان نشانه ای در میان امّتها باقی گذاردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟! (* 15) (اکنون بنگرید)
 عذاب و اندازهای من چگونه بود! (* 16) ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! (* 17)
 قوم عاد (نیز پیامبر خود را) تکذیب کردند؛ پس (ببینید) عذاب و اندازهای من چگونه بود! (* 18) ما تنبذاد
 وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم... (* 19) که مردم را همچون تنه های نخل ریشه کن
 شده از جا برمی کند! (* 20) پس (ببینید) عذاب و اندازهای من چگونه بود! (* 21) ما قرآن را برای تذکر آسان
 ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود! (* 22) طایفه ثمود (نیز) اندازهای الهی را تکذیب کردند، (* 23) و گفتند:
 «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود! (* 24) آیا از میان ما
 تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است! (* 25) ولی فردا می فهمند چه کسی
 دروغگوی هوسباز است! (* 26) ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می فرستیم؛ در انتظار پایان کار آنان باش و صبر
 کن! (* 27) و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یک روز سهم ناقه، و یک روز برای آنها) و
 هر یک در نوبت خود باید حاضر شوند! (* 28) آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه
 را) پی کرد! (* 29) پس (بنگرید) عذاب و اندازهای من چگونه بود! (* 30) ما فقط یک صیحه = [صاعقه عظیم] بر
 آنها فرستادیم و بدنبال آن همگی بصورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع آوری می کند!
 (* 31) ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! (* 32) قوم لوط (انذارها) پی
 در پی پیامبرشان را تکذیب کردند؛ (* 33) ما بر آنها تنبذادی که ریگها را به حرکت درمی آورد فرستادیم (و همه را
 هلاک کردیم)، جز خاندان لوط را که سحرگهان نجاتشان دادیم! (* 34) این نعمتی بود از ناحیه ما؛ این گونه هر
 کسی را که شکر کند پاداش می دهیم! (* 35) او آنها را از مجازات ما بیم داد، ولی بر آنها اصرار بر مجادله و القای
 شک داشتند! (* 36) آنها از لوط خواستند میهمانانش را در اختیارشان بگذارد؛ ولی ما چشمانشان را نابینا و محو
 کردیم (و گفتیم): بچشید عذاب و اندازهای مرا! (* 37) سرانجام صبحگاهان و در اول روز غذایی پایدار و ثابت به
 سراغشان آمد! (* 38) (و گفتیم): پس بچشید عذاب و اندازهای مرا! (* 39) ما قرآن را برای یادآوری آسان
 ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! (* 40) و (همچنین) اندازها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ آل
 فرعون آمد، (* 41) اما آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم و مجازات کردیم، گرفتن شخصی
 قدرتمند و توانا! (* 42) آیا کفار شما بهتر از آنانند یا برای شما امان نامه ای در کتب آسمانی نازل شده است؟! (* 43)
 یا می گویند: «ما جماعتی متحد و نیرومند و پیروزیم»؟! (* 44) (ولی بدانند) که بزودی جمعشان شکست می
 خورد و پا به فراری گذارند! (* 45) (علاوه بر این) رستاخیز موعده آنهاست، و مجازات قیامت هولناکتر و تلختر
 است! (* 46) مجرمان در گمراهی و شعله های آتشند، (* 47) در آن روز که در آتش دوزخ به صورتشان کشیده
 می شوند (و به آنها گفته می شود): بچشید آتش دوزخ را! (* 48) البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم! (* 49) و
 فرمان ما یک امر بیش نیست، همچون یک چشم بر هم زدن! (* 50) ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاک

کردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟! (* 51) و هر کاری را انجام دادند در نامه های اعمالشان ثبت است، (* 52) و هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده است. (* 53) یقیناً پرهیزگاران در باغها و نهرهای بهشتی جای دارند، (* 54) در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر! (* 55)

(سوره رحمان)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

خداوند رحمان، (* 1) قرآن را تعلیم فرمود، (* 2) انسان را آفرید، (* 3) و به او «بیان» را آموخت. (* 4) خورشید و ماه با حساب منظمی می گردند، (* 5) و گیاه و درخت برای او سجده می کنند! (* 6) و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت، (* 7) تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (* 8) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید! (* 9) زمین را برای خلاق آفرید، (* 10) که در آن میوه ها و نخلهای پرشکوفه است، (* 11) و دانه هایی که همراه با ساقه و برگ است که بصورت کاه درمی آید، و گیاهان خوشبو! (* 12) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید (شما ای گروه جن و انس)؟! (* 13) انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفرید، (* 14) و جن را از شعله های مختلط و متحرک آتش خلق کرد! (* 15) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 16) او پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است! (* 17) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 18) دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ (* 19) در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند (و به هم نمی آمیزند)! (* 20) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 21) از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می شود. (* 22) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 23) و برای اوست کشتیهای ساخته شده که در دریا به حرکت درمی آیند و همچون کوهی هستند! (* 24) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 25) همه کسانی که روی آن [= زمین] هستند فانی می شوند، (* 26) و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند! (* 27) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 28) تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می کنند، و او هر روز در شأن و کاری است! (* 29) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 30) بزودی به حساب شما می پردازیم ای دو گروه انس و جن! (* 31) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 32) ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده)! (* 33) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 34) شعله هایی از آتش بی دود، و دودهایی مترکم بر شما فرستاده می شود؛ و نمی توانید از کسی یاری بطلبید! (* 35) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 36) در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می دهد که

تاب تحمل آن را نخواهید داشت!)! (* 37_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 38_ در آن روز هیچ کس از انس و جنّ از گناهش سؤال نمی شود (و همه چیز روشن است)! (* 39_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 40_ مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند؛ و آنگاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می گیرند (و به دوزخ می افکنند)! (* 41_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 42_ این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می کردند! (* 43_ امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! (* 44_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 45_ و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است! (* 46_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 47_ (آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها و درختان برطراوت است! (* 48_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 49_ در آنها دو چشمه همیشه جاری است! (* 50_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 51_ در آن دو، از هر میوه ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر)! (* 52_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 53_ این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده اند با آسترهایی از دیا و ابریشم، و میوه های رسیده آن دو باغ بهشتی در دسترس است! (* 54_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 55_ در آن باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند؛ و هیچ انس و جنّ پیش از اینها با آنان تماس نگرفته است. (* 56_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 57_ آنها همچون یاقوت و مرجانند! (* 58_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 59_ آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (* 60_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 61_ و پایین تر از آنها، دو باغ بهشتی دیگر است. (* 62_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 63_ هر دو خرم و سرسبزند! (* 64_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 65_ در آنها دو چشمه جوشنده است! (* 66_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 67_ در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است! (* 68_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 69_ و در آن باغهای بهشتی زنانی نیکو خلق و زیبایند! (* 70_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 71_ حوریانی که در خیمه های بهشتی مستورند! (* 72_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 73_ هیچ انس و جنّ پیش از ایشان با آنها تماس نگرفته (و دوشیزه اند)! (* 74_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 75_ این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی تکیه زده اند که با بهترین و زیباترین پارچه های سبزرنگ پوشانده شده است. (* 76_ پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (* 77_ پربرکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو! (* 78_

(سوره واقعه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود، (*) 1_ هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند! (*) 2_ (این واقعه) گروهی را پایین می آورد و گروهی را بالا می برد! (*) 3_ در آن هنگام که زمین بشدت به لرزه درمی آید، (*) 4_ و کوه ها در هم کوبیده می شود، (*) 5_ و بصورت غبار پراکنده درمی آید، (*) 6_ و شما سه گروه خواهید بود! (*) 7_ (نخست) سعادت‌مندان و خجستگان (هستند); چه سعادت‌مندان و خجستگانی! (*) 8_ گروه دیگر شقاوت‌مندان و شوماند، چه شقاوت‌مندان و شومانی! (*) 9_ و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، (*) 10_ آنها مقررانند! (*) 11_ در باغهای پر نعمت بهشت (جای دارند)! (*) 12_ گروه زیادی (از آنها) از امت‌های نخستینند، (*) 13_ و اندکی از امت آخرین! (*) 14_ آنها = مقرران [بر تختهایی که صف کشیده و به هم پیوسته است قرار دارند، (*) 15_ در حالی که بر آن تکیه زده و رو به روی یکدیگرند! (*) 16_ نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت) پیوسته گرداگرد آنان می گردند، (*) 17_ با قدحها و کوزه ها و جامهایی از نهرهای جاری بهشتی (و شراب طهور)! (*) 18_ اما شرابی که از آن درد سر نمی گیرند و نه مست می شوند! (*) 19_ و میوه هایی از هر نوع که انتخاب کنند، (*) 20_ و گوشت پرنده از هر نوع که مایل باشند! (*) 21_ و همسرانی از حور العین دارند، (*) 22_ همچون مروارید در صدف پنهان! (*) 23_ اینها پاداشی است در برابر اعمالی که انجام می دادند! (*) 24_ در آن (باغهای بهشتی) نه لغو و بیهوده ای می شنوند نه سخنان گناه آلود; (*) 25_ تنها چیزی که می شنوند «سلام» است «سلام»! (*) 26_ و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین و خجستگانی! (*) 27_ آنها در سایه درختان «سدر» بی خار قرار دارند، (*) 28_ و در سایه درخت «طلح» پر برگ {= درختی خوش رنگ و خوشبو}، (*) 29_ و سایه کشیده و گسترده، (*) 30_ و در کنار آبشارها، (*) 31_ و میوه های فراوان، (*) 32_ که هرگز قطع و ممنوع نمی شود، (*) 33_ و همسرانی بلندمرتبه! (*) 34_ ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، (*) 35_ و همه را دوشیزه قرار دادیم، (*) 36_ زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند! (*) 37_ اینها همه برای اصحاب یمین است، (*) 38_ که گروهی از امت‌های نخستینند، (*) 39_ و گروهی از امت‌های آخرین! (*) 40_ و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می شود)! (*) 41_ آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند، (*) 42_ و در سایه دودهای متراکم و آتشنا! (*) 43_ سایه ای که نه خنک است و نه آرامبخش! (*) 44_ آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند، (*) 45_ و بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند، (*) 46_ و می گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟! (*) 47_ یا نیاکان نخستین ما (برانگیخته می شوند)؟!» (*) 48_ بگو: «اولین و آخرین، (*) 49_ همگی در موعد روز معینی گردآوری می شوند، (*) 50_ سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده! (*) 51_ قطعاً از درخت زقوم می خورید، (*) 52_ و شکمها را از آن پر می کنید، (*) 53_ و روی آن از آب سوزان می نوشید، (*) 54_ و همچون شتران مبتلا به بیماری عطش، از آن می آشامید! (*) 55_ این است وسیله پذیرایی از آنها در قیامت!» (*) 56_ ما شما را آفریدیم; پس چرا (آفرینش مجدد را) تصدیق نمی کنید؟! (*) 57_ آیا از نطفه ای که در رحم می ریزید آگاهید؟! (*) 58_ آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (بی در پی) می دهید یا ما آفریدگاریم؟! (*) 59_ ما در میان شما مرگ

را مقدر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی گیرد! (*) 60_ تا گروهی را به جای گروه دیگری بیاوریم و شما را در جهانی که نمی دانید آفرینش تازه ای بخشیم! (*) 61_ شما عالم نخستین را دانستید؛ چگونه متذکر نمی شوید (که جهانی بعد از آن است)؟! (*) 62_ آیا هیچ درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟! (*) 63_ آیا شما آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟! (*) 64_ هرگاه بخواهیم آن را مبدل به کاه در هم کوبیده می کنیم که تعجب کنید! (*) 65_ (بگونه ای که بگویید:) براستی ما زیان کرده ایم، (*) 66_ بلکه ما بکلی محرومیم! (*) 67_ آیا به آبی که می نوشید اندیشیده اید؟! (*) 68_ آیا شما آن را از ابر نازل کرده اید یا ما نازل می کنیم؟! (*) 69_ هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دهیم؛ پس چرا شکر نمی کنید؟! (*) 70_ آیا درباره آتشی که می افروزید فکر کرده اید؟! (*) 71_ آیا شما درخت آن را آفریده اید یا ما آفریده ایم؟! (*) 72_ ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان) و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده ایم! (*) 73_ حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را پاک و منزّه بشمار)! (*) 74_ سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)! (*) 75_ و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! (*) 76_ که آن، قرآن کریمی است، (*) 77_ که در کتاب محفوظی جای دارد، (*) 78_ و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند [= دست یابند]. (*) 79_ آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده؛ (*) 80_ آیا این سخن را [= این قرآن را با اوصافی که گفته شد] سست و کوچک می شمیرید، (*) 81_ و به جای شکر روزیهای که به شما داده شده آن را تکذیب می کنید؟! (*) 82_ پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟! (*) 83_ و شما در این حال نظاره می کنید (و کاری از دستتان ساخته نیست)؛ (*) 84_ و ما از شما به او نزدیکتریم ولی نمی بینید! (*) 85_ اگر هرگز در برابر اعمالتان جزا داده نمی شوید، (*) 86_ پس آن (روح) را بازگردانید اگر راست می گوید! (*) 87_ پس اگر او از مقربان باشد، (*) 88_ در روح و ریحان و بهشت پر نعمت است! (*) 89_ اما اگر از اصحاب یمین باشد، (*) 90_ (به او گفته می شود:) سلام بر تو از سوی دوستانت که از اصحاب یمینند! (*) 91_ اما اگر او از تکذیب کنندگان گمراه باشد، (*) 92_ با آب جوشان دوزخ از او پذیرایی می شود! (*) 93_ و سرنوشت او ورود در آتش جهنم است، (*) 94_ این مطلب حق و یقین است! (*) 95_ پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را منزّه بشمار)! (*) 96_

(سوره حدید)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند؛ و او عزیز و حکیم است. (*) 1_ مالکیت (و حاکمیت) آسمانها و زمین از آن اوست؛ زنده می کند و می میراند؛ و او بر هر چیز توانا است! (*) 2_ اول و آخر و پیدا و پنهان اوست؛ و او به هر چیز داناست. (*) 3_ او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت)؛ آنچه را در زمین فرو می رود می داند، و آنچه را از آن

خارج می شود و آنچه از آسمان نازل می گردد و آنچه به آسمان بالا می رود؛ و هر جا باشید او با شما است، و خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست! (*) 4_ مالکیت آسمانها و زمین از آن اوست؛ و همه کارها به سوی او باز گرداننده می شود. (*) 5_ شب را در روز می کند و روز را در شب؛ و او به آنچه در دل سینه ها وجود دارد داناست. (*) 6_ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید؛ (زیرا کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند!) (*) 7_ چرا به خدا ایمان نیاورید در حالی که رسول (او) شما را می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خرد)، اگر آماده ایمان آوردنید. (*) 8_ او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش [= محمد] نازل می کند تا شما را از تاریکیها به سوی نور برد؛ و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است. (*) 9_ چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست (و کسی چیزی را با خود نمی برد)! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (*) 10_ کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؛ و برای او پاداش پرارزشی است! (*) 11_ (این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان سرعت حرکت می کند (و به آنها می گویند): بشارت باد بر شما امروز به باغهایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است! (*) 12_ روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم!» به آنها گفته می شود: «به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید!» در این هنگام دیواری میان آنها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! (*) 13_ آنها را صدا می زنند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» می گویند: «آری، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد!» (*) 14_ پس امروز نه از شما فدیة ای پذیرفته می شود، و نه از کافران؛ و جایگاهتان آتش است و همان سرپرستان می باشد؛ و چه بد جایگاهی است! (*) 15_ آیا وقت آن نرسیده است که دلهای مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد؛ و بسیاری از آنها گنهکارند! (*) 16_ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید! (*) 17_ مردان و زنان انفاق کننده، و آنها که (از این راه) به خدا «قرض الحسنه» دهند، (این قرض الحسنه) برای آنان مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند! (*) 18_ کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، آنها صدیقین و شهدا نزد پروردگارشانند؛ برای آنان است پاداش (اعمال)شان و نور (ایمان)شان؛ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیانند. (*) 19_ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می برد، سپس خشک می شود بگونه ای که آن را زردرنگ می بینی؛ سپس تبدیل به گاه می شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و (به هر

حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست! (*) 20_ به پیش تازید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده اند؛ آماده شده است، این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است! (*) 21_ هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است! (*) 22_ این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد! (*) 23_ همانها که بخل می ورزند و مردم را به بخل دعوت می کنند؛ و هر کس (از این فرمان) روی گردان شود، (به خود زبان می رساند نه به خدا)، چرا که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (*) 24_ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است! (*) 25_ ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوت و کتاب قرار دادیم؛ بعضی از آنها هدایت یافته اند و بسیاری از آنها گنجهکارند. (*) 26_ سپس در پی آنان رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم؛ و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشتیم بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنها فاسقند! (*) 27_ ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد؛ و خداوند غفور و رحیم است. (*) 28_ تا اهل کتاب بدانند که قادر بر چیزی از فضل خدا نیستند، و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است! (*) 29_

(سوره مجادله)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می کرد شنید (و تقاضای او را اجابت کرد)؛ خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلش) می شنید؛ و خداوند شنوا و بیناست. (*) 1_ کسانی که از شما نسبت به همسرانشان «ظهار» می کنند (و می گویند: «أنتِ علیَّ كَظْهَرِ أُمِّي = تو نسبت به من بمنزله مادرم هستی)»، آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی اند که آنها را به دنیا آورده اند! آنها سخنی زشت و باطل می گویند؛ و خداوند بخشنده و آمرزنده است! (*) 2_ کسانی که همسران خود را «ظهار» می

کنند، سپس از گفته خود بازمی گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم، برده ای را آزاد کنند؛ این دستوری است که به آن اندرز داده می شوید؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! (* 3_ و کسی که توانایی (آزاد کردن برده ای) نداشته باشد، دو ماه بیای قیل از آمیزش روزه بگیرد؛ و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام کند؛ این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید؛ اینها مرزهای الهی است؛ و کسانی که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکی دارند! (* 4_ کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند خوار و ذلیل شدند آن گونه که پیشینیان خوار و ذلیل شدند؛ ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذاب خوارکننده ای است... (* 5_ در آن روز که خداوند همه آنها را برمی انگیزد و از اعمالی که انجام دادند با خبر می سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آنها فراموش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است! (* 6_ آیا نمی دانی که خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می داند؛ هیچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی کنند مگر اینکه خداوند چهارمین آنهاست، و هیچ گاه پنج نفر با هم نجوا نمی کنند مگر اینکه خداوند ششمین آنهاست، و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن مگر اینکه او همراه آنهاست هر جا که باشند، سپس روز قیامت آنها را از اعمالشان آگاه می سازد، چرا که خداوند به هر چیزی داناست! (* 7_ آیا ندیدی کسانی را که از نجوا = سخنان درگوشی [نهی شدند، سپس به کاری که از آن نهی شده بودند بازمی گردند و برای انجام گناه و تعدی و نافرمانی رسول خدا به نجوا می پردازند و هنگامی که نزد تو می آیند تو را تحیتی (و خوشامدی) می گویند که خدا به تو نگفته است، و در دل می گویند: «چرا خداوند ما را بخاطر گفته هایمان عذاب نمی کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، وارد آن می شوند، و چه بد فرجامی است! (* 8_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که نجوا می کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می شوید بپرهیزید! (* 9_ نجوا تنها از سوی شیطان است؛ می خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند؛ ولی نمی تواند هیچ گونه ضرری به آنها برساند جز بفرمان خدا؛ پس مؤمنان تنها بر خدا توکل کنید! (* 10_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید (و به تازهواردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می بخشد؛ و هنگامی که گفته شود: «برخیزید»، برخیزید؛ اگر چنین کنید، خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! (* 11_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که می خواهید با رسول خدا نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه ای (در راه خدا) بدهید؛ این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند غفور و رحیم است! (* 12_ آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟! اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و (بدانید) خداوند از آنچه انجام می دهید با خبر است! (* 13_ آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ یاد می کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می دانند (دروغ نمی گویند)! (* 14_ خداوند عذاب شدیدی برای آنان فراهم ساخته، چرا که اعمال بدی انجام می دادند! (* 15_ آنها سوگندهای خود را سبزی قرار دادند و مردم را از راه خدا بازداشتند؛ از این رو برای آنان عذاب خوارکننده ای است! (* 16_ هرگز اموال و اولادشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی کند؛ آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می مانند! (* 17_ (به خاطر بیاورید) روزی را که

خداوند همه آنها را برمی انگیزد، آنها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می کنند همان گونه که (امروز) برای شما یاد می کنند؛ و گمان می کنند کاری می توانند انجام دهند؛ بدانید آنها دروغگویانند! (*) 18_ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند! (*) 19_ کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند، آنها در زمره ذلیل ترین افرادند! (*) 20_ خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است! (*) 21_ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کند که نه‌ها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می ماند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله» اند؛ بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند. (*) 22_

(سوره حشر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گوید؛ و او عزیز و حکیم است! (*) 1_ او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه هایشان بیرون راند! گمان نمی کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان می کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می شود؛ اما خداوند از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، بگونه ای که خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می کردند؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم! (*) 2_ و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می کرد؛ و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است! (*) 3_ این به خاطر آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند؛ و هر کس با خدا دشمنی کند (باید بداند) که خدا مجازات شدیدی دارد! (*) 4_ هر درخت با ارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود وا گذاشتید، همه به فرمان خدا بود؛ و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند! (*) 5_ و آنچه را خدا از آنان [= یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید)، نه اسبی تاخیتید و نه شتری؛ ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلط می سازد؛ و خدا بر هر چیز توانا است! (*) 6_ آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! (*) 7_ این اموال برای

فقیران مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند؛ و آنها راستگویند! (* 8) و برای کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدّم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند! (* 9) (همچنین) کسانی که بعد از آنها [= بعد از مهاجران و انصار] آمدند و می‌گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!» (* 10) آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می‌گفتند: «هرگاه شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود!» خداوند شهادت می‌دهد که آنها دروغگویند! (* 11) اگر آنها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی‌روند، و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند پشت به میدان کرده فرار می‌کنند؛ سپس کسی آنان را یاری نمی‌کند! (* 12) وحشت از شما در دل‌های آنها بیش از ترس از خداست؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی نادانند! (* 13) آنها هرگز با شما بصورت گروهی نمی‌جنگند جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها! یاریشان در میان خودشان شدید است، (اما در برابر شما ضعیف!) آنها را متحد می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ این به خاطر آن است که آنها قومی هستند که تعقل نمی‌کنند! (* 14) کار این گروه از یهود همانند کسانی است که کمی قبل از آنان بودند، طعم تلخ کار خود را چشیدند و برای آنها عذابی دردناک است! (* 15) کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)!» اما هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم!» (* 16) سرانجام کارشان این شد که هر دو در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می‌مانند؛ و این است کیفر ستمکاران! (* 17) ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (* 18) و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسقانند. (* 19) هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند؛ اصحاب بهشت رستگار و پیروزند! (* 20) اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافت! اینها مثالهایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید! (* 21) او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است! (* 22) و خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی یتیم نمی‌کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست‌ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند، و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند! (* 23) او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)؛ برای او نام‌های نیک است؛ آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می‌گویند؛ و او عزیز و حکیم است! (* 24)

(سوره ممتحنه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می راند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه داناترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (*) 1_ اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می گشایند، و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (*) 2_ هرگز بستگان و فرزندانان روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت؛ میان شما جدایی می افکند؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (*) 3_ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! -جز آن سخن ابراهیم که به پدرش = عمویش آزر [گفت (و وعده داد) که برای تو آموزش طلب می کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)! - پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است! (*) 4_ پروردگارا! ما را مایه گمراهی کافران قرار مده، و ما را ببخش، ای پروردگار ما که تو عزیز و حکیمی!» (*) 5_ (آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند؛ و هر کس سربچی کند به خویشتن ضرر زده است، زیرا خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (*) 6_ امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبت برقرار کند؛ خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است. (*) 7_ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (*) 8_ تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است! (*) 9_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که زنان باایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را آزمایش کنید - خداوند به ایمانشان آگاهتر است - هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آنها را بسوی کفار بازنگردانید؛ نه آنها برای کفار حلالند و نه کفار برای آنها حلال؛ و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته اند به آنان بپردازید؛ و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنان بدهید و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد، حق دارید مهری را که پرداخته اید مطالبه کنید همان گونه که آنها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده اند) از شما مطالبه کنند؛ این حکم خداوند است که در میان شما حکم می کند، و خداوند دانا و حکیم است! (*) 10_ و

اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند (و به سوی کفار بازگردند) و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که همسرانشان رفته اند، همانند مهری را که پرداخته اند بدهید؛ و از (مخالفت) خداوندی که همه به او ایمان دارید بپرهیزید! (*) 11_ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است! (*) 12_ ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند! (*) 13_

(سوره صفه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه تسبیح خدا می گویند؛ و او شکست ناپذیر و حکیم است! (*) 1_ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوید که عمل نمی کنید؟! (*) 2_ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید! (*) 3_ خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گوئی بنایی آهینند! (*) 4_ (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید با اینکه می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟!» هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا فاسقان را هدایت نمی کند! (*) 5_ و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده = تورات [می باشم، و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است! هنگامی که او = احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار!» (*) 6_ چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند! (*) 7_ آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند! (*) 8_ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (*) 9_ ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟! (*) 10_ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید! (*) 11_ (اگر چنین کنید) گناهانتان را می بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می کند که نهرا از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می دهد؛ و این پیروزی عظیم است! (*) 12_ و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک

است؛ و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ)!(*) 13_ ای کسانی که ایمان آورده اید! یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران خدائیم» در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانمان تأیید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدیم! (*) 14_

(سوره جمعه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا، و عزیز و حکیم است! (*) 1_ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! (*) 2_ و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده اند؛ و او عزیز و حکیم است! (*) 3_ این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است! (*) 4_ کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می کنند، (آن را بر دوش می کشد اما چیزی از آن نمی فهمد)؛ گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند! (*) 5_ بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویند (تا به لقای محبوبتان برسید)!» (*) 6_ ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی کنند بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده اند؛ و خداوند ظالمان را بخوبی می شناسد! (*) 7_ بگو: «این مرگی که از آن فرار می کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگردانده می شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می دادید خبر می دهد!» (*) 8_ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید! (*) 9_ و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید! (*) 10_ هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند؛ بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است. (*) 11_

(سوره منافقین)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: «ما شهادت می دهیم که یقیناً تو رسول خدایی!» خداوند می داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند (و به گفته خود ایمان ندارند). (*) 1_ آنها سوگندهایشان را سیر ساخته اند تا مردم را از راه خدا باز دارند، و کارهای بسیار بدی انجام می دهند! (*) 2_ این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند؛ از این رو بر دل‌های آنان مهر نهاده شده، و حقیقت را درک نمی کنند! (*) 3_ هنگامی که آنها را می بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می دهی؛ اما گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می پندارند؛ آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند؟! (*) 4_ هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند!»، سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می دهند؛ و آنها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند! (*) 5_ برای آنها تفاوت نمی کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی بخشد؛ زیرا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی کند! (*) 6_ آنها کسانی هستند که می گویند: «به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند!» (غافل از اینکه) خزاین آسمانها و زمین از آن خداست، ولی منافقان نمی فهمند! (*) 7_ آنها می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند! (*) 8_ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند! (*) 9_ از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، بیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» (*) 10_ خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجلس فرا رسد به تأخیر نمی اندازد، و خداوند به آنچه انجام می دهد آگاه است. (*) 11_

(سوره تغابن)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می گویند؛ مالکیت و حکومت از آن اوست و ستایش از آن او؛ و او بر همه چیز تواناست! (*) 1_ او کسی است که شما را آفرید (و به شما آزادی و اختیار داد)؛ گروهی از شما کافرید و گروهی مؤمن؛ و خداوند به آنچه انجام می دهد بیناست! (*) 2_ آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و شما را (در

عالم جنین) تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر؛ و سرانجام (همه) بسوی اوست. (*) 3_ آنچه را در آسمانها و زمین است می داند، و از آنچه پنهان یا آشکار می کنید با خبر است؛ و خداوند از آنچه در درون سینه هاست آگاه است. (*)

4_ آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند به شما نرسیده است؟! (آری) آنها طعم کیفر گناهان بزرگ خود را چشیدند؛ و عذاب دردناک برای آنهاست! (*) 5_ این بخاطر آن است که رسولان آنها (پیوسته) با دلایل روشن به سراغشان می آمدند، ولی آنها (از روی کبر و غرور) گفتند: «آیا بشرهایی (مثل ما) می خواهند ما را هدایت کنند؟!» از این رو کافر شدند و روی برگرداندند؛ و خداوند (از ایمان و طاعتشان) بی نیاز بود، و خدا غنی و شایسته ستایش است!

(*) 6_ کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد، بگو: «آری به پروردگرم سوگند که همه شما (در قیامت) برانگیخته خواهید شد، سپس آنچه را عمل می کردید به شما خبر داده می شود، و این برای خداوند آسان است!» (*)

7_ حال که چنین است، به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده ایم ایمان بیاورید؛ و بدانید خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است! (*) 8_ این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع [= روز رستاخیز] گردآوری می کند؛ آن روز روز تعابن است (روز احساس خسارت و پشیمانی)؛ و هر کس به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می بخشد و او را در باغهایی از بهشت که نهراها از زیر درختانش جاری است وارد می کند، جاودانه در آن می ماند؛ و این پیروزی بزرگ است! (*) 9_ اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب دوزخند، جاودانه در آن می ماند، و (سرانجام آنها) سرانجام بدی است! (*) 10_ هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به اذن خدا! و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می کند؛ و خدا به هر چیز داناست! (*) 11_ اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر را؛ و اگر روی گردان شوید، رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه ای ندارد! (*) 12_ خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست، و مؤمنان باید فقط بر او توکل کنند! (*) 13_ ای کسانی که ایمان آورده اید! بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (خدا شما را می بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است! (*) 14_ اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شما هستند؛ و خداست که پاداش عظیم نزد اوست! (*) 15_ پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند! (*) 16_ اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد؛ و خداوند شکرکننده و بردبار است!

(*) 17_ او دانای پنهان و آشکار است؛ و او عزیز و حکیم است! (*) 18_

(سوره طلاق)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق گوئید [= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست پرهیزید؛ نه

شما آنها را از خانه هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده؛ تو نمی دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند! (*) 1_ و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته ای نگه دارید یا بطرز شایسته ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، (*) 2_ و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است! (*) 3_ و از زنان، آنان که از عادت ماهانه مایوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده اند؛ و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد! (*) 4_ این فرمان خداست که بر شما نازل کرده؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می بخشد و پاداش او را بزرگ می دارد! (*) 5_ آنها [= زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید؛ و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند)؛ و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما (فرزند را) شیر می دهند، پاداش آنها را بپردازید؛ و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می گیرد. (*) 6_ آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد! (*) 7_ چه بسیار شهرها و آبادیها که اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سربیزی کردند و ما بشدت به حسابشان رسیدیم و به مجازات کم نظیری گرفتار ساختیم! (*) 8_ آنها آثار سوء کار خود را چشیدند؛ و عاقبت کارشان خسران بود! (*) 9_ خداوند عذاب سختی برای آنها فراهم ساخته؛ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه تذکر است بر شما نازل کرده؛ (*) 10_ رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد! و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایی از بهشت وارد سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است! (*) 11_ خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد! (*) 12_

(سوره تحریم)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده بخاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است. (*) 1_ خداوند راه گشودن سوگندهایتان را (در این گونه موارد) روشن ساخته؛ و خداوند مولای شماست و او دانا و حکیم است. (*) 2_ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود؛ هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا باخبر ساخت!» (*) 3_ اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلہایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند. (*) 4_ امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت کننده، زنانی غیر باکره و باکره! (*) 5_ ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می نمایند! (*) 6_ ای کسانی که کافر شده اید امروز عذرخواهی نکنید، چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید! (*) 7_ ای کسانی که ایمان آورده اید بسوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانائی!» (*) 8_ ای پیامبر! با کفار و منافقین پیکار کن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است! (*) 9_ خداوند برای کسانی که کافر شده اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند!» (*) 10_ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» (*) 11_ و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! (*) 12_

(سوره ملك)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

پربرکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. (*) 1_ آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او شکست ناپذیر و بخشنده است. (*) 2_ همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضادّ و عیبی نمی بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟! (*) 3_ بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می گردد در حالی که خسته و ناتوان است! (*) 4_ ما آسمان پایین (نزدیک) را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [=شهابها] را تیرهایی برای شباطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم! (*) 5_ و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنّم است، و بد فرجامی است! (*) 6_ هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می شنوند، و این در حالی است که پیوسته می جوشد! (*) 7_ نزدیک است (دوزخ) از شدّت غضب پاره پاره شود؛ هر زمان که گروهی در آن افکنده می شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می پرسند: «مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!» (*) 8_ می گویند: «آری، بیم دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید!» (*) 9_ و می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» (*) 10_ اینجاست که به گناه خود اعتراف می کنند؛ دور باشند دوزخیان از رحمت خدا! (*) 11_ (اما) کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، مسلماً آمرزش و پاداش بزرگی دارند! (*) 12_ گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی کند)، او به آنچه در سینه هاست آگاه است! (*) 13_ آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در حالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است! (*) 14_ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست! (*) 15_ آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟! (*) 16_ یا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می دانید که تندبادی پر از سنگریزه بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است! (*) 17_ کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، اما (بین) مجازات من چگونه بود! (*) 18_ آیا به پرندگانی که بالای سرشان است، و گاه بالهای خود را گسترده و گاه جمع می کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد، چرا که او به هر چیز بیناست! (*) 19_ آیا این کسی که لشکر شماسست می تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟ ولی کافران تنها گرفتار فریبند! (*) 20_ یا آن کسی که شما را روزی می دهد، اگر روزیش را بازدارد (چه کسی می تواند نیاز شما را تأمین کند)؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می ورزند! (*) 21_ آیا کسی که به رو افتاده حرکت می کند به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟! (*) 22_ بگو: «او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد؛ اما کمتر سپاسگزاری می کنید!» (*) 23_ بگو: «او کسی

است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید!» (* 24_ آنها می گویند: «اگر راست می گویند این وعده قیامت چه زمانی است؟!» (* 25_ بگو: «علم آن تنها نزد خداست؛ و من فقط بیم دهنده آشکاری هستم!» (* 26_ هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیک می بینند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد، و به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید!» (* 27_ بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند مرا و تمام کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا مورد ترحم قرار دهد، چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟!» (* 28_ بگو: «او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکل کرده ایم؛ و بزودی می دانید چه کسی در گمراهی آشکار است!» (* 29_ بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!» (* 30_

(سوره قلم)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ن، سوگند به قلم و آنچه مینویسند، (* 1_ که به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی، (* 2_ و برای تو پاداشی عظیم و همیشگی است! (* 3_ و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری! (* 4_ و بزودی تو می بینی و آنان نیز می بینند، (* 5_ که کدام یک از شما مجنونند! (* 6_ پروردگارت بهتر از هر کس می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت یافتگان را نیز بهتر می شناسد! (* 7_ حال که چنین است از تکذیب کنندگان اطاعت مکن! (* 8_ آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)! (* 9_ و از کسی که بسیار سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن، (* 10_ کسی که بسیار عیبجوست و به سخن چینی آمد و شد می کند، (* 11_ و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است؛ (* 12_ علاوه بر اینها کینه توز و پرخور و خشن و بدنام است! (* 13_ مبادا بخاطر اینکه صاحب مال و فرزندان فراوان است (از او پیروی کنی)! (* 14_ هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود می گوید: «اینها افسانه های خرافی پیشینیان است!» (* 15_ ولی) ما بزودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم! (* 16_ ما آنها را آزمودیم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند. (* 17_ و هیچ از آن استثنا نکنند؛ (* 18_ اما عذابی فراگیر (شب هنگام) بر (تمام) باغ آنها فرود آمد در حالی که همه در خواب بودند، (* 19_ و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد! (* 20_ صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند، (* 21_ که بسوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه ها را دارید! (* 22_ آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می گفتند:» (* 23_ «مواظب باشید امروز حتی یک فقیر وارد بر شما نشود!» (* 24_ (اری) آنها

صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند. (* 25_هنگامی که (وارد باغ شدند و) آن را دیدند گفتند: «حقاً» ما گمراهیم! (* 26_آری، همه چیز از دست ما رفته) بلکه ما محرومیم!» (* 27_یکی از آنها که از همه عاقلتر بود گفت: «آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی گوید؟! (* 28_گفتند: «منزه است پروردگار ما، مسلماً ما ظالم بودیم!» (* 29_سپس رو به یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، (* 30_ (و فریادشان بلند شد) گفتند: «وای بر ما که ظغیانگر بودیم! (* 31_امیدواریم پروردگاران (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به او علاقه مندیم!» (* 32_این گونه است عذاب (خداوند در دنیا)، و عذاب آخرت از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند! (* 33_مسلماً برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغهای یر نعمت بهشت است! (* 34_آیا مؤمنان را همچون مجرمان قرار می دهیم؟! (* 35_شما را چه می شود؟! چگونه داوری می کنید؟! (* 36_آیا کتابی دارید که از آن درس می خوانید... (* 37_که آنچه را شما انتخاب می کنید از آن شماست؟! (* 38_یا اینکه عهد و پیمان مؤکد و مستمری تا روز قیامت بر ما دارید که هر چه را حکم کنید برای شما باشد؟! (* 39_از آنها بپرس کدام یک از آنان چنین چیزی را تضمین می کند؟! (* 40_یا اینکه معبودانی دارند که آنها را شریک خدا قرار داده اند (و برای آنان شفاعت می کنند)؟! اگر راست می گویند معبودان خود را بیاورند! (* 41_ (به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می گردد و دعوت به سجود می شوند، اما نمی توانند (سجود کنند). (* 42_این در حالی است که چشمهایشان (از شدت شرمساری) به زیر افتاده، و ذلت و خواری وجودشان را فراگرفته؛ آنها پیش از این دعوت به سجود می شدند در حالی که سالم بودند (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)! (* 43_اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار! ما آنان را از آنجا که نمی دانند به تدریج به سوی عذاب پیش می بریم. (* 44_و به آنها مهلت (بازگشت) می دهیم؛ چرا که نقشه های من محکم و دقیق است! (* 45_یا اینکه تو از آنها مُردی می طلبی که پرداختش برای آنها سنگین است؟! (* 46_یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن را می نویسند (و به یکدیگر می دهند)؟! (* 47_اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی = یونس [مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند. (* 48_و اگر رحمت خدا به یاریش نیامده بود، (از شکم ماهی) بیرون افکنده می شد در حالی که نکوهیده بود! (* 49_ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد! (* 50_نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم خود تو را از بین ببرند، و می گویند: «او دیوانه است!» (* 51_در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست! (* 52_

(سوره حاقه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

(روز رستاخیز) روزی است که مسلماً واقع می شود! (*) 1_ چه روز واقع شدنی! (*) 2_ و تو چه می دانی آن روز واقع شدنی چیست؟! (*) 3_ قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)! (*) 4_ اما قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند! (*) 5_ و اما قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و یرصدا به هلاکت رسیدند، (*) 6_ (خداوند) این تندباد بنیان کن را هفت شب و هشت روز بی در پی بر آنها مسلط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می دیدی که آن قوم همچون تنه های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده اند! (*) 7_ آیا کسی از آنها را باقی می بینی؟! (*) 8_ و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط [مرتکب گناهان بزرگ شدند، (*) 9_ و با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند؛ و خداوند (نیز) آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت! (*) 10_ و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم، (*) 11_ تا آن را وسیله تذکری برای شما قرار دهیم و گوشه‌های شنوا آن را دریا بد و بفهمد. (*) 12_ به محض اینکه یک بار در «صور» دمیده شود، (*) 13_ و زمین و کوه ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند، (*) 14_ در آن روز «واقعۀ عظیم» روی می دهد، (*) 15_ و آسمان از هم می شکافد و سست می گردد و فرومی ریزد! (*) 16_ فرشتگان در اطراف آسمان قرار می گیرند (و برای انجام مأموریتها آماده می شوند)؛ و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می کنند! (*) 17_ در آن روز همگی به پیشگاه خدا عرضه می شوید و چیزی از کارهای شما پنهان نمی ماند! (*) 18_ پس کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدت شادی و مباهات) فریاد می زند که: «ای اهل محشر! نامه اعمال مرا بگیرد و بخواند! (*) 19_ من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و) به حساب اعمالم می رسم!» (*) 20_ او در یک زندگی (کاملاً) رضایتبخش قرار خواهد داشت، (*) 21_ در بهشتی عالی، (*) 22_ که میوه هایش در دسترس است! (*) 23_ (و به آنان گفته می شود): بخورید و بیاشامید گوارا در برابر اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید! (*) 24_ اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی دادند. (*) 25_ و نمی دانستم حساب من چیست! (*) 26_ ای کاش مرگم فرا می رسید! (*) 27_ مال و ثروتم هرگز مرا بی نیاز نکرد، (*) 28_ قدرت من نیز از دست رفت!» (*) 29_ او را بگیرد و دربند و زنجیرش کنید! (*) 30_ سپس او را در دوزخ بیفکنید! (*) 31_ بعد او را به زنجیری که هفتاد ذراع است ببندید؛ (*) 32_ چرا که او هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی آورد، (*) 33_ و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی نمود؛ (*) 34_ از این رو امروز هم در اینجا یار مهربانی ندارد، (*) 35_ و نه طعامی، جز از چرک و خون! (*) 36_ غذایی که جز خطاکاران آن را نمی خورند! (*) 37_ سوگند به آنچه می بینید، (*) 38_ و آنچه نمی بینید، (*) 39_ که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است، (*) 40_ و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می آورید! (*) 41_ و نه گفته کاهنی، هر چند کمتر متذکر می شوید! (*) 42_ کلامی است که از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است! (*) 43_ اگر او سخنی دروغ بر ما می بست، (*) 44_ ما او را با قدرت می گرفتیم،

(* 45) سپس رگ قلبش را قطع می کردیم، (* 46) و هیچ کس از شما نمی توانست از (مجازات) او مانع شود!
 (* 47) و آن مسلماً تذکری برای پرهیزگاران است! (* 48) و ما می دانیم که بعضی از شما (آن را) تکذیب می
 کنید! (* 49) و آن مایه حسرت کافران است! (* 50) و آن یقین خالص است! (* 51) حال که چنین است به نام
 پروردگار بزرگت تسبیح گوی! (* 52)

(سوره معارج)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

تقاضاکننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! (* 1) این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را
 دفع کند، (* 2) از سوی خداوند ذی المعارج [= خداوندی که فرشتگانش بر آسمانها صعود و عروج می کنند!] (*
 3) فرشتگان و روح [= فرشته مقرب خداوند] بسوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!
 (* 4) پس صبر جمیل پیشه کن، (* 5) زیرا آنها آن روز را دور می بینند، (* 6) و ما آن را نزدیک می بینیم! (*
 7) همان روز که آسمان همچون فلز گداخته می شود، (* 8) و کوه ها مانند پشم رنگین متلاشی خواهد بود، (* 9)
 و هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی گیرد! (* 10) آنها را نشانشان می دهند (ولی هر کس گرفتار کار
 خویشتن است)، چنان است که گنهکار دوست می دارد فرزندان خود را در برابر عذاب آن روز فدا کند، (* 11) و
 همسر و برادرش را، (* 12) و قبیله اش را که همیشه از او حمایت می کرد، (* 13) و همه مردم روی زمین را تا
 مایه نجاتش گردند؛ (* 14) اما هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) شعله های سوزان آتش است،
 (* 15) دست و پا و پوست سر را می کند و می برد! (* 16) و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردند صدا می
 زند، (* 17) و (همچنین آنها که) اموال را جمع و ذخیره کردند! (* 18) به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده
 شده است، (* 19) هنگامی که بدی به او رسد بیتابی می کند، (* 20) و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران
 می شود (و بخل می ورزد)، (* 21) مگر نمازگزاران، (* 22) آنها که نمازها را پیوسته بجا می آورند، (* 23) و
 آنها که در اموالشان حق معلومی است... (* 24) برای تقاضاکننده و محروم، (* 25) و آنها که به روز جزا ایمان
 دارند، (* 26) و آنها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند، (* 27) چرا که هیچ کس از عذاب پروردگارش در امان
 نیست، (* 28) و آنها که دامان خویش را (از بی عفتی) حفظ می کنند، (* 29) جز با همسران و کنیزان (که در حکم
 همسرند آمیزش ندارند)، چرا که در بهره گیری از اینها مورد سرزنش نخواهند بود! (* 30) و هر کس جز اینها را
 طلب کند، متجاوز است! (* 31) و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند، (* 32) و آنها که با ادای
 شهادتشان قیام می نمایند، (* 33) و آنها که بر نماز مواظبت دارند، (* 34) آنان در باغهای بهشتی (پذیرایی و)
 گرمی داشته می شوند. (* 35) این کافران را چه می شود که با سرعت نزد تو می آیند... (* 36) از راست و چپ،
 گروه گروه (و آرزوی بهشت دارند)! (* 37) آیا هر یک از آنها (با این اعمال زشتش) طمع دارد که او را در بهشت پر

نعمت الهی وارد کنند؟! (* 38_هرگز چنین نیست؛ ما آنها را از آنچه خودشان می دانند آفریده ایم! (* 39_سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم... (* 40_ که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند؛ و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد! (* 41_ آنان را به حال خود واگذار تا در باطل خود فروروند و بازی کنند تا زمانی که روز موعود خود را ملاقات نمایند! (* 42_ همان روز که از قبرها بسرعت خارج می شوند، گویی به سوی بتها می دوند... (* 43_ در حالی که چشمهایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده، و برده ای از ذلت و خواری آنها را پوشانده است! این همان روزی است که به آنها وعده داده می شد! (* 44_

(سوره نوح)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید!» (* 1_ گفت: «ای قوم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم، (* 2_ که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او پرهیزید و مرا اطاعت نمایید! (* 3_ اگر چنین کنید، خدا گناهانتان را می آمرزد و تا زمان معینی شما را عمر می دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیری نخواهد داشت اگر می دانستید!» (* 4_ (نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (سوی تو) دعوت کردم، (* 5_ اما دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آنان نیفزود! (* 6_ و من هر زمان آنها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند و) تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوشهایشان قرار داده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند! (* 7_ سپس من آنها را با صدای بلند (به اطاعت فرمان تو) دعوت کردم، (* 8_ سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را) برای آنان بیان داشتم! (* 9_ به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است... (* 10_ تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، (* 11_ و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد! (* 12_ چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟! (* 13_ در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به انسان کامل رسیدید)! (* 14_ آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است، (* 15_ و ماه را در میان آسمانها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است؟! (* 16_ و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید، (* 17_ سپس شما را به همان زمین بازمی گرداند، و بار دیگر شما را خارج می سازد! (* 18_ و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد... (* 19_ تا از راههای وسیع و دره های آن بگذرید (و به هر جا می خواهید بروید)! (* 20_ نوح (بعد از نوبتی از هدایت آنان) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است! (* 21_ و (این رهبران گمراه) مکر عظیمی به کار بردند... (* 22_ و گفتند: دست از خدایان و بتهای خود برندارید (به خصوص) بتهای «وَد»، «سواع»، «یغوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید! (* 23_

و آنها گروه بسیاری را گمراه کردند! خداوندا، ظالمان را جز ضلالت میفزا!» (* 24_ (آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند! (* 25_ نوح گفت: «پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! (* 26_ چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند! (* 27_ پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان باایمان رایبامرزه؛ و ظالمان را جز هلاکت میفزا!» (* 28_

(سوره جن)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جنّ به سخنانم گوش فراداده اند، سپس گفته اند: «ما قرآن عجیبی شنیده ایم... (* 1_ که به راه راست هدایت می کند، پس ما به آن ایمان آورده ایم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نمی دهیم! (* 2_ و اینکه بلند است مقام باعظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است! (* 3_ و اینکه سفیه ما (ابلیس) درباره خداوند سخنان ناروا می گفت! (* 4_ و اینکه ما گمان می کردیم که انس و جنّ هرگز بر خدا دروغ نمی بندند! (*

5_ و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جنّ پناه می بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند! (* 6_ و اینکه آنها گمان کردند -همان گونه که شما گمان می کردید- که خداوند هرگز کسی را (به نبوت) مبعوث نمی کند! (* 7_ و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم! (* 8_ و اینکه ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می نشستیم؛ اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد! (* 9_ و اینکه (با این اوضاع) ما نمی دانیم آیا اراده شریّ درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟! (* 10_ و اینکه در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالحند؛ و ما گروه های متفاوتی هستیم! (* 11_ و اینکه ما یقین داریم هرگز نمی توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و نمی توانیم از (پنجه قدرت) او بگریزیم! (* 12_ و اینکه ما هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هر کس به

پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می ترسد و نه از ظلم! (* 13_ و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است، (* 14_ و اما ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند! (* 15_ و اینکه اگر آنها [= جنّ و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم! (* 16_ هدف این است که ما آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم؛ و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب شدید و فزاینده ای گرفتار می سازد! (* 17_ و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید! (* 18_ و اینکه هنگامی

که بنده خدا [= محمد (ص)] به عبادت برمی خاست و او را می خواند، گروهی پیرامون او بشدت ازدحام می کردند!» (* 19) بگو: «من تنها پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم!» (* 20) بگو: «من مالک زبان و هدایتی برای شما نیستم!» (* 21) بگو: «اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی کند و پناهگاهی جز او نمی یابم; (* 22) تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست; و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می ماند! (* 23) (این کار شکنی کفار همچنان ادامه می یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند; آنگاه می دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیتش کمتر است! (* 24) بگو: «من نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار می دهد؟! (* 25) دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد، (* 26) مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد... (* 27) تا بداند پیامبرانش رسالتهای پروردگارش را ابلاغ کرده اند; و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصا کرده است!» (* 28)

(سوره مزمل)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای جامه به خود پیچیده! (* 1) شب را، جز کمی، بپاخیز! (* 2) نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، (* 3) یا بر نصف آن بیفز، و قرآن را با دقت و تأمل بخوان; (* 4) چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد! (* 5) مسلماً نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت تر است! (* 6) و تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت! (* 7) و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند! (* 8) همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن، (* 9) و در برابر آنچه (دشمنان) می گویند شکیبا باش و بطریقی شایسته از آنان دوری گزین! (* 10) و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده، (* 11) که نزد ما غل و زنجیرها و (آتش) دوزخ است، (* 12) و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناک، (* 13) در آن روز که زمین و کوه ها سخت به لرزه درمی آید، و کوه ها (چنان درهم کوبیده می شود که) به شکل توده هایی از شن نرم درمی آید! (* 14) ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم! (* 15) (ولی) فرعون به مخالفت و نافرمانی آن رسول برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم! (* 16) شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) بر کنار می دارید؟! در آن روز که کودکان را پیر می کند، (* 17) و آسمان از هم شکافته می شود، و وعده او شدنی و حتمی است. (* 18) این هشدار و تذکری است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (* 19) پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزند; خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند; او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را (به دقت) اندازه گیری کنید (برای عبادت کردن)، پس شما را بخشید; اکنون آنچه

برای شما میسر است قرآن بخوانید او می داند بزودی گروهی از شما بیمار می شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن بازمی مانند)، پس به اندازه ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات پردازید و به خدا «قرض الحسنه» دهید [= در راه او انفاق نمایید] و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است! (*)

_20

(سوره مدثر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای جامه خواب به خود پیچیده (و در بستر آرمیده)! (*) 1_ برخیز و انداز کن (و عالمیان را بیم ده)، (*) 2_ و پروردگارت را بزرگ بشمار، (*) 3_ و لباست را پاک کن، (*) 4_ و از پلیدی دوری کن، (*) 5_ و منت مگذار و فزونی مطلب، (*) 6_ و بخاطر پروردگارت شکیبایی کن! (*) 7_ هنگامی که در «صور» دمیده شود، (*) 8_ آن روز، روز سختی است، (*) 9_ و برای کافران آسان نیست! (*) 10_ مرا با کسی که او را خود به تنهایی آفریده ام واگذار! (*) 11_ همان کسی که برای او مال گسترده ای قرار دادم، (*) 12_ و فرزندی که همواره نزد او (و در خدمت او) هستند، (*) 13_ و وسایل زندگی را از هر نظر برای وی فراهم ساختم! (*) 14_ باز هم طمع دارد که بر او بیفزایم! (*) 15_ هرگز چنین نخواهد شد؛ چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد! (*) 16_ و بزودی او را مجبور می‌کنم که از قلّه زندگی بالا رود (سپس او را به زیر می‌افکنم)! (*) 17_ او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت! (*) 18_ مرگ بر او باد! چگونه (برای مبارزه با حق) مطلب را آماده کرد! (*) 19_ باز هم مرگ بر او، چگونه مطلب (و نقشه شیطانی خود را) آماده نمود! (*) 20_ سپس نگاهی افکند، (*) 21_ بعد چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد؛ (*) 22_ سپس پشت (به حق) کرد و تکبر ورزید، (*) 23_ و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست! (*) 24_ این فقط سخن انسان است (نه گفتار خدا)!» (*) 25_ (اَما) بزودی او را وارد سَقَر [= دوزخ] می‌کنم! (*) 26_ و تو نمی‌دانی «سَقَر» چیست! (*) 27_ (آتشی است که) نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه چیزی را رها می‌سازد! (*) 28_ پوست تن را بکلی دگرگون می‌کند! (*) 29_ نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده‌اند! (*) 30_ مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل کتاب و مؤمنان (در حَقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها

نیست! (* 31) اینچنین نیست که آنها تصوّر می کنند سوگند به ماه، (* 32) و به شب، هنگامی که (دامن برچینند و) پشت کند، (* 33) و به صبح هنگامی که چهره بگشاید، (* 34) که آن (حوادث هولناک قیامت) از مسائل مهم است! (* 35) هشدار و اندازی است برای همه انسانها، (* 36) برای کسانی از شما که می خواهند پیش افتند یا عقب بمانند [= بسوی هدایت و نیکی پیش روند یا نروند!] (* 37) (آری) هر کس در گرو اعمال خویش است، (* 38) مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوایشان به دست راستشان می دهند)! (* 39) آنها در باغهای بهشتند، و سؤال می کنند... (* 40) از مجرمان: (* 41) چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! (* 42) می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، (* 43) و اطعام مستمند نمی کردیم، (* 44) و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، (* 45) و همواره روز جزا را انکار می کردیم، (* 46) تا زمانی که مرگ ما فرا رسید!» (* 47) از این رو شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد. (* 48) چرا آنها از تذکرّ روی گردانند؟! (* 49) گویی گورخرانی رمیده اند، (* 50) که از (مقابل) شیری فرار کرده اند! (* 51) بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه ای (از سوی خدا) برای او فرستاده شود! (* 52) چنین نیست که آنان می گویند، بلکه آنها از آخرت نمی ترسند! (* 53) چنین نیست (که آنها می گویند، آن (قرآن) یک تذکرّ و یادآوری است! (* 54) هر کس بخواهد از آن پند می گیرد؛ (* 55) و هیچ کس پند نمی گیرد مگر اینکه خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است! (* 56)

(سوره قیامت)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به روز قیامت، (* 1) و سوگند به (نفس لوّامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حقّ است)! (* 2) آیا انسان می پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟! (* 3) آری قادریم که (حتّی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتّب کنیم! (* 4) (انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! (* 5) (از این رو) می پرسد: «قیامت کی خواهد بود!» (* 6) (بگو: در آن هنگام که چشمها از شدّت وحشت به گردش درآید، (* 7) و ماه بی نور گردد، (* 8) و خورشید و ماه یک جا جمع شوند، (* 9) آن روز انسان می گوید: «راه فرار کجاست؟!» (* 10) هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد! (* 11) آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است؛ (* 12) و در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده آگاه می کنند! (* 13) بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است، (* 14) هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد! (* 15) زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن [= قرآن] حرکت مده، (* 16) چرا که

جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست! (*) 17_ پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن! (*)
 18_ سپس بیان و (توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست! (*) 19_ چنین نیست که شما می پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی دانید); بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی قید و شرط را)! (*) 20_ و آخرت را رها می کنید! (*) 21_ (آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است، (*) 22_ و به پروردگارش می نگرند! (*) 23_ و در آن روز صورتهایی عبوس و در هم کشیده است، (*) 24_ زیرا می داند غذایی در پیش دارد که پشت را در هم می شکند! (*) 25_ چنین نیست (که انسان می پندارد! او ایمان نمی آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد، (*) 26_ و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!» (*) 27_ و به جدائی از دنیا یقین پیدا کند، (*) 28_ و ساق پاها (از سختی جان دادن) به هم بپیچد! (*) 29_ (آری) در آن روز مسیر همه بسوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود! (*) 30_ (در آن روز گفته می شود): او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند، (*) 31_ بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد، (*) 32_ سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی داشت! (*) 33_ (با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (*) 34_ سپس عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (*) 35_ آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟! (*) 36_ آیا او نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟! (*) 37_ سپس بصورت خون بسته در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، (*) 38_ و از او دو زوج مرد و زن آفرید! (*) 39_ آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟! (*) 40_

(سوره انسان (حشر))

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟! (*) 1_ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می آزماییم; (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم! (*) 2_ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (*) 3_ ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم! (*) 4_ به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (*) 5_ از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند! (*) 6_ آنها به نذر خود وفا می کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می ترسند، (*) 7_ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (*) 8_ (و می گویند): ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم! (*) 9_ ما از پروردگاران خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است! (*) 10_ (بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شرّ آن روز ننگه می دارد و آنها را می پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند! (*) 11_ و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می دهد! (*) 12_ این در حالی است که در بهشت بر تختهای زیبا تکیه

کرده اند، نه آفتاب را در آنجا می بینند و نه سرما را! (*) 13_ و در حالی است که سایه های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده و چیدن میوه هایش بسیار آسان است! (*) 14_ و در گرداگرد آنها ظرفهایی سیمین و قذحهایی بلورین می گردانند (بر از بهترین غذاها و نوشیدنی ها)، (*) 15_ ظرفهای بلورینی از نقره، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده اند! (*) 16_ و در آنجا از جامهایی سیراب می شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است، (*) 17_ از چشمه ای در بهشت که نامش سلسبیل است! (*) 18_ و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می گردند که هرگاه آنها را ببینی گمان می کنی مروارید پراکنده اند! (*) 19_ و هنگامی که آنجا را ببینی نعمتها و ملک عظیمی را می بینی! (*) 20_ بر اندام آنها [= بهشتیان] لباسهایی است از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان می نوشاند! (*) 21_ این پاداش شمامست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است! (*) 22_ مسلماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم! (*) 23_ پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکبیا (و با استقامت) باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن! (*) 24_ و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور! (*) 25_ و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی! (*) 26_ آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها می کنند! (*) 27_ ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان بخواهیم جای آنان را به گروه دیگری می دهیم! (*) 28_ این یک تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (*) 29_ و شما هیچ چیز را نمی خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست! (*) 30_ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمت (وسیع) خود وارد می کند، و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است! (*) 31_

(سوره مرسلات)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به فرشتگانی که بی در پی فرستاده می شوند، (*) 1_ و آنها که همچون تند باد حرکت می کنند، (*) 2_ و سوگند به آنها که (برها را) می گسترانند، (*) 3_ و آنها که جدا می کنند، (*) 4_ و سوگند به آنها که آیات بیدارگر (الهی) را (به انبیا) القا می نمایند، (*) 5_ برای اتمام حجّت یا برای انذار، (*) 6_ که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می شود، یقیناً واقع شدنی است! (*) 7_ در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند، (*) 8_ و (کرات) آسمان از هم بشکافند، (*) 9_ و در آن زمان که کوه ها از جا کنده شوند، (*) 10_ و در آن هنگام که برای پیامبران (بمنظور ادای شهادت) تعیین وقت شود! (*) 11_ (این امر) برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (*) 12_ برای روز جدایی (حق از باطل)! (*) 13_ تو چه می دانی روز جدایی چیست! (*) 14_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 15_ آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟! (*) 16_ سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می فرستیم! (*) 17_ (آری)

این گونه با مجرمان رفتار می کنیم! (*) 18_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 19_ آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم، (*) 20_ سپس آن را در قرارگاهی محفوظ و آماده قرار دادیم، (*) 21_ تا مدتی معین؟! (*) 22_ ما قدرت بر این کار داشتیم، پس ما قدرتمند خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است)! (*) 23_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 24_ آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم، (*) 25_ هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟! (*) 26_ و در آن کوه های استوار و بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم! (*) 27_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 28_ (در آن روز به آنها گفته می شود:) بی درنگ، به سوی همان چیزی که پیوسته آن را تکذیب می کردید بروید! (*) 29_ بروید به سوی سایه سه شاخه (دوده های خفقان بار و آتش زا)! (*) 30_ سایه ای که نه آرامبخش است و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند! (*) 31_ شراره هایی از خود پرتاب می کند مانند یک کاخ! (*) 32_ گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زردرنگی هستند (که به هر سو پراکنده می شوند)! (*) 33_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 34_ امروز روزی است که سخن نمی گویند (و قادر بر دفاع از خویشتن نیستند)، (*) 35_ و به آنها اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند! (*) 36_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 37_ و به آنها گفته می شود:) امروز همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم! (*) 38_ اگر چاره ای در برابر من (برای فرار از چنگال مجازات) دارید انجام دهید! (*) 39_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 40_ (در آن روز) پرهیزگاران در سایه های (درختان بهشتی) و در میان چشمه ها قرار دارند، (*) 41_ و میوه هایی از آنچه مایل باشند! (*) 42_ بخورید و بنوشید گوارا، اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید! (*) 43_ ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (*) 44_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 45_ (و به مجرمان بگو:) بخورید و بهره گیرید در این مدت کم (از زندگی دنیا، ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست) چرا که شما مجرمید! (*) 46_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 47_ و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید رکوع نمی کنند! (*) 48_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 49_ (و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی آورند) پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟! (*) 50_

(سوره نبأ)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟! (*) 1_ از خبر بزرگ و پراهمیت (رستاخیز)! (*) 2_ همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند! (*) 3_ چنین نیست که آنها فکر می کنند، و بزودی می فهمند! (*) 4_ باز هم چنین نیست که آنها می پندارند، و بزودی می فهمند (که قیامت حق است)! (*) 5_ آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! (*) 6_ و کوه ها را میخهای زمین؟! (*) 7_ و شما را بصورت زوجها آفریدیم! (*) 8_ و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم، (*) 9_ و شب را پوششی (برای شما)، (*) 10_ و روز را وسیله ای برای زندگی و معاش! (*)

11_ و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم! (* 12_ و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم! (* 13_ و از ابرهای باران زا آبی فراوان نازل کردیم، (* 14_ تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم، (* 15_ و باغهایی پردرخت! (* 16_ (آری) روز جدایی، میعاد همگان است! (* 17_ روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آید! (* 18_ و آسمان گشوده می شود و بصورت درهای متعددی درمی آید! (* 19_ و کوه ها به حرکت درمی آید و بصورت سرابی می شود! (* 20_ مسلماً (در آن روز) جهنم کمینگاهی است بزرگ، (* 21_ و محل بازگشتی برای طغیانگران! (* 22_ مدت‌های طولانی در آن می مانند! (* 23_ در آنجا نه چیز خنکی می چشند و نه نوشیدنی گوارایی، (* 24_ جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون! (* 25_ این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان)! (* 26_ چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، (* 27_ و آیات ما را بکلی تکذیب کردند! (* 28_ و ما همه چیز را شمارش و ثبت کرده ایم! (* 29_ پس بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی افزاییم! (* 30_ مسلماً برای پرهیزگاران نجات و پیروزی بزرگی است: (* 31_ باغهایی سرسبز، و انواع انگورها، (* 32_ و حوریانی بسیار جوان و هم سن و سال، (* 33_ و جامه‌هایی لبریز و پیایی (از شراب طهور)! (* 34_ در آنجا نه سخن لغو و بیهوده ای می شنوند و نه دروغی! (* 35_ این کیفری است از سوی پروردگارت و عطیه ای است کافی! (* 36_ همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، پروردگار رحمان! و (در آن روز) هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند)! (* 37_ روزی که «روح» و «ملائکه» در یک صف می ایستند و هیچ یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی گویند، و (آنگاه که می گویند) درست می گویند! (* 38_ آن روز حق است؛ هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (* 39_ و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم! این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود فرستاده می بیند، و کافر می گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمی شدم)!» (* 40_

(سوره نازعات)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به فرشتگانی که (جان مجرمان را بشدت از بدنهایشان) برمی کشند، (* 1_ و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می سازند، (* 2_ و سوگند به فرشتگانی که (در اجرای فرمان الهی) با سرعت حرکت می کنند، (* 3_ و سپس بر یکدیگر سبقت می گیرند، (* 4_ و آنها که امور را تدبیر می کنند! (* 5_ آن روز که زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی آورد، (* 6_ و بدنبال آن، حادثه دومین [= صیحه عظیم محشر] رخ می دهد، (* 7_ دل‌هایی در آن روز سخت مضطرب است، (* 8_ و چشمهای آنان از شدت ترس فروافتاده است! (* 9_ ولی (امروز) می گویند: «آیا ما به زندگی مجدد بازمی گردیم؟! (* 10_ آیا هنگامی که استخوانهای پوسیده ای شدیم (ممکن است زنده شویم)!» (* 11_ می گویند: «اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زیانبار!» (* 12_ ولی (بدانید) این

بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است! (* 13) ناگهان همگی بر عرصه زمین ظاهر می گردند! (* 14) آیا داستان موسی به تو رسیده است؟! (* 15) در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدّس «طوی» ندا داد (و گفت): (* 16) به سوی فرعون برو که طغیان کرده است! (* 17) و به او بگو: «آیا می خواهی پاکیزه شوی؟! (* 18) و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)!» (* 19) سپس موسی بزرگترین معجزه را به او نشان داد! (* 20) اما او تکذیب و عصیان کرد! (* 21) سپس پشت کرد و پیوسته (برای محو آیین حق) تلاش نمود! (* 22) و ساحران را جمع کرد و مردم را دعوت نمود، (* 23) و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم!» (* 24) از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت! (* 25) در این عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد! (* 26) آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟! (* 27) سقف آن را برافراشت و آن را منظم ساخت، (* 28) و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود! (* 29) و زمین را بعد از آن گسترش داد، (* 30) و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد، (* 31) و کوه ها را ثابت و محکم نمود! (* 32) همه اینها برای بهره گیری شما و چهارپایانتان است! (* 33) هنگامی که آن حادثه بزرگ رخ دهد، (* 34) در آن روز انسان به یاد کوششهایش می افتد، (* 35) و جهنّم برای هر بیننده ای آشکار می گردد، (* 36) اما آن کسی که طغیان کرده، (* 37) و زندگی دنیا را مقدّم داشته، (* 38) مسلماً دوزخ جایگاه اوست! (* 39) و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، (* 40) قطعاً بهشت جایگاه اوست! (* 41) و از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟! (* 42) تو را با یادآوری این سخن چه کار؟! (* 43) نهایت آن به سوی پروردگار تو است (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست)! (* 44) کار تو فقط بیم دادن کسانی است که از آن می ترسند! (* 45) آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقّفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است! (* 46)

(سوره عبس)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

چهره در هم کشید و روی برتافت... (* 1) از اینکه نایبایی به سراغ او آمده بود! (* 2) تو چه می دانی شاید او پاکی و تقوا پیشه کند، (* 3) یا متذکّر گردد و این تذکّر به حال او مفید باشد! (* 4) اما آن کس که توانگر است، (* 5) تو به او روی می آوری، (* 6) در حالی که اگر او خود را پاک نسازد، چیزی بر تو نیست! (* 7) اما کسی که به سراغ تو می آید و کوشش می کند، (* 8) و از خدا ترسان است، (* 9) تو از او غافل می شوی! (* 10) هرگز چنین نیست که آنها می پندارند؛ این (قرآن) تذکّر و یادآوری است، (* 11) و هر کس بخواهد از آن پند می گیرد! (* 12) در الواح پرارزشی ثبت است، (* 13) الواحی والاقدر و پاکیزه، (* 14) به دست سفیرانی است (* 15) والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار! (* 16) مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است! (* 17) (خداوند) او

را از چه چیز آفریده است؟! (* 18) او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس اندازه گیری کرد و موزون ساخت، (* 19) سپس راه را برای او آسان کرد، (* 20) بعد او را میراند و در قبر پنهان نمود، (* 21) سپس هرگاه بخواهد او را زنده می کند! (* 22) چنین نیست که او می پندارد؛ او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است! (* 23) انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد! (* 24) ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، (* 25) سپس زمین را از هم شکافتیم، (* 26) و در آن دانه های فراوانی رویاندیم، (* 27) و انگور و سبزی بسیار، (* 28) و زیتون و نخل فراوان، (* 29) و باغهای پردرخت، (* 30) و میوه و چراگاه، (* 31) تا وسیله ای برای بهره گیری شما و چهارپایانتان باشد! (* 32) هنگامی که آن صدای مهیب [= صیحه رستاخیز] بیاید، (کافران در اندوه عمیقی فرومی روند)! (* 33) در آن روز که انسان از برادر خود می گریزد، (* 34) و از مادر و پدرش، (* 35) و زن و فرزندان؛ (* 36) در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد! (* 37) چهره هائی در آن روز گشاده و نورانی است، (* 38) خندان و مسرور است؛ (* 39) و صورتهائی در آن روز غبارآلود است، (* 40) و دود تاریکی آنها را پوشانده است، (* 41) آنان همان کافران فاجرند! (* 42)

(سوره تکویر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود، (* 1) و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند، (* 2) و در آن هنگام که کوه ها به حرکت درآیند، (* 3) و در آن هنگام که بارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، (* 4) و در آن هنگام که وحوش جمع شوند، (* 5) و در آن هنگام که دریاها برافروخته شوند، (* 6) و در آن هنگام که هر کس با همسان خود قرین گردد، (* 7) و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: (* 8) به کدامین گناه کشته شدند؟! (* 9) و در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود، (* 10) و در آن هنگام که پرده از روی آسمان برگرفته شود، (* 11) و در آن هنگام که دوزخ شعلهور گردد، (* 12) و در آن هنگام که بهشت نزدیک شود، (* 13) (آری در آن هنگام) هر کس می داند چه چیزی را آماده کرده است! (* 14) سوگند به ستارگانی که بازمی گردند، (* 15) حرکت می کنند و از دیده ها پنهان می شوند، (* 16) و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد، (* 17) و به صبح، هنگامی که تنفس کند، (* 18) که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است [= جبرئیل امین] (* 19) که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والائی دارد! (* 20) در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است! (* 21) و مصاحب شما [= پیامبر] دیوانه نیست! (* 22) او (جبرئیل) را در افق روشن دیده است! (* 23) و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد! (* 24) این (قرآن) گفته شیطان رجیم نیست! (* 25) پس به کجا می روید؟! (* 26) این قرآن چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست، (* 27) برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد! (* 28) و شما اراده نمی کنید مگر اینکه خداوند -

(سوره انفطار)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آن زمان که آسمان [= کرات آسمانی] از هم شکافته شود، (*) 1_ و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند، (*) 2_ و آن زمان که دریاها به هم پیوسته شود، (*) 3_ و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان خارج شوند)، (*) 4_ (در آن زمان) هر کس می داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است. (*) 5_ ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! (*) 6_ همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت، (*) 7_ و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود. (*) 8_ (آری) آن گونه که شما می پندارید نیست؛ بلکه شما روز جزا را منکرید! (*) 9_ و بی شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده... (*) 10_ والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)، (*) 11_ که می دانند شما چه می کنید! (*) 12_ به یقین نیکان در نعمتی فراوانند. (*) 13_ و بدکاران در دوزخند، (*) 14_ روز جزا وارد آن می شوند و می سوزند، (*) 15_ و آنان هرگز از آن غایب و دور نیستند! (*) 16_ تو چه می دانی روز جزا چیست؟! (*) 17_ باز چه می دانی روز جزا چیست؟! (*) 18_ روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست! (*) 19_

(سوره مطففین)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

وای بر کم فروشان! (*) 1_ آنان که وقتی برای خود پیمانہ می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند؛ (*) 2_ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانہ یا وزن کنند، کم می گذارند! (*) 3_ آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند، (*) 4_ در روزی بزرگ؛ (*) 5_ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند. (*) 6_ چنین نیست که آنها (درباره قیامت) می پندارند، به یقین نامه اعمال بدکاران در «سجین» است! (*) 7_ تو چه می دانی «سجین» چیست؟ (*) 8_ نامه ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی! (*) 9_ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (*) 10_ همانها که روز جزا را انکار می کنند. (*) 11_ تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گنهکار است! (*) 12_ (همان کسی که) وقتی آیات ما بر او خوانده می شود می گوید: «این افسانه های پیشینیان است!» (*)

13_ چنین نیست که آنها می پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است! (* 14_ چنین نیست که می پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند! (* 15_ سپس آنها به یقین وارد دوزخ می شوند! (* 16_ بعد به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که آن را انکار می کردید!» (* 17_ چنان نیست که آنها (درباره معاد) می پندارند، بلکه نامه اعمال نیکان در «علیین» است! (* 18_ و توجه می دانی «علیین» چیست! (* 19_ نامه ای است رقم خورده و سرنوشتی است قطعی، (* 20_ که مقربان شاهد آند! (* 21_ مسلماً نیکان در انواع نعمت اند: (* 22_ بر تخت‌های زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می نگرند! (* 23_ در چهره‌هایشان طراوت و نشاط نعمت را می بینی و می شناسی! (* 24_ آنها از شراب (طهور) زلال دست نخورده و سربسته ای سیراب می شوند! (* 25_ مهری که بر آن نهاده شده از مشک است؛ و در این نعمتهای بهشتی راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند! (* 26_ این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است، (* 27_ همان چشمه ای که مقربان از آن می نوشند. (* 28_ بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند، (* 29_ و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می کردند، (* 30_ و چون به سوی خانواده خود بازمی گشتند مسرور و خندان بودند، (* 31_ و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند: «اینها گمراهانند!» (* 32_ در حالی که هرگز مأمور مراقبت و متکفل آنان = مؤمنان نبودند! (* 33_ ولی امروز مؤمنان به کفار می خندند، (* 34_ در حالی که بر تخت‌های آراسته بهشتی نشسته و (به سرنوشت شوم آنها) می نگرند! (* 35_ آیا (با این حال) کافران پاداش اعمال خود را گرفتند؟! (* 36_

(سوره انشقاق)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

در آن هنگام که آسمان [= کرات آسمانی] شکافته شود، (* 1_ و تسلیم فرمان پروردگارش شود - و سزاوار است چنین باشد - (* 2_ و در آن هنگام که زمین گسترده شود، (* 3_ و آنچه در درون دارد بیرون افکنده و خالی شود، (* 4_ و تسلیم فرمان پروردگارش گردد - و شایسته است که چنین باشد - (* 5_ ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد! (* 6_ پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، (* 7_ بزودی حساب آسانی برای او می شود، (* 8_ و خوشحال به اهل و خانواده اش بازمی گردد. (* 9_ و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود، (* 10_ بزودی فریاد می زند وای بر من که هلاک شدم! (* 11_ و در شعله‌های سوزان آتش می سوزد. (* 12_ چرا که او در میان خانواده اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود! (* 13_ او گمان می کرد هرگز بازگشت نمی کند! (* 14_ آری، پروردگارش نسبت به او بی‌نا بود (و اعمالش را برای حساب ثبت کرد)! (* 15_ سوگند به شفق، (* 16_ و سوگند به شب و آنچه را جمع آوری می کند، (* 17_

و سوگند به ماه آنگاه که بدر کامل می شود، (*) 18_ که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید). (*) 19_ پس چرا آنان ایمان نمی آورند؟! (*) 20_ و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود سجده نمی کنند؟! (*) 21_ بلکه کافران پیوسته آیات الهی را انکار می کنند! (*) 22_ و خداوند آنچه را در دل پنهان می دارند بخوبی می داند! (*) 23_ پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده! (*) 24_ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، که برای آنان پاداشی است قطع نشدنی! (*) 25_

(سوره بروج)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است، (*) 1_ و سوگند به آن روز موعود، (*) 2_ و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! [«شاهد»: پیامبر و گواهان اعمال، و «مشهود»: اعمال امت است] (*) 3_ مرگ بر شکنجه گران صاحب گودال (آتش)، (*) 4_ آتشی عظیم و شعله‌ور! (*) 5_ هنگامی که در کنار آن نشستند بودند، (*) 6_ و آنچه را با مؤمنان انجام می دادند (با خونسردی و قساوت) تماشا می کردند! (*) 7_ آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند؛ (*) 8_ همان کسی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست و خداوند بر همه چیز گواه است! (*) 9_ کسانی که مردان و زنان باایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است! (*) 10_ و برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، باغهایی از بهشت است که نهرها زیر درختانش جاری است؛ و این نجات و پیروزی بزرگ است! (*) 11_ گرفتن قهرآمیز و مجازات پروردگارت به یقین بسیار شدید است! (*) 12_ اوست که آفرینش را آغاز می کند و بازمی گرداند، (*) 13_ و او آمرزنده و دوستدار (مؤمنان) است، (*) 14_ صاحب عرش و دارای مجد و عظمت است، (*) 15_ و آنچه را می خواهد انجام می دهد! (*) 16_ آیا داستان لشکرها به تو رسیده است، (*) 17_ لشکریان فرعون و ثمود؟! (*) 18_ ولی کافران پیوسته در تکذیب حقتند، (*) 19_ و خداوند به همه آنها احاطه دارد! (*) 20_ (این آیات، سحر و دروغ نیست، بلکه قرآن باعظمت است... (*) 21_ که در لوح محفوظ جای دارد! (*) 22_

(سوره طارق)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به آسمان و کوبنده شب! (*) 1_ و تو نمی دانی کوبنده شب چیست! (*) 2_ همان ستاره درخشان و شکافته

تاریکیهاست! (*) 3_ (به این آیت بزرگ الهی سوگند) که هر کس مراقب و محافظی دارد! (*) 4_ انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است! (*) 5_ از یک آب جهنده آفریده شده است، (*) 6_ آبی که از میان پشت و سینه ها خارج می شود! (*) 7_ مسلماً او [= خدائی که انسان را از چنین چیز پستی آفرید] می تواند او را بازگرداند! (*) 8_ در آن روز که اسرار نهان (انسان) آشکار میشود، (*) 9_ و برای او هیچ نیرو و یاوری نیست! (*) 10_ سوگند به آسمان پر باران، (*) 11_ و سوگند به زمین پرشکاف (که گیاهان از آن سر برمی آورند)، (*) 12_ که این (قرآن) سخنی است که حق را از باطل جدا می کند، (*) 13_ و هرگز شوخی نیست! (*) 14_ آنها پیوسته حيله می کنند، (*) 15_ و من هم در برابر آنها چاره می کنم! (*) 16_ حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)! (*) 17_

(سوره اعلیٰ)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

منزه شمار نام پروردگار بلندمرتبه ات را! (*) 1_ همان خداوندی که آفرید و منظم کرد، (*) 2_ و همان که اندازه گیری کرد و هدایت نمود، (*) 3_ و آن کس را که چراگاه را به وجود آورد، (*) 4_ سپس آن را خشک و تیره قرار داد! (*) 5_ ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، (*) 6_ مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می داند! (*) 7_ و ما تو را برای انجام هر کار خیر آماده می کنیم! (*) 8_ پس تذکر ده اگر تذکر مفید باشد! (*) 9_ و بزودی کسی که از خدا می ترسد متذکر می شود. (*) 10_ اما بدبخت ترین افراد از آن دوری می گزیند، (*) 11_ همان کسی که در آتش بزرگ وارد می شود، (*) 12_ سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده می شود! (*) 13_ به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. (*) 14_ و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند! (*) 15_ ولی شما زندگی دنیا را مقدم می دارید، (*) 16_ در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! (*) 17_ این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، (*) 18_ در کتب ابراهیم و موسی. (*) 19_

(سوره غاشیه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آیا داستان غاشیه [= روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می پوشاند] به تو رسیده است؟! (*) 1_ چهره هایی در

آن روز خاشع و ذلت بارند، (*2) آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند (و نتیجه ای عایدشان نشده است)، (*3) و در آتش سوزان وارد می گردند؛ (*4) از چشمه ای بسیار داغ به آنان می نوشانند؛ (*5) غذائی جز از ضریع [= خار خشک تلخ و بدبو] ندارند؛ (*6) غذایی که نه آنها را فربه می کند و نه از گرسنگی می رهاند! (*7) چهره هایی در آن روز شاداب و باطراوتند، (*8) و از سعی و تلاش خود خشنودند، (*9) در بهشتی عالی جای دارند، (*10) که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده ای نمی شنوند! (*11) در آن چشمه ای جاری است، (*12) در آن تختهای زیبای بلندی است، (*13) و قدحهایی (که در کنار این چشمه) نهاده، (*14) و بالشها و پشتیهای صف داده شده، (*15) و فرشهای فاخر گسترده! (*16) آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟! (*17) و به آسمان نگاه نمی کنند که چگونه برافراشته شده؟! (*18) و به کوه ها که چگونه در جای خود نصب گردیده! (*19) و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! (*20) پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده ای! (*21) تو سلطه گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی، (*22) مگر کسی که پشت کند و کافر شود، (*23) که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می کند! (*24) به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، (*25) و مسلماً حسابشان (نیز) با ماست! (*26)

(سوره فجر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

به سپیده دم سوگند، (*1) و به شبهای دهگانه، (*2) و به زوج و فرد، (*3) و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می کند سوگند (که پروردگارت در کمین ظالمان است)! (*4) آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمی برای صاحبان خرد نیست؟! (*5) آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (*6) و با آن شهر «ارم» باعظمت، (*7) همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود! (*8) و قوم «ثمود» که صخره های عظیم را از (کنار) درّه می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند)! (*9) و فرعونى که قدرتمند و شکنجه گر بود، (*10) همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند، (*11) و فساد فراوان در آنها به بار آوردند؛ (*12) به همین سبب خداوند تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت! (*13) به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است! (*14) اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می کند و نعمت می بخشد (مغرور می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است!» (*15) و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می گیرد (مأیوس می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است!» (*16) چنان نیست که شما می پندارید؛ شما یتیمان را گرامی نمی دارید، (*17) و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید، (*18) و میراث را (از راه مشروع و نامشروع) جمع کرده می خورید، (*19) و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب

می شوید!) (* 20_ چنان نیست که آنها می پندارند! در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود، (* 21_ و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف در صف حاضر شوند، (* 22_ و در آن روز جهنم را حاضر می کنند؛ (آری) در آن روز انسان متذکر می شود؛ اما این تذکر چه سودی برای او دارد؟! (* 23_ می گوید: «ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم!» (* 24_ در آن روز هیچ کس همانند او [= خدا] عذاب نمی کند، (* 25_ و هیچ کس همچون او کسی را به بند نمی کشد! (* 26_ تو ای روح آرام یافته! (* 27_ به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، (* 28_ پس در سلک بندگانم درآی، (* 29_ و در بهشتم وارد شو! (* 30_

(سوره بلد)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قسم به این شهر مقدّس [= مکه]، (* 1_ شهری که تو در آن ساکنی، (* 2_ و قسم به پدر و فرزندش [= ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح]، (* 3_ که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنجهاست)! (* 4_ آیا او گمان می کند که هیچ کس نمی تواند بر او دست یابد؟! (* 5_ می گوید: «مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود کرده ام!» (* 6_ آیا (انسان) گمان می کند هیچ کس او را ندیده (که عمل خیری انجام نداده) است؟! (* 7_ آیا برای او دو چشم قرار ندادیم، (* 8_ و یک زبان و دو لب؟! (* 9_ و او را به راه خیر و شرّ هدایت کردیم! (* 10_ ولی او از آن گردنه مهمّ نگذشت! (* 11_ و تو نمی دانی آن گردنه چیست! (* 12_ آزادکردن برده ای، (* 13_ یا غذا دادن در روز گرسنگی ... (* 14_ یتیمی از خویشاوندان، (* 15_ یا مستمندی خاک نشین را، (* 16_ سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می کنند! (* 17_ آنها «اصحاب الیمین» اند (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند)! (* 18_ و کسانی که آیات ما را انکار کرده اند افرادی شومند (که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می شود). (* 19_ بر آنها آتشی است فروبسته (که راه فراری از آن نیست)! (* 20_

(سوره شمس)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

به خورشید و گسترش نور آن سوگند، (* 1_ و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید، (* 2_ و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد، (* 3_ و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، (* 4_ و قسم به آسمان و کسی که

آسمان را بنا کرده، (*) 5_ و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، (*) 6_ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، (*) 7_ سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است، (*) 8_ که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ (*) 9_ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! (*) 10_ قوم «ثمود» بر اثر طغیان، (پیامبرشان را) تکذیب کردند، (*) 11_ آنگاه که شقی ترین آنها بپاخواست، (*) 12_ و فرستاده الهی [= صالح] به آنان گفت: «ناقه خدا [= همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید)!» (*) 13_ ولی آنها او را تکذیب و ناقه را پی کردند (و به هلاکت رساندند)؛ از این رو پروردگارشان آنها (و سرزمینشان) را بخاطر گناهانشان در هم کوبید و با خاک یکسان و صاف کرد! (*) 14_ و او هرگز از فرجام این کار [= مجازات ستمگران] بیم ندارد! (*) 15_

(سوره لیل)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قسم به شب در آن هنگام که (جهان را) ببوشاند، (*) 1_ و قسم به روز هنگامی که تجلّی کند، (*) 2_ و قسم به آن کس که جنس مذکر و مؤنث را آفرید، (*) 3_ که سعی و تلاش شما مختلف است: (*) 4_ اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد، (*) 5_ و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، (*) 6_ ما او را در مسیر آسانی قرار می دهیم! (*) 7_ اما کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی نیازی طلبد، (*) 8_ و پاداش نیک (الهی) را انکار کند، (*) 9_ بزودی او را در مسیر دشواری قرار می دهیم؛ (*) 10_ و در آن هنگام که (در جهنم) سقوط می کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت! (*) 11_ به یقین هدایت کردن بر ماست، (*) 12_ و آخرت و دنیا از آن ماست، (*) 13_ و من شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم، (*) 14_ کسی جز بدبخت ترین مردم وارد آن نمی شود؛ (*) 15_ همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود! (*) 16_ و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می شود، (*) 17_ همان کس که مال خود را (در راه خدا) می بخشد تا پاک شود. (*) 18_ و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد، (*) 19_ بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست؛ (*) 20_ و بزودی راضی و خشنود می شود! (*) 21_

(سوره ضحی)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قسم به روز در آن هنگام که آفتاب برآید (و همه جا را فراگیرد)، (*1) و سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد، (*2) که خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است! (*3) و مسلماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است! (*4) و بزودی پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی! (*5) آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! (*6) و تو را گمشده یافت و هدایت کرد، (*7) و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود، (*8) حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن، (*9) و سؤال کننده را از خود مران، (*10) و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن! (*11)

(سوره شرح)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر
 آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم، (*1) و بار سنگین تو را از تو برداشتیم؟! (*2) همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد! (*3) و آوازه تو را بلند ساختیم! (*4) به یقین با (هر) سختی آسانی است! (*5) (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است، (*6) پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز، (*7) و به سوی پروردگارت توجه کن! (*8)

(سوره تین)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر
 قسم به انجیر و زیتون [یا: قسم به سرزمین شام و بیت المقدس]، (*1) و سوگند به «طور سینین»، (*2) و قسم به این شهر امن [= مکه]، (*3) که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم، (*4) سپس او را به پایین ترین مرحله بازگرداندیم، (*5) مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی تمام نشدنی است! (*6) پس چه چیز سبب می شود که بعد از این همه (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟! (*7) آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟! (*8)

(سوره خلق)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، (*) 1_ همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد! (*) 2_
بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، (*) 3_ همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، (*) 4_ و به انسان آنچه
را نمی دانست یاد داد! (*) 5_ چنین نیست (که شما می پندارید) به یقین انسان طغیان می کند، (*) 6_ از اینکه خود را
بی نیاز ببیند! (*) 7_ و به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار تو است! (*) 8_ به من خبر ده آیا کسی که نهی می
کند، (*) 9_ بنده ای را به هنگامی که نماز می خواند (آیا مستحق عذاب الهی نیست)؟! (*) 10_ به من خبر ده اگر این
بنده به راه هدایت باشد، (*) 11_ یا مردم را به تقوا فرمان دهد (آیا نهی کردن او سزاوار است)؟! (*) 12_ به من خبر
ده اگر (این طغیانگر) حق را انکار کند و به آن پشت نماید (آیا مستحق مجازات الهی نیست)؟! (*) 13_ آیا او ندانست
که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟! (*) 14_ چنان نیست که او خیال می کند، اگر دست از کار خود بردارد، ناصیه
اش [= موی پیش سرش] را گرفته (و به سوی عذاب می کشانیم)، (*) 15_ همان ناصیه دروغگوی خطاکار را! (*)
16_ سپس هر که را می خواهد صدا بزند (تا یاریش کند)! (*) 17_ ما هم بزودی مأموران دوزخ را صدا می زنیم (تا
او را به دوزخ افکنند)! (*) 18_ چنان نیست (که آن طغیانگر می پندارد): هرگز او را اطاعت مکن، و سجده نما و (به
خدا) تقرّب جوی! (*) 19_

(سوره قدر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ما آن [= قرآن] را در شب قدر نازل کردیم! (*) 1_ و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! (*) 2_ شب قدر بهتر از هزار
ماه است! (*) 3_ فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند. (*) 4_
شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده! (*) 5_
(سوره بینه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می گفتند): دست از آیین خود بر نمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید، (*) 1_
پیامبری از سوی خدا (بیاید) که صحیفه های پاک را (بر آنها) بخواند، (*) 2_ و در آن نوشته های صحیح و پرارزشی

باشد! (ولی هنگامی که آمد ایمان نیاوردند، مانند اهل کتاب). (* 3_ اهل کتاب (نیز در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن برای آنان آمد! (* 4_ و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بیرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار! (* 5_ کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند؛ آنها بدترین مخلوقاتند! (* 6_ (اما) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا)یند! (* 7_ پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می مانند! (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد! (* 8_

(سوره زلزله)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، (* 1_ و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد! (* 2_ و انسان می گوید: «زمین را چه می شود (که این گونه می لرزد)؟!» (* 3_ در آن روز زمین تمام خیرهایش را بازگو می کند؛ (* 4_ چرا که پروردگارت به او وحی کرده است! (* 5_ در آن روز مردم بصورت گروه های پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود! (* 6_ پس هر کس هموزن ذره ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند! (* 7_ و هر کس هموزن ذره ای کار بد کرده آن را می بیند! (* 8_

(سوره محادیات)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می رفتند، (* 1_ و سوگند به افروزندگان جرقه آتش (در برخورد سمهایشان با سنگهای بیابان)، (* 2_ و سوگند به هجوم آوران سپیده دم (* 3_ که گرد و غبار به هر سو پراکندند، (* 4_ و (ناگهان) در میان دشمن ظاهر شدند، (* 5_ که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛ (* 6_ و او خود (نیز) بر این معنی گواه است! (* 7_ و او علاقه شدید به مال دارد! (* 8_ آیا نمی داند در آن روز که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می شوند، (* 9_ و آنچه در درون سینه هاست

آشکار می گردد، (* 10_ در آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً باخبر است! (* 11_

(سوره قارعه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آن حادثه کوبنده، (* 1_ و چه حادثه کوبنده ای! (* 2_ و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیست؟! (آن حادثه همان روز قیامت است!) (* 3_ روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود، (* 4_ و کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده می گردد! (* 5_ اما کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است، (* 6_ در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود! (* 7_ و اما کسی که ترازوهایش سبک است، (* 8_ پناهگاهش «هاویه» = دوزخ است! (* 9_ و تو چه می دانی «هاویه» چیست؟! (* 10_ آتشی است سوزان! (* 11_

(سوره تکوین)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. (* 1_ تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید!) (* 2_ چنین نیست که می پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست! (* 3_ باز چنان نیست که شما می پندارید؛ بزودی خواهید دانست! (* 4_ چنان نیست که شما خیال می کنید؛ اگر شما علم یقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی کرد!) (* 5_ قطعاً شما جهنم را خواهید دید! (* 6_ سپس (با ورود در آن) آن را به عین یقین خواهید دید. (* 7_ سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد! (* 8_

(سوره عصر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر
به عصر سوگند، (*) 1_ که انسانها همه در زیانند؛ (*) 2_ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند! (*) 3_

(سوره همزه)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر
وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای! (*) 1_ همان کس که مال فراوانی جمع آوری و شماره کرده (بی آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند)! (*) 2_ او گمان می کند که اموالش او را جاودانه می سازد! (*) 3_ چنین نیست که می پندارد؛ بزودی در «حُطْمَه» [= آتشی خردکننده] پرتاب می شود! (*) 4_ و تو چه می دانی «حُطْمَه» چیست؟! (*) 5_ آتش برافروخته الهی است، (*) 6_ آتشی که از دلها سر می زند! (*) 7_ این آتش بر آنها فرو بسته شده، (*) 8_ در ستونهای کشیده و طولانی! (*) 9_

(سوره فیل)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر
آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟! (*) 1_ آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟! (*) 2_ و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، (*) 3_ که با سنگهای کوچکی آنان را هدف قرار می دادند؛ (*) 4_ سرانجام آنها را همچون کاه خورده شده (و متلاشی) قرار داد! (*) 5_

(سوره قريش)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

(کیفر لشکر فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدس) الفت گیرند (و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود)! (*) 1_ الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه (و بخاطر این الفت به آن بازگردند)! (*) 2_ پس (بشکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند، (*) 3_ همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. (*) 4_

(سوره ماعون)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی؟ (*) 1_ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، (*) 2_ و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند! (*) 3_ پس وای بر نمازگزارانی که... در نماز خود سهل انگاری می کنند، (*) 4_ همان کسانی که ربا می کنند، (*) 5_ و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می نمایند! (*) 6_

(سوره کوثر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

ما به تو کوثر [= خیر و برکت فراوان] عطا کردیم! (*) 1_ پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن! (*) 2_ (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است! (*) 3_

(سوره کافرون)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بگو: ای کافران! (*) 1_ آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم! (*) 2_ و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، (*) 3_ و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم، (*) 4_ و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛ (*) 5_ (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (*) 6_

(سوره نصر)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرارسد، (*) 1_ و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند، (*) 2_ پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است! (*) 3_

(سوره مسد)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بریده باد هر دو دست ابولهب (و مرگ بر او باد)! (*) 1_ هرگز مال و ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید! (*) 2_ و بزودی وارد آتشی شعله‌ور و پرلپیب می شود؛ (*) 3_ و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش (دوزخ) است، (*) 4_ و در گردنش طنابی است از لیف خرما! (*) 5_

(سوره اخلص)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بگو: خداوند، یکتا و یگانه است؛ (*) 1_ خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند؛ (*) 2_ (هرگز) نژاد، و

زاده نشد، (*3_ و برای او هیجگاه شبیه و ماندنی نبوده است! (*4_

(سوره فلق)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح، (*1_ از شرّ تمام آنچه آفریده است؛ (*2_ و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود؛ (*3_ و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمند (و هر تصمیمی را سست می کنند)؛ (*4_ و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد! (*5_

(سوره ناس)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم، (*1_ به مالک و حاکم مردم، (*2_ به (خدا و) معبود مردم، (*3_ از شرّ وسوسه گر پنهانکار، (*4_ که در درون سینه انسانها وسوسه می کند، (*5_ خواه از جنّ باشد یا از انسان! (*6_